قرائت تنزیلیه

تألیف

للمتعلّم من ائمّة التّعلیم علیهم السّلام

محمدرضا تهرانی

باسم اللّٰه الرّحمان الرّحیم

الحمدللّه ربّ العالمین

و صلّی اللّٰه علی محمّد و آله

بار خدایا ممنون و سپاسگزارتیم که بر ما منّت نهادی و عنایت نموده تا توانستیم تألیفی دیگر از تألیفات متعلّم ائمّه معصومین علیهم السلام فقیه عظیم‌الشأن، محمّد رضا تهرانی معروف به افضل‌عصر رحمه الله که تماماً از روی احادیث و روایات ائمّه علیهم السلام میباشد بیاری و کمک حضرت ولیّ‌عصر علیه السلام به نحو احسن به چاپ برسانیم.

که اگر یاری و کمک از تو نبود قادر بر چنین امر مشکل نبوده و نیستیم، لذا هر صبح و شام میگوییم: شکراً لک یا ربّ العالمین.

همانطور که مستحضر هستید این کتاب در تنزیلات قرآن و امور متعلّقه به آنست که در هر بابی یک حدیث ذکر شده که بیشتر از سیصد موضع، و نُهصد و اندی خبر شده است که بدست توانا و پر برکت این فقیه آل محمّد علیهم السلام به رشته تحریر در آمده است.

لذا از آنجائیکه فرموده‌اند: من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق، خیلی دوست داشتیم که نامی برده شده و تشکّر و قدردانی شود از عزیزان و بزرگانی که ما را در تایپ و تصحیح و چاپ این کتاب یاری نموده، ولی از آنجا که خواهش قلبی دوستان این بود که زحمات آنها مخفی بماند از نام بردن یکایک عزیزان

صرف‌نظر نموده، و سعادت عُقبی و دنیای عزیزانم را از خداوند منّان خواهانیم.
بار خدایا تو را بحقّ عزیزترین کسانت محمّد و آل محمّد علیهم السلام قسم میدهیم کسانیکه در هر کجای عالَم در هر لباس و مکتبی که میباشند و خدمت به دین تو و احیای سنن رسول تو، و خدمت به ائمّه معصومین علیهم السلام و فرمایشات آنها میکنند آنها را از تمامی فتن محفوظ و مصون، مؤیّد و موفّق و منصورشان بدار.
در ضمن نکته‌ای که لازم به تذکّر و یادآوری است: مصادر آیات و روایات، پاورقی‌ها، کلمات معدودی که در داخل ( ) قرار دارد از طرف مرحوم مؤلّف نمی‌باشد بلکه از طرف حقیر ناشر می‌باشد، لذا از شما دوستان و برادران عزیز خواهشمندیم در صورت لغزش و خطاهایی که وارد گشته است ما را بر آن آگاه نموده، و با قلم زیبای عفو خود، ما را بر لغزش‌هایمان آگاه فرمایید.
باز هم نکته‌ای که اهمّ است اینکه این مرحوم کتب خطّی و غیر خطّی‌های دیگری تألیف نموده‌اند که از دسترس ما به دور است، لذا از آن عزیزانی که از کتب خطّی دیگر مرحوم افضل عصر رحمه الله آگاه هستند خواهشمندیم ما را بر آن آگاه نموده تا به چاپ رسد و چراغ روشنی باشد برای تاریکی قبر، و صدقه جاریه‌ای برای فردای قیامت شما و ما باشد.

والسّلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته.

قم‌المشرّفة. مؤسّسه کامپیوتری مرحوم افضل عصر، ۱۳۸۵ شمسی

بِاسْمِ اَللّٰهِ اَلرَّحْمٰنِ اَلرَّحِيمِ.

قراآت تنزیلیه.

تبصرةٌ

بر احدی سُترة نباشد که تحریف قرآن مُنزَل از نزد پروردگار که الآن نزد صاحب‌الزّمان صلوات اللّٰه علیه است و بعد از قیام بیرون خواهد آورد انشاءاللّٰه تعالی غیر جائز است عقلاً و نقلاً، و کذا تغییر قرائة او.

و امّا تحریف آنچه معلوم است از ما بین دفّتین نبودن او از قرآن مُنزَل عقلاً و نقلاً جائز است عقلاً نه نقلاً، و تغییر قرائة او جائز است عَقلاً و نَقلاً، کمااینکه در این کتاب بنحو فذلکة ایماء شده است، پس نباید غفلة شود که باعث تَعَبْ و عَطَبْ است.

کتاب افضل در قراآت تنزیلیة مأثورة مأمونة:

بِاسْمِ اَللّٰهِ اَلرَّحْمٰنِ اَلرَّحِيمِ.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ، وَ الصَّلٰوةُ عَلٰى خِيرَةِ الْمَخْلُوقِينَ وَ عَلىٰ اٰلِهِ فِي الْعِلْمِ كٰانُوا رٰاسِخِينَ، وَ عَنِ اللّٰهِ وَ رَسُولِهِ قٰالُوا صٰادِقِينَ، وَ اللَّعْنَةُ عَلىٰ اَضْدٰادِهِمُ الْجٰاهِلِينَ وَ اَعْدٰائِهِمُ الْكٰاذِبِينَ، اٰمِينَ رَبَّ السَّمٰوٰاتِ وَ الْاَرَضِينَ اِلىٰ يَوْمٍ تَجْمَعُ فِيهِ الاَوَّلِينَ وَ الْاٰخِرِينَ.

و بعد باید دانست که قرآن آنچه معلوم است تنزیل او ببرکة آثار و اخبار اهل عصمة علیهم صلوات اللّٰه قرائة او باید بنحو تنزیل باشد، کما اینکه مولانا الباقر علیه السلام فرموده‌اند(۱):

فَإِنَّمَا عَلَى النَّاسِ أَنْ يَقْرَؤُا الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ.

یعنی: نیست غیر از این بر مردم است اینکه قرائة کنند قرآنرا مثل آنچه نازل شده است.

لیکن اگر تقیّة و علّة خوف باشد از قرائة نمودن مثل آنچه نازل شده است قرائة میشود مثل قرائة عامّة و آنچه در مصحف است که مولانا الصّادق علیه السلام فرموده‌اند(۲):

اِقْرَءْ كَمَا يَقْرَءُ النَّاسُ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ، فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ قَرَءَ كِتَابَ اللّٰهِ عَلَىٰ حَدِّهِ وَ أَخْرَجَ الْمُصْحَفَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلِيٌّ علیه السلام.

یعنی: قرائة کن مثل آنچه قرائة میکنند مردم تا اینکه قائم شود قائم علیه السلام، پس زمانیکه قائم شود قائم علیه السلام قرائة میکند کتاب خدا را بر حدِّ خود، و بیرون آورد مصحف آنچنانیرا که نوشته او را علی علیه السلام.

۱- وسائل الشیعه؛ ج:۱۸ ص:۱۴۹	۲- وسائل الشیعه؛ ج:۴ ص:۸۲۱

زیرا که آنحضرت فرموده‌اند نیز[۱]:

مٰا سَمِعْتَهُ مِنّي يشْبَهُ قَوْلَ اَلنّٰاسِ فيهِ التَّقيةُ.

یعنی: آنچه شنیدی از من شباهة دارد قول ناس را، پس در او است تقیّة.

و همین قرائة قرآن مثل آنچه نازل شده است فضل شخص است در نزد خدای تعالی، کمااینکه مولانا الجواد علیه السلام فرموده‌اند[۲]:

ما اَسْتَوىٰ رَجُلاٰنِ في حَسَبٍ وَ دينٍ قَطُّ اِلاّٰ كٰانَ اَفْضَلُهُمٰا عِنْدَ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ آدَبَهُمٰا، قٰالَ: قُلْتُ: قَدْ عَلِمْتُ فَضْلَهُ عِنْدَ النّٰاسِ في النّٰادي وَ اَلْمَجْلِسِ فَمٰا فَضْلُهُ عِنْدَ اللّٰهِ؟ قٰالَ: بِقِرٰائَةِ الْقُرْآنِ كَمٰا اُنْزِلَ.

یعنی: فرمودند: مستوی نیست دو مرد در حَسَبْ و دین هیچوقت مگر بوده است افضل آندو نزد خدای عزّوجلّ اَدَب دارتر آندو، گفت: گفتم: بتحقیق دانستم فضل آنرا نزد مردم در مَحفل و مَجلس، پس چیست فضل آن نزد خدا؟ فرمودند: بقرائة نمودن قرآن را مثل آنچه نازل شده است.

پس باید شیعیان و موالین ائمّه هدی علیهم السلام کمااینکه اقتفاء و اتّباع خواهند نمود تمام قرآنیرا که قائم آل محمّد عجل الله تعالی فرجه الشریف بیرون خواهند

۱- وسائل الشیعه؛ ج:۱۸ ص:۸۸

۲- وسائل الشیعه؛ ج:۴ ص:۸۶۶

آورد باینکه قرائة میشود او که قرآن مُنزَل است نه مثل آنـچه در مصحف است، همچنین اقتفاء و اتّباع میشود آنچه مُتیَسّر است از او تا اینکه ساقط نشود آنچه مَیْسُور است بآنچه مَعْسُور است، و آنچه تمام او درک نمیشود، تمام او ترک نشود.

و از جهة سهل و آسان شدن بـر مـتعلّمین از عـلماء ائـمّة تـعلیم صلوات اللّٰه علیهم از خاصّ و عامّ اهل مُوالاة و مُتابعة تعلّم مواضع قرائات تنزیلیة مأثورة مأمونة در هر موضع اقتصار و اکتفاء میشود بیک خبر از اخبار واردة از ایشان، و بقیّة انظار راجعة باین مقام و مرام بعد از اتمام کلام، بعون الملک العلاّم الاختِتام و الاعتِصام خواهد آمد انشاءاللّٰه تعالی.

پس گفته میشود بعون اللّٰه المستعان:

۱۴ـ سوره فاتحة: چهارده خبر در چند موضع:

اوّل: موضع یک: آیه سوّم:

«مَلِکِ یَوْمِ الدّینِ».

کمااینکه در خبر داود بن فرقد است[۱]:

قالَ: سَمِعْتُ اَبا عَبْدِاللّٰهِ: یَقْرَءُ ما لاٰ اُحصی «مَلِکِ یَوْمِ الدّینِ».

۱- بحارالانوار؛ ج:۸۵ ص:۲۲

یعنی: گفت: شنیدم امام صادقؑ را قرائة نمودند آنچه احصاء نمیکنم: «مَلِکِ یَوْمِ الدِّینِ».

و باید دانست که قرائة «مَالِکِ یَوْمِ الدِّینِ» از آنحضرت نیز در خبر حلبی[۱]:

اِنَّهُؑ: کٰانَ یَقْرَءُ «مٰالِکِ یَوْمِ الدِّینِ».

نفی نمیکند بودن «مَلِکِ یَوْمِ الدِّینِ» را قرائة تنزیلیة نیز، زیرا که اِز برای رسول خداﷺ و ائمّة هدیؑ که قرائت نمیکنند مگر آنچه رسول خداﷺ قرائت فرموده و مأمورٌ باو بوده توسعة داده شده قرائة قرآن بهفت وجه نه تضییق شده است بیک وجه تا اینکه منافاة باشد بین دو خبر مذکور و اشباه آندو از آنچه خواهد آمد انشاء اللّٰهُ تعالی، کمااینکه رسول خداﷺ فرمودهاند در خبر عبداللّٰه الهاشمی از پدر خود[۲]:

اَتٰانِي اٰتٍ مِنَ اللّٰهِ فَقٰالَ: اِنَّ اللّٰهَ یَأْمُرُکَ اَنْ تَقْرَأَ اَلْقُرْاٰنَ عَلیٰ حَرْفٍ واحد، فَقُلْتُ: یا رَبِّ وَسِّعْ عَلَیَّ؟ فَقٰالَ: اِنَّ اللّٰهَ یَأْمُرُکَ اَنْ تَقْرَءَ اَلْقُرْاٰنَ عَلیٰ سَبْعَةِ اَحْرُفٍ.

یعنی: آمد من را آیندهای از خدا پس گفت: بدرستیکه خدا امر

۱- بحارالانوار؛ ج:۸۵ ص:۲۲ ۲- وسائل الشیعه؛ ج:۴ ص:۸۲۲

فرموده اینکه قرائة نمائی قرآن را بر یک وجه، پس گفتم: ای پروردگار من توسعة ده بر من؟ پس گفت: بدرستیکه خدا امر میکند تو را اینکه قرائة کنی قرآن را بر هفت وجه.

پس هر یک از قرائة «مَلِکِ» و «مَالِکِ» در دو خبر مذکور بر وجه تنزیل است، و از این بیان واضح و معلوم شد وجوه تنزیلیة در اخبار مواضع آتیة که منافاة بین بودن جمیع آنها تنزیل قرآن نیست، بلی! باید اقتصار و اکتِفاء شود در این وجوه سبعة توسیعیّة در هر موضع از مواضع بآنچه از معصومین صلوات اللّٰه علیهم اجمعین وارد شده است، کما اینکه ذکر خواهد شد انشاء اللّٰه تعالی نیز، پس باید این نکتة در ذکر باشد در مواضع مستقبلة که باعث تَحَیُّر و تَخْییر در اخبار ائمّة هدی علیهم السلام نشود.

دوّم: موضع دو: آیه پنجم: «السِّرَاطَ الْمُسْتَقِیمَ» بسین، کما اینکه در خبر حلبی است از مولانا الصّادق علیه السلام در خبر محمّدبن حلبی [1]:

قَالَ: سَمِعْتُهُ مَا لاَ اُحْصِی، وَ اَنَا اُصَلِّی خَلْفَهُ یَقْرَءُ «اِهْدِنَا السِّرَاطَ الْمُسْتَقِیمَ».

یعنی: گفت: شنیدم آنرا احصا نمیکنم و حال آنکه من پشت آن نماز میکردم قرائة میفرمودند: «اِهْدِنَا السِّرَاطَ الْمُسْتَقِیمَ».

۱- بحارالانوار؛ ج:۹۲ ص: ۲۴۰

و نیز از آنحضرت است در خبر داود بن فرقد:

قالَ: «اِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ» بصاد که هر یک از السِراط بسین و الصِّراط بصاد از وجوه تنزیلیة توسیعیّة است، و همچنین است بیان در سِراطَ، و صِراط بعد.

سیّم: موضع سه: آیه ششم: «صِراطَ مَنْ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» تنزیل است نه «صِراطَ اَلَّذِينَ»(۱).

چهارم: موضع چهارم: آیه هفتم: «وَ غَيْرِ الضّالّينَ» تنزیل است نه «وَ لا الضّالّينَ» کما اینکه مولانا الصّادق عليه السلام امر باوّل و ردّ دوّم فرمودند در خبر سعدبن عبدالله(۲):

قالَ: وَ قَرَءَ رَجُلٌ عَلىٰ اَبِي عَبْدِاللّهِ عليه السلام سُورَةَ اَلْحَمْدِ عَلىٰ ما فی الْمُصحفِ فَرَدَّ عَلَيْهِ، فَقالَ: اِقْرَءْ: «صِراطَ مَنْ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ اَلْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ غَيْرِ الضّالّينَ».

یعنی: گفته: و قرائة نمود مردی بر امام صادق عليه السلام سوره حمد را بر آنچه در مُصحف است، پس ردّ فرمودند بر آن، پس فرمودند بگو: «صِراطَ مَنْ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ اَلْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ غَيْرِ اَلْضالّينَ».

۸۴- سوره بقرة هفتاد خبر در چند موضع نیز:

۱- بحارالانوار؛ج:۲۴ ص:۲۰

۲- بحارالانوار؛ج:۹۲ ص:۶۲

اوّل: موضع پنجم: آیه بیست و سه: «وَ اِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلىٰ عَبْدِنا فِي عَلِيٍ» تنزيل است نه بدون «فِي عَلِيٍ» كمااينكه در خبر جابر است از مولانا الباقر عليه السلام[۱]:

قالَ: نَزَلَ جَبْرائِيلُ بِهٰذِهِ الْآيَةِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله هٰكَذا «وَ اِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلىٰ عَبْدِنا فِي عَلِيٍ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ».

يعنى: فرمودند: نازل شد جبرئيل بر محمّد صلى الله عليه و آله همچنين «وَ اِنْ كُنْتُمْ» (تا آخر).

دوّم: موضع ششم: آيه پنجاه و نه: «فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ قَوْلاً غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ» تنزيل است نه بدون «آل مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ» و كذا در ظَلَمُوا در بعد، كمااينكه مولانا الباقر عليه السلام در خبر محمّدبن الفضل فرموده‌اند[۲]:

قالَ: نَزَلَ جِبْرِئيلُ بِهٰذِهِ الآيَةِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله هٰكَذا «فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُم قَوْلاً غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَاَنْزَلْنا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُم رِجْزاً مِنَ السَّماءِ بِما كانُوا يَفْسُقُونَ».

يعنى: فرمودند: نازل شد جبرئيل با اين آيه بر محمّد صلى الله عليه و آله همچنين «فَبَدَّلَ الَّذِينَ» (تا آخر).

۱- بحارالانوار؛ج:۳۵ ص:۵۷ ۲- بحارالانوار؛ج:۲۴ ص:۲۲۴

و نیز مولانا الباقر علیه السلام فرموده‌اند: نازل شد جبرئیل باین آیه این چنین[۱]:

«وَ قالَ الظّالِمُونَ آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ غَيْرَ الَّذي قيلَ لَهُمْ فَاَنْزَلْنا عَلَى الَّذينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ رِجْزاً مِنَ السَّماءِ بِما كانُوا يَفْسُقُونَ».

که هر یک از وجوه توسیعیّة تنزیلیة است که منافاة بین آنها نیست، کمااینکه اشاره شد.

سیّم: موضع هفتم: آیه هشتاد و پنج: «فَما جَزاءُ مَنْ يَفْعَل ذٰلِكَ مِنْكُمْ وَ مِنْ غَيْرِكُمْ اِلاّ خِزىٌ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيا» تنزیل است نه بدون «وَ مِنْ غَيْرِكُمْ» کمااینکه در خبر اسحٰق بن اسمعیل است از مولانا الصّادق علیه السلام[۲]:

قالَ: «فَما جَزاءُ مَنْ يَفْعَل ذٰلِكَ مِنْكُمْ وَ مِنْ غَيْرِكُمْ اِلاّ خِزىٌ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيا».

یعنی: فرمودند: «فَما جَزاءُ» (تا آخر).

چهارم: موضع هشتم: آیه نود: «بِئْسَ مَا اشْتَرَوا بِهِ اَنْفُسَهُمْ اَنْ يَكْفُرُوا بِما اَنْزَلَ اللّٰهُ فِي عَلِيٍّ بَغْياً» تنزیل است نه بدون «فِي عَلِيٍّ» کمااینکه در خبر جابر است از مولانا الباقر علیه السلام[۳]:

۱- فصل الخطاب، ص:۲۵۴ - بحارالانوار، ج:۸۹ ص:۶۴

۲- فصل الخطاب، ص:۲۶۳ - بحارالانوار، ج: ۵۰ ص:۳۱۹

۳- بحارالانوار؛ ج:۳۵ ص:۵۸

قٰالَ: نَزَلَ جِبْرَئیلُ بِهٰذِهِ الآیَةِ عَلیٰ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله هٰکَذٰا «بِئْسَ مٰا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ یَکْفُرُوا بِمٰا أَنْزَلَ اللّٰهُ فِي عَلِيٍ بَغْیاً».

یعنی: فرمودند: نازل شد جبرئیل باین آیه بر محمّد صلی الله علیه و آله این چنین «بِئْسَ مٰا اشْتَرَوْا» (تا آخر).

پنجم: موضع نهم: آیه نود و یک: «وَ إِذٰا قِیلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمٰا أَنْزَلَ اللّٰهُ فِي عَلِيٍ قٰالُوا نُؤْمِنُ بِمٰا أُنْزِلَ عَلَیْنٰا وَ یَکْفُرُونَ بِمٰا وَرٰائَهُ بِمٰا أَنْزَلَ اللّٰهُ فِي عَلِيٍ» تنزیل است نه بدون «فِي عَلِيٍ» کماانیکه نیز در خبر جابر جعفی است از مولاناالباقر علیه السلام[۱]:

قٰالَ: یٰا جٰابِرُ نَزَلَتْ هٰذِهِ الآیَة عَلیٰ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله هٰکَذٰا وَ اللّٰهِ: «وَ إِذٰا قِیلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمٰا أَنْزَلَ اللّٰهُ فِي عَلِيٍ قٰالُوا نُؤْمِنُ بِمٰا أُنْزِلَ عَلَیْنٰا وَ یَکْفُرُونَ بِمٰا وَرٰائَهُ بِمٰا أَنْزَلَ اللّٰهُ فِي عَلِيٍ».

یعنی: گفت جابر: فرمودند امام باقر علیه السلام: نازل شد این آیه بر محمّد صلی الله علیه و آله این چنین قسم بخدا «وَ إِذٰا قِیلَ لَهُمْ» (تا آخر).

ششم: موضع دهم: آیه صد و دو: «وَ اتَّبَعُوا مٰا تَتْلُوا الشَّیٰاطِینِ بِوِلاٰیَةِ الشَّیٰاطِینِ عَلیٰ مُلْکِ سُلَیْمٰانَ» تنزیل است نه بدون «بِوِلاٰیَةِ الشَّیٰاطِینِ» کماانیکه مولانا الصّادق علیه السلام فرموده‌اند در خبر ابي بصیر[۲]:

۱- فصل الخطاب، ص:۲۵۵

۲- فصل الخطاب، ص:۲۵۶

فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ «وَ اتَّبَعُوا ما تَتْلُوا الشَّياطِينَ بِوَلايَةِ الشَّياطِينِ عَلىٰ مُلْكِ سُلَيْمانَ».

هفتم: موضع یازدهم: آیه صد و شش: «مٰا نَنْسَخْ مِنْ ايَةٍ اَوْ نُنْسِهٰا نَاْتِ بِخَيْرٍ مِنْهٰا مِثْلِهٰا» تنزيل است نه «اَوْ مِثْلِهٰا» کمااینکه در خبر عمربن یزید است(۱):

قٰالَ: قَرَأْتُ عِنْدَ اَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام «مٰا نَنْسَخْ مِنْ ايَةٍ اَوْ نُنْسِهٰا نَاْتِ بِخَيْرٍ مِنْهٰا اَوْ مِثْلِهٰا»؟ فَقٰالَ: اِذٰا كٰانَ يَنْسِخُهٰا وَ يَأْتِ مِثْلِهٰا فَلم يَنْسخهٰا؟ قُلْتُ: هٰكَذٰا قٰالَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ، قٰالَ: لاٰ قُلْتُ: كَيْفَ؟ قٰالَ: لَيْسَ فِيهٰا اَلِفٌ وَ لاٰ وٰاوٌ.

یعنی: گفت: قرائة نمودم نزد امام صادق عليه السلام «مٰا نَنْسَخْ» (تا آخر مذکور) پس فرمودند: زمانیکه نسخ نماید او را و بیاورد مثل او پس نسخ ننموده او را، گفتم: همچنین فرموده است خدای عزّوجلّ؟ فرمودند: نه گفتم: چگونه؟ فرمودند: نیست در او الف و نه واو.

هشتم: موضع دوازدهم: آیه یکصد و چهل و سه: «وَ كَذٰلِكَ جَعَلْنٰاكُمْ اَئِمَّةً وَسَطاً لِتَكُونُوا شُهَدٰاءَ عَلىٰ النّٰاسِ» تنزیل است نه «اُمَّةً» کمااینکه از مولاناالامیر عليه السلام است در خبر نعمانی در قول خدای تعالی(۲):

«وَ كَذٰلِكَ جَعَلْنٰاكُمْ اَئِمَّةً وَسَطاً لَتَكُونُوا شُهَدٰاء عَلَى النّٰاسِ».

۱- بحارالانوار؛ج:۴ ص:۱۱۶ ۲- بحارالانوار؛ج:۹۳ ص:۲۷

نهم: موضع سیزدهم: آیه یکصد و پنجاه و نه: «اِنَّ اَلَّذینَ یَکْتُمُونَ مٰا اَنْزَلْنٰا مِنَ اَلبَیِّنٰاتِ وَ اَلْهُدیٰ فی عَلِیٍ» تنزیل است نه بدون «فی عَلِیٍ» کمااینکه در خبر ابن ابی عمیر است از مولانا الصّادق علیه السلام(۱):

فی قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ: «اِنَّ اَلَّذینَ یَکْتُمُونَ مٰا اَنْزَلْنٰا مِنَ الْبَیِّنٰاتِ وَ الْهُدیٰ فی عَلِیٍ».

دهم: موضع چهاردهم: آیه دویست و پنج: «وَ اِذٰا تَوَلّیٰ سَعیٰ فِی الْاَرْضِ لِیُفْسِدَ فیهٰا وَ یُهْلِکَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ بِظُلْمِهِ وَ سُوءِ سَریرَتِهِ وَ اللّٰهُ لایُحِبُّ الْفَسٰادَ» تنزیل است نه بدون «بِظُلْمِهِ وَ سُوءِ سَریرَتِهِ» کمااینکه از مولانا الامیر علیه السلام است در خبر اسحٰق(۲):

«وَ اِذٰا تَوَلّیٰ سَعیٰ فِی الْاَرْضِ لِیُفْسِدَ فیهٰا وَ یُهْلِکَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ بِظُلْمِهِ وَ سُوءِ سَریرَتِهِ وَ اللّٰهُ لایُحِبُّ الْفَسٰادَ».

یازدهم: موضع پانزدهم: آیه دویست و یازده: «سَلْ بَنی اِسْرٰائیلَ کَمْ آتَیْنٰاهُمْ مِنْ آیَةٍ بَیِّنَةٍ فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ جَحَدَ وَ مِنْهُمْ مَنْ اَقَرَّ وَ مِنْهُمْ مَنْ بَدَّلَ» تنزیل است نه بدون «فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ» (تا آخر) کمااینکه مولاناالصّادق علیه السلام در خبر ابی بصیر قرائة فرموده‌اند(۳):

۱- بحارالانوار؛ ج:۲ ص:۷۶	۲- بحارالانوار؛ ج:۹ ص:۱۸۹

۳- بحارالانوار؛ ج:۹۲ ص:۵۸

یَقْرَءُ علیه السلام: «سَلْ بَنِي إِسْرائِيلَ كَمْ آتَيْناهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ جَحَدَ وَ مِنْهُمْ مَنْ اَقَرَّ وَ مِنْهُمْ مَنْ بَدَّلَ وَ مَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللّٰهِ مِنْ بَعْدِ ما جائَتْهُ فَاِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقابِ».

دوازدهم: موضع شانزدهم: آیه دویست و چهارده: وَ زُلْزِلُوا ثُمَّ زُلْزِلُوا حَتّىٰ يَقُولَ الرَّسُولُ» تنزیل است نه بدون «ثُمَّ زُلْزِلُوا» کمااینکه در خبر ابی بکربن محمّد است[۱]:

قالَ: سَمِعْتُ اَباعَبْدَاللّٰهِ علیه السلام يَقْرَءُ: «وَ زُلْزِلُوا ثُمَّ زُلْزِلُوا حَتّىٰ يَقُولَ الرَّسُولُ».

سیزدهم: موضع هفده: آیه دویست و سی و هشت: «حافِظُوا عَلَى الصَّلَواتِ وَ الصَّلٰوةِ الْوُسْطىٰ وَ صَلٰوةِ الْعَصْرِ» تنزیل است نه بدون «وَ صَلٰوةِ الْعَصْرِ» کمااینکه در خبر محمّدبن مسلم است از مولاناالباقر علیه السلام[۲]:

قالَ: قُلْتُ لَهُ: «الصَّلٰوة الْوُسْطىٰ»؟ فَقالَ علیه السلام: «حافِظُوا عَلَى الصَّلَواتِ وَ الصَّلٰوةِ الْوُسْطىٰ وَ صَلٰوةِ الْعَصْرِ وَ قُومُوا لِلّٰهِ قانِتِينَ» قالَ: وَ كَذٰلِكَ يَقْرَئُها رَسُولُ اللّٰهِ صلی الله علیه و آله.

یعنی: گفت: گفتم از برای آنحضرت: «صَلٰوةِ وُسْطىٰ» پس فرمودند: محافظة کنید بر صلوات و صلوة وسطیٰ و صلوة عصر و قائم

۱- بحارالانوار: ج: ۶۷ ص: ۱۹۸
۲- بحارالانوار: ج: ۸۲ ص: ۲۸۸

شوید از برای خدا در حالیکه قنوت کننده هستید، و فرمودند: و همچنین قرائة فرمودند رسول خدا صلی الله علیه و آله.

چهاردهم: موضع هجدهم: آیه دویست و چهل: «وَ الَّذِینَ یَتَوَفَّوْنَ مِنْکُمْ وَ یَذَرُونَ اَزْواجاً وَصِیَّةً لِاَزْواجِهِمْ اِلَی الْحَوْلِ غَیْرَ اِخْراجٍ مُخْرَجاتٍ» تنزیل است نه بدون «مُخْرَجاتٍ» کمااینکه در خبر عمربن حنظلة است از مولاناالباقر علیه السلام(۱):

«وَ الَّذِینَ یَتَوَفَّوْنَ مِنْکُمْ وَ یَذَرُونَ اَزْواجاً وَصِیَّةً لِاَزْواجِهِمْ اِلَی الْحَوْلِ غَیْرَ اِخْراجٍ مُخْرَجاتٍ».

پانزدهم: موضع نوزدهم: آیه دویست و پنجاه و پنج: «لَهُ ما فِی السَّمٰواتِ وَ ما فِی الْاَرْضِ وَ ما بَیْنَهُما وَ ما تَحْتَ الثَّرىٰ عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ مَنْ ذا الَّذِی» تا «هُمْ فِیها خالِدُونَ وَ الْحَمْدُلِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِینَ» تنزیل است نه بدون «وَ ما بَیْنَهُما» تا «هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ» در وسط و «وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِینَ» در آخر، کمااینکه در خبر حسن بن خالد است در بیان آیةالکرسی(۲):

اَنَّهُ قَرَءَ اَبُوالْحَسَنِ الرِّضا علیه السلام: «اَللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّ هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ لَهُ ما فِی السَّمٰواتِ وَ ما فِی الْاَرْضِ وَ ما بَیْنَهُما وَ ما تَحْتَ الثَّرىٰ عالِمُ

۱- فصل الخطاب، ص: ۲۶۰

۲- بحارالانوار، ج: ۹۲ ص: ۲۶۳

الْغَيبِ وَ الشَّهادَةِ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِيمُ مَنْ ذاالَّذي يَشْفَعُ عِنْدَهُ» اِلىٰ قَوْلِهِ تعالى «هُمْ فيها خالِدُونَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ».

يعنى: بدرستيكه قرائة فرمودند امام رضاعليه‌السلام: «اللّهُ» (تا آخر خبر مذكور)، و از آنحضرت است نيز در خبر ابن سنان التيمى (۱):

«لَهُ ما فى السَّمٰوٰاتِ وَ ما فى الْاَرْضِ وَ ما تَحْتَ الثَّرىٰ عالِمُ الغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ» و از مولانا الصّادق عليه‌السلام است در خبر احمدبن على قمّى (۲):

قالَ عليه‌السلام: كانَ عَلِي بْنُ الْحُسَيْنِ عليه‌السلام يَحْلِفُ مُجْتَهِداً اَنَّ مَنْ قَرَئَها اَىْ آيَةَ الْكُرْسِي قَبْلَ زَوالِ الشَّمْسِ سَبْعِينَ مَرَّةً فَوافَقَ تَكْمِلَةُ السَّبْعِينَ زَوالَها غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ ما تَاَخَّرَ فَاِنْ ماتَ فِي عامِهِ ماتَ مَغْفُوراً غَيْرَ مُحاسبٍ. اللّٰهُ لااِلٰهَ اِلاّٰ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لا تَاْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ لَهُ ما فِي السَّمٰوٰاتِ وَ ما فى الْاَرْضِ وَ ما بَيْنَهُما وَ ما تَحْتَ الثَّرىٰ عالِمُ الغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ فَلايُظْهِرُ عَلىٰ غَيْبِهِ اَحَداً مَنْ ذَاالَّذي يَشْفَعُ عِنْدَهُ اِلاّٰ بِاِذْنِهِ يَعْلَمُ ما بَيْنَ اَيْديهِمْ» اِلىٰ قَوْلِهِ «هُمْ فيها خالِدُونَ».

۱- بحارالانوار؛ج:۹۲ ص:۵۷

۲- مستدرک الوسائل، ج:۶ ص:۱۱۶ - فصل الخطاب، ص: ۲۶۰

عن اسمعيل بن عباد البصرى عن ابى عبدالله عليه‌السلام (الى ان قال:) عالم الغيب و الشّهادة الرّحمان الرّحيم بديع السموات و الارض ذوالجلال و الاكرام ربّ العرش العظيم.

یعنی: فرمودند: بود علی بن الحسین؈ قسم میخورد در حالیکه اجتهاد کننده بود بدرستیکه هرکس قرائة کند او را یعنی آیةالکرسی را قبل زوال شمس هفتاد نوبة، پس موافق شود تمام آن هفتاد نوبة زوال شمس را آمرزیده میشود از برای آن آنچه مقدّم شده ازگناه آن و آنچه مؤخّر شده، پس اگر مُرد در سال خود مرده است بخشیده شده غیر حساب شده «اَللّٰهُ لاٰ اِلٰهَ» تا آخر خبر مذکور که هر یک از وجوه امامیّة مسموعة مثل غیر آنها در اخبار مذکورة از جملة قرآات تنزیلیة توسیعیّة است که در اوّل اشارة شد.

شانزدهم: موضع بیستم: آیه دویست و پنجاه و شش نیز: «وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِوَلاٰيَةِ عَلِيِّ بْنِ اَبِيطَالِبٍ اَوْلِيَائُهُمُ الطَّوٰاغِيتِ» تنزیل است نه بدون «بِوَلاٰيَةِ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ» و «الطّٰاغُوتُ» بدل «الطَّوٰاغِيتُ»، کمااینکه در خبر ابن شهرآشوب است از مولانا الباقر؈[1]:

«وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِوَلاٰيَةِ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ اَوْلِيَائُهُمُ الطَّوٰاغِيتُ» قَالَ: نَزَلَ جِبْرِئِيلُ بِهٰذِهِ الْآيَةِ هٰكَذٰا.

یعنی: فرمودند: نازل شده است جبرئیل باین آیه این چنین.

هفدهم: موضع بیست و یکم: آیه دویست و شصت و یک: «كَمَثَلِ

۱- فصل الخطاب، ص:۲۶۰

حَبَّةٍ اَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِأَة حَبَّةٍ اَوْ اَكْثَرُ مِنْ ذٰلِکَ» تنزیل است نَه بدون «اَوْ اَكْثَر مِنْ ذٰلِکَ» کما اینکه از مولاناالعالم موسی بن جعفر عليه السلام است در خبر السّیاری[1]:

فِي قَوْلِهِ تعالی: «كَمَثَلِ حَبَّةٍ اَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِأَة حَبَّةٍ اَوْ اَكْثَر مِنْ ذٰلِکَ».

هیجدهم: موضع بیست و دوّم: آیه دویست و هفتاد و شش: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبٰوا لاٰ يَقُومُونَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِلاّٰ كَمٰا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطٰانُ مِنَ الْمَسِ» تنزیل است نَه بدون «يَوْمِ الْقِيٰمَة» کما اینکه نیز مولاناالعالم عليه السلام موسی بن جعفر در خبر سیّاری فرموده‌اند[2]:

فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ «وَ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبٰوا لاٰ يَقُومُونَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِلاّٰ كَمٰا يَقوم الَّذى يَتَخَبَّطَهُ الشَّيْطٰانُ مِنَ الْمَسِّ».

۱۴۵ - سوره آل محمّد: شصت و یک خبر نیز در چند موضع:

اوّل: موضع بیست و سیّم: آیه سی و سه: «اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفىٰ اٰدَمَ وَ نُوحاً وَ اٰلَ اِبْرٰهِيمَ وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ عَلَى الْعٰالَمِينَ» تنزیل است نَه «وَ اٰلَ عِمْرٰانَ» کما اینکه در خبر ابی عمروالزبیری است از مولانا الصّادق عليه السلام[3]:

۱- فصل الخطاب، ص:۲۶۳ ۲- فصل الخطاب، ص:۲۶۳

۳- فصل الخطاب، ص:۲۶۴

قالَ: قُلْتُ لَهُ: ما الْحُجَّةُ فِي كِتابِ اللّٰهِ اَنَّ آلَ مُحَمَّدٍ هُمْ اَهْلُ بَيْتِهِ؟ قالَ: قَوْلُ اللّٰهِ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ «اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفىٰ آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ اِبْرٰهيمَ وَ آل عِمران وَ آلَ مُحَمَّدٍ» هٰكَذٰا نَزَلَتْ عَلَى الْعالَمينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللّٰهُ سَميعٌ عَليمٌ وَ لايَكُونُ الذُّرِّيَّةُ مِنَ الْقَوْمِ اِلاّٰ نَسْلُهُمْ مِنْ اَصْلابِهِمْ.

یعنی: گفت: گفتم از برای آنحضرت: چیست حجّة در کتاب خدا بدرستیکهِ آل محمّد اهل بیت آنست؟ فرمودند: قول خدای تبارک و تعالی:

«اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفىٰ آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ اِبْراهيمَ وَ آلَ عِمران وَ آلَ مُحَمَّدٍ» همچنین نازل شده است «عَلىٰ الْعالَمينَ» ذریّة بعض او از بعض است و خدا سمیع علیم است، و نمیبوده باشد ذرّیّة از قوم مگر از نسل ایشان از اصلاب ایشان.

دوّم: موضع بیست و چهارم آیه چهل و دو: «يا مَرْيَمُ اقْنُتي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدي شُكْراً لِلّٰهِ وَ ارْكَعي مَعَ الرّاكِعينَ» تنزیل است نَه بدون «شُكْراً لِلّٰهِ وَ» وَ اسْجُدي وَ ارْكَعي مَعَ الرّاكِعينَ» کمااینکه در خبر حکم بن عُتیبة است از مولانا الباقر عليه السلام(۱):

فِي قَوْلِهِ تعالی «يا مَرْيَمُ اقْنُتي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدي شُكْراً لِلّٰهِ وَ ارْكَعي مَعَ

۱- فصل الخطاب، ص:۲۶۴

الرّاکِعِینَ».

سیّم: موضع بیست و پنجم: آیه پنجاه و پنج: «اِذْ قالَ اللّٰهُ یا عیسیٰ اِنِّی رٰافِعُکَ اِلَیَّ وَ مُتِوَفّیکَ» تنزیل است نه «مُتوَفّیکَ وَ رٰافِعُکَ اِلَیَّ» کمااینکه در خبر محمّدبن جمهور از بعض از اصحاب ما است از مولانا الصّادق علیه السلام[۱]:

فِی قَوْلِ اللّٰهِ جَلَّ ذِکْرُهُ «اِنِّی رٰافِعُکَ اِلَیَّ وَ مُتَوَفّیکَ» هٰکَذٰا نَزَلَتْ.

چهارم: موضع بیست و ششم: آیه هشتاد و یک: «وَ اِذْ اَخَذَ اللّٰهُ میثٰاقَ اُمَمِ النَّبیّینَ لَمٰا آتَیتُکُمْ» تنزیل است نه بدون «اُمَمَ» کمااینکه در خبر حبیب السّجستانی است[۲]:

قٰالَ: سَئَلْتُ اَبٰاجَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ تَبٰارَکَ وَ تَعٰالیٰ «وَ اِذْ اَخَذَ اللّٰهُ میثٰاقَ النَّبِیّینَ لَمٰا آتَیْتُکُمْ مِنْ کِتٰابٍ وَ حِکْمَةٍ ثُمَّ جٰاءَکُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمٰا مَعَکُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ» فَکَیْفَ یُؤْمِنُ مُوسیٰ علیه السلام بِعیسیٰ وَ یَنْصُرُهُ وَ لَمْ یُدْرِکْهُ وَ کَیْفَ یُؤْمِنُ عیسیٰ علیه السلام بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ یَنْصُرُهُ وَ لَمْ یُدْرِکْهُ؟ فَقٰالَ: یٰا حَبیبُ اِنَّ الْقُرْآنَ قَدْ طُرِحَ مِنْهُ آیٍ کَثیرَةٍ وَ لَمْ یزِدْ فیهِ اِلاّٰ حُرُوفٌ اَخْطَأَتْ بِهِ الْکَتَبَةُ وَ تَوَهَّمَتْهٰا الرِّجٰالُ وَ هٰذٰا وَهْمٌ، فَاقْرَءْهٰا: «وَ اِذْ اَخَذَ اللّٰهُ میثٰاقَ اُمَمَ النَّبِیّینَ لَمٰا آتَیْتُکُمْ مِنْ

۱- فصل الخطاب، ص:۲۶۵

۲- فصل الخطاب، ص:۲۶۵ - بحارالانوار، ج:۱۵ ص:۱۷۹

كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرَنَّهُ» هٰكَذَا أَنْزَلَهَا اللّٰهُ يَا حَبِيبُ (الخ)[1].

یعنی: گفت: سؤال نمودم امام باقر علیه السلام را از قول خدای تبارک‌وتعالی «و زمانیکه اخذ نمود خدا میثاق نبیین را آنچه دادم شما را از کتاب و حکمة بعد آمد شما را رسول مصدّق از برای آنچه با شما است هرآینة البته ایمان آورید باو و هرآینة البته نصرة کنید آنرا پس چگونه ایمان میاورد موسیٰ و عیسیٰ علیهما السلام و نصرة میکنند آنرا و حال آنکه ادراک ننموده آنرا و چگونه ایمان میاورد عیسیٰ بمحمّد صلی الله علیه و آله و نصرة میکند آنرا و حال آنکه ادراک ننموده آنرا، پس فرمودند: ای حبیب بدرستیکه قرآن بتحقیق افتاده شده است از او آیات کثیرة و زیاد نشده است در او مگر حروفی خطا نموده باو کَتَبَة و توهّم نموده او را رجال و این غلط است، پس قرائة کن «وَ إِذْ أَخَذَ» تا آخر مذکور همچنین نازل شده است ای حبیب.

پنجم: موضع بیست و هفتم: آیه هشتاد و شش: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتّٰى تُنْفِقُوا مَا تُحِبُّونَ» تنزیل است نه «مِمَّا تُحِبُّونَ» کمااینکه در خبر یونس

۱- و فی حدیث: قال: لتؤمننّ برسول اللّه و لتنصرنّ امیرالمؤمنین(الخ).

بن ظبیان است از مولانا الصّادق علیه السلام[۱]:

«لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتّیٰ تُنْفِقُوا مٰا تُحِبُّونَ» بمیم واحدةٍ.

یعنی: «لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتّیٰ تُنْفِقُوا مٰا تُحِبُّونَ» بیک میم است.

ششم: موضع بیست و هشتم: آیه نود و سه: «اِلاّٰ وَ اَنْتُمْ مُسلِّمُونَ لِرَسُولِ اللّٰهِ ثُمَّ الْاِمٰامِ مِنْ بَعْدِهِ» تنزیل است نه بدون «لِرَسُولِ اللّٰهِ ثُمَّ الاِمٰامِ مِنْ بَعْدِهِ» کمااینکه در خبر حسین بن خالد است[۲]:

قٰالَ: قٰالَ اَبُو الْحَسَنِ الْاَوَّلُ علیه السلام: کَیْفَ تَقْرَءُ هٰذِهِ الْاٰیَةَ «یٰا اَیُّهَا الَّذِینَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ حَقَّ تُقٰاتِهِ وَ لاٰتَمُوتُنَّ اِلاّٰ وَ اَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» مٰاذٰا؟ قُلْتُ: مُسْلِمُونَ فَقٰالَ: سُبْحٰانَ اللّٰهِ یُوقِعُ عَلَیْهِمُ اِسمُ الْاِیمٰان فَیُسَمّیهِمْ مُؤْمِنِینَ ثُمَّ یَسْئَلُهُمُ الْاِسْلاٰمَ وَ الْاِیمٰان فوق الْاِسْلاٰمِ قلْتُ: هٰکَذٰا یُقْرَءُ فِی قِرٰائَةِ زَیْدٍ، قٰالَ: اِنَّمٰا هِیَ فِی قِرٰائَةِ عَلِیٍّ علیه السلام وَ هی التَّنْزِیلُ الَّذی نَزَلَ بِهِ جِبْرِئِیلُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله «اِلاّٰ وَ اَنْتُمْ مُسلِّمُونَ لِرَسُولِ اللّٰهِ ثُمَّ الاِمٰامِ مِنْ بَعْدِهِ».

یعنی: گفت: فرمودند امام سابع علیه السلام: چگونه قرائة میکنی این آیه را «یٰا اَیُّهَاالَّذِینَ» تا آخر مذکور چیست این گفتم «مُسْلِمُونَ» پس فرمودند: سُبْحٰانَ اللّٰهِ واقع میسازد بر ایشان ایمان را پس مینامد

۱- فصل الخطاب، ص:۲۶۶

۲- فصل الخطاب، ص:۲۶۶ - بحارالانوار، ج:۲ ص:۲۰۶

ایشان را مؤمنین بعد سؤال میکند ایشان را اسلام و حال آنکه ایمان فوق اسلام است، گفتم: همچنین قرائة میشود در قرائة زید فرمودند: نیست غیر از این او در قرائة علی علیه السلام و حال آنکه او تنزیل آنچنانیست که نازل نموده است باو جبرئیل بر محمّد صلی الله علیه و آله «اِلاّ وَ اَنْتُمْ مُسَلِّمُونَ لِرَسُولِ اللّٰهِ ثُمَّ الْاِمٰامِ مِنْ بَعْدِهِ» است.

و از مولانا الصّادق علیه السلام در خبر طبرسی است: «وَ اَنْـتُمْ مُسَـلِّمُونَ» بتشدید.

هفتم: موضع بیست و نهم: آیه صد و دو: «وَ كُنْتُمْ عَلىٰ شَفٰا حُفْرَةٍ مِنَ النّٰارِ فَاَنْقَذَكُمْ مِنْهٰا بِمُحَمَّدٍ» تنزیل است نه بدون «بِمُحَمَّدٍ» کمااینکه در خبر احمدبن محمّد بن خالد است از مولانا الصّادق علیه السلام(۱):

فِي قَوْلِهِ تعالىٰ «وَ كُنْتُمْ عَلىٰ شَفٰا حُفْرَةٍ مِنَ النّٰارِ فَاَنْقَذَكُمْ مِنْهٰا بِمُحَمَّدٍ» هٰكَذٰا وَاللّٰهِ نَزَلَ بِهٰا جِبْرَئِيلُ علیه السلام عَلىٰ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله.

یعنی: در قول خدای تعالی «وَ كُنْتُمْ» تا آخر مذکور همچنین قسم بخدا نازل نموده است باو جبرئیل بر محمّد صلی الله علیه و آله.

هشتم: موضع سی‌ام: آیه صد و چهار: «وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ اَئِمَّـةٌ» تنزیل است نه «اُمَّةٌ» کمااینکه در خبر طبرسی است از مولانا الصّادق علیه السلام

۱- تفسیر صافی؛ ص:۱۰۳ - بحارالانوار، ج:۸۹ ص:۵۷ - کافی؛ ج:۸ ص:۱۸۳

«وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ اَئِمَّةٌ».

نهم: موضع سی و یکم: آیه یکصد و ده: «كُنْتُمْ خَيْرَ اَئِمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» تنزیل است نه «اُمَّةٍ» کمااینکه در خبر ابن سِنان است(۱):

قٰالَ: قَرَأْتُ عَلىٰ اَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام «كُنْتُمْ خَيْرَ اُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنّٰاسِ»؟ فَقٰالَ اَبُوعَبْدِاللّٰهِ عليه السلام: خَيْرَ اُمَّةٍ يَقْتُلُونَ اَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليهما السلام؟ فَقٰالَ الْقٰارِي: جُعِلْتُ فِدٰاكَ كَيْفَ نَزَلَتْ؟ قٰالَ: «كُنْتُمْ خَيْرَ اَئِمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنّٰاسِ» اَلٰا تَرىٰ مَدَحَ اللّٰهُ لَهُمْ: «تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ».

یعنی: گفت: قرائة نمودم بر امام صادق عليه السلام «كُنْتُمْ خَيْرَ اُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنّٰاسِ» پس فرمودند امام صادق عليه السلام: خیر اُمّت میکشند امیرالمؤمنین و حسن و حسین بن علی عليهما السلام را؟ پس قاری گفت: گردیده باشم فدای تو چگونه نازل شده است؟ فرمودند: «كُنْتُمْ خَيْرَ اَئِمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنّٰاسِ» آیا رؤیة نمیکنی مدح فرموده است خدا از برای ایشان: امر میکنید بمعروف و نهی میکنید از منکر و ایمان می‌آورید بخدا.

دهم: موضع سی و دوّم: آیه یکصد و بیست و سه: «وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ

۱- بحارالانوار؛ج:۲۴ ص:۱۵۳

بِبَدْرٍ وَ اَنْتُمْ ضُعَفٰاء» تنزیل است نه «اَذِلَّةٌ» کمااینکه در خبر علی بن ابرٰهیم است از مولانا الصّادق علیه السلام در آیه مذکورة[۱]:

قٰالَ علیه السلام: مٰا كٰانُوا اَذِلَّة وَ فيهِمْ رَسُولُ اللّٰهِ صلی الله علیه و آله وَ اِنَّمٰا نَزَلَ «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ بِبَدْرٍ وَ اَنْتُمْ ضُعَفٰاء».

یعنی: فرمودند علیه السلام: نبودند ذلیلان و حال آنکه در ایشان بود رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیست غیر از این نازل شده است: «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ بِبَدْرٍ وَ اَنْتُمْ ضُعَفٰاء».

و در خبر ابی بصیر است[۲]:

قٰالَ: قَرَأْتُ عِنْدَ اَبِي عَبْدِاللّٰهِ علیه السلام «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ بِبَدْرٍ وَ اَنْتُمْ اَذِلَّةٌ» فَقٰالَ: مَهْ وَ اللّٰهِ لَيْسَ هٰكَذٰا اَنْزَلَهٰااللّٰهُ، اِنَّمٰا اُنْزِلَتْ «وَ اَنْتُمْ قَلِيلٌ».

یعنی: گفت: قرائة نمودم نزد امام صادق علیه السلام «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ بِبَدْرٍ وَ اَنْتُمْ اَذِلَّةٌ» پس فرمودند: مَه!! قسم بخدا نیست همچنین نازل فرموده باشد او را خدا، غیر این نیست نازل گردیده شده است: «وَ اَنْتُمْ قَلِيلٌ» که هر یک از ضعفاء و قلیل از وجوه توسیعیّة تنزیلیّة است، و مشیّة و اختیار است در قرائة هر یک چنانچه در اوّل عنوان اشارة شد، و بعد از ورود نصّ از امام علیه السلام بر نزول کتاب کریم «وَ اَنْتُمْ قَلِيلٌ» کسی را

۱- بحارالانوار؛ج:۱۹ ص:۲۴۳

۲- بحارالانوار؛ج:۱۹ ص:۲۸۳

حدّی نیست که بگوید باید قَلیلُونَ باشد نه قَلیلٌ زیرا که کتاب کریم میزان و مقیاس صحّة و سقم هر چیز است نه غیر او[۱].

یازدهم: موضع سی و سوّم: آیه یکصدو بیست و هفت: «لَیْسَ لَکَ مِنَ الْاَمْرِ اَوْ یَتُوبَ عَلَیْهِمْ اَوْ یُعَذِّبَهُمْ فَاِنَّهُمْ ظَالِمُونَ لِآلِ مُحَمَّدٍ» تنزیل است نه «لَیْسَ لَکَ مِنَ الْاَمْرِ شَیْءٌ اَوْ یَتُوبَ عَلَیْهِمْ اَوْ یُعَذِّبَهُمْ فَاِنَّهُمْ ظَالِمُونَ» کمااینکه در خبر نعمانی است از مولانا الامیر علیه السلام[۲]:

قَالَ: وَ قَالَ سُبْحَانَهُ فِي سُورَةِ آلِ عِمْرَانَ: «لَیْسَ لَکَ مِنَ الْاَمْرِ اَوْ یَتُوبَ عَلَیْهِمْ اَوْ یُعَذِّبَهُمْ فَاِنَّهُمْ ظَالِمُونَ لِآلِ مُحَمَّدٍ» فَحَذَفُوا آلَ مُحَمَّدٍ.

یعنی: گفت: و فرمودند سبحانه در سورة آل عمران: «لَیْسَ لَکَ» تا آخر مذکور پس حذف نمودند آل محمّد را.

و در خبر محمّدبن جمهور است از اصحاب خود[۳]:

قَالَ: تَلَوْتُ بَیْنَ یَدَیْ اَبِي عَبْدِاللّٰهِ علیه السلام هٰذِهِ الْآیَةِ «لَیْسَ لَکَ مِنَ الْاَمْرِ شَیْءٌ» فَقَالَ: بَلیٰ وَ شَیْءٌ وَ هَلِ الْاَمْرُ کُلُّهُ اِلاَّ لَهُ صلی الله علیه و آله وَ لٰکِنَّهَا نَزَلَتْ لَیْسَ لَکَ مِنَ الْاَمْرِ اِنْ تُبْتَ عَلَیْهِمْ اَوْ تُعَذِّبَهُمْ فَاِنَّهُمْ ظَالِمُونَ وَ کَیْفَ لایَکُونُ مِنَ الْاَمْرِ شَیْءٌ وَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ یَقُولُ: «مَا آتَاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهٰیکُمْ عَنْهُ

۱- بحارالانوار؛ ج:۹۳ ص:۲۷

۲- فصل الخطاب، ص:۲۶۹

۳- فصل الخطاب، ص:۲۶۹

فَانْتَهُوا».

یعنی: گفت: تلاوت نمودم بین دو دست امام صادق﷣ این آیه را «لَیسَ» از برای تو از امر چیزی، پس فرمودند: بلی و چیزی و آیا امر است تمام او مگر از برای آنﷺ ولیکن او نازل شده است «لَیسَ لَکَ مِنَ الْاَمْرِ اِنْ تُبْتَ عَلَیْهِمْ اَوْ تُعَذِّبَهُمْ فَاِنَّهُمْ ظَالِمُونَ» و چگونه نمیبوده باشد از امر چیزی و حال آنکه خدای عزّوجلّ میفرمایند «آنچه اتیان میکند شما را رسول پس اخذ کنید او را و آنچه نهی میکند شما را از او پس مُنتهی شوید» هر یک از قرائة دو خبر مذکور از وجوه قراات توسیعیّة تنزیل است، و از مولانا الباقر﷣ در خبر جُرمی است: «اِنْ یَتُوبَ عَلَیهِمْ» نَه «اَوْ» پس باید قرائة شود «لَیسَ لَکَ مِنَ الْاَمْرِ اِنْ یَتُوبَ عَلَیْهِمْ اَوْ یُعَذِّبَهُمْ فَاِنَّهُمْ ظَالِمُونَ لِاٰلِ مُحَمَّدٍ» یا قرائة شود چنانچه در خبر محمّدبن جمهور دانسته شد.

دوازدهم: موضع سی و چهار: آیه یکصد و چهل: «وَ یَتَّخِذ مِنْکُمْ شَهِیداً» تنزیل است نَه «شُهَدٰاءَ» کمااینکه در خبر حمّادبن عیسیٰ است از بعض اصحاب خود از مولانا الصّادق﷣ «وَ یَتَّخِذ مِنْکُمْ شَهِیداً»(۱).

۱- فصل الخطاب، ص:۲۶۹

سیزدهم: موضع سی و پنج آیه یکصد و هشتاد و سه: «قُلْ قَدْ جٰاءَكُمْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنٰاتِ وَ الزُّبُرِ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ» تنزیل است نه «وَ بِالَّذِي قُلْتُمْ» بدل «وَ الزُّبُرِ» کمااینکه در خبر سماعة بن مهران است از مولاناالصّادق عليه السلام:

«قُلْ قَدْ جٰاءَكُمْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنٰاتِ وَ الزُّبُرِ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ»(۱).

چهاردهم: موضع سی و شش آیه یکصد و هشتاد و پنج: «كُلُّ نَفْسٍ ذٰائِقَةُ الْمَوْتِ وَ مَنْشُورَةٌ» تنزیل است نه بدون «وَ مَنْشُورَةٌ» کمااینکه در خبر ابی حمزة است(۲):

قٰالَ: قَرَأْتُ عَلىٰ اَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «كُلُّ نَفْسٍ ذٰائِقَةُ الْمَوْتِ» قٰالَ: «وَ مَنْشُورَةٌ» نَزَلَ بِهٰا جِبْرَئِيلُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله هٰكَذٰا، اَنَّهُ لَيْسَ مِنْ اَحَدٍ مِن هٰذِهِ الْاُمَّةِ اِلاّٰ وَ هُوَ مَنْشُورَةٌ، فَاَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيُنْشَرُونَ اِلىٰ قُرَّةِ اَعْيُنِهِمْ، وَ اَمَّا الْفُجّٰار اِلىٰ خِزْيِ اللّٰهِ اِيّٰاهُمْ.

یعنی: گفت: قرائة نمودم بر امام باقر عليه السلام: «كُلُّ نَفْسٍ ذٰائِقَةُ الْمَوْتِ» فرمودند: «وَ مَنْشُورَةٌ» نازل نمود باو جبرئیل بر محمّد صلى الله عليه و آله همچنین پس امّا مؤمنون پس منشور میشوند بسوی قرّة چشمهای خودشان، و امّا فجّار بسوی رسوا نمودن خدا آنها را.

۱- فصل الخطاب، ص:۲۶۹ ۲- بحارالانوار؛ج:۹۲ ص:۶۵

پانزدهم: موضع سی وهفت آیه دویست: «فَاتَّقُوا اللّٰهَ مٰا لَبَدْنٰا رَبَّكُمْ لَعَلَّكُم تُفْلِحُونَ» تنزیل است نَه بدون «مٰا لَبَدْنٰا رَبَّكُمْ» کمااینکه در خبر برید است از مولاناالباقر علیه السلام[1]:

فِي قَوْلِهِ تعالىٰ «اِصْبِرُوا» يعني بِذٰلِكَ عَنِ الْمَعٰاصي «وَ صٰابِرُوا» يعني التَّقِيَّة «وَ رٰابِطُوا» يَعْنِي عَلَى الْأَئِمَّةِ علیهم السلام، ثُمَّ قٰالَ: أَ تَدْرِي مٰا مَعْنىٰ «اِلْبَدُوا مٰا لَبَدْنٰا فَإِذٰا تَحَرَّكْنٰا فَتَحَرَّكُوا، وَ اتَّقُوا اللّٰهَ مٰا لَبَدْنٰا رَبَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تُفلِحُونَ، قٰالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدٰاكَ اِنَّمٰا نَقْرَؤُهٰا: «وَ اتَّقُوا اللّٰهَ» قٰالَ علیه السلام: اَنْتُمْ تَقْرَؤُنَهٰا كَذٰا وَ نَحْنُ نَقْرَئُهٰا هٰكَذٰا.

یعنی: «صبر کنید» یعنی از معاصی، «و مصابرة کنید» یعنی تقیّة کنید، «و مرابطة نمائید» یعنی بر ائمّة علیهم السلام، بعد فرمودند: آیا میدانی چیست معنای لُبود کنید مادامیکه ما لُبود میکنیم پس زمانیکه حرکة نمودیم حرکة کنید پس اتّقاء نمائید خدا را مادامیکه لُبود و نگهداشتیم ربّ شما را شاید رستگار شوید، گفت: گفتم: گردیده باشم فدای تو نیست غیر از این قرائة میکنیم: «وَ اتَّقُوا اللّٰهَ» فرمودند: شما قرائة میکنید چنین و ما قرائة میکنیم این چنین.

۱۷۲– سوره نساء: سی و یک خبر نیز در چند موضع:

۱– بحارالانوار،ج:۲۴ ص:۲۱۸

اوّل: موضع سی و هشت: آیه بیست و سه: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» تنزیل است نه بدون «إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى» کمااینکه در خبر ابن ابی عمیر است از مولاناالصّادق عليه السلام(۱):

قَالَ: إِنَّمَا نَزَلَتْ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً».

یعنی: فرمودند: نیست غیر این نازل شده است «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ» تا آخر خبر مذکور.

دوّم: موضع سی و نه: آیه چهل و دو: «يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ عَصَوُا الرَّسُولَ وَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ أَنْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ» تنزیل است نه بدون «وَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ» کمااینکه در خبر عبدالسلم بن المثنی است:

قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللَّهِ عليه السلام: «يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ عَصَوُا الرَّسُولَ وَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ أَنْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ وَ لَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثاً».

یعنی: گفت: فرمودند امام صادق عليه السلام: تا آخر مذکور.

سیّم: موضع چهل: آیه چهل و هفت: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا

۱- بحارالانوار؛ج:۱۰۳ ص:۳۱۴

بِمٰا نَزَّلْنٰا فِي عَلِيٍ نُوراً مُبِيناً مُصَدِّقاً لِمٰا مَعَكُمْ» تنزیل است نه بدون «فِي عَلِيٍ نُوراً مُبِيناً» کماانیکه در خبر جابر است از مولانا الباقر علیه السلام[۱]:

قٰالَ: نَزَلَ جِبْرِئِيلُ علیه السلام بِهٰذِهِ الْآيَةِ هٰكَذٰا: «يٰا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتٰابَ آمِنُوا بِمٰا نَزَّلْنٰا فِي عَلِيٍ نُوراً مُبِيناً».

یعنی: فرمودند: نازل شد جبرئیل باین آیه این چنین: «يٰا أَيُّهَا الَّذِينَ» تا آخر مذکور.

و از آنحضرت علیه السلام است نیز در خبر دیگر جابر «فِي عَلِيٍ» بدون «نُوراً مُبِيناً» که هر یک از وجوه تنزیلیّة توسیعیّة است نیز.

چهارم: موضع چهل و یکم آیه پنجاه و چهار: «أَمْ يَحْسُدُونَ النّٰاس عَلىٰ مٰا آتٰيهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنٰا آلَ إِبْرٰهِيمَ وَ آلَ عِمْرٰانَ وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْكِتٰابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنٰاهُمْ مُلْكاً عَظِيماً» تنزیل است نه بدون «وَ آلَ عِمْرٰانَ وَ آلَ مُحَمَّدٍ» کماانیکه در خبر داود الرّقي است[۲]:

قٰالَ: قٰالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ علیه السلام: «أَمْ يَحْسُدُونَ النّٰاس عَلىٰ مٰا آتٰيهُم اللّٰه مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنٰا آلَ إِبْرٰهِيمَ وَ آلَ عِمْرٰانَ وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْكِتٰابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنٰاهُمْ مُلْكاً عَظِيماً».

۱- فصل الخطاب، ص:۲۷۲ - کافی؛ ج:۱ ص:۴۱۷ - بحارالانوار، ج:۳۵ ص:۵۷

۲- فصل الخطاب، ص:۲۷۳

یعنی: گفت: فرمودند امام صادقؑ: «اَمْ یَحْسُدُونَ النّاسَ» تا آخر مذکور.

پنجم: موضع چهل و دوّم آیه پنجاه و نه: «فَاِنْ تَنازَعْتُمْ فِی شَیْءٍ فَارْجِعُوهُ اِلَی اللّهِ وَ اِلیٰ رَسُولِهِ وَ اِلیٰ اُولی الْاَمْرِ مِنْکُمْ» تنزیل است نه «فَرُدُّوهُ اِلَی اللّهِ وَ الرَّسُولِ وَ اُولی الْاَمْرِ مِنْکُمْ» کمااینکه در خبر حُریز است از مولاناالصّادقؑ[1]:

قالَ: نَزَلَتْ «فَاِنْ تَنازَعْتُمْ فِی شَیْءٍ فَارْجِعُوهُ اِلَی اللّهِ وَ اِلیٰ رَسُولِهِ وَ اِلیٰ اُولی الْاَمْرِ مِنْکُمْ».

یعنی: فرمودند: نازل شده است «فَاِنْ تَنازَعْتُمْ» تا آخر خبر مذکور.

و نیز از مولانا الباقرؑ است در خبر برید بن معویة[2]:

قالَؑ: «اَطیعُوا اللّهَ وَ اَطیعُوا الرَّسُولَ وَ اُولی الْاَمْرِ مِنْکُمْ» اِیّانا عَنیٰ خاصَّةً «فَاِنْ خِفْتُمْ تَنازُعاً فی الْاَمْرِ فَارْجِعُوهُ اِلَی اللّهِ وَ اِلَی الرَّسُولِ وَ اُولی الْاَمْرِ مِنْکُمْ» هٰکَذا نَزَلَتْ.

یعنی: فرمودند: اطاعة کنید خدا را و اطاعة کنید رسول و صاحبان امر از خودتانرا، ما را قصد فرموده است خاصّة «فَاِنْ خِفْتُمْ» تا آخر مذکور همچنین نازل شده است.

۱- فصل الخطاب، ص:۲۷۳

۲- فصل الخطاب، ص:۲۷۳

و نیز از آنحضرت در خبر برید العجلی است(۱):

قٰالَ: «فَإِنْ خِفْتُمْ تَنٰازُعاً فِي اَمْرٍ فَرُدُّوهُ اِلَى اللّٰهِ وَ اِلَى الرَّسُولِ وَ اِلىٰ اُولِي الْاَمْرِ مِنْكُمْ» كَذٰا نَزَلَتْ.

یعنی: فرمودند: «فَإِنْ خِفْتُمْ» تا آخر مذکور مثل این نازل شده است.

که هر یک از وجوه تنزیلیّة توسیعیّة است.

ششم: موضع چهل و سه آیه پنجاه و نه نیز: «اَطِيعُوا اللّٰهَ وَ اَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اُولِي الْاِمْرِ مِنْكُمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ» تنزیل است نَه بدون «مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ» کمااینکه در خبر عامربن الجهنی است از مولانا الباقر علیه السلام(۲):

قٰالَ: «اَطِيعُوا اللّٰهَ» تا آخر مذکور این چنین نازل شده است.

هفتم: موضع چهل و چهار: آیه شصت و سه: «اُوْلٰئِکَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللّٰهُ مٰا فِي قُلُوبِهِمْ فَاَعْرِضْ عَنْهُمْ فَقَدْ سَبَقَتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَةُ الشِّقٰاءِ وَ سَبَقَ لَهُم الْعَذٰابُ وَ قُلْ لَهُمْ فِي اَنْفُسِهِمْ قَوْلاً بَلِيغاً» تنزیل است نَه بدون «فَقَدْ سَبَقَتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَةُ الشِّقٰاءِ وَ سَبَقَ لَهُم الْعَذٰابُ» و بدل او وَ عِظْهُمْ کما فی المصحف «اللّٰهُ مٰا فِي قُلُوبِهِمْ فَاَعْرِضْ عَنْهُمْ فَقَدْ سَبَقَتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَةُ الشِّقٰاءِ وَ سَبَقَ لَهُمُ الْعَذٰابُ وَ قُلْ لَهُمْ فِي اَنْفُسِهِمْ قَوْلاً بَلِيغاً» يَعْنِي اُوْلٰئِکَ.

۱- فصل الخطاب، ص:۲۷۳　　۲- فصل الخطاب، ص:۲۷۳

کمااینکه در خبر ابی جنادة است از مولانا الفقیه علیه السلام (۱):

فِي قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ «أُوْلٰئِکَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللّٰهُ» تا آخر مذکور.

هشتم: موضع چهل و پنج: آیه شصت و چهار: «وَ لَوْ اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ جٰاؤُکَ يٰا عَلِيُّ فَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّٰهَ تَوّٰاباً رَحيماً» تنزیل است نه بدون «يٰا عَلِيُّ» کمااینکه در خبر زرارة است از مولاناالباقر علیه السلام (۲):

قٰالَ: «وَ لَوْ اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ جٰاؤُکَ يٰا عَلِيُّ فَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّٰهَ تَوّٰاباً رَحيماً» هٰکَذٰا نَزَلَتْ.

یعنی: فرمودند: «وَ لَوْ اَنَّهُمْ ظَلَمُوا» تا آخر مذکور همچنین نازل شده است.

نهم: موضع چهل و شش آیه شصت و پنج: «فَلاٰ وَ رَبِّکَ لاٰ يُؤْمِنُونَ حَتّٰى يُحَکِّمُوکَ فيمٰا شَجَرَ بَيْنَهُمْ مِمّٰا قَضىٰ مُحَمَّدٌ وَ آلُ مُحَمَّدٍ» تنزیل است نه بدون «مِمّٰا قَضىٰ مُحَمَّدٌ وَ آلُ مُحَمَّدٍ» کمااینکه در خبر عبداللّٰهِ بن یحییٰ الکاهلی است از مولانا الصّادق علیه السلام (۳):

قٰالَ: ثُمَّ قَرَءَ علیه السلام «فَلاٰ وَ رَبِّکَ لاٰ يُؤْمِنُونَ حَتّٰى يُحَکِّمُوکَ فيمٰا شَجَرَ بَيْنَهُمْ مِمّٰا قَضىٰ

۱- فصل الخطاب، ص:۲۷۵ ۲- فصل الخطاب، ص:۲۷۵

۳- فصل الخطاب، ص:۲۷۵

مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّدٍ» اِلیٰ قَوْلِهِ «وَ یُسَلِّمُوا تَسْلیماً».

یعنی: گفت: بعد فرمودند «فَلاٰ وَ رَبِّکَ» تا آخر مذکور.

و در خبر اسحٰق بن عمّار است از مولانا الصّادق علیه السلام[۱]:

قٰالَ: «حَتّیٰ یُحَکِّمُوا مُحَمَّداً وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لاٰیَجِدُونَ فی اَنْفُسِهِمْ حَرَجاً».

یعنی: فرمودند: «حَتّیٰ یُحَکِّمُوا» تا آخر مذکور، که هر یک از وجوه تنزلیّة توسیعیّة است.

دهم: موضع چهل و هفت: آیه شصت و پنج نیز: «مِمّٰا قَضَیْتَ فی اَمْرِ الْوَلاٰیَةِ وَ یُسَلِّمُوا لِلّٰهِ الطّٰاعَةَ» تنزیل است نَه بدون «فی اَمْرِ الْوَلاٰیَةِ وَ لِلّٰهِ الطّٰاعَةُ» کمااینکه در خبر ابی بصیر است از مولانا الصّادق علیه السلام در این آیه[۲]:

ثُمَّ لاٰیَجِدُونَ فی اَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمّٰا قَضَیْتَ فی اَمْرِ الْوَلاٰیَةِ وَ یُسَلِّمُوا لِلّٰهِ الطّٰاعَةَ».

یعنی: فرمودند: «ثُمَّ لاٰیَجِدُونَ» تا آخر مذکور.

و در خبر دیگر ابی بصیر است از آنحضرت نیز[۳]:

فی قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ «لاٰیَجِدُونَ فی اَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمّٰا قَضَیْتَ مِنْ اَمْرِ الْوَلاٰیَةِ وَ

۱- فصل الخطاب، ص:۲۷۶ ۲- فصل الخطاب، ص:۲۷۵

۳- فصل الخطاب، ص:۲۷۵

یُسَلِّمُوا لِلّٰهِ تَسْلیماً».

یعنی: در قول خدای عزّوجلّ «لایَجِدُونَ» تا آخر مذکور که هر یک از وجوه تنزیلیّة است.

یازدهم: موضع چهل و هشت: آیه شصت و شش: «وَ لَوْ اَنَّهُمْ فَعَلُوا مٰا یُوعَظُونَ بِهِ فِي عَلِيٍّ لَکٰانَ خَیْراً لَهُمْ» تنزیل است نه بدون «فِي عَلِيٍّ» کمااینکه در خبر جابر است از مولانا الباقر علیه السلام[1]:

«وَ لَوْ اَنَّهُمْ فَعَلُوا مٰا یُوعَظُونَ بِهِ فِي عَلِيٍّ لَکٰانَ خَیْراً لَهُمْ».

یعنی: فرمودند: «وَ لَوْ اَنَّهُمْ» تا آخر مذکور.

و در خبر دیگر جابر فرمودند همچنین نازل شده است.

دوازدهم: موضع چهل و نه آیه شصت و شش نیز: «وَ سَلِّمُوا لِلْإِمٰامِ تَسْلیماً وَ اخْرُجُوا مِنْ دِیٰارِکُمْ رِضاً لَهُ مٰا فَعَلُوهُ اِلاّٰ قَلیلٌ مِنْهُمْ وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْخِلاٰفِ فَعَلُوا مٰا یُوعَظُونَ بِهِ» تنزیل است نه بدون «وَ سَلِّمُوا لِلْإِمٰامِ تَسْلیماً» و بدون «رِضاً لَهُ» و بدون «وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْخِلاٰفِ» کمااینکه در خبر ابی بصیر است از مولانا الصّادق علیه السلام[2]:

«وَ لَوْ اَنّٰا کَتَبْنٰا عَلَیْهِمْ اَنِ اقْتُلُوا اَنْفُسَکُمْ وَ سَلِّمُوا لِلْإِمٰامِ تَسْلیماً وَ اخْرُجُوا مِنْ

۱- فصل الخطاب، ص:۲۷۵ - کافی؛ ج:۱ ص:۴۱۷ - بحارالانوار، ج:۲۳ ص:۳۷۳

۲- فصل الخطاب، ص:۲۷۶

دِیارِکُمْ رِضاً لَهُ ما فَعَلُوهُ اِلاّ قَلیلٌ مِنْهُمْ وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْخِلافِ فَعَلُوا ما یُوعَظُونَ بِهِ لَکانَ خَیْراً لَهُمْ وَ اَشَدُّ تَثْبیتاً.

سیزدهم: موضع پنجاه آیه هفتاد و نه: «ما اَصابَکَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللّٰهِ وَ ما اَصابَکَ مِنْ سَیِّئَةٍ فَاَنَا قَضَیْتُها» تنزیل است نه «فَمِنْ نَفْسِکَ» کمااینکه در خبر منصوربن حازم است از مولانا الصّادقؑ[1]:

فی قَوْلِهِ جَلَّ وَ عَلا «ما اَصابَکَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللّٰهِ وَ ما اَصابَکَ مِنْ سَیِّئَةٍ فَاَنَا قَضَیْتُها.

چهاردهم: موضع پنجاه و یک آیه نود و چهار: «وَ لاتَقُولُوا لِمَنْ اَلْقیٰ اِلَیْکُمُ السَّلامَ لَسْتَ مُؤْمَناً» بفتح میم دوّم تنزیل است نه کسر او، کمااینکه در خبر ابی بصیر است از مولانا الصّادقؑ[2]:

«وَ لاتَقُولُوا لِمَنْ اَلْقیٰ اِلَیْکُمُ السَّلامَ لَسْتَ مُؤْمَناً».

یعنی فرمودند: «وَ لاتَقُولُوا» تا آخر مذکور.

پانزدهم: موضع پنجاه دو آیه یکصد و سی و چهار: «وَ اِنْ تَلْوُوا الْاَمْرَ وَ تُعْرِضُوا عَمّا اُمِرْتُمْ بِهِ فَاِنَّ اللّٰهَ کانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبیراً» تنزیل است نه بدون «الْاَمْرَ» و بدون «عَمّا اُمِرْتُمْ بِهِ» و یا «اَوْ» کمااینکه در خبر

۱- فصل الخطاب، ص:۲۷۶　　۲- تفسیر صافی؛ ص:۱۳۲

ابی بصیر است[۱]:

فِي قَوْلِهِ تعالىٰ «وَ اِنْ تَلْوا اَوْ تُعْرِضُوا» قالَ: تَلْوُوا الْاَمْرَ وَ تُعْرِضُوا عَمّٰا اُمِرْتُمْ بِهِ فَاِنَّ اللّٰهَ كٰانَ بِمٰا تَعْمَلُونَ خَبِيراً».

یعنی: در قول خدای تعالیٰ فرمودند «اِنْ تَلْوُوا» تا آخر مذکور.

شانزدهم: موضع پنجاه و سه آیه یکصد و سی و شش: «اِنَّ الَّذِينَ اٰمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ اٰمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ اَزْدٰادُوا كُفْراً لَنْ تُقْبَلْ تَوْبَتُهُمْ» تنزیل است نه «لَمْ يَكُنِ اللّٰهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ» کمااینکه در خبر عبدالرّحمٰن بن کثیر است از مولانا الصّادق علیه السلام[۲]:

فِي قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ «اِنَّ الَّذِينَ اٰمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ اٰمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ اَزْدٰادُوا كُفْراً لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ» قٰالَ: نَزَلَتْ فِي فُلاٰنٍ وَ فُلاٰنٍ وَ فُلاٰنٍ.

یعنی در قول خدای عزّوجلّ «اِنَّ الَّذِينَ» تا آخر مذکور فرمودند نازل شده است در فلان و فلان و فلان.

هفدهم: آیه یکصد و شصت و سه: «اِنِّي اَوْحَيْتُ اِلَيْكَ كَمٰا اَوْحَيْتُ اِلىٰ نُوحٍ وَ النَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ» تنزیل است نه «اِنّٰا اَوْحَيْنٰا اِلَيْكَ كَمٰا اَوْحَيْنٰا اِلىٰ نُوحٍ وَ النَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ» کمااینکه در خبر محمّدبن الحلبی است از

۱- تفسیر صافی؛ ص:۱۳۹

۲- فصل الخطاب، ص:۲۷۸ - کافی؛ ج:۱ ص:۴۲۰ - بحارالانوار، ج:۲۳ ص:۳۷۵

مولانا الصّادق علیه السلام(۱):

قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صلی الله علیه و آله: قالَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ: «اِنّی اَوْحَیْتُ اِلَیْکَ کَما اَوْحَیْتُ اِلیٰ نُوحٍ وَ النَّبِیّینَ مِنْ بَعدِهِ.

یعنی فرمود: فرمودند رسول خدا صلی الله علیه و آله: فرمودند خدای عزّوجلّ «اِنّی اَوْحَیْتُ» تا آخر مذکور.

هجدهم: موضع پنجاه و پنج: آیه صد و شصت و شش: «لٰکِنِ اللّٰهُ یَشْهَدُ بِما اَنْزَلَ اِلَیْکَ فی عَلِیٍّ اَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ» تنزیل است نه بدون «فی عَلِیٍّ» کمااینکه در خبر ابی بصیر است از مولانا الصّادق علیه السلام(۲):

قالَ: اِنَّما نَزَلَتْ «لٰکِنِ اللّٰهُ یَشْهَدُ بِما اَنْزَلَ اِلَیْکَ فی عَلِیٍّ اَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ».

یعنی: فرمودند: نازل شده است «لٰکِنِ اللّٰهُ» تا آخر مذکور.

نوزدهم: آیه صدو شصت و هفت: «اِنَّ الَّذینَ کَفَرُوا وَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ لَمْ یَکُنِ اللّٰهُ لِیَغْفِرَ لَهُمْ» تنزیل است نه بدون «آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ» کمااینکه در خبر ابی حمزة است از مولانا الباقر علیه السلام(۳):

قالَ: نَزَلَ جِبْرَئیلُ بِهٰذِهِ الْآیَةِ هٰکَذا: «اِنَّ الَّذینَ کَفَرُوا وَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ

۱- فصل الخطاب، ص:۲۷۷

۲- فصل الخطاب، ص:۲۷۷ - بحارالانوار، ج:۳۶ ص:۹۳

۳- فصل الخطاب، ص:۲۷۷ - بحارالانوار، ج:۳۶ ص:۹۹

حَقَّهُمْ».

یعنی: فرمودند: نازل شده است جبرئیل باین آیه این چنین «اِنَّ الَّذینَ» تا آخر آنچه مذکور شد.

بیستم: موضع پنجاه و هفت: آیه یکصد و شصت و هشت: «یٰا اَیُّهَا النّٰاسُ قَدْ جٰاءَکُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّکُمْ فِي وَلاٰیَةِ عَلِيٍّ فَاٰمِنُوا خَیْراً لَکُمْ وَ اِنْ تَکْفُرُوا بِوَلاٰیَتِهِ فَاِنَّ لِلّٰهِ مٰا فِي السَّمٰوٰاتِ وَ الْاَرْضِ» تنزیل است نَه بدون «فِي عَلِيٍّ» و بدون «بِوَلاٰیَتِهِ» کمااینکه در خبر ابی حمزة است از مولاناالباقر علیه السلام[1]:

قٰالَ: نَزَلَ جِبْرَئیلُ بِهٰذِهِ الْاٰیَةِ هٰکَذٰا: «یٰا اَیُّهَاالنّٰاسُ قَدْ جٰائَکُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّکُمْ فِي وَلاٰیَةِ عَلِيٍّ فَاٰمِنُوا خَیْراً لَکُمْ وَ اِنْ تَکْفُرُوا بِوَلاٰیَتِهِ فَاِنَّ لِلّٰهِ مٰا فِي السَّمٰوٰاتِ وَ الْاَرْضِ».

یعنی: فرمودند: نازل شده است جبرئیل باین آیه همچنین «یٰا اَیُّهَاالنّٰاسُ» تا آخر مذکور.

و نیز در خبر دیگر ابی حمزة از آنحضرت «فَاٰمِنُوا بِوَلاٰیَتِهِ» نازل شده که هر یک از وجوه تنزیلیّة است.

بیست و یکم: آیه یکصد و هفتاد و چهار: «یٰا اَیُّهَا النّٰاسُ قَدْ جٰاءَکُمْ

۱- فصل الخطاب، ص:۲۷۸

بُرْهانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ اَنْزَلْنا اِلَيْكُمْ فِي عَلِيٍّ نُوراً مُبِيناً» تنزیل است نه بدون «فِي عَلِيٍّ» کمااینکه در خبر جابر است از مولانا الصّادق عليه السلام[1]:

«يا اَيُّهَا النّاسُ قَدْ جاءَكُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ اَنْزَلْنا اِلَيْكُمْ فِي عَلِيٍّ نُوراً مُبِيناً».

یعنی: فرمودند: «يا اَيُّهَا النّاسُ» تا آخر مذکور.

۲۰۷– سوره مائده: سی و یک خبر نیز در چند موضع:

اوّل: موضع پنجاه و نه آیه یک: «يا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اَوْفُوا بِالْعُقُودِ الَّتِي عُقِدَتْ عَلَيْكُمْ لِاَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» تنزیل است نه بدون «الَّتِي عُقِدَتْ عَلَيْكُمْ لِاَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» کمااینکه در خبر ابن ابی عمیر است از مولاناالجواد عليه السلام[2]:

قالَ: اِنَّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه وآله عَقَدَ عَلَيْهِمْ لِعَلِيٍّ عليه السلام فِي الْخِلافَةِ فِي عَشَرَةِ مَواطِنَ ثُمَّ اَنْزَلَ اللّهُ سُبْحانَهُ تعالی: «يا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اَوْفُوا بِالْعُقُودِ الَّتِي عُقِدَتْ عَلَيْكُمْ لِاَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام».

یعنی: فرمودند: بدرستیکه رسول خدا عقد فرمودند بر ایشان از برای علی عليه السلام بخلافة در ده موطن بعد نازل فرموده خدای سبحانه «يا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» تا آخر مذکور.

۱– فصل الخطاب، ص:۲۷۹

۲– فصل الخطاب، ص:۲۷۹ – بحارالانوار، ج:۳۶ ص:۹۳

دوّم: موضع نود: آیه هشت: «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ اَيْدِيَكُمْ مِنَ الْمَرَافِقِ» تنزیل است نه «اِلَى الْمَرَافِقِ» کمااینکه در خبر علی بن ریّان است از مولانا الصّادق علیه السلام(۱):

قَالَ: اِنَّ التَّنْزِيلَ فِي مُصْحَفِ اَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: «يَا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اِذَا قُمْتُمْ اِلَى الصَّلٰوةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ اَيْدِيَكُمْ مِنَ الْمَرَافِقِ».

یعنی: فرمودند: بدرستیکه تنزیل در مُصحف امیرالمؤمنین علیه السلام «يَا اَيُّهَا الَّذِينَ» تا آخر خبر مذکور.

سیّم: موضع شصت و یک آیه شش نیز: «وَ امْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَ اَرْجُلِكُمْ» بکسر لام تنزیل است نه فتح لام، کمااینکه در خبر غالب‌بن الهذیل است(۲):

قَالَ: سَأَلْتُ اَبَاجَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ «فَامْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَ اَرْجُلِكُمْ اِلَى الْكَعْبَيْنِ» عَلَى الْخَفْضِ هِيَ اَمْ عَلَى النَّصْبِ؟ قَالَ: بَلْ هِيَ عَلَى الْخَفْضِ.

یعنی: گفت: سؤال کردم امام باقر علیه السلام را از قول خدای عزّوجلّ «فَامْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَ ارْجُلِكُمْ اِلَى الْكَعْبَيْنِ» بر کسر است او یا بر فتح؟ فرمودند: بلکه بر کسر است.

چهارم: موضع شصت و دو: آیه شصت و هفت: «يَا اَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ

۱- فصل الخطاب، ص:۲۷۹ ۲- فصل الخطاب، ص:۲۷۹

مٰا اُنْزِلَ اِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ فِي عَلِيٍّ» تنزیل است نه بدون «فِي عَلِيٍّ»
کمااینکه در خبر ابن سنان است از مولاناالصّادق علیه السلام[1]:

قٰالَ: لَمّٰا اَمَرَ اللّٰهُ نَبِیَّهُ اَنْ یَنْصِبَ اَمیرَالْمُؤْمِنینَ لِلنّٰاسِ فِي قَوْلِهِ تعالی: «یٰا اَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مٰا اُنْزِلَ اِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ فِي عَلِيٍّ».

یعنی: فرمودند: زمانیکه امر فرمودند خدا نبیّ خود را اینکه نصب کند امیرالمؤمنین علیه السلام را از برای مردم در قول خدای تعالی «یٰا اَیُّهَا الرَّسُولُ» تا آخر خبر مذکور.

پنجم: موضع شصت و سه: آیه نود و یک: «مٰا تُطْعِمُونَ اَهٰالیکُمْ» تنزیل است نه «اَهْلیکُمْ» کمااینکه در خبر طبرسی است[2]:

رُوِيَ فِي قِرٰائَةِ جَعْفَرِبْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام «تُطْعِمُونَ اَهٰالیکُمْ».

یعنی روایة شده است در قرائة امام صادق علیه السلام «تُطْعِمُونَ اَهٰالیکُمْ».

ششم: موضع شصت و چهار: آیه نود و پنج: «یَحْکُمُ بِهِ ذُو عَدْلٍ مِنْکُمْ» تنزیل است نه «ذَوٰا عَدْلٍ» کمااینکه در خبر زُرارة است[3]:

قٰالَ: سَأَلْتُ اَبٰاجَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ «یَحْکُمُ بِهِ ذَوٰا عَدْلٍ مِنْکُمْ»؟ قٰالَ: الْعَدْلُ

۱- فصل الخطاب، ص:۲۷۹ - بحارالانوار، ج:۳۵ ص:۵۸
عیسی بن عبدالله عَن اَبیه عَن جَدِّه فی قوله تَعالی: «یا اَیُّها الرَّسول بَلِّغ ما اُنزِلَ اِلَیکَ فی عَلیٍ وَ اِن لَمْ تَفعَل عَذَّبتُکَ عَذاباً اَلیماً» فَطَرَحَ عَدُوِّی اِسم عَلیٍ.

۲- فصل الخطاب، ص:۲۸۲   ۳- فصل الخطاب، ص:۲۸۲

رَسُولُ اللّٰهِ ﷺ وَ الْاِمٰامُ مِنْ بَعْدِهِ ثُمَّ قٰالَ: وَ هٰذٰا مِمّٰا اَخْطَاَتْ بِهِ الْکُتّٰابُ.

یعنی: گفت: سؤال نمودم امام باقر ﷺ را از قول خدا «یَحْکُمُ بِهِ ذَوٰا عَدْلٍ مِنْکُمْ»؟ فرمودند: عدل رسول خدا ﷺ است و امام بعد آنست، بعد فرمودند: و این یعنی «ذَوٰا عَدْلٍ» از آن چیزیست که خطا نموده است باو کُتّاب.

هفتم: موضع شصت و پنج: آیه صد و یک: «لاٰ تَسْئَلُوا عَنْ اَشْیٰاء لَمْ تُبْدَ لَکُمْ اِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُوءْکُمْ» تنزیل است نَه بدون «لَمْ تبْدَ لَکُمْ» کما اینکه در خبر زید الشّحّام است از مولانا الصّادق ﷺ(۱):

«لاٰ تَسْئَلُوا عَنْ اَشْیٰاء لَمْ تُبْدَ لَکُمْ اِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُوءْکُمْ».

هشتم: موضع شصت و شش: آیه صد و دوازده: «قٰالَ الْحَوٰارِیُّونَ یٰا عِیسی بْنَ مَرْیَمَ هَلْ رَبَّکَ تَسْتَطِیعُ» تنزیل است نَه «هَلْ یَسْتَطِیعُ رَبُّکَ» کما اینکه در خبر مفضّل بن صالح بن ابی یعقوب است از مولانا الصّادق ﷺ(۲):

قٰالَ: سَمِعْتُهُ یَقُولُ: اِقْرَءْ «وَ اِذْ قٰالَ الْحَوٰارِیُّونَ یٰا عِیسی بْنَ مَرْیَمَ هَلْ رَبَّکَ تَسْتَطِیعُ» وَ لاٰ تقْرَء «هَلْ یَسْتَطِیعُ رَبُّکَ».

یعنی: گفت: شنیدم آنحضرت را میفرمودند قرائة کن «وَ اِذْ قٰالَ» تا

۱- فصل الخطاب، ص:۲۸۲

۲- فصل الخطاب، ص:۲۸۲

آخر مذکور، و قرائة نمیشود «هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ».

۲۲۷- سوره انعام: بیست خبر نیز در چند موضع:

اوّل: موضع شصت و هفت: آیه بیست و دو: «مٰا كُنّٰا مُشْرِكِينَ بِوَلاٰيَةِ عَلِيٍّ» تنزیل است نه بدون «بِوَلاٰيَةِ عَلِيٍّ» کمااینکه مولانا الصّادق عليه السلام در خبر ابی حمزة فرموده‌اند[۱]:

«وَ اللّٰهِ رَبِّنٰا مٰا كُنّٰا مُشْرِكِينَ بِوَلاٰيَةِ عَلِيٍّ».

دوّم: موضع شصت و هشت: آیه سی و سه: «فَإِنَّهُمْ لاٰ يُكْذِبُونَكَ» بتخفیف تنزیل است نه تشدید، کمااینکه در خبر غیابة الاسدی است از مولاناالامیر عليه السلام[۲]:

قٰالَ رَجُلٌ عِنْدَ اَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: «فَإِنَّهُمْ لاٰيُكَذِّبُونَكَ وَ لٰكِنَّ الظّٰالِمِينَ بِآيٰاتِ اللّٰهِ يَجْحَدُونَ، فَقٰالَ: بَلىٰ وَ اللّٰهِ لَقَدْ كَذَّبُوهُ اَشَدَّ التَّكْذِيبِ وَ لٰكِنَّهٰا مُخَفَّفة «لاٰ يُكْذِبُونَكَ، لاٰ يَأْتُونَ بِبٰاطِلٍ يُبْطِلُونَ بِهِ حَقَّكَ».

یعنی: گفت مردی نزد امیرالمؤمنین عليه السلام: «فَإِنَّهُمْ» تا آخر آیه، پس فرمودند: بلی قسم بخدا هر آینة بتحقیق تکذیب نمودند اشدّ تکذیب، و لیکن مخفّف است:

«لاٰيُكْذِبُونَكَ لاٰيَأْتُونَ بِبٰاطِلٍ يُبْطِلُونَ بِهِ حَقَّكَ».

۱- فصل الخطاب، ص:۲۸۳	۲- فصل الخطاب، ص:۲۸۳

که عبارة است از اینکه نخواهند آورد بباطلی که باطل نمایند باو حقّ تو را.

سیّم: موضع شصت و نه آیه پنجاه و نه: «وَ لا رَطْبٍ وَ لا یابِسٍ اِلاّ فی اِمامٍ مُبینٍ» تنزیل است نه «کِتابٍ مُبینٍ» کمااینکه در خبر حسین بن خالد است(۱):

قالَ: سَأَلْتُ اَبَاالْحَسَنِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ «وَ ما تَسْقُطُ» (اِلی اَن قال) قالَ: قُلْتُ: «فی کِتابٍ مُبینٍ» قالَ: فی اِمامٍ مبین.

یعنی: گفت: سؤال نمودم امام عالم موسی بن جعفر علیه السلام را از قول خدا «و آنچه ساقط میشود» تا اینکه گفت گفتم: «فی کِتابٍ مُبینٍ»؟ فرمودند: «فی اِمامٍ مُبینٍ».

چهارم: موضع هفتاد آیه صد و پانزده: «وَ تَمَّتْ کَلِمَةُ رَبِّکَ الْحُسْنیٰ» تنزیل است نه بدون «الْحُسْنیٰ» کمااینکه در خبر محمّدبن مروان است(۲):

قالَ: تَلا اَبُوعَبْدِاللّٰهِ علیه السلام «وَ تَمَّتْ کَلِمَةُ رَبِّکَ الْحُسْنیٰ صِدْقاً وَ عَدْلاً لا مُبَدِّلَ لِکَلِماتِهِ» فَقُلْتُ: اِنّا نَقْرَؤُها بِغَیْرِ «الْحُسْنیٰ»؟ فَقالَ: یَابْنَ مَرْوانَ اِنَّ فیها «الْحُسْنیٰ».

۱- فصل الخطاب، ص:۲۸۴ ۲- فصل الخطاب، ص:۲۸۴

يعنى: گفت: تلاوت فرمود امام صادقعليه السلام: «وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ الْحُسْنىٰ صِدْقاً وَ عَدْلاً لاٰ مُبَدِّلَ لِكَلِمٰاتِهِ» پس گفتم: بدرستيكه ما قرائة ميكنيم او را بدون «الْحُسْنىٰ» پس فرمودند: اى پسر مروان بدرستيكه در آنست «الْحُسْنىٰ».

پنجم: موضع هفتاد و يک آيه صد و پنجاه و نه: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيٰاتِ رَبِّكَ لاٰ يَنْفَعُ نَفْساً اِيمٰانُهٰا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ اَوْ اِكْتَسَبَتْ فِي اِيمٰانِهٰا خَيْراً» تنزيل است نَه «كَسَبَتْ» كمااينكه در خبر ابى بصير است از مولاناالباقرعليه السلام[1]:

قٰالَ: نَزَلَتْ اَوْ اِكْتَسَبَتْ فِي اِيمٰانِهٰا خَيْراً.

يعنى: فرمودند: نازل شده است «اَوْ اِكْتَسَبَتْ فِي اِيمٰانِهٰا خَيْراً».

ششم: موضع هفتاد و دو آيه صد و شصت: «اِنَّ الَّذِينَ فٰارَقُوا دِينَهُمْ» تنزيل است نَه «فَرَّقُوا» كمااينكه در خبر معلّى بن خنيس است از مولاناالصّادقعليه السلام[2]:

«فٰارَقُوا الْقَوْمُ وَ اللّٰهِ دِينَهُمْ، قٰالَعليه السلام: كٰانَ عَلِيٌّعليه السلام يَقْرَؤُهٰا «فٰارَقُوا».

يعنى: مفارقة كردند قوم قسم بخدا دين خودشانرا، ميفرمودند بود علىعليه السلام قرائة ميفرمودند «فٰارَقُوا».

۱- فصل الخطاب، ص:۲۸۴　　　۲- فصل الخطاب، ص:۲۸۵

۲۴۶- سوره اعراف نوزده خبر نیز در چند موضع:

اوّل: موضع هفتاد و سه: آیه سی و دو: «مِنَ الرِّزْقِ الْحَلاٰلِ» تنزیل است نه بدون «الْحَلاٰلِ» کمااینکه در خبر حمیدبن جابر العبدي است از مولاناامیرالمؤمنین علیه السلام[1]:

قٰالَ: تَلاٰ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللّٰهِ الَّتِي اَخْرَجَ لِعِبٰادِهِ وَالطَّيِّبٰاتِ مِنَ الرِّزْقِ الحَلاٰلِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا».

یعنی: گفت: تلاوت فرمودند «قُلْ مَنْ حَرَّمَ» تا آخر مذکور.

دوّم: موضع هفتاد و چهار: آیه چهل و هفت: «وَ اِذٰا قُلِبَتْ اَبْصٰارُهُمْ» تنزیل است نه «صُرِفَتْ» و «قٰالُوا عٰائِذاً بِکَ اَنْ تَجْعَلَنٰا» تنزیل است نه بدون «عٰائِذاً بِکَ اَنْ تَجْعَلَنٰا» کمااینکه در خبر ابي بصیر است[2]:

قٰالَ: تَلاٰ اَبُو عَبْدِاللّٰهِ علیه السلام: «وَ اِذٰا قُلِبَتْ اَبْصٰارُهُمْ تِلْقٰاءَ اَصْحٰابِ النّٰارِ قٰالُوا عٰائِذاً بِکَ اَنْ تَجْعَلَنٰا مَعَ الْقَوْمِ الظّٰالِمِينَ».

یعنی: گفت: تلاوة فرمودند امام صادق علیه السلام «وَ اِذٰا» تا آخر مذکور.

سیّم: آیه صد و هفتاد: «وَ اِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ» تنزیل اوّل سورة است نه بعد از آیات مذکورة، کمااینکه از مولانا الباقر علیه السلام در خبر محمّدبن

۱- فصل الخطاب، ص:۲۸۷ - تفسیر قمّی، ج:۱ ص:۲۲۲

۲- فصل الخطاب، ص:۲۸۵

قتيبة است از مؤدّب[۱]:

قَالَ: فَاسْتَعاذَ عليه السلام بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ثُمَّ قَرَءَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ «وَ اِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَانَّهُ ظُلَّةٌ وَ ظَنُّوا اَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ» فَقُلْتُ آلمص؟ فَقَالَ هٰذَا اَوَّلُ السُّورَةِ وَ هٰذَا نَاسِخٌ وَ هٰذَا مَنْسُوخٌ وَ هٰذَا مُحْكَمٌ وَ هٰذَا مُتَشَابِهٌ وَ هٰذَا عَامٌّ وَ هٰذَا خَاصٌّ وَ هٰذَا مَا غَلَطَ بِهِ الْكُتَّابُ وَ هٰذَا مَا اشْتَبَهَ عَلَى النَّاسِ.

یعنی: گفت: پس استعاذة نمودند بخدا از شیطان رجیم بعد قرائة نمودند بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم «وَ اِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ» تا آخر مذکور، پس گفتم: «آلمص»؟ پس فرمودند: این اوّل سوره است، و این ناسخ است و این منسوخ است و این محکم است و این متشابه است و این عامّ است و این خاصّ است و این آنچیزیست غلط نموده باو کُتّاب و این آنچیزیست اشتباه شده است بر مردم.

چهارم: موضع هفتاد و شش: آیه صد و هفتاد و یک: «قَالُوا بَلىٰ وَ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولِي وَ اَنَّ عَلِيّاً اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» تنزیل است نه بدون «وَ اَنَّ مُحَمَّداً» تا آخر مذکور، کمااینکه در خبر علی بن عتاب است از مولانا الباقر عليه السلام[۲]:

۱- فصل الخطاب، ص:۲۸۸

۲- فصل الخطاب، ص:۲۸۶ - بحارالانوار، ج:۳۷ ص:۳۱۱

قٰالَ: لَوْ اَنَّ الْجُهّٰالَ مِنْ هٰذِهِ الْاُمَّةِ یَعْرِفُونَ مَتیٰ سُمِّیَ اَمیرُالْمُؤْمِنینَ عليه السلام لَمْ یُنْکِرُوا، اِنَّ اللّٰهَ تَبٰارَکَ وَ تعالی حینَ اَخَذَ میثٰاقَ ذُرِّیَّةِ اٰدَمَ وَ ذٰلِکَ فیمٰا اَنْزَلَ اللّٰهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله في کِتٰابِهِ فَنَزَلَ بِهِ جِبْرَئیلُ کَمٰا قَرَأْنٰاهُ یٰا جٰابِرُ اَلَمْ تَسْمَعِ اللّٰهَ یَقُولُ «وَ اِذْ اَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنِي اٰدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَ اَشْهَدَهُمْ عَلیٰ اَنْفُسِهِمْ اَلَسْتُ بِرَبِّکُمْ قٰالُوا: بَلیٰ وَ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولي وَ اَنَّ عَلِیّاً اَمیرُالْمُؤْمِنینَ، فَوَ اللّٰهِ لَسَمّٰاهُ اَمیرَالْمُؤْمِنینَ فِی الْاَظِلَّةِ حَیْثُ اَخَذَ میثٰاقَ ذُرِّیَّةِ اٰدَمَ[1].

یعنی فرمودند: اگر بدرستیکه جهّال میدانستند چه وقت نام برده شد امیرالمؤمنین عليه السلام منکر نمیشدند، بدرستیکه خدای تبارک و تعالی اخذ فرمودند میثاق ذرّیة آدم را و او در آنچه نازل فرمودند خدا بر محمّد در کتاب خود پس نازل شد جبرئیل باو مثل آنچه قرائة نمودیم او را ای جابر آیا نشنیدی خدا را میفرماید «وَ اِذْ اَخَذَ» تا آخر مذکور پس قسم بخدا هر آینة نام برده است آنرا امیرالمؤمنین در اظلّة زمانیکه اخذ فرمودند میثاق ذرّیة آدم را.

۱- عَن اَبی جَعفر عليه السلام قٰالَ: لَوْ اَنَّ جُهّٰالَ هٰذِهِ الْاُمَّةِ یَعلَمُونَ مَتیٰ سُمِّیَ عَلیٌّ اَمیرَالْمُؤْمِنینَ لَمْ یُنْکِرُوا وَلایَته وَ طاعَته، قُلتُ: مَتی سُمِّیَ اَمیرالمؤمِنین؟ قال: حیثُ اَخَذَ اللّٰهُ میثٰاقَ ذُرِّیَّة اٰدَمَ، کَذا نَزَلَ بِهِ جِبرَئیل عَلی مُحمّد صلى الله عليه وآله: «وَ اِذْ اَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنی اٰدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَ اَشْهَدَهُمْ عَلیٰ اَنْفُسِهِمْ اَلَسْتُ بِرَبِّکُمْ وَ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولي وَ اَنَّ عَلیّاً اَمیرُالْمُؤْمِنینَ؟ قالوا: بَلی، ثُمَّ قالَ اَبوجَعفر عليه السلام: وَ اللّٰهِ لَقَد سَمّٰاهُ اللّٰه بِاسمٍ ما سُمِّیَ بِهِ اَحَداً قَبله.

و نیز در خبر جعفربن محمّد الفزاری از آنحضرت علیه السلام است[۱]:

انَّ مُحَمَّداً عَبْدي وَ رَسُولي وَ انَّ عَليّاً اميرالمُؤْمِنِين.

و در خبر جابر الجعفی نیز از آنحضرت علیه السلام است[۲]:

وَ مُحَمَّدٌ رَسُولي وَ عَلِيٌّ اَميرُالمُؤْمِنِينَ.

که هر یک از سه خبر از وجوه توسیعیّة تنزیلیّة است.

۲۵۶- سوره انفال: ده خبر در چند موضع:

اوّل: موضع هفتاد و هفت: آیه یک: «يَسْئَلُونَكَ الْاَنْفالَ» تنزیل است نَه «عَنِ الْاَنْفالِ» کمااینکه در نعمانیست از مولاناامیرالمؤمنین علیه السلام[۳]:

قالَ: قالَ اللّهُ: «يَسْئَلُونَكَ الْاَنْفالَ فَحَرَّفُوها وَ قالُوا «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْاَنْفالِ».

یعنی: گفت: فرمودند خدا: «يَسْئَلُونَكَ الْاَنْفالَ» پس تحریف کردند و گفتند: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْاَنْفالِ.

دوّم: موضع هفتاد و هشت: آیه بیست و پنج: «لَتُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا

۱- فصل الخطاب، ص:۲۸۶ ۲- فصل الخطاب، ص:۲۸۶

۳- فصل الخطاب، ص:۲۸۸ - بحارالانوار، ج:۹۳ ص:۲۱۳

فی قولِهِ تَعالی: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الأنفال» قالَ: نَزَلَت: يَسْئَلُونَكَ الأنفال.

مِـنْکُمْ خٰـاصَّةً» تـنزیل است کـماایـنکه در خـبر عـبدالرّحـیم از مولاناالباقر علیه السلام است[۱]:

«وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَتُصیبَنَّ الَّذینَ ظَلَمُوا مِنْکُمْ خٰاصَّةً» نه «لاٰتُصیبَنَّ» کماانیکه در مصحف است.

سیّم: موضع هفتاد و نه: آیه بیست و هفت: «وَ تَخُونُوا اَمٰانٰاتِکُمْ فی آلِ مُحَمَّدٍ» تنزیل است نَه بدون «فی آلِ مُحَمَّدٍ» کماانیکه در خـبر حسـان است از مولاناالباقر علیه السلام[۲]:

هٰکَذٰا نَزَلَتْ هٰذِهِ الْآیَةِ «یٰا اَیُّهَا اَلَّذینَ آمَنُوا لاٰتَخُونُوا اَمٰانٰاتِکُمْ فی آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْتُمْ تَعْلَمُونَ».

یعنی: این چنین نازل شده است این آیه «یٰا اَیُّهَا اَلَّذینَ» تا آخر خبر مذکور.

۲۹۱- سوره برائة: سی و پنج خبر نیز در چند موضع:

اوّل: موضع هشتاد: آیه چهل: «فَاَنْزَلَ اللّٰهُ سَکینَتَهُ عَلیٰ رَسُولِهِ وَ اَیَّدَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْهُ» تنزیل است نَه «عَلَیْهِ» و نَه بدون «بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْهُ» کماانیکه در خبر حریز است از مولانا الباقر علیه السلام[۳]:

۱- فصل الخطاب، ص:۲۸۹

۲- فصل الخطاب، ص:۲۸۹

۳- فصل الخطاب، ص:۲۹۰

اِنَّهُ قَرَءَ «فَاَنْزَلَ اللّٰهُ سَکِیْنَتَهُ عَلیٰ رَسُولِهِ وَ اَیَّدَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْهُ» قُلْتُ: لَیْسَ هٰکَذٰا نَقْرَؤُهٰا؟ قٰالَ: لاٰ هٰکَذٰا فَاقْرَءْهٰا لِاَنَّ تَنْزِیلَهٰا هٰکَذٰا.

یعنی: بدرستیکه قرائة فرمودند: «فَاَنْزَلَ اللّٰهُ سَکِیْنَتَهُ عَلیٰ رَسُولِهِ وَ اَیَّدَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْهُ» گفتم: نیست این چنین قرائة نمائیم او را؟ فرمودند: نَه این چنین قرائة کن او را بعلّة آنکه بدرستیکه تنزیل او این چنین است.

و مولانا الباقر علیه السلام نیز فرموده‌اند در خبر زرارة: آیا رؤیة نمیکنی بدرستیکه سکینة نیست غیر از این نازل شده برسول خدا صلی الله علیه و آله و قرار داده است کلمة کسانیکه کافر شدند پست و پائین.

دوّم: موضع هشتاد و یک: آیه چهل نیز: «وَیْلَکَ لاٰ تَحْـزَنْ» تنزیل است نَه بدون «وَیْلَکَ» کمااینکه در خبر اسحٰق بن عـمّار است از مولاناالصّادق علیه السلام(۱):

اِنَّهُ قٰالَ: «وَیْلَکَ» مِنْ کِتٰابِ اللّٰهِ.

یعنی: بدرستیکه فرمودند: «وَیْلَکَ» از کتاب خدا است.

سیّم: موضع هشتاد دو آیه هفتاد و چهار «یٰا اَیُّهَا النَّبِیُّ جٰاهِدِ الْکُفّٰارَ بِالْمُنٰافِقِینَ» تنزیل است نَه «وَ الْمُنٰافِقِینَ» کمااینکه در خبر طبرسی

۱- فصل الخطاب، ص: ۲۹۰

است[۱]:

وَ رُوِیَ فی قِرائَةِ اَهْلِ الْبَیْتِ علیهم السلام «جاهِدِ الْکُفّارَ بِالْمُنافِقینَ» قالُوا: لِاَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله لَمْ یَکُنْ یُقاتِلُ الْمُنافِقینَ وَ اِنَّما کانَ یَتَأَلَّفُهُمْ لِاَنَّ الْمُنافِقینَ لایُظْهِرُونَ الْکُفْرَ وَ عَلِمَ اللّهُ بِکُفْرِهِمْ لایُبیحُ قَتْلَهُمْ اِذا کانُوا یُظْهِرُونَ الْایمانَ.

یعنی روایة شده است در قرائة اهل بیت علیهم السلام «جاهِد الْکُفّارَ بِالْمُنافِقینَ» فرمودند علیه السلام بعلّة آنکه بدرستیکه نبی صلی الله علیه و آله نبودند مقاتلة کند منافقین را و نیست غیر از این، بودند تألیف میفرمودند آنها را بعلّة آنکه بدرستیکه منافقین اظهار نمیکردند کفر را و حال آنکه میدانست خدا کفر آنها را مباح نمیشد قتل آنها زمانیکه اظهار میکردند ایمان را.

چهارم: موضع هشتاد و سه: آیه صد و شش: «وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمَأْمُونُونَ» تنزیل است نه «وَ الْمُؤْمِنُونَ» کمااینکه در خبر حسین بن میاع است[۲]:

قالَ: قَرَءَ رَجُلٌ عِنْدَ اَبی عَبْدِاللّهِ علیه السلام «قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» فَقالَ: لَیْسَ هٰکَذا هِیَ اِنَّما هِیَ «وَ الْمَأْمُونُونَ» وَ نَحْنُ الْمَأْمُونُونَ.

یعنی: گفت: قرائة نمود مردی نزد امام صادق علیه السلام «قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی

۱- فصل الخطاب، ص:۲۹۱

۲- فصل الخطاب، ص:۲۹۱

اللّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» پس فرمودند: نیست این چنین او نیست غیر از این او «وَ الْمَأْمُونُونَ» است، و ما هستیم مَأْمُونُون.

پنجم: موضع هشتاد و چهار: آیه صد و هفت: «اِمّا اَنْ يُعَذِّبَهُمْ وَ اِمّا اَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ» تنزیل است نه بدون «أَنْ» بعد هر دو «اِمّا» کمااینکه در خبر جابر است از مولانا الصّادق علیه السلام(۱):

اِنَّهُ قَرَءَ «وَ اٰخَرُونَ يَرْجُونَ لِاَمْرِ اللّهِ اِمّا اَنْ يُعَذِّبَهُمْ وَ اِمّا اَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ».

یعنی: بدرستیکه قرائة فرمودند «وَ اٰخَرُونَ» تا آخر خبر مذکور، و از این خبر نیز معلوم شد که تنزیل «يَرْجُونَ» است نه «مُرْجُونَ» که در مصحف است.

ششم: موضع هشتاد و پنج آیه صد و یازده «لاٰيَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنُوا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ اِلىٰ اَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ» تنزیل است نه «اِلاّ أَنْ تَقَطَّعَ» کمااینکه در خبر اسحٰق بن عمّار است از مولانا الصّادق علیه السلام(۲):

«لاٰيَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ اِلىٰ اَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ».

یعنی «لاٰيَزَالُ» تا آخر خبر مذکور.

هفتم: موضع هشتاد و شش آیه صد و سیزده «التّائِبِينَ» تا آخر

۱- فصل الخطاب، ص:۲۹۱　　۲- فصل الخطاب، ص:۲۹۱

جمیعاً بیا تنزیل است نه بواو، کمااینکه در خبر ابی بصیر است[۱]:

قَالَ: سَأَلْتُ اَباجَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ «اِنَّ اللّٰهَ اشْتَرىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اَنْفُسَهُمْ وَ اَمْوالَهُمْ بِاَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَيَقْتُلُونَ» اِلىٰ اٰخِرِ الْاٰيَةِ؟ فَقَالَ عليه السلام: ذٰلِكَ فِي الْمِيثَاقِ ثُمَّ قَرَأْتُ «التَّائِبونَ الْعَابِدُونَ» فَقَالَ اَبُوجَعْفَرٍ عليه السلام: لاٰتَقْرَءْ هٰكَذٰا وَ لٰكِنْ اِقْرَءْ: «التَّائِبِينَ الْعَابِدِينَ» اِلىٰ اٰخِرِ الْاٰيَةِ.

یعنی گفت: سؤال کردم امام باقر عليه السلام را از قول خدای عزّوجلّ «اِنَّ اللّٰهَ» تا آخر آیه پس فرمودند عليه السلام: او در میثاق است بعد قرائة نمودم: «التَّائِبونَ الْعَابِدُونَ» پس فرمودند امام باقر عليه السلام: قرائة نکن این چنین و لکن قرائة کن: «التَّائِبِينَ الْعَابِدِينَ» تا آخر آیه.

هشتم: موضع هشتاد و هفت آیه صد و نوزده «وَ عَلىٰ الثَّلاٰثَةِ الَّذِينَ خَالَفُوا» تنزیل است نه «خُلِّفُوا» کمااینکه در خبر علی بن ابرٰهیم است[۲]:

قَالَ: قَالَ الْعَالِمُ عليه السلام: اِنَّمَا نَزَلَ «وَ عَلَى الثَّلاٰثَةِ الَّذِينَ خَالَفُوا» وَ لَوْ خُلِّفُوا لَمْ يَكُنْ لَهُمْ عَيْبٌ.

یعنی: گفت: فرمودند موسی بن جعفر عليه السلام: نیست غیر از این نازل شده «وَ عَلَى الثَّلاٰثَةِ الَّذِينَ خَالَفُوا» و اگر تخلیف شده بودند نبود از

۱- فصل الخطاب، ص:۲۹۱ ۲- فصل الخطاب، ص:۲۹۲

برای آنها عیبی.

نهم: موضع هشتاد وهشت آیه صد وبیست «یٰا اَیُّهَا الَّذینَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَکُونُوا مِنَ الصّادِقینَ» تنزیل است نه «مَعَ الصّٰادِقینَ» کمااینکه در خبر طبرسی است[۱]:

قٰالَ: وَ رُوِیَ مِنْ اَبِی عَبْدِاللّٰهِ علیه السلام «مِنَ الصّٰادِقینَ».

یعنی گفت: و روایة شده است از امام صادق علیه السلام «مِنَ الصّٰادِقینَ».

دهم: موضع هشتاد و نه: آیه صد و بیست و نه: «لَقَدْ جٰاءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ اَنْفُسِنٰا عَزیزٌ عَلَیْهِ مٰا عَنِتْنٰا حَریصٌ عَلَیْنٰا بِالْمُؤْمِنینَ رَؤُفٌ رَحیمٌ» تنزیل است نه «مِنْ اَنْفُسِکُمْ عَزیزٌ عَلَیْهِ مٰا عَنِتُّمْ حَریصٌ عَلَیْکُمْ» تا آخر کمااینکه در خبر اسحٰق بن عمّار است از مولانا الصّادق علیه السلام[۲]:

هٰکَذٰا اَنْزَلَ اللّٰهُ «لَقَدْ جٰاءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ اَنْفُسِنٰا عَزیزٌ عَلَیْهِ مٰا عَنِتْنٰا حَریصٌ عَلَیْنٰا بِالْمُؤْمِنینَ رَؤُفٌ رَحیمٌ».

یعنی فرمودند: این چنین نازل فرمود خدا «لَقَدْ جٰاءَکُمْ» تا آخر مذکور.

۲۹۲- سوره یونس: یک خبر در یک موضع:

«قُلْ لَوْ شٰاءَ اللّٰهُ مٰا تَلَوْتُهُ عَلَیْکُمْ وَ لاٰ اَنْذَرْتُکُمْ بِهِ» تنزیل است نه بدون

۱- فصل الخطاب، ص:۲۹۲

۲- فصل الخطاب، ص:۲۹۲

«وَ لاٰ اَنْذَرْتُكُمْ بِهِ» کمااینکه در خبر سهل بن زیاد است از مولاناالصّادق علیه السلام(۱):

«قُلْ لَوْ شاءَ اللّٰهُ ما تلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَ لاٰ اَنْذَرْتُكُمْ بِهِ».

۳۱۷– سوره هود: بیست و پنج خبر نیز در چند موضع:

اوّل: موضع نود: آیه پنج: «اَلاٰ اِنَّهُمْ يَثْنَوْنَ صَدُورَهُمْ» تنزیل است نه «يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ» کمااینکه در خبر طبرسی است از مولاناالصّادق علیه السلام(۲):

يَثْنَوْنَ».

و بعبارة اخری بفتح نون اوّل و دوّم تنزیل است نه ضمّ اوّل و فتح دوّم، و همچنین ضم راء «صُدُورُهُمْ» است نه فتح او.

دوّم: موضع نود و یک: آیه یازده: «اِلاَّ الَّذِينَ صَبَرُوا عَلىٰ مٰا صَنَعْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّهِمْ» تنزیل است نه بدون «عَلىٰ مٰا صَنَعْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّهِمْ» کمااینکه در خبر ابی حمزة است از مولانا الباقر علیه السلام(۳):

«اِلاَّ الَّذِينَ صَبَرُوا عَلىٰ مٰا صَنَعْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّهِمْ وَ عَمِلُوا الصّٰالِحٰاتِ.

سیّم: موضع نود و دو: آیه هفده: «اَفَمَنْ كٰانَ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ

۱– فصل الخطاب، ص:۲۹۳ ۲– تفسیر صافی؛ ص: ۲۵۰

۳– فصل الخطاب، ص:۲۹۳

شٰاهِدٌ مِنْهُ اِمٰاماً وَ رَحْمَةً وَ مِنْ قَبْلِهِ کِتٰابُ مُوسىٰ» تنزیل است نـه «وَ مِنْ قَبْلِهِ کِتٰابُ مُوسىٰ اِمٰاماً وَ رَحْمَةً» کمااینکه در خبر ابي بصیر است از مولانا الباقر علیه السلام(۱):

قٰالَ: اِنَّمٰا نَزَلَتْ «اَفَمَنْ کٰانَ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ» يَعْنِي رَسُولُ اللّٰهِ صلی الله علیه و آله «وَ يَتْلُوهُ شٰاهِدٌ مِنْهُ اِمٰاماً وَ رَحْمَةً وَ مِنْ قَبْلِهِ کِتٰابُ مُوسىٰ اُولٰئِکَ يُؤْمِنُونَ بِهِ» فَقَدَّمُوا وَ اَخَّرُوا فِي التَّأْلِيفِ.

یعنی فرمودند: نیست غیر از این نازل شده است «اَفَمَنْ» تا آخر آیه پس بتحقیق تقدیم داشتند و تأخیر داشتند در تألیف.

چهارم: موضع نود و سه: آیه چهل و چهار: «وَ نٰادىٰ نُوحٌ اِبْنَهُ» تنزیل است کمااینکه در خبر محمّدبن مسلم است یعنی بنصب الف «اَبْنَهُ» نه کسر او از مولاناالباقر علیه السلام(۲):

قٰالَ: «وَ نٰادىٰ نُوحٌ اَبْنَهُ» قٰالَ: اِنَّمٰا فِي لُغَةِ طَيٍّ اَبْنَهُ بِنَصْبِ الْاَلِفِ يَعْنِي اِبْنَ اِمْرِئَتِهِ.

یعنی فرمودند: و ندا کرد نوح ابن خود را فرمودند: نیست غیر این در لغة طيٍّ اَبْنَهُ بنصب الف است، یعنی پسر زن خود را.

۱- فصل الخطاب، ص:۲۹۳ ۲- فصل الخطاب، ص:۲۹۴

و در خبر کشّاف است[۱]:

وَ قَرَءَ عَلِيٌّ «اِبْنَهٰا» وَ قَرَءَ مُحَمَّدُبْنُ عَلِيٍّ «اِبْنَهَ».

یعنی و قرائة فرمودند علی علیه السلام «اِبْنَهٰا» بکسر الف با ها مع الالف، و قرائة فرمودند محمّدبن علی علیه السلام «اِبْنَهَ» بکسر الف و فتح ها بدون الف، که هر یک از وجوه توسیعیّة تنزیلیّة است.

پنجم: موضع نود و چهار: آیه هشتاد و یک: «بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِماً» تنزیل است نَه بدون «مُظْلِماً» کمااینکه در خبر ابی حمزة است از مولانا الصّادق علیه السلام[۲]:

«اِنّٰا رُسُلُ رَبِّکَ لَنْ يَصِلُوا اِلَيْکَ فَاَسْرِ بِاَهْلِکَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِماً» ثُمَّ قٰالَ اَبُوعَبْدِاللّٰهِ علیه السلام: وَ هٰکَذٰا قَرَئَهُ اَميرُالْمُؤْمِنينَ، یعنی «اِنّٰا رُسُلُ» تا آخر آیه، بعد فرمودند: امام صادق علیه السلام و این چنین است قرائة امیرالمؤمنین علیه السلام.

ششم: موضع نود و پنج آیه صد: «فَمِنْهٰا قٰائِماً وَ حَصيداً» تنزیل است نَه بدون فا و «قٰائِمٌ وَ حَصيدٌ» کمااینکه در خبر ابی بصیر است از مولاناالصّادق علیه السلام[۳]:

۱- فصل الخطاب، ص:۲۹۴
۲- فصل الخطاب، ص:۲۹۴
۳- فصل الخطاب، ص:۲۹۵

قَرَءَ «فَمِنْهٰا قٰائِماً وَ حَصِیداً» ثُمَّ قٰالَ: یٰا اَبٰا مُحَمَّدٍ لاٰ یَکُونُ حَصِیداً اِلاّٰ بِالْحَدِیدِ.

یعنی قرائة فرمودند «فَمِنْهٰا قٰائِماً وَ حِصِیداً» بعد فرمودند ای ابامحمّد نمیبوده باشد حصید مگر بحدید.

هفتم: موضع نود و شش: آیه صد و هشت: «وَ اَمَّا الَّذِینَ سُعِدُوا فَفِی الْجَنَّةِ خٰالِدِینَ فِیهٰا مٰادٰامَتِ السَّمٰوٰاتُ وَ الْاَرْضُ عَطٰاء غَیْرَ مَجْذُوذٍ» تنزیل است نَه با «اِلاّٰ مٰا شٰاءَ رَبُّکَ» کمااینکه در خبر ابی بصیر است از مولاناالباقر علیه السلام(۱):

قٰالَ: فِی ذِکْرِ اَهْلِ النّٰارِ اِسْتَثْنٰاءٌ وَ لَیْسَ فِی ذِکْرِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اِسْتَثْنٰاءٌ «وَ اَمَّا الَّذِینَ سُعِدُوا فَفِی الْجَنَّةِ خٰالِدِینَ فِیهٰا مٰادٰامَتِ السَّمٰوٰاتُ وَ الْاَرْضُ عَطٰاءٌ غَیْرَ مَجْذُوذٍ».

یعنی فرمودند: در ذکر اهل نار استثناء است و نیست در ذکر اهل جنّة استثناء «وَ اَمَّاالَّذِینَ» تا آخر مذکور.

۳۴۳- سوره یوسف: بیست و شش خبر، نیز در چند موضع:

اوّل: موضع نود و هفت آیه بیست و سه: «وَ قٰالَتْ هِیْتُ لَکَ» تنزیل است نَـه «هَیْتَ لَکَ» کـمااینکه در خبر ابی یعقوب است از مولاناالصّادق علیه السلام(۲):

۱- فصل الخطاب، ص:۲۹۵

۲- فصل الخطاب، ص:۲۹۵

قٰالَ: اِنَّمٰا هِیَ «هیِّئْتُ لَکَ».

یعنی فرمودند: نیست غیر از این او «هیِّئْتُ لَکَ» است.

و در خبر طبرسی است[۱]:

وَ رُوِیَ عَنْ عَلِیٍّ عليه السلام «هیِّئْتُ لَکَ» بِالْهَمْزَةِ وَ ضَمِّ الْیٰاءِ.

یعنی روایة شده است از علی عليه السلام «هیِّئْتُ لَکَ» بهمزة و ضمّ یاء.

دوّم: موضع نود و هشت آیه سی: «قَدْ شَعَفَهٰا» بعین تنزیل است نه بغین، کمااینکه در خبر طبرسی است[۲]:

قٰالَ: وَ رُوِیَ عَنْ عَلِیٍّ «قَدْ شَعَفَهٰا» بِالْعَیْنِ.

یعنی و روایة شده است از علی عليه السلام «قَدْ شَعَفَهٰا» بِعَیْنٍ.

سیّم: موضع نود و نه آیه سی و شش: «اَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي جَفْنَةً فِیهٰا خُبْزٌ تَأْکُلُ الطَّیْرُ مِنْهُ» تنزیل است نه «اَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزاً تَأْکُلُ الطَّیْرُ مِنْهُ»

کمااینکه در خبر ابی یعقوب است از مولانا الصّادق عليه السلام[۳]:

قٰالَ: تَلاٰ اَبُو عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام «اَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي جَفْنَةً فِیهٰا خُبْزٌ تَأْکُلُ الطَّیْرُ مِنْهُ».

یعنی گفت: تلاوت فرمودند امام صادق عليه السلام «اَحْمِلُ» تا آخر مذکور.

چهارم: موضع صد: آیه چهل و سه: «وَ سَبْعَ سَنٰابِلَ» تنزیل است نه

۱- فصل الخطاب، ص:۲۹۵ ۲- فصل الخطاب، ص:۲۹۵

۳- فصل الخطاب، ص:۲۹۵

«سَبْعَ سُنْبُلاٰتٍ» کمااینکه در خبر معلّی بن خنیس است(۱):

قٰالَ: سَمِعْتُ اَبٰاعَبْدِاللّٰهِ علیه السلام يَقُولُ: «سَبْعَ سَنٰابِلَ خُضْرٍ وَ اُخَرَ يٰابِسٰاتٍ».

یعنی گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام را میفرمودند: «سَبْعَ سَنٰابِلَ» تا آخر و همچنین است بیان در «سَبْعَ سَنٰابِلَ» در آیه.

پنجم: موضع صد و یک آیه چهل و هشت: «يَأْكُلْنَ مٰا قَرَّبْتُمْ لَهُنَّ» تنزیل است نه «مٰا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ» کمااینکه در خبر علی بن ابراهیم است(۲):

قٰالَ: قٰالَ الصّٰادِقُ علیه السلام: اِنَّمٰا نَزَلَ «مٰا قَرَّبْتُمْ».

یعنی: فرمودند امام صادق علیه السلام: نیست غیر از این نازل شده است «مٰا قَرَّبْتُمْ».

ششم: موضع صد و دو آیه چهل و نه: «عٰامٌ فِيهِ يُغٰاثُ النّٰاسُ و فِيهِ يُعْصَرُونَ» بضمّ یا و فتح صاد تنزیل است نه فتح یا و کسر صاد، کمااینکه در خبر علی بن ابراهیم است(۳):

قٰالَ: قٰالَ الصّٰادِقُ علیه السلام: قَرَءَ رَجُلٌ عَلىٰ اَميرِالْمُؤْمِنينَ علیه السلام «ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ عٰامٌ فِيهِ يُغٰاثُ النّٰاسُ وَ فِيهِ يَعْصِرُونَ» فَقٰالَ: وَيْحَكَ اَىَّ شَيْءٍ

۱- فصل الخطاب، ص:۲۹۵
۲- فصل الخطاب، ص:۲۹۵
۳- فصل الخطاب، ص:۲۹۶

«یَعْصِرُونَ»؟ یَعْصِرُونَ الْخَمْرَ؟ قٰالَ الرَّجُلُ: یٰا اَمیرَالْمُؤْمِنینَ کَیْفَ اَقْرَءُ هٰا؟ قٰالَ: اِنَّمٰا نَزَلَتْ «عٰامٌ فیهِ یُغٰاثُ النّٰاسُ وَ فیهِ یُعْصَرُونَ» اَی یُمْطَرُونَ بَعْدَ سِنینَ الْمُجٰاعَةِ، وَ الدَّلیلُ عَلیٰ ذٰلِکَ قَوْلَهُ تعالی «وَ اَنْزَلْنٰا مِنَ الْمُعْصِرٰاتِ مٰاءً ثَجّٰاجاً».

یعنی گفت: فرمودند امام صادق علیه السلام: قرائة نمود مردی بر امیرالمؤمنین علیه السلام «ثُمَّ یَأْتی» تا آخر آیه، پس فرمودند: ویحک چه چیز را میفشارند می‌فشارند خمر را؟ گفت آن مرد: ای امیرالمؤمنین چگونه قرائة کنم او را؟ فرمودند: نیست غیر از این نازل شده است «عٰامٌ فیهِ یُغٰاثُ النّٰاسُ وَ فیهِ یُعْصَرُونَ» بضم یا و فتح صاد ای یُمْطَرُونَ بعد سنین مجاعة، و دلیل بر او قول خدای تعالی است: «و اَنْزَلْنٰا مِنَ الْمُعْصِرٰاتِ مٰاءً ثجّاجاً».

هفتم: موضع صد و سه: آیه صد و ده: «حَتّیٰ اِذَا اسْتَیْأَسَ الرُّسُلُ وَ ظَنُّوا اَنَّهُمْ قَدْ کَذَبُوا جٰاءَهُمْ نَصْرُنٰا» بتخفیف «کَذَبُوا» و فتح کاف و ذال تنزیل است نَه بتشدید و ضمّ کاف یا بتخفیف و ضمّ کاف، کمااینکه در خبر ابی بصیر است از مولانا الصّادق علیه السلام(۱):

«حَتّیٰ اِذَا اسْتَیْأَسَ الرُّسُلُ وَ ظَنُّوا اَنَّهُمْ قَدْ کَذَبُوا» مُخَفَّفَةً. یعنی ذال کَذَبُوا بتخفیف است.

۱- فصل الخطاب، ص:۲۹۶

۳۵۸- سوره رعد: پانزده خبر نیز در چند موضع:

اوّل: موضع یکصد و چهار: آیه هشت: «اِنَّمٰا اَنْتَ مُنْذِرٌ لِعِبٰاد وَ عَلِیٌّ لِکُلِّ قَوْمٍ هٰادٍ» تنزیل است نه بدون «عَلِیٌّ» کمااینکه در خبر میرداماد است(۱):

اِنَّ الْاَحٰادیثَ مِنْ طُرُقِنٰا وَ طُرُقِهِمْ مُتَظٰافِرَةٌ بِاَنَّهُ کٰانَ التَّنْزیلُ «اِنَّمٰا اَنْتَ مُنْذِرٌ لِعِبٰاد وَ عَلِیٌّ لِکُلِّ قَوْمٍ هٰادٍ».

یعنی: بدرستیکه احادیث از طرق ما و طرق آنها متظافرة است باینکه بدرستیکه بوده است تنزیل: «اِنَّمٰا أَنْتَ مُنْذِرٌ لِعِبٰاد وَ عَلِیٌّ لِکُلِّ قَوْمٍ هٰادٍ».

دوّم: موضع یکصد و پنج: آیه دوازده: «لَهُ مُعَقِّبٰاتٌ مِنْ خَلْفِهِ وَ رَقیبٌ بَیْنَ یَدَیْهِ یَحْفَظُونَهُ بِاَمْرِ اللّٰهِ» تنزیل است نه «لَهُ مُعَقِّبٰاتٌ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ رَقیبٌ وَ مِنْ خَلْفِهِ یَحْفَظُونَهُ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ» کمااینکه در خبر علی بن ابراهیم است(۲):

۱- فصل الخطاب، ص:۲۹۶ - کتاب سلیم بن قیس؛ ص:۷۸۱
وَ الَّذی اَنْزَلَ اللّٰه جَلَّ اسمُه فیهِ: «اِنَّمٰا اَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هٰادٍ» وَ اللّٰهِ لَقَد نَزَلَت: «وَ عَلیٌّ لِکُلِّ قوم هاد» فَاسقَطتُم ذلِک.

۲- فصل الخطاب، ص:۲۹۷- بحارالانوار، ج:۵۶ ص:۱۷۹- تفسیر قمّی، ج:۱ ص:۳۶۰

فَإِنَّها قُرِئَت عِندَ اَبی عَبدِاللّهِ﵇ فَقالَ لِقارِئِها: أَلَسْتُمْ عُرُباً فَكَيْفَ يَكُونُ الْمُعَقَّباتُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ، وَ إِنَّمَا الْمُعَقِّبُ مِنْ خَلْفِهِ، فَقالَ الرَّجُلُ: جُعِلْتُ فِداك كَيْفَ هٰذا؟ فَقالَ: إِنَّمَا نَزَلَتْ «لَهُ مُعَقَّباتٌ مِنْ خَلْفِهِ وَ رَقيبٌ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ يَحْفَظُونَهُ بِأَمْرِ اللّٰهِ» وَ مَنْ ذَاالَّذي يَقْدِرُ اَنْ يَحْفَظَ الشَّيْءَ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ وَ هُمُ الْمَلائِكَةُ الْمُوَكَّلونَ بِالنّاسِ.

یعنی گفت: پس بدرستیکه آیه مذکورة را کما فی الصحف قرائة شد نزد امام صادق﵇ پس فرمودند از برای قاری او: آیا نیستید شما عَرَبها پس چگونه میبوده باشد مُعقّبات از بین دو دست، و نیست غیر از این عقب از خلف آنست، پس گفت مرد: گردیده باشم فدای تو چگونه است این؟ پس فرمودند: غیر این نیست نازل شده است «لَهُ مُعَقَّباتٌ» تا آخر آنچه فرمودند در آیه، و چه کس قدرة دارد اینکه حفظ کند شییء را از امر خدا و حال آنکه ایشان ملائکة موکّلون هستند بمردم.

سیّم: موضع یکصد و شش: آیه یازده قبل از آیه مذکورة «سَواءٌ عَلَى اللّٰهِ مَنْ اَسَرَّ الْقَوْلَ اَوْ جَهَرَ بِهِ» تنزیل است نه بدون «عَلَى اللّٰهِ» کمااینکه در خبر ابی بصیر است از مولانا الباقر﵇[1]:

۱- فصل الخطاب، ص:۲۹۷

قالَ عليه السلام: «سَواءٌ عَلَى اللّهِ مَنْ اَسَرَّ الْقَوْلَ اَوْ جَهَرَ بِهِ».

یعنی فرمودند: «سَوٰاءٌ» تا آخر خبر مذکور.

چهارم: موضع یکصد و هفت: آیه سی: «اَفَلَمْ يَتَبَيَّنِ لِلَّذينَ آمَنُوا» تنزیل است نه «اَفَلَمْ يَيْأَسِ الَّذينَ آمَنُوا» کمااینکه در خبر سعدبن عبداللّهِ است(۱):

قالَ: قَرَءَ الصّادِقُ عليه السلام «اَفَلَمْ يَتَبَيَّنِ لِلَّذينَ آمَنُوا اَنْ لَوْ يَشاءُ اللّهُ لَهَدَى النّاسَ جَميعاً».

یعنی: گفت: قرائة فرمودند امام صادق عليه السلام: «اَفَلَمْ» تا آخر خبر مذکور.

۳۷۴- سوره ابراهیم: شانزده خبر نیز در چند موضع:

اوّل: موضع یکصد و هشت: آیه بیست و هفت: «اِلاّ اَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لي وَ عَدَلْتُمْ عَنِ الْوَلِيِّ فَلا تَلُومُوني وَ لُومُوا اَنْفُسَكُمْ» تنزیل است نه بدون «وَ عَدَلْتُمْ عَنِ الْوَلِيِّ» کمااینکه در خبر ابی بصیر است از مولاناالصّادق عليه السلام(۲):

قالَ عليه السلام: فَاسْتَجَبْتُمْ لي وَ عَدَلْتُمْ عَنِ الْوَلِيِّ فَلا تَلُومُوني وَ لُومُوا اَنْفُسَكُمْ».

یعنی: فرمودند: «فَاسْتَجَبْتُمْ» تا آخر آیه.

۱- فصل الخطاب، ص:۲۹۷ ۲- فصل الخطاب، ص:۲۹۸

دوّم: موضع یکصد و نه: آیه سی و هفت: «وَ آتیٰکُمْ مِنْ کُلٍّ مٰا سَأَلْتُمُوهُ» تنزیل است، یعنی بتنوین «کُلٍّ» نه کسر او، کمااینکه در خبر ابی هرون المکفوف است(۱):

قٰالَ: سَمِعْتُ اَبٰاعَبْدِاللّٰهِ علیه السلام یَقُولُ: «وَ آتیٰکُمْ مِنْ کُلٍّ مٰا سَأَلْتُمُوهُ».

یعنی: گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام را میفرمودند: «وَ آتیٰکُمْ» تا آخر.

سیّم: موضع یکصد و ده: آیه چهل: «تَهْویٰ اِلَیْهِمْ» تنزیل است نه «تَهْوِي» و بعبارة اخری بفتح واو و الف نه کسر واو و یا، کمااینکه در خبر طبرسی است(۲):

قٰالَ: وَ قَرَءَ اَمیرُالْمُؤمنین علیه السلام «تَهْویٰ اِلَیْهِمْ» بفتح الواو.

یعنی: گفت: و قرائة فرمودند امیرالمؤمنین علیه السلام «تَهْویٰ اِلَیْهِمْ» بفتح واو.

چهارم: موضع یکصد و یازده آیه سی و هشت: «وَ مٰا یَخْفیٰ عَلَی اللّٰهِ شَأْنُ شَیْءٍ فِي الْاَرْضِ وَ لاٰ فِي السَّمٰاءِ» تنزیل است نه بدون «شَأْنُ شَیْءٍ» کماینکه در خبر اسدی است از مولانا الصّادق علیه السلام(۳):

«اِنَّکَ تَعْلَمُ مٰا نُخْفِي وَ مٰا نُعْلِنُ وَ مٰا یَخْفیٰ عَلَی اللّٰهِ شَأْنُ شَیْءٍ فِي الْاَرْضِ وَ لاٰ

۱- فصل الخطاب، ص:۲۹۷ ۲- فصل الخطاب، ص:۲۹۸

۳- فصل الخطاب، ص:۲۹۸

فِي السَّمٰاءِ».

یعنی فرمودند: «اِنَّکَ تَعْلَمُ» تا آخر آیه.

پنجم: موضع یکصد و دوازده: آیه چهل و دو: «رَبَّنا اَغْفِرْ لِي وَ لِوَلَدَيَّ» تنزیل است نه «وَ لِوٰالِدَيَّ» کمااینکه در خبر جابر است[۱]:

قٰالَ: سَأَلْتُ اَبٰا جَعفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ تعالی «رَبِّ اَغْفِرْ لِي وَ لِوٰالِدَيَّ» قٰالَ: هٰذِهِ الْكَلِمَةُ صَحَّفَهٰا الْكُتّٰابُ اِنَّمٰا كٰانَ اِسْتِغْفٰارُ اِبْرٰهِيمُ لِاَبِيهِ عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهٰا اِيّٰاهُ وَ اِنَّمٰا قٰالَ: «رَبِّ اَغْفِرْ لِي وَ لِوَلَدَيَّ» يَعْنِي اِسْمٰعِيلَ وَ اِسْحٰقَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ اللّٰهِ اَبْنٰاء رَسُول اللّٰهِ صلی الله علیه و آله و سلم.

یعنی گفت سؤال کردم امام صادق عليه السلام را از قول خدای تعالی «رَبِّ اَغْفِرْلِي وَ لِوٰالِدَيَّ» فرمودند این کلمة تصحیف نموده است او را کتّاب نیست غیر از این بود ابرٰهیم استغفار میفرمود از برای پدر خود از وعده که وعده داده بود او را پدر خود را و نیست غیر از این گفت «رَبِّ اَغْفِرْلِي وَ لِوَلَدَيَّ» يَعْنِي اِسْمٰعِيلْ و اِسْحٰقْ وَ حَسَن وَ حُسَين قَسَمْ بخدا دو پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

ششم: آیه چهل و پنج: «وَ قَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنٰا بِهِمْ وَ ضَرَبْنٰا لَكُمُ الْاَمْثٰالَ و لٰكِنْ لاٰتَعْقِلُونَ» تنزیل است نه بدون «قَدْ» در اوّل «وَ لٰكِنْ

۱- فصل الخطاب، ص: ۲۹۸ - بحار، ج: ۱۲ ص: ۷۴ - تفسیر عیاشی، ج:۲ ص: ۲۳۵

لاٰتَعْقِلُونَ» در آخر، کمااینکه در خبر ابی حمزة است از مولاناالصّادق علیه السلام [۱]:

قالَ: «وَ قَدْ تَبَیَّنَ لَکُمْ کَیْفَ فَعَلْنٰا بِهِمْ وَ ضَرَبْنٰا لَکُمُ الْاَمْثٰالَ لٰکِنْ لاٰ تَعْقِلُونَ».

یعنی فرمودند «وَ قَدْ تَبَیَّنَ» تا آخر مذکور.

۳۸۹- سوره حجر: پانزده خبر نیز در چند موضع:

اوّل: موضع صد و چهارده: آیه دو: «رُبَمٰا یَوَدُّ الَّذِینَ کَفَرُوا لَوْ کٰانُوا مَسَلِّمِینَ» بتشدید لام و فتح سین تنزیل است نه بتخفیف لام و سکون سین، کمااینکه در خبر کامل تمّار است از مولاناالصّادق علیه السلام [۲]:

«رُبَمٰا یَوَدُّ الَّذِینَ کَفَرُوا لَوْ کٰانُوا مُسَلِّمِینَ» بِفَتْحٍ مُثْقَلَة.

یعنی بفتح سین و تثقیل لام.

دوّم: آیه چهل و یک: «هٰذٰا صِرٰاطُ عَلِیٍّ مُسْتَقِیمٌ» تنزیل است نه «عَلَیَّ» بفتح لام و یا، کمااینکه در خبر ابن اذینه است از یکی از صادقین علیهما السلام [۳]:

۱- فصل الخطاب، ص:۲۹۸ ۲- فصل الخطاب، ص:۲۹۸

۳- فصل الخطاب، ص:۲۹۹ - بحارالانوار، ج:۳۵ ص:۵۹

رَوی الصّادِقُ عَنْ اَبیهِ عَنْ جَدِّهِ علیهم السلام قٰالَ: قٰالَ یومٌ الثّانی لِرَسُولِ اللّٰهِ صلی الله علیه و آله: اِنَّکَ لاٰتَزٰالُ تَقُولُ لِعَلِیٍّ: اَنْتَ مِنّی بِمَنْزِلَةِ هٰرُونَ مِنْ مُوسیٰ، فَقَدْ ذَکَرَ اللّٰهُ هٰرُونَ فی اُمِّ الْقُرْآنِ وَ لَمْ یَذْکُرْ

قٰالَ: قٰامَ الثّٰانی اِلیٰ رَسُولِ اللّٰهِ صلی الله علیه و آله فَقٰالَ: اِنَّکَ لاٰیزٰالُ تَقُولُ لِعَلِیٍّ: اَنْتَ مِنّی بِمَنْزِلَةِ هٰرُونَ مِنْ مُوسیٰ وَ قَدْ ذَکَرَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ هٰرُونَ فِی الْقُرْاٰنِ وَ لَمْ یَذْکُرْ عَلِیّاً؟ فَقٰالَ: مٰا عَلَیْکَ اَ مٰا سَمِعْتَ قَوْلَ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ «وَ اِنَّ هٰذٰا صِرٰاط عَلِیٍّ مُسْتَقیم[۲]».

یعنی گفت: ایستاد دوّمی (عمر) بسوی رسول خدا صلی الله علیه و آله پس گفت: بدرستیکه تو همیشه میگوئی از برای علی تو از من بمنزلة هٰرون هستی از موسی و بتحقیق ذکر فرموده است خدای عزّوجلّ هٰرون را در قرآن و ذکر نفرموده علی را، پس فرمودند: چیست بر تو آیا نشنیدی قول خدای عزّوجلّ را «وَ اِنَّ هٰذٰا» تا آخر مذکور.

۴۱۱- سوره نحل: بیست و دو خبر نیز در چند موضع:

اوّل: موضع صد و شانزده: آیه بیست و چهار: «وَ اِذٰا قیلَ لَهُمْ مٰا ذٰا اَنْزَلَ رَبُّکُمْ فی عَلِیٍّ قٰالُوا اَسٰاطیرُ الْاَوَّلینَ» تنزیل است نه بدون «فی عَلِیٍّ» کمااینکه در خبر ابی حمزة است[۱]:

قٰالَ: سَمِعْتُ اَبٰاجَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ: وَ نَزَلَتْ هٰذِهِ الْاٰیَةِ هٰکَذٰا «وَ اِذٰا قیلَ لَهُمْ مٰا ذٰا اَنْزَلَ رَبُّکُمْ فی عَلِیٍّ قٰالُوا اَسٰاطیرُ الْاَوَّلینَ».

عَلِیّاً؟ فَقٰالَ: یٰا غَلیظ! یٰا جاهِل! اَ مٰا سَمِعْتَ اللّٰه سُبحانَهُ یَقولُ: «هٰذٰا صِرٰاطُ عَلِیٍّ مُسْتَقیمٌ».

۱- فصل الخطاب، ص: ۳۰۰

یعنی گفت: شنیدم امام باقر علیه السلام را میفرمودند و نازل شد این آیه این چنین «وَ اِذٰا قیلَ» تا آخر.

دوّم: آیه بیست و شش: «فَاَتَیٰ اللّٰهُ بَیْتَهُمْ مِنَ الْقَوٰاعِدِ» تنزیل است نَه «بُنْیٰانَهُمْ» کمااینکه در خبر ابی السّفائح است از مولاناالصّادق علیه السلام(۱):

اِنَّهُ قَرَءَ «فَاَتَیٰ اللّٰهُ بَیْتَهُمْ مِنَ الْقَوٰاعِدِ» یَعْنِي بَیْتَ مَکْرِهِمْ.

یعنی بدرستیکه قرائة فرمودند پس اتیان نمود خدا بیت آنها را از قواعد یعنی بیت مکر آنها را.

سیّم: آیه نود و دو: «اِنَّ اللّٰهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْاِحْسٰانِ وَ اِیتٰاءِ ذِي الْقُرْبیٰ حَقَّهُ» تنزیل است نَه بدون «حَقَّهُ» کمااینکه در خبر اسمٰعیل الجریریست(۲):

قٰالَ: قُلْتُ لِاَبِي عَبْدِ اللّٰهِ علیه السلام: قَوْلُ اللّٰهِ تعالی «اِنَّ اللّٰهَ یَاْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْاِحْسٰانِ وَ اِیتٰاءِ ذی الْقُرْبیٰ وَ یَنْهیٰ عَنِ الْفَحْشٰاءِ وَ الْمُنْکَرِ وَ الْبَغْيِ» قٰالَ: اِقْرَأْ کَمٰا اَقُولُ لَکَ یٰا اِسْمٰعیلُ: «اِنَّ اللّٰهَ یَاْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْاِحْسٰانِ وَ اِیتٰاءِ ذِي الْقُربیٰ حَقَّهُ» فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدٰاکَ اِنّٰا لٰانَقْرَءُ هٰکَذٰا فی قِرٰائَةِ زَیْدٍ، قٰالَ: وَ لٰکِنّٰا نَقْرَؤُهٰا هٰکَذٰا

۱- فصل الخطاب، ص:۳۰۰

۲- فصل الخطاب، ص:۳۰۱ - بحارالانوار، ج:۲۴ ص:۱۸۹

فِي قِرائَةِ عَلِيٍّ عليه السلام.

یعنی گفت: گفتم از برای امام صادق عليه السلام: قول خدای تعالی «اِنَّ اللّٰهَ» تا آخر آیه فرمودند: قرائة کن مثل آنچه میگویم از برای تو ای اسمعیل «اِنَّ اللّٰهَ» تا آخر پس گفتم: گردیده باشم فدای تو بدرستیکه ما قرائة نمیکنیم این چنین در قرائة زید، فرمودند: و لیکن قرائة میکنیم ما او را این چنین در قرائة علی عليه السلام.

چهارم: آیه نود و چهار: «ان تَكُونَ اَئِمَّةٌ هِيَ اَزْكىٰ مِنْ اَئِمَّتِكُمْ» تنزیل است نه «اُمَّةٌ اَرْبىٰ مِنْ اُمَّةٍ» کمااینکه در خبر علی بن ابرٰهیم است از مولانا الصّادق عليه السلام[1]:

اِنَّهُ قَرَءَ «أَنْ تَكُونَ اَئِمَّةٌ هِيَ اَزْكىٰ مِنْ اَئِمَّتِكُمْ. فَقِيلَ: يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ نَحْنُ نَقْرَؤُهٰا «هِيَ اَرْبىٰ مِنْ اُمَّةٍ»؟ قٰالَ: وَيْحَكَ وَ مٰا اَرْبىٰ وَ اَوْمَأَ بِيَدِهِ فَطَرَحَهٰا.

یعنی بدرستیکه قرائة فرمودند «انْ تَكُون» تا آخر پس گفته شد: ای پسر رسول خدا ما قرائة میکنیم «هِيَ اَرْبىٰ مِنْ اُمَّةٍ» فرمودند: ویحک و چیست «اَرْبىٰ» و اشارة فرمودند بدست خود بطرح او.

۴۳۹- سوره اسریٰ: بیست و هشت خبر نیز در چند موضع:

اوّل: موضع یکصد و بیست: آیه پنج: «فَإِذٰا جٰاءَ وَعْدُ اُولٰيهُمٰا بَعَثْنٰا

۱- فصل الخطاب، ص:۳۰۱ - بحارالانوار، ج:۳۶ ص:۱۷۰

عَلَیْکُمْ عَبِیداً لَنا» تنزیل است نَه «عِباداً لَنا» کمااینکه در خبر طبرسی است[۱]:

قالَ: اِنَّ عَلِیّاً قَرَءَ «بَعَثْنا عَلَیکُمْ عَبِیداً لَنا».

یعنی گفت: بدرستیکه علی علیه السلام قرائة فرمودند «بَعَثْنا» تا آخر.

و از مولانا الباقر علیه السلام است در خبر حمران «فَبَعَثْنا عَلَیْهِمْ عِباداً لَنا» که هر یک وجوه تنزیلیّة توسیعیّة است.

دوّم: موضع صد و بیست و یک: آیه هفت: «فَاِذا جاءَ وَعْدُ الْاٰخِرَةِ لِنَسُوءَ وُجُوهَکُمْ» تنزیل است یعنی بنون نَه بیا، کمااینکه در خبر ابی بصیر است[۲]:

قالَ: کانَ اَبو عَبْدِاللّٰهِ یَقْرَءُ «فَاِذا جاءَ وَعْدُ الْاٰخِرَةِ لِنَسُوء وُجُوهکُمْ» بِالنُّون.

یعنی گفت: بودند امام صادق علیه السلام قرائة میفرمودند[۳]:

«فَاِذا جاءَ وَعْدُ الْاٰخِرَةِ لِنَسُوء وُجُوهَکُمْ» بنون است.

سیّم: آیه هفده: «وَ اِذا اَرَدْنا اَنْ نُهْلِکَ قَرْیَةً اٰمَرْنا» بمدّ الف تنزیل است کمااینکه در خبر طبرسی است:

قالَ: هِیَ یعنی «اٰمَرْنا» بِالْمَدِّ قِرائَةِ عَلِیٍّ.

۱- فصل الخطاب، ص:۳۰۲ ۲- فصل الخطاب، ص:۳۰۲

۳- فصل الخطاب، ص:۳۰۲

یعنی گفت: او یعنی «اٰمَرْنٰا» بمدّ قرائة علی علیه السلام است.

و در خبر حمران است از مولانا الباقر علیه السلام[۱]:

«وَ اِذٰا اَرَدْنٰا اَنْ نُهْلِکَ قَرْیَةً اَمَّرْنٰا مُتْرَفِیهٰا» مُشَدَّدَة مِیمُهُ.

یعنی مشدّد است میم «اَمَّرْنٰا» که هر یک از وجوه توسیعیّة است.

چهارم: آیه پنجاه و نه: «وَ مٰا جَعَلْنَا الرُّؤْیَا الَّتِی اَرَیْنٰاکَ اِلاّٰ فِتْنَةً لِلنّاس لَهُمْ لِیَعْمَهُوا فِیهٰا» تنزیل است نه بدون «لَهُمْ لِیَعْمَهُوا فِیهٰا» کمااینکه در خبر حسین بن مختار است[۲]:

قٰالَ: سَمِعْتُ اَبٰاجَعْفَر علیه السلام یَقْرَءُ «وَ مٰا جَعَلْنَا الرُّؤْیَا الَّتِی اَرَیْنٰاکَ اِلاّٰ فِتْنَةً لِلناس لَهُمْ لِیَعْمَهُوا فِیهٰا».

یعنی گفت: شنیدم امام باقر علیه السلام را قرائة میکردند «وَ مٰا جَعَلْنٰا» تا آخر مذکور.

پنجم: موضع صد و بیست و چهار آیه هفتاد و پنج: «وَ اِنْ کٰادُوا لَیَفْتِنُونَکَ عَنِ الَّذِی اَوْحَیْنٰا اِلَیْکَ فِی عَلِیٍّ» تنزیل است نه بدون «فِی عَلِیٍّ» کمااینکه در خبر ابی حمزة است از مولانا الباقر علیه السلام[۳]:

«وَ اِنْ کٰادُوا لَیَفْتِنُونَکَ عَنِ الَّذِی اَوْحَیْنٰا اِلَیْکَ فِی عَلِیٍّ».

۱- فصل الخطاب، ص:۳۰۲　　۲- فصل الخطاب، ص:۳۰۳

۳- فصل الخطاب، ص:۳۰۲

ششم: آیه هفتاد و پنج: «ثُمَّ لاٰ تَجِدُ لَکَ عَلَیْنٰا نَصیراً ثُمَّ لاٰتَجِدُ بَعْدَکَ مِثْلَ عَلِیٍّ وَلِیّاً» تنزیل است نه بدون «ثُمَّ لاٰتَجِدُ بَعْدَکَ مِثْلَ عَلِیٍّ وَلِیّاً» کمااینکه در خبر عبداللّهِ بن عثمان از مردی[۱]:

اِنَّ النَّبِیَّ ﷺ اِجْتَمَعَ عِنْدَهُ رُؤُسهُمٰا فَتَکَلَّمُوا فی عَلِیٍّ علیه السلام وَ کٰانَ مِنَ النَّبِیِّ اَنْ یُلَیِّنَ لَهُمٰا فی بَعْضِ الْقَوْلِ فَاَنْزَلَ اللّهُ «لَقَدْ کِدْتَ تَرْکَنُ اِلَیْهِمْ شَیْئاً قَلیلاً اِذاً لَاَذَقْناکَ ضِعْفَ الْحَیٰوةِ وَ ضِعْفَ الْمَمٰاتِ ثُمَّ لاٰتَجِدُ لَکَ عَلَیْنٰا نَصیراً ثُمَّ لاٰتَجِدُ بَعْدَکَ مِثْلَ عَلِی وَلِیّاً».

یعنی بدرستیکه نبی ﷺ اجتماع نمود نزد آنحضرت سرهای آندو پس تکلّم نمودند در علی علیه السلام و بود از نبی ﷺ اینکه لیّن فرماید از برای آندو قول را پس نازل فرمود خدا «لَقَدْ» تا آخر مذکور.

هفتم: آیه هشتاد و چهار: «وَ لاٰ یَزیدُ الظّٰالِمینَ آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ اِلاّٰ خَسٰاراً» تنزیل است نه بدون «آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ» کمااینکه در خبر محمّدبن ابی حمزة است از مولانا ابی جعفر علیه السلام[۲]:

قٰالَ: نَزَلَ جِبْرَئیلُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ ﷺ بِهٰذِهِ الْآیَةِ هٰکَذٰا «وَ لاٰ یَزیدُ الظّٰالِمینَ آلَ

۱- فصل الخطاب، ص:۳۰۳

۲- فصل الخطاب، ص:۳۰۴ - بحارالانوار، ج:۲۴ ص:۱۸۸

مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ اِلاّٰ خَسٰاراً».

یعنی فرمودند و نازل شد جبرئیل بر محمّد صلی الله علیه و آله باین آیه چنین «وَ لاٰیَزیدُ الظّٰالِمینَ» تا آخر مذکور.

و از آنحضرت است نیز در خبر مذکور که فرمودند[1]:

«وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْانِ مٰا هُوَ شِفٰاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنینَ وَ لاٰ یَزیدُ ظٰالِمِي اٰلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ اِلاّٰ خَسٰاراً».

که هر یک از وجوه تنزیلیّة توسیعیّة است مثل «وَ رَحْمَةُ رَبِّکَ لِلْمُؤْمِنینَ» کمااینکه از آنحضرت است در خبر مذکور نیز.

هشتم: آیه هشتاد و نه: «فَاَبیٰ اَکْثَرُ النّٰاسِ بِوَلاٰیَةِ عَلِيٍّ اِلاّٰ کُفُوراً» تنزیل است نَه بدون «بِوَلاٰیَةِ عَلِيٍّ» کمااینکه در خبر عبد اللّه بن سنان است از مولاناالصّادق علیه السلام[2]:

قٰالَ: نَزَلَ جِبْرِئیلُ بِهٰذِهِ الْاٰیَةِ هٰکَذٰا «فَاَبیٰ اَکْثَرُ النّٰاسِ بِوَلاٰیَةِ عَلِيٍّ اِلاّٰ کُفُوراً».

یعنی فرمودند: نازل شد جبرئیل باین آیه این چنین «فَاَبیٰ اَکْثَرُ النّٰاسِ» تا آخر مذکور.

نهم: آیه صد و شش: «وَ قُرْاٰناً فَرَّقْنٰاهُ» تنزیل است یعنی بتشدید راء

۱- فصل الخطاب، ص:۳۰۴ - بحارالانوار، ج:۲۴ ص:۲۲۶

۲- فصل الخطاب، ص:۳۰۴ - بحارالانوار، ج:۲۳ ص:۳۸۰

نَه بتخفیف او، کمااینکه در خبر طبرسی است[۱]:

قالَ: وَ رُوِیَ عَنْ عَلِیٍّ ﷺ «فَرَّقْناهُ» بِالتَّشْدِیدِ.

یعنی گفت: روایة شده است از علی ﷺ «فَرَّقْناهُ» بتشدید.

۴۶۶- سوره کهف: بیست و هفت خبر نیز در چند موضع:

اوّل: موضع صد و بیست و نه: آیه بیست و نه: «وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکم فِي وَلایَةِ عَلِیٍّ فَمَنْ شاءَ فَلْیُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ فَلْیَکْفُرْ اِنّا اَعْتَدْنا لِلظّالِمِینَ آلَ مُحَمَّدٍ ناراً» تنزیل است نَه بدون «فِي وَلایَةِ عَلِیٍّ» و بدون «آلَ مُحَمَّدٍ» کمااینکه در خبر ابی حمزة است از مولاناالباقر ﷺ[۲]:

قالَ: نَزَلَ جِبْرَئِیلُ بِهٰذِهِ الْآیَةِ هٰکَذا: «وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ فِي وَلایَةِ عَلِیٍّ فَمَنْ شاءَ فَلْیُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ فَلْیَکْفُرْ اِنّا اَعْتَدْنا لِلظّالِمِینَ آلَ مُحَمَّدٍ ناراً».

یعنی فرمودند: نازل شده است جبرئیل باین آیه این چنین «وَ قُلِ الْحَقّ» تا آخر مذکور.

و نیز از آنحضرت ﷺ است در خبر سعدبن عبدالله[۳]:

«اِنّا اَعْتَدْنا لِلظّالِمِینَ آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ ناراً».

۱- فصل الخطاب، ص:۳۰۴

۲- فصل الخطاب، ص:۳۰۵ - بحارالانوار، ج:۲۳ ص:۳۸۰

۳- فصل الخطاب، ص:۳۰۵ - بحارالانوار، ج:۲۴ ص:۲۲۳

و نیز از آنحضرت علیه السلام است در خبر ابی حمزة[۱]:

«اِنَّا اَعْتَدْنَا ظَالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ نَاراً» که هر یک از وجوه تنزیلیه توسیعیه است.

دوّم: آیه شصت و پنج: «مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْداً» تنزیل است نه «مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْداً» کمااینکه در خبر ابی بصیر است از مولانا الصّادق علیه السلام[۲]:

«هَلْ اَتَّبِعُکَ عَلَى اَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْداً».

سیّم: آیه هفتاد و شش: «یُرِیدُ اَنْ یَنْقَاضَ فَاَقَامَهُ» تنزیل است نه «یَنْقَضَّ» کمااینکه در خبر طبرسی است[۳]:

قَالَ: قَرَءَ عَلِيُّ بْنُ اَبِي طَالِبٍ علیه السلام «یَنْقَاصَ» بِصَادٍ غَیْرِ مُعْجَمَةٍ وَ بِالْاَلِفِ.

یعنی گفت: قرائة فرمودند علی بن ابیطالب علیه السلام: «یَنْقَاصَ» بِصاد غیر معجمة و بالف.

چهارم: آیه هفتاد و هشت: «یَأْخُذُ کُلَّ سَفِینَةٍ صَالِحَةٍ غَصْباً» تنزیل است نه بدون «صَالِحَةٍ» کمااینکه در خبر عبد اللّٰهِ بن زرارة است[۴]:

قَالَ: قَالَ لِي اَبُوعَبْدِاللّٰهِ علیه السلام: أَقْرِءْ مِنِّي عَلَىٰ وَالِدِکَ السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُ: اِنِّي اِنَّمَا اَعِیبُکَ دِفَاعاً مِنِّي عَنْکَ (اِلَىٰ أَنْ قَالَ) فَاَحْبَبْتُ أَنْ أَعِیبَکَ لِیَحْمِدُوا أَمرَکَ فِي

۱- فصل الخطاب، ص:۳۰۵	۲- فصل الخطاب، ص:۳۰۶

۳- فصل الخطاب، ص:۳۰۵	۴- فصل الخطاب، ص:۳۰۵

الدِّینِ بِعَیْبِکَ وَ نَقْصِکَ وَ یَکُونُ بِذٰلِکَ مِنّا دافِعُ شَرِّهِمْ عَنْکَ لِقَوْلِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ «أَمَّا السَّفِینَةَ فَکانَتْ لِمَساکِینِ یَعْمَلُونَ فِی الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِیبَها وَ کانَ وَرائَهُمْ مَلِکٌ یَأْخُذُ کُلَّ سَفِینَةٍ صالِحَةٍ غَصْباً» هٰذا التَّنْزِیل مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ «صالِحَةٍ».

یعنی گفت: فرمودند از برای من امام صادق علیه السلام: قرائة کن از من بر والد خود سلام را و بگو از برای آن بدرستیکه نیست غیر از این؛ عیب میکنتم من تو را از جهة دفاع از من از تو تا اینکه فرمودند: پس دوست میدارم اینکه عیب کنم تو را از برای اینکه حمد کنند امر تو را در دین بعیب تو و نقص تو و بوده باشد باو از ما دافع شرّ آنها از تو از برای قول خدای عزّوجلّ «اَمَّا السَّفِینَة» تا آخر مذکور این تنزیل است از نزد خدا «صالِحَةً».

پنجم: آیه هفتاد و نه: «وَ کانَ اَبَواهُ مُؤْمِنَیْنِ وَ طُبِعَ کافِراً» تنزیل است نه بـدون «وَ طُـبِعَ کـافِراً» کـمااینکه در خـبر رَبـعِی است از مولانا الصّادق علیه السلام[1]:

قالَ: «وَ کانَ اَبواهُ مُؤْمِنَیْنِ وَ طُبِعَ کافِراً».

یعنی فرمودند «کانَ» تا آخر.

۱- فصل الخطاب، ص:۳۰۶

و در خبر دیگر از آنحضرت علیه السلام[۱]:

«وَكانَ كافِراً» قالَ: هٰكَذا في قِراءَةِ عَلِيٍّ علیه السلام يعنى «وَكانَ كافِراً».

فرمودند این چنین است در قرائة علی علیه السلام.

که هر یک از وجوه تنزیلیّة توسیعیّة است.

ششم: آیه هشتاد و یک: «وَما فَعَلْتُهُ يا مُوسىٰ» تنزیل است نه بدون «يا مُوسىٰ» کمااینکه در خبر زرارة است از مولاناالباقر علیه السلام[۲]:

«ما فَعَلْتُهُ يا مُوسىٰ» قالَ: هٰكَذا في قِراءَةِ اَميرِالْمُؤْمِنينَ علیه السلام يَعْني «ما فَعَلْتُهُ يا مُوسىٰ».

فرمودند: این چنین است در قرائة امیرالمؤمنین علیه السلام[۳].

هفتم: آیه هشتاد و هفت: «اَمّا مَنْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِرَبِّهِ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ فِي الدُّنيا بِعَذابِ الدُّنْيا ثُمَّ يُرَدُّ اِلىٰ رَبِّهِ في مَرْجِعِهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذاباً نُكْراً» تنزیل است نه «اَمّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ اِلىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذاباً نُكْراً» کمااینکه در خبر اصبغ بن نُباته است از مولاناامیرالمؤمنین علیه السلام:

«اَمّا مَنْ ظَلَمَ» تا آخر مذکور.

۱- فصل الخطاب، ص:۳۰۶	۲- فصل الخطاب، ص:۳۰۶

۳- فصل الخطاب، ص: ۳۰۶ - بحار، ج:۱۲ ص:۱۹۸ - تفسیر عیّاشی، ج:۲ ص:۳۴۱

هشتم: آیه هشتاد و هشت: «ثُمَّ اتبَعَ ذُو الْقَرْنَيْنِ سَبَباً» تنزیل است نه «ثُمَّ اَتبَعَ سَبَباً» کمااینکه نیز در خبر اصبغ است از آنحضرت علیه السلام[1]:

فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ «ثُمَّ اتبَعَ» تا آخر مذکور.

دهم: موضع صد و سی و شش: آیه صد و دو: «أَفَحَسْبُ الَّذِينَ كَفَرُوا» بسکون سین و ضمّ با تنزیل است نه «اَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا» بفتح سین و با، کمااینکه در خبر ابن سیف است از مولانا الصّادق علیه السلام[2]:

اِنَّهُ كَانَ يَقْرَءُ «اَفَحَسْبُ الَّذِينَ كَفَرُوا» بِالْجَزْمِ، وَ قَالَ: هٰكَذَا قَرَئَهَا اَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ علیه السلام.

یعنی بدرستیکه بودند قرائة میکردند «اَفَحَسْبُ الَّذِينَ كَفَرُوا» بجزم و فرمودند این چنین قرائة فرموده است امیرالمؤمنین علیه السلام.

۴۷۵- سوره مریم: نُه خبر نیز در چند موضع:

اوّل: موضع صد و سی و هفت: آیه پنج: «وَ اِنِّي خَفَّتِ الْمَوالِي مِنْ وَرَائِي» بفتح خاء و تشدید فاء و کسر تاء تنزیل است نه کسر خاء و ضمّ تا، کمااینکه در خبر طبرسی است از مولانا الباقر علیه السلام[3]:

«وَ اِنِّي خَفَّتِ الْمَوالِي» بِفَتْحِ الْخاءِ وَ تَشْدِيدِ الْفاءِ وَ كَسْرِ التّاءِ.

۱- فصل الخطاب، ص:۳۰۶

۲- فصل الخطاب، ص:۳۰۶

۳- فصل الخطاب، ص:۳۰۷

یعنی «وَ اِنِّی خَفَّتِ الْمَوٰالِی» بفتح خاء و تشدید فاء و کسر تاء.

دوّم: آیه شش: «یَرِثُنِی وَ أَرِثُ مِنْ آلِ یَعْقُوبَ» تنزیل است نه «وَ یَرِثُ مِنْ آلِ یَعْقُوبَ» کمااینکه در خبر طبرسی است[۱]:

قٰالَ: قَرَءَ عَلِیُّبْنُ اَبِی طٰالِبٍ علیه السلام «یَرِثُنِی وَ اَرِثُ مِنْ آلِ یَعْقُوبَ»:

یعنی گفت: قرائة فرمودند علی بن ابی طالب علیه السلام: «یَرِثُنِی وَ اَرِثُ مِنْ آلِ یَعْقُوبَ».

سیّم: آیه هجده: «قٰالَتْ اِنِّی أَعُوذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْکَ اِنْ کُنْتُ تَقِیّاً» بضمّ تاء «کُنْتُ» تنزیل است نه فتح او، کمااینکه در خبر محمّدبن حکیم است از پدر خود[۲]:

قٰالَ: قَرَءَ اَبُوعَبْدِاللّٰهِ علیه السلام «اِنِّی أَعُوذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْکَ اِنْ کُنْتُ تَقِیّاً».

یعنی گفت: قرائة فرمودند امام صادق علیه السلام: «اِنِّی اَعُوذُ» تا آخر و باید دانست که باکی نیست بخبر واقع شدن «تقیّاً» از برای کُنْتُ بعد ورود بَغِیّاً نیز از برای «وَ لَمْ أَکُ» در آیه بعد و ورود نَصّ امام علیه السلام که هر یک دلیل است بر جواز استعمال فعیل در مذکّر و مؤنّث.

چهارم: آیه بیست و هفت: «اِنِّی نَذَرْتُ لِلرَّحْمٰنِ صَوْماً وَ صَمْتاً» تنزیل است نه «صَوْماً» کمااینکه در خبر محمّدبن سلیمان است از پدر

۱- فصل الخطاب، ص:۳۰۶　　۲- فصل الخطاب، ص:۳۰۷

خود از مولانا الصادق علیه السلام[۱]:

قَوْلهُ جَلَّ ثَنٰائُهُ «صَوْماً وَ صمْتاً» قُلْتُ: صمْتاً مِنْ اَیِّ شَیْءٍ؟ قٰالَ: مِنَ الْکذبْ، قٰالَ: قُلْتُ: «صَوْماً وَ صمْتاً» تَنْزِیلٌ؟ قٰالَ: نَعَمْ.

یعنی قول خدا جَلَّ ثَنٰائُهُ «صَوْماً وَ صمْتاً» است گفت گفتم «صمْتاً» از چه چیز؟ فرمودند: از کذب گفت: گفتم: «صَوْماً وَ صمْتاً» تنزیل است؟ فرمودند: بلی.

و در خبر سعدبن عبدالله است از مولانا الباقر علیه السلام[۲]:

قٰالَ علیه السلام: قَرَءَ اَبوجَعْفَرٍ علیه السلام فِي سُورَةِ مَرْیَمْ «اِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمٰنِ صمْتاً».

یعنی گفت: قرائة فرمودند امام باقر در سوره مریم «اِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمٰنِ صَمْتاً» که هر یک از دو خبر از وجوه توسیعیّة تنزیلیّة است.

پنجم: آیه هشتاد و هشت: «یَوْمَ یُحْشَرُ الْمُتَّقُونَ اِلَی الرَّحْمٰنِ وَفْداً وَ یُسٰاقُ الْمُجْرِمُونَ اِلیٰ جَهَنَّمَ وِرْداً» تنزیل است نه «یَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِینَ اِلیٰ الرَّحْمٰنِ وَفْداً وَ نَسُوقُ الْمُجْرِمِینَ اِلیٰ جَهَنَّمَ وِرْداً» کمااینکه در خبر صدوق است[۳]:

عَنْ رَجُلٍ اِنَّهُ کٰانَ یَقْرَءُ فِي مَشْهَدِ الرِّضٰا علیه السلام لَیْلَةً سُورَةَ مَرْیَمْ وَ کٰانَ یَسْمَعُ مِنْ

۱- فصل الخطاب، ص:۳۰۷ - مستدرک الوسائل، ج:۷ ص:۳۷۱

۲- فصل الخطاب، ص:۳۰۷

۳- فصل الخطاب، ص:۳۰۷

الْقَبْرِ الشَّرِيفِ قِرائَةَ الْقُرْآنِ مِثْلَ قِرائَتِهِ إِلىٰ أَنْ بَلَغَ الرَّجُلُ إِلىٰ قَوْلِهِ «يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمٰنِ وَفْداً وَ نَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلىٰ جَهَنَّمَ وِرْداً» سَمِعَ صَوْتاً مِنَ الْقَبْرِ «يَوْمَ يُحْشَرُ الْمُتَّقُونَ إِلَى الرَّحْمٰنِ وَفْداً وَ يُساقُ الْمُجْرِمُونَ إِلىٰ جَهَنَّمَ وِرْداً».

یعنی از مردی بدرستیکه بود قرائة مینمود در مشهد رضا علیه السلام شبی سوره مریم را و بود میشنید از قبر شریف قرائة قرآن را مثل قرائة خود تا اینکه رسید مرد بسوی قول خدای تعالی «يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمٰنِ وَفْداً وَ نَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلىٰ جَهَنَّمَ وِرْداً» شنید از قبر «يَوْمَ يُحْشَرُ الْمُتَّقُونَ» تا آخر مذکور.

۴۸۵- سورة طٰهٰ: ده خبر نیز در چند موضع:

اوّل: موضع صد و چهل و دو: آیه پانزده: «إِنَّ السّاعَةَ آتِيَةٌ أَكادُ أُخْفِيها مِنْ نَفْسِي» تنزیل است نه بدون «مِنْ نَفْسِي» کمااینکه در خبر حریز است از امام صادق علیه السلام(۱):

إِنَّهُ قَرَءَ إِنَّ السّاعَةَ آتِيَةٌ أَكادُ أُخْفِيها مِنْ نَفْسِي» قالَ: أَرادَ أَنْ لا يَجْعَلَ لَها وَقْتاً.

یعنی بدرستیکه قرائة فرمودند: «إِنَّ السّاعَةَ» تا آخر مذکور، فرمودند: اراده فرموده است اینکه قرار ندهد از برای او وقتی.

دوّم: موضع صد و چهل و سه آیه نود و هفت: «لَنَحْرُقَنَّهُ» بفتح نون و

۱- فصل الخطاب، ص:۳۰۷

سکون حاء و تخفیف راء تنزیل است نه بضمّ نون و بفتح حا و تشدید راء، کمااینکه در خبر طبرسی است[۱]:

قٰالَ: «لَنَحْرُقَنَّهُ» بفتح النُّونِ وَ سُكونِ الحٰاءِ وَ تَخْفِيفِ الرّٰاءِ قِرٰائَة عليٍّ عليه السلام.

یعنی گفت: «لَنَحْرُقَنَّهُ» بفتح نون و سکون حاء و تخفیف راء قرائة علی عليه السلام است.

سیّم: آیه صد و چهارده: «وَ لَقَدْ عَهِدْنٰا اِلىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ كَلِمٰاتٍ فى مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْاَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ» تنزیل است نه بدون «كَلِمٰاتٍ» تا آخر مذکور، کمااینکه در خبر عبداللّٰه‌بن سنان است از مولاناالصّادق عليه السلام[۲]:

«وَ لَقَدْ عَهِدْنٰا اِلىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ كَلِمٰاتٍ فى مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْاَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ» هٰكَذٰا وَ اللّٰهِ نَزَلَ بِهٰا جِبْرَئِيلُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله.

یعنی «وَ لَقَدْ عَهِدْنٰا» تا آخر آیه این چنین قسم بخدا نازل شد باو جبرئیل بر محمّد صلى الله عليه وآله.

و در خبر ابن شهر آشوب است از مولانا الباقر عليه السلام[۳]:

قٰالَ: «كَلِمٰاتٍ فى مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فٰاطِمَة وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْاَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمْ

۱- فصل الخطاب، ص:۳۰۸ ۲- فصل الخطاب، ص:۳۰۸

۳- فصل الخطاب، ص:۳۰۸ - بحارالانوار، ج:۴۳ ص:۳۳

فَنَسِيَ» كَذا نَزَلَت عَلىٰ مُحَمَّدٍ ﷺ.

یعنی فرمودند: «كَلِمٰاتٍ» تا آخر آیه مثل این نازل شده است بر محمّد ﷺ که هر یک از دو خبر از وجوه تنزیلیّة توسیعیّة است.

۴۹۵– سوره انبیاء: ده خبر نیز در چند موضع:

اوّل: موضع یکصد و چهل و پنج: آیه سه: «وَ أَسَرُّوا النَّجْوى الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ» تنزیل است نَه بدون «آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ» کمااینکه در خبر جابر است[1]:

«وَ أَسَرُّوا النَّجْوى الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ هَلْ هٰذٰا اِلاّٰ بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَ اَنْتُمْ لاٰتُبْصِرُونَ».

دوّم: آیه سی و شش: «كُلُّ نَفْسٍ ذٰائِقَةُ الْمَوْتِ وَ مَنْشُورَةٌ» تنزیل است نه بدون «وَ مَنْشُورَةٌ» کمااینکه در سورة آل عمران دانسته شد مراجعة کن.

سیّم: آیه چهل و هفت: «وَ اِنْ كٰانَ مِثْقٰالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ آتَيْنٰا بِهٰا» تنزیل است که عبارة است از «جٰازَيْنٰا» نَه «أَتَيْنٰا» بفتح الف بدون مدّ، کمااینکه در خبر ولید است[2]:

۱– فصل الخطاب، ص:۳۰۸ – بحارالانوار، ج:۲۴ ص:۲۲۶

۲– فصل الخطاب، ص:۳۰۸

قٰالَ: سَمِعْتُ اَبٰاعَبْدِاللّٰهِ﷣ يَقْرَءُ «وَ اِنْ كٰانَ مِثْقٰالَ حَبَّةٍ اٰتَيْنٰا بِهٰا» مَمْدُودَةً، قُلْتُ: اِنَّمٰا النّٰاسُ يَقْرَءُ «اَتَيْنٰا بِهٰا»؟ قٰالَ: اِنَّمٰا هِيَ «جٰازَيْنٰا».

یعنی گفت: شنیدم امام صادق﷣ را قرائة میفرمودند «وَ اِنْ كٰانَ مِثْقٰالَ حَبَّةٍ اٰتَيْنٰا بِهٰا» بمدّ الف اٰتینٰا، گفتم: نیست غیر از این قرائة میکنند مردم «أَتَيْنٰا بِهٰا»؟ فرمودند: نیست غیر از این او «جٰازَيْنٰا» است.

چهارم: آیه نود و هشت: «حَطَبُ جَهَنَّمَ» تنزیل است نَه «حَصَبُ جَهَنَّمَ» کمااینکه در خبر طبرسی است از مولانا الامیر﷣[1]:

قٰالَ: قَرَءَ عَلِيٌّ «حَطَبُ».

یعنی گفت: قرائة فرمودند علی﷣ «حَطَبُ».

۵۳۲- سوره حجّ: سی و هفت خبر نیز در چند موضع:

اوّل: موضع یکصد و چهل و نه: آیه بیست: «فَالَّذِينَ كَفَرُوا بِوَلاٰيَةِ عَلِيٍّ قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيٰابٌ مِنْ نٰارٍ» تنزیل است نَه بدون «بِوَلاٰيَةِ عَلِيٍّ» کمااینکه در خبر ابی حمزة است از مولانا الباقر﷣:

«هٰذٰانِ خَصْمٰانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا بِوَلاٰيَةِ عَلِيٍّ قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيٰابٌ مِنْ نٰارٍ».

۱- فصل الخطاب، ص:۳۰۸

دوّم: آیه بیست و هفت: «وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعاكِفِينَ» تنزیل است نَه بدون «وَ الْعاكِفِينَ» کمااینکه در خبر عیسی بن داود النّجار است از مولانا العالم عليه السلام[1]:

«وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ العاكِفِينَ».

سیّم: آیه بیست و نه: «لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ» کمااینکه در خبر ابی بصیر است از مولانا الصّادق عليه السلام[2]:

«وَ عَلىٰ كُلِّ ضامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ».

و در خبر زید بن اسامة است قرائة فرمودند امام باقر عليه السلام «لِيَحْضُرُوا» که یکی از وجوه تنزیلیة است.

چهارم: آیه سی و هفت: «فَاذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ صَوافِنَ» بنون تنزیل است نَه «صَوافَّ» بِفاء مشدّد، کمااینکه در خبر طبرسی است از مولاناالباقر عليه السلام[3]:

قالَ: قَرَءَ اَبُو جَعْفَر الباقر عليه السلام «صَوافِنَ» بِالنُّونِ.

یعنی گفت: قرائة فرمودند امام باقر عليه السلام «صَوافِنَ» بنون.

۱- فصل الخطاب، ص:۳۰۹		۲- فصل الخطاب، ص:۳۰۹

۳- فصل الخطاب، ص:۳۰۹

پنجم: آیه چهل و یک: «وَ صُلُوٰاتٌ» بضمّ صاد و لام تنزیل است نَه فتح آندو، کمااینکه در خبر طبرسی است[۱]:

قٰالَ: قَرَءَ جَعْفَر بْن مُحَمَّدٍ «صُلُوٰاتٌ» بِضَمِ الصّادِ و اللاّٰمِ.

یعنی گفت: قرائة فرمودند امام صادقؑ: «وَ صُلُوٰاتٌ» بضمّ صاد و لام.

ششم: آیه پنجاه و یک: «وَ مٰا أَرْسَلْنٰا مِنْ قَبْلِکَ مِنْ رَسُولٍ وَ لاٰ نَبِيٍّ وَ لاٰ مُحَدَّثٍ» تنزیل است نَه بدون «وَ لاٰ مُحَدَّثٍ» کمااینکه در خبر زرارة است[۲]:

قٰالَ: سَأَلْتُ اَبٰاجَعْفَرٍؑ عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ تعالی «وَ كٰانَ رَسُولاً نَبِيّاً» (اِلیٰ اَنْ قٰالَ) ثُمَّ تَلاٰؑ «وَ مٰا اَرْسَلْنٰا مِنْ قَبْلِکَ مِنْ رَسُولٍ وَ لاٰ نَبِيٍّ وَ لاٰ مُحَدَّثٍ».

یعنی گفت: سؤال نمودم امام باقرؑ را از قول خدای تبارک‌وتعالی «وَ كٰانَ رَسُولاً نَبِيّاً» تا اینکه گفت: بعد تلاوة فرمودندؑ: «وَ مٰا اَرْسَلْنٰا» تا آخر مذکور.

۵۳۴- سوره مُؤمنون: دو خبر در دو موضع:

اوّل: موضع یکصد و پنجاه و پنج: آیه چهارده: «فَتَبٰارَکَ اللّٰهُ رَبُّ الْعٰالَمِينَ» تنزیل است نَه «اَحْسَنُ الْخٰالِقِينَ» کمااینکه در خبر ابی طالب

۱- فصل الخطاب، ص:۳۰۹ ۲- فصل الخطاب، ص:۳۰۹

است از مولانا الصّادق علیه السلام[۱]:

«فَتَبٰارَکَ اللّٰهُ اَحسَنَ الْخٰالِقِینَ» قٰالَ: اِنَّمٰا هِیَ فَتَبٰارَکَ اللّٰهُ رَبُّ الْعٰالَمِینَ».

یعنی فرمودند: نیست غیر از این او یعنی آیه «فَتَبٰارَکَ اللّٰهُ اَحْسَنَ الْخٰالِقِینَ» «فَتَبٰارَکَ اللّٰهُ رَبُّ الْعٰالَمِینَ» است.

دوّم: آیه شصت و یک: «وَ الَّذِینَ یُؤْتُونَ مٰا أَتَوْا» تنزیل است یعنی بفتح یا و تا «یَأْتَوْنَ» و فتح ألف «اَتَوْا» بدون مدّ نه «یُؤْتُونَ مٰا اٰتوا» بضمّ یا و تاء «یُؤْتُونَ» و مدّ الف «اٰتُوا» کمااینکه در خبر طبرسی است در قرائة نبی صلی الله علیه و آله[۲]:

قٰالَ: «یَأْتَوْنَ مٰا اَتَوْا» مَقْصُورَةً.

یعنی گفت: «یَأْتَوْنَ مٰا اَتَوْا» مقصور است الف «اَتَوْا» و معنای او در این هنگام چنانست که مولانا الصّادق علیه السلام فرموده‌اند در خبر محمّدبن‌العباس[۳]:

قٰالَ علیه السلام: یَعْمَلُونَ مٰا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ.

یعنی فرمودند: عمل میکنند آنچه راکه عمل نموده‌اند از عمل.

۵۴۶- سوره نور: دوازده خبر نیز در چند موضع:

۱- فصل الخطاب، ص:۳۱۳

۲- فصل الخطاب، ص:۳۱۳

۳- فصل الخطاب، ص:۳۱۳

اوّل: موضع یکصد و پنجاه و هفت: آیه بیست و یک: «خَطَاٰتِ الشَّیْطَاٰنِ» تنزیل است، کمااینکه در خبر طبرسی است[1]:

قَالَ: رُوِیَ عَنْ عَلِیٍّ﴿ع﴾ خَطَاٰتِ بِالْهَمْزَةِ.

یعنی گفت: روایة شده است از علی﴿ع﴾ «خَطَاٰتِ» بهمزة.

و نیز در خبر مذکور است از تفسیر عسکری﴿ع﴾:

قَاٰلَ﴿ع﴾: «خُطُوٰاتِ الشَّیْطَاٰنِ» مٰا یَتَخَطّیءُ بِکُمْ اِلَیْهِ مِنْ طُرُقِ الْغَیِ وَ الضَّلاٰلِ وَ یَاْمُرُکُمْ مِنْ اِرْتِکاٰبِ الْاٰثاٰمِ الْمُوبِقاٰتِ.

یعنی فرمودند «خطواٰت الشّیطان» آنچیزیست خطا میدهد شما را بسوی او از طرق غیّ و ضلال و أمر میکند شما را بارتکاب معاصی مهلکة که هر یک از دو خبر «خَطَاٰتِ» و «خُطُواٰت» از وجوه توسیعیّة است.

دوّم: آیه بیست و سه: «أَنَّ الَّذینَ یَرْمُونَ الْمُحْصَنینَ الغٰافِلینَ» تنزیل است نه «اِنَّ الَّذینَ یَرْمُونَ الْمُحصنٰاتِ الْغٰافِلاٰتِ» کمااینکه در خبر مفضّل بن عمر است از مولانا الصّادق﴿ع﴾[2]:

قٰالَ: قٰالَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلّ: «اِنَّ الَّذینَ یَرْمُونَ الْمُحْصَنینَ الْغٰافِلینَ لُعِنُوا فِی الدُّنْیٰا وَ الْاٰخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذٰابٌ عَظیمٌ».

۱- فصل الخطاب، ص:۳۱۴

۲- فصل الخطاب، ص:۳۱۴

یعنی فرمودند: خدای عزّوجلّ «اِنَّ الَّذینَ» تا آخر آیه.

سیّم: آیه سی و سه: «فَاِنَّ اللّٰهَ مِنْ بَعْدِ اِکْراهِهِنَّ لَهُنَّ غَفُورٌ رَحیمٌ» تنزیل است نَه بدون «لَهُنَّ» کمااینکه در خبر حریز است از مولاناالصّادق علیه السلام(۱):

قالَ: اِنَّ اللّٰهَ مِنْ بَعْدِ اِکْراهِهِنَّ لَهُنَّ غَفُورٌ رَحیمٌ».

یعنی فرمودند: «اِنَّ اللّٰهَ» تا آخر آیه.

چهارم: آیه سی و سه نیز: «وَ لیَسْتَعْفِفِ الَّذینَ لایَجِدُونَ نِکاحاً بِالْمُتْعَةِ» تنزیل است نَه بدون «بِالْمُتْعَةِ» کمااینکه نیز در خبر حریز است(۲):

قالَ: قَرَءَ اَبُوعَبْدِاللّٰهِ علیه السلام «وَ لیَسْتَعْفِفِ الَّذینَ لایَجِدُونَ نِکاحاً بِالْمُتْعَةِ حَتّیٰ یُغْنِیَهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ» هٰکَذَا التَّنْزیلُ.

یعنی گفت: قرائة فرمودند امام صادق علیه السلام «وَ لیَسْتَعْفِفِ» تا آخر آیه مذکورة این چنین است تنزیل.

پنجم: آیه چهل و چهار: «وَ مِنْهُمْ مَنْ یَمْشي عَلیٰ أَکْثَرِ مِنْ ذٰلِکَ» تنزیل است نَه بدون مذکور، کماینکه در خبر ابي بصیر است(۳):

قالَ: قَرَءَ اَبُوجَعْفَرٍ علیه السلام وَ مِنْهُمْ مَنْ یَمْشي عَلیٰ أَکْثَرِ مِنْ ذٰلِکَ».

۱- فصل الخطاب، ص:۳۱۴ ۲- فصل الخطاب، ص:۳۱۴

۳- فصل الخطاب، ص:۳۱۴

یعنی گفت: قرائة فرمودند امام باقر﵇ «وَ مِنْهُمْ» تا آخر مذکور.

ششم: آیه پنجاه و نه: «أَنْ يَضَعْنَ مِنْ ثِيَابِهِنَّ» تنزیل است نه بدون «مِنْ» کمااینکه در خبر حریز است از مولاناالصّادق﵇[۱]:

إِنَّهُ قَرَءَ «يَضَعْنَ مِنْ ثِيَابِهِنَّ».

یعنی بدرستیکه قرائة فرمودند «يَضَعْنَ مِنْ ثِيَابِهِنَّ».

۵۶۹- سوره فرقان: نیز بیست و سه خبر در چند موضع:

اوّل: موضع یکصد و شصت و سه: آیه نه: «وَ قَالَ الظَّالِمُونَ لِآلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ» تنزیل است نه بدون «لِآلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ» کماانیکه در خبر جابربن یزید الجعفی است[۲]:

قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ﵇: نَزَلَ جِبْرَئِيلُ عَلَىٰ رَسُولِ اللّٰهِﷺ بِهٰذِهِ الْآيَةِ هٰكَذَا «وَ قَالَ الظَّالِمُونَ لِآلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلاَّ رَجُلاً مَسْحُوراً».

یعنی گفت فرمودند امام باقر﵇: نازل شد جبرئیل بر رسول خداﷺ باین آیه این چنین «وَ قَالَ» تا آخر آیه.

دوّم: آیه نوزده: «نُتَّخَذَ مِنْ دُونِكَ» بضم نون و فتح خاء تنزیل است نه فتح نون و کسر خاء، کماانیکه در خبر طبرسی است از

۱- فصل الخطاب، ص:۳۱۴

۲- فصل الخطاب، ص:۳۱۴- بحارالانوار، ج:۸۹ ص:۶۵

مولانا الباقر علیه السلام[1]:

وَ رُوِیَ عَنْ جَعْفَرِبْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام «أَنْ نُتَّخَذَ»، بِضَمِ النُّونِ وَ فَتْحِ الخاءِ.

یعنی روایة شده است از امام صادق علیه السلام «أَنْ نُتَّخَذَ» بضمّ نون و فتح خاء.

سیّم: آیه بیست و دو: «وَ یُمَشُّوْنَ» بِضم یاء وَ فتح شین مشدّد تنزیل است، نَه فتح یاء و شین مخفّف، کمااینکه در خبر طبرسی است[2]:

قٰالَ: رُوِیَ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام «وَ یُمَشُّوْنَ فِی الْاَسْوٰاقِ» بِضَمِّ الیٰاءِ وَ فَتْحِ الشّینِ المُشَدَّدَةِ.

یعنی گفت: روایة شده است از علی علیه السلام «وَ یُمَشُّوْنَ فِی الْاَسْوٰاقِ» بِضمّ یاء و فتح شین مشدّد.

چهارم: آیه بیست و نه: «یٰا لَیْتَنِی اِتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ عَلِیّاً وَلِیّاً» تنزیل است، نَه بدون «عَلِیّاً وَلِیّاً» کمااینکه در خبر علی بن ابرٰهیم است:

قٰالَ: قٰالَ اَبُو جَعْفَر علیه السلام: «یَقُولُ یٰا لَیْتَنِی اِتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ عَلِیّاً وَلِیّاً».

یعنی گفت: فرمودند امام باقر علیه السلام: «یَقُولُ» تا آخر.

پنجم: آیه سی: «یٰا وَیْلَتٰا لَیْتَنِی لَمْ أَتَّخِذْ زُفَرَ خَلِیلاً» تنزیل است، نَه «فُلاٰناً»، کمااینکه در خبر محمّدبن الطیّار است از ابی الخطاب از

۱- فصل الخطاب، ص:۳۱۵

۲- فصل الخطاب، ص:۳۱۵

مولانا الصّادق علیه السلام[۱]:

إِنَّهُ قٰالَ: مٰا کَنَّیٰ اللّٰهُ فِي کِتٰابِهِ حَتّیٰ قٰالَ «يٰا وَيْلَتیٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلاٰناً خَلِيلاً» وَ إِنَّمٰا هِیَ فِي مُصْحَفِ عَلِیٍّ «يٰا وَيْلَتیٰ لَيْتَنی لَمْ أَتَّخِذْ زُفَرَ خَلِيلاً» وَ سَيَظْهَرُ يَوْماً.

یعنی بدرستیکه فرمودند: کنایة نفرموده است خدا در کتاب خود، تا اینکه فرموده باشد «يٰا وَيْلَتیٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلاٰناً خَلِيلاً» و نیست غیر از این او در مصحف علی علیه السلام «يٰا وَيْلَتیٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ زُفَرَ خَلِيلاً» است، و زود است ظاهر میشود روزی.

ششم: آیه سی و هشت: «فَدَمَّرَ إِنَّهُمْ تَدْمِيراً» بفتح را و نون مشدّد مکسور تنزیل است، نه بسکون را بدون نون، کمااینکه در خبر طبرسی است[۲]:

وَ رُوِیَ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام «فَدَمَّرَ إِنَّهُمْ» وَ عَنْهُ علیه السلام فَدَمَّرٰاهُمْ تَدْمِيراً.

یعنی و روایة شده است از علی علیه السلام «فَدَمَّرَ إِنَّهُمْ» و روایة شده است از آنحضرت علیه السلام «فَدَمَّرٰاهُمْ تَدْمِيراً» که هر یک از وجوه تنزیلیّة است.

هفتم: آیه هفتاد و چهار: «وَ اجْعَلْ لَنٰا مِنَ الْمُتَّقِينَ إِمٰاماً» تنزیل است، نه «وَ اجْعَلْنٰا لِلْمُتَّقِينَ إِمٰاماً» کمااینکه در خبر جعفربن ابرٰهیم است از

۱- فصل الخطاب، ص:۳۱۵ ۲- فصل الخطاب، ص:۳۱۵

مولانا الرّضا عليه السلام(۱):

قَالَ: قُرِءَ عِنْدَ اَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام: «وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ هَبْ لَنا مِنْ اَزْواجِنا وَ ذُرِّيّاتِنا قُرَّةَ اَعْيُنٍ وَ اَجْعَلْنا لِلْمُتَّقِينَ اِماماً» فَقَالَ: قَدْ سَئَلُوا اللّٰهَ عَظيماً أَنْ يَجْعَلَهُمْ لِلْمُتَّقِينَ اَئِمَّةً، فَقِيلَ: كَيْفَ هٰذا يَابْنِ رَسُولِ اللّٰهِ؟ قَالَ: اِنَّمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ «وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ هَبْ لَنا مِنْ اَزواجِنا وَ ذُرِّياتِنا قُرَّةَ اَعْيُنٍ وَ اَجْعَلْ لَنا مِنْ الْمُتَّقِينَ اِماماً».

یعنی گفت: قرائة نموده نزد امام صادق عليه السلام «وَالَّذِينَ» تا آخر آیه، پس فرمودند: بتحقیق سؤال نمودند سؤال عظیم را اینکه قرار بدهد ایشانرا از برای متّقین ائمّة پس گفته شد: چگونه است این ای پسر رسول خدا؟ فرمودند: نیست غیر از این نازل فرموده است خدا «وَ الَّذِينَ» تا آخر مذکور.

هشتم: آیه پنجاه و یک: «فَأَبىٰ اَكْثَرُ النّاسِ بِوَلايَةِ عَلِيٍّ» تنزیل است، نه بدون «بِوَلايَةِ عَلِيٍّ» کمااینکه در خبر ابی حمزة است از مولانا الباقر عليه السلام(۲):

قَالَ: نَزَلَ جِبْرَئِيلُ بِهٰذِهِ الْآيَةِ هٰكَذا «فَأَبىٰ اَكْثَرُ النّاسِ بِوَلايَةِ عَلِيٍّ اِلاّ كُفُوراً».

۱- فصل الخطاب، ص:۳۱۵ - بحارالانوار، ج:۲۴ ص:۱۳۴

۲- فصل الخطاب، ص:۳۱۵ - بحارالانوار، ج:۲۳ ص:۳۷۹

یعنی فرمودند: نازل شد جبرئیل باین آیه این چنین «فَأَبیٰ أَکْثَرُ النّٰاسِ» تا آخر.

۵۸۱- سوره شعراء: دوازده خبر، در چند موضع:

اوّل: موضع یکصد و هفتاد و یک: آیه صد: «فَمٰا لَنٰا فِي النّٰاسِ شٰافِعِينَ وَ لاٰ صَدِيقٌ حَمِيمٌ» تنزیل است، نه بدون «فی النّٰاسِ» بزیادة «مِنْ» در «شٰافِعِينَ» کمااینکه در خبر سلیمان بن خالد است(۱):

قٰالَ: کُنّٰا عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام فَقَرَءَ «فِي النّٰاسِ شٰافِعِينَ وَ لاٰ صَدِيقٌ حَمِيمٌ».

یعنی گفت: بودیم نزد امام صادق عليه السلام پس قرائة فرمودند «فِي النّٰاسِ شٰافِعِينَ وَ لاٰ صَدِيقٌ حَمِيمٌ» و مرفوع بودن شافعین بیاء لُغتیست پس غُموضی نیست با قرائة مولانا الصّادق عليه السلام.

دوّم: آیه دویست و چهارده: «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَکَ الْأَقْرَبِينَ وَ رَهْطَکَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ» تنزیل است، نه بدون «وَ رَهْطَکَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ» کمااینکه در خبر علی بن ابرٰهیم است از مولاناالصّادق عليه السلام(۲):

قٰالَ: نَزَلَتْ «وَ رَهْطَکَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ».

یعنی فرمودند: نازل شد «وَ رَهْطَکَ» تا آخر.

۱- فصل الخطاب، ص:۳۱۶

۲- فصل الخطاب، ص:۳۱۶ - بحارالانوار، ج:۱۸ ص:۱۶۸

سیّم: آیه دویست و بیست و هشت: «وَ سَیَعْلَمُ الَّذینَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ» تنزیل است، نه بدون «آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ» کمااینکه در خبر طبرسی است از مولانا الصّادق علیه السلام(۱):

إِنَّهُ قَرَءَ «وَ سَیَعْلَمُ الَّذینَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ أَیَّ مُنْقَلَبٍ یَنْقَلِبُونَ» (هکَذا وَ اللّٰهِ نَزَلَت).

یعنی بدرستیکه قرائة فرمودند «وَ سَیَعْلَمُ الَّذینَ» تا آخر آیه.

۵۸۷– سوره نمل: شش خبر در چند موضع:

اوّل: موضع یکصد و هفتاد و چهار آیه سیزده: «فَلَمَّا جائَتْهُمْ آیاتُنا مَبْصَرَةً» بفتح میم و صاد تنزیل است، نه ضمّ میم و کسر صاد، کمااینکه در خبر طبرسی است(۲):

قالَ: قَرَءَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ «مَبْصَرَةً» بِفَتْحِ الْمیمِ وَ الصّادِ.

یعنی گفت: قرائة نمود علی بن الحسین علیه السلام «مَبْصَرَةً» بفتح میم و صاد.

دوّم: آیه پانزده: «وَ لَقَدْ آتَیْنا داوُدَ وَ سُلَیْمانَ مِنّا فَضْلاً فَقالا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی فَضَّلَنا بِالْایمانِ وَ بِمُحَمَّدٍ عَلیٰ کَثیرٍ مِنْ عِبادِهِ الْمُؤْمِنینَ» تنزیل است، نه «وَ

۱– فصل الخطاب، ص:۳۱۷ – بحارالانوار، ج:۳۱ ص:۵۷۹

۲– فصل الخطاب، ص:۳۱۷

لَقَدْ اٰتَیْنا داٰوُدَ وَ سُلَیْمانَ عِلْماً وَ قالاٰ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی فَضَّلَنا عَلیٰ کَثیرٍ» تا آخر، کمااینکه در خبر جابر است از مولانا الباقر علیه السلام(۱):

«وَ لَقَدْ اٰتَیْنا داٰوُدَ وَ سُلَیْمانَ مِنّا فَضْلاً فَقالاٰ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی فَضَّلَنا بِالْاٖیمانِ وَ بِمُحَمَّدٍ عَلیٰ کَثیرٍ مِنْ عِبادِهِ الْمُؤْمِنینَ».

سیّم: آیه شانزده: «یا اَیُّهَا النّاسُ عُلِّمْنا مَنْطِقَ الطَّیْرِ وَ اُوتینا کُلَّ شَیْءٍ» تنزیل است بدون «مِنْ» قبل از کلّ و در این هنگام کلّ منصوب است، کمااینکه در خبر محمّدبن خلف است از بعض رجال خود از مولاناالصّادق علیه السلام(۲):

قالَ: تَلاٰ رَجُلٌ عِنْدَهُ هذِهِ الْاٰیَةَ «عُلِّمْنا مَنْطِقَ الطَّیْرِ وَ اُوتینا مِنْ کُلِّ شَیْءٍ» فَقالَ اَبُوعَبْدِاللّٰهِ علیه السلام: لَیْسَ فیها مِنْ اِنَّما هِیَ «اُوتینا کُلَّ شَیْءٍ».

یعنی گفت: تلاوت نمود مردی نزد آنحضرت این آیه را «عُلِّمْنا مَنْطِقَ الطَّیْرِ و اُوتینا مِنْ کُلِّ شَیْءٍ» پس فرمودند امام صادق علیه السلام: نیست در او «مِنْ» نیست غیر از این او «اُوتینا کُلَّ شَیْءٍ» است.

۵۸۸- سوره عنکبوت: یک خبر در یک موضع:

«فَلَیُعْلِمَنَّ الَّذینَ صَدَقُوا وَ لَیُعْلِمَنَّ الْکاذِبینَ» بِضم یاء و کسر لام تنزیل

۱- فصل الخطاب، ص:۳۱۷

۲- فصل الخطاب، ص:۳۱۷

است، نه فتح یاء و لام، کمااینکه در خبر طبرسی است[۱]:

قَالَ: قَرَءَ عَلِيٌّ عليه السلام «فَلَيُعْلِمَنَّ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيُعْلِمَنَّ الْكَاذِبِينَ» بِضَمِّ الْيَاءِ وَ كَسْرِ اللاّمِ.

یعنی گفت: قرائة نموده‌اند علی عليه السلام «فَلَيُعْلِمَنَّ» تا آخر بضم یاء و کسر لام.

۵۹۳- سوره روم: پنج خبر در چند موضع:

اوّل: آیه بیست و شش: «وَ هُوَ الَّذِي يَبْدَءُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَ هُوَ هَيِّنٌ عَلَيْهِ» تنزیل است، نه «أَهْوَنُ عَلَيْهِ» کمااینکه در خبر منصور بن حازم است[۲]:

قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام: «وَ هُوَ الَّذِي يَبْدَءُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَ هُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ» قَالَ: لَيْسَ بِشَيْءٍ إِنَّمَا تَنْزِيلُهَا: «وَ هُوَ هَيِّنٌ عَلَيْهِ» وَ لَوْ كَانَ شَيْءٌ هُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ مِنْ شَيْءٍ لَكَانَ أَحَدُهُمَا أَشَدُّ عَلَيْهِ.

یعنی گفت: گفتم از برای امام صادق عليه السلام: «وَ هُوَ الَّذِي» تا آخر فرمودند: نیست بچیزی نیست غیر از این تنزیل او «وَ هُوَ هَيِّنٌ عَلَيْهِ» است و اگر بود چیزی او سست تر بر آن از چیزی هرآینة میبوده باشد یکی از آندو شدیدتر بر آن.

۱- فصل الخطاب، ص:۳۱۷
۲- فصل الخطاب، ص:۳۱۸

دوّم: آیه سی و یک «مِنَ الَّذِینَ فارَقُوا» تنزیل است، نه «فَرَّقُوا» کمااینکه در سوره انعام نیز در آیه صد و شصت دانسته شد.

سیّم: آیه چهل و هفت: «فَتَرَی الْوَدْقَ یَخْرُجُ مِنْ خُلَلِهِ» بِضمِّ خاء وَ فتح لام اوّل تنزیل است، نه «خِلالِهِ» کمااینکه در خبر طبرسی است[۱]:

قالَ: رُوِیَ عَنْ عَلِیٍّ عليه السلام «مِنْ خُلَلِهِ».

یعنی گفت: روایة شده است از علی عليه السلام «مِنْ خُلَلِهِ».

چهارم: آیه پنجاه و نه: «وَ لایَسْتَفِزَنَّکَ» تنزیل است، نه «وَ لایَسْتَخِفَنَّکَ» کمااینکه در خبر ابی بصیر است[۲]:

قالَ: سَمِعْتُ اَبا عَبْدِاللّهِ عليه السلام یَقْرَءُ «وَ لایَسْتَفِزَنَّکَ الَّذِینَ لایُوقِنُونَ».

یعنی گفت: شنیدم امام صادق عليه السلام را قرائة میفرمودند «وَ لایَسْتَفِزَنَّکَ الَّذِینَ لایُوقِنُونَ».

۵۹۵- سوره لقمان: دو خبر در یک موضع:

آیه بیست و هفت: «وَ الْبَحْرُ مِدادُهُ» تنزیل است نه «وَ الْبَحْرُ یَمُدُّهُ» کمااینکه در خبر حمّادبن عثمان است از مولاناالصّادق عليه السلام[۳]:

«وَ لَوْ اَنَّ ما فِی الْاَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ اَقْلامٌ وَ الْبَحْرُ مِدادُهُ».

۱- فصل الخطاب، ص:۳۱۸

۲- فصل الخطاب، ص:۳۱۸

۳- فصل الخطاب، ص:۳۱۸

۵۹۷- سوره سجدة: دو خبر در دو موضع:

اوّل: موضع یکصد هشتاد و سه آیه نه: «وَ قالُوا أَئِذا ضَلِلْنا فِي الْأَرْضِ» بفتح ضاء و کسر لام تنزیل است، نه فتح لام، کمااینکه در خبر طبرسی است(۱):

قالَ: وَ قَرَءَ عَلِيٌّ عليه السلام «أَئِذا ضَلِلْنا» بِضادٍ مَكْسُورَةِ اللاّمِ.

یعنی گفت: قرائة فرمودند علی عليه السلام «أَئِذا ضَلِلْنا» بضاد و لام مکسور.

دوّم: آیه هفده: «ما أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرّاتِ أَعْيُنٍ» نیز تنزیل است، کمااینکه در خبر طبرسی است از نبی صلی الله علیه و آله و سلم(۲):

«قُرّاتِ أَعْيُنٍ».

۶۱۷- سوره احزاب: بیست و دو خبر، در چند موضع:

اوّل: موضع یکصد و هشتاد و پنج آیه شش: «وَ أَزْواجُهُ أُمَّهاتُهُمْ وَ هُوَ أَبٌ لَهُمْ» تنزیل است، نه بدون «وَ هُوَ أَبٌ لَهُمْ» کمااینکه در خبر جعفربن محمّد الفزاریست از مولاناالصّادق عليه السلام(۳):

قالَ: أَمّا حُقُوقُ الْوالِدَيْنِ فَقَدْ قالَ تَعالىٰ فِي كِتابِهِ «النَّبِيُّ أَوْلىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ أَزْواجُهُ أُمَّهاتُهُمْ وَ هُوَ أَبٌ لَهُمْ فَعُقُوقُهُ فِي ذُرِّيَّتِهِ» یعنی پس

۱- فصل الخطاب، ص:۳۱۸
۲- فصل الخطاب، ص:۳۱۸
۳- فصل الخطاب، ص:۳۱۸

فرمودند خدای تعالی در کتاب خود «النَّبِیُّ اَوْلیٰ» تا آخر پس عقوق و احزان آن در ذرّیّة آنست.

دوّم: آیه بیست و پنج: «وَ کَفَی اللّٰهُ الْمُؤْمِنِینَ الْقِتالَ بِعَلِیِّ بْنِ اَبِی طٰالِبٍ علیه السلام» تنزیل است، نه بدون «بِعَلِیٍّ بْنِ اَبِی طٰالِبٍ» کمااینکه در خبر فیض بن المختار است[1]:

قٰالَ: سُئِلَ اَبُوعَبْدِاللّٰهِ علیه السلام عَنِ القرآنِ؟ فَقٰالَ: فِیهِ الْاَعٰاجِیبُ مِنْ قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ «وَ کَفَی اللّٰهُ الْمُؤْمِنِینَ الْقِتٰالَ بِعَلِیِّ بْنِ اَبِی طٰالِب».

یعنی گفت: سؤال شد امام صادق علیه السلام از قرآن؟ پس فرمودند: در آنست اعاجیب از قول خدای عزّوجلّ «وَ کَفَی اللّٰهُ» تا آخر مذکور.

سیّم: آیه سی و هشت: «زَوَّجْتُکَهٰا» تنزیل است، نه «زَوَّجْنٰاکَهٰا» کمااینکه در خبر طبرسی است[2]:

قٰالَ: وَ أَنَّهٰا قِرائَةُ أَهْلِ الْبَیْتِ علیهم السلام قٰالَ الصّٰادِقُ علیه السلام: مٰا قَرَأْتُهٰا عَلیٰ أَبِی اِلاّٰ کذلکَ، وَ مٰا قَرَءَ عَلِیٌّ علیه السلام عَلی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله اِلاّ کذلکَ».

یعنی گفت: و بدرستیکه «زَوَّجْتُکَهٰا» قرائة اهل بیت علیهم السلام است، فرمودند امام صادق علیه السلام: قرائة نکردم بر پدرم مگر این چنین، و قرائة نکرد علی علیه السلام بر نبی صلی الله علیه و آله مگر این چنین.

۱- فصل الخطاب، ص:۳۱۹

۲- فصل الخطاب، ص:۳۱۹

چهارم: آیه شصت و نه: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تُؤْذُوا رَسُولَ اللّٰهِ فی عَلِيٍّ عليه السلام وَ الْأَئِمَّةِ كَمَا آذَوا مُوسىٰ فَبَرَّأَهُ اللّٰهُ مَا قَالُوا» تنزیل است، نه «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوا مُوسىٰ فَبَرَّأَهُ اللّٰهُ مِمَّا قَالُوا» کمااینکه در خبر محمّدبن مروان است از ائمّة هدی عليهم السلام[۱]:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تُؤْذُوا رَسُولَ اللّٰهِ فِي عَلِيٍّ وَ الْأَئِمَّةِ كَمَا آذَوا مُوسىٰ فَبَرَّأَهُ اللّٰهُ مَا قَالُوا».

پنجم: آیه هفتاد و یک: «وَ مَنْ يُطِعِ اللّٰهَ وَ رَسُولَهُ فِي وَلَايَةِ عَلِيٍّ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ فَقَدْ فَازَ فَوْزاً عَظِيماً» تنزیل است، نه بدون «فِي وَلَايَةِ عَلِيٍّ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ» کمااینکه در خبر ابی بصیر است از مولاناالصّادق عليه السلام[۲]:

إِنَّهُ قَالَ: «وَ مَنْ يُطِعِ اللّٰهَ وَ رَسُولَهُ فِي وَلَايَةِ عَلِيٍّ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ فَقَدْ فَازَ فَوْزاً عَظِيماً».

یعنی بدرستیکه فرمودند: «وَ مَنْ يُطِعِ اللّٰهَ» تا آخر آیه.

و در خبر عثمان بن عیسیٰ از ابن یعقوب است[۳]:

قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام: أَ قَرَأْتَ الْقُرْآنَ؟ قُلْتُ: أَمَّا عِنْدَنَا فَقَدْ قَرَأْنَاهُ، قَالَ: إِنَّمَا

۱- فصل الخطاب، ص:۳۱۹ - بحارالانوار، ج:۱۳ ص:۱۲

۲- فصل الخطاب، ص:۳۱۹ - بحارالانوار، ج:۲۳ ص:۳۰۱

۳- فصل الخطاب، ص:۳۲۰

أَسأَلُکَ فِیما عِنْدَکُمْ کَمْ تَجِدُ السُّورَةَ الَّتِي فِيهٰا ذِكْرُ الْأَحْزٰابِ؟ قُلْتُ: نَيِّفٌ وَ سَبْعِينَ آيَةً قٰالَ: إِنَّمٰا كٰانَتْ بِطُولِ السُّورَةِ الَّتِي يُقٰالُ لَهَا الْبَقَرَةُ قَبْلَ اَنْ يَنْقُصَ الْبَقَرَةُ وَ كٰانَ فِيهٰا آيَةُ الرَّجْمُ قٰالَ: «الشَّيْخُ وَ الشَّيْخَةُ إِذٰا زَنَيٰا فَارْجُمُوهُمٰا أَلْبَتَّةَ بِمٰا قَضَيٰا مِنَ الشَّهوَةِ نَكٰالاً مِنَ اللّٰهِ وَ اللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ».

یعنی گفت: فرمودند امام صادق؈: آیا قرائة نموده‌ای قرآن را؟ گفتم: امّا آنچه نزد ما است پس بتحقیق قرائة نموده‌ایم او را، فرمودند: نیست غیر این سؤال کردم تو را در آنچه نزد شما است چه قدر تجدید (می یابی)میکنی سوره آنچنانیکه در او است ذکر احزاب؟ گفتم: نیّف و سبعین فرمودند: بدرستیکه او بود بطول سورة آنچنانیکه گفته میشود از برای او بقرة پیش از اینکه نقص شود بقرة و بود در او آیه رجم، فرمودند «الشَّیْخُ» تا آخر آیه مذکورة.

۶۲۳- سوره سَبَأ: شش خبر در دو موضع:

اوّل: موضع یکصد و نود: آیه سیزده: «تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ اَنَّ الْجِنَّ لَوْ كٰانُوا» تنزیل است، نه بدون «الْإِنْسُ» کمااینکه در خبر صدوق است[۱]:

قٰالَ: قٰالَ الصّٰادِقُ؈ وَ اللّٰهِ مٰا نَزَلَتْ هٰذِهِ الْآيَةُ هٰكَذٰا وَ إِنَّمٰا نَزَلَتْ «فَلَمّٰا خَرَّ

۱- بحارالانوار، ج:۱۴ ص:۱۳۶

تَبَيَّنَتِ الْاِنْسُ انَّ الْجِنَّ لَوْ كانُوا».

یعنی گفت: فرمودند امام صادق علیه السلام: قسم بخدا نازل نشده است این آیه این چنین و نیست غیر این نازل شده است «فَلَمّا خَرَّ» تا آخر خبر مذکور.

دوّم: آیه شانزده: «كَفَرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ» تنزیل است، نَه بدون «نِعْمَةَ اللّٰهِ» کمااینکه در خبر سدیر است از مولانا الباقر علیه السلام(۱):

«ذٰلِكَ جَزَيْنا هُمْ بِما كَفَرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ وَ هَلْ نُجازي اِلاّ الْكَفُورَ».

۶۳۴- سوره یٰس: یازده خبر در چند موضع:

اوّل: موضع یکصد نود و دو آیه یازده: «سَنَكْتُبُ» تنزیل است، نَه بدون سین، کمااینکه در خبر ابی بصیر است(۲):

قالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: اِتَّقُوا الْمُحَقَّراتِ مِنَ الذُّنُوبِ فَاِنَّ لَها طالِباً يَقُولُ اَحَدُكُمْ: اُذْنِبُ وَ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ، اِنَّ اللّٰهَ عَزَّوجلَّ يَقُولُ: «سَنَكْتُبُ ما قَدَّمُوا وَ آثارَهُمْ وَ كُلَّ شَيْءٍ اَحْصَيْناهُ في اِمامٍ مُبينٍ».

یعنی گفت: شنیدم آنحضرت را میفرمودند: پرهیز کنید محقّرات از ذنوب را پس بدرستیکه از برای آنها است طالبی میگوید یکی از

۱- فصل الخطاب، ص: ۳۲۰

۲- فصل الخطاب، ص: ۳۲۰ - بحارالانوار، ج: ۷۰ ص: ۳۲۱

شما گناه میکنم و استغفار میکنم خدا را بدرستیکه خدای عزّوجلّ میگوید «سَنَکْتُبُ» تا آخر آیه.

دوّم: آیه سی و شش: «وَمِمّا تَأْکُلُونَ» تنزیل است، نه «وَمِمّا لایَعْلَمُونَ»، کمااینکه در خبر ابی بصیر است از مولاناالصّادق علیه السلام در قول خدای تعالی[1]:

«مِمّا تُنْبِتُ الْاَرْضُ وَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَمِمّا یَأْکُلُونَ».

سیّم: آیه سی و هشت: «وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لا مُسْتَقَرَّ لَهٰا» تنزیل است، نه «لِمُسْتَقَرٍّ» کمااینکه در خبر جابر است از مولاناالباقر علیه السلام[2]:

قٰالَ: قَرَءَ اَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ علیه السلام یٰس فَقَرَءَ «وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لا مُسْتَقَرَّ لَهٰا».

یعنی فرمودند: قرائة فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام یٰس را پس قرائة فرمودند: «وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لا مُسْتَقَرَّ لَهٰا».

چهارم: آیه پنجاه و دو: «یٰا وَیْلَتٰا» تنزیل است، نه «وَیْلَنٰا» کمااینکه در خبر طبرسی است[3]:

رُوِیَ عَنِ الْاَمِیرِ علیه السلام اَنَّهُ قَرَءَ «یٰا وَیْلَتٰا مِنْ بَعْثِنٰا مِنَ مَرْقَدِنٰا».

یعنی روایة شده است از امیر علیه السلام قرائة فرموده‌اند «یٰا وَیْلَتٰا» تا آخر.

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۱

۲- فصل الخطاب، ص:۳۲۱

۳- فصل الخطاب، ص:۳۲۱

پنجم: آیه چهل و پنج: «وَ مٰا خَلْفَكُمْ مِنْ وَلاٰيَةِ الطَّوٰاغِيتِ فَلاٰتَتَّبِعُوهُمْ» تنزیل است، نه بدون «مِنْ وَلاٰيَةِ الطَّوٰاغِيتِ فَلاٰتَتَّبِعُوهُمْ» کماانیکه در خبر ابی بصیر است از مولاناالصّادق عليه السلام[1]:

«وَ إِذٰا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مٰا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَ مٰا خَلْفَكُمْ مِنْ وَلاٰيَةِ الطَّوٰاغِيتِ فَلاٰ تَتَّبِعُوهُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ».

ششم: آیه چهل و هشت: «مَتىٰ هٰذَا الْوَعْدُ يٰا مُحَمَّدُ» تنزیل است، نه بدون «يٰا مُحَمَّدُ» کماانیکه در خبر ابی بصیر است از مولاناالصّادق عليه السلام در قول خدای عزّوجلّ[2]:

«وَ يَقُولُونَ مَتىٰ هٰذَا الوَعْدُ يٰا مُحَمَّدُ إِنْ كُنْتُمْ صٰادِقِينَ».

هفتم: آیه شصت و چهار «تَكْفُرُونَ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيٰا» تنزیل است، نه بدون «فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيٰا» کماانیکه در خبر جابر است از مولاناالباقر عليه السلام[3]:

قٰالَ: قَرَءَ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ عليه السلام «اِصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمٰا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيٰا».

یعنی فرمودند: قرائة فرمودند امیرالمؤمنین عليه السلام: «اِصْلَوْهٰا» تا آخر خبر مذکور.

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۱　　۲- فصل الخطاب، ص:۳۲۱

۳- فصل الخطاب، ص:۳۲۱

۶۵۹- سوره صافات: بیست و پنج خبر نیز در چند موضع:

اوّل: موضع صد و نود و نه آیه دوازده: «بَلْ عَجِبْتُ» بضمّ تاء تنزیل است، نَه فتح او، کمااینکه در خبر طبرسی است از مولانا الامیر علیه السلام(۱):

قالَ فِي الْجَوامِعِ: اِنَّهُ قَرَءَ «بَلْ عَجِبْتُ» بِضَمِّ التّاءِ.

یعنی گفت: در جوامع است بدرستیکه قرائهٔ فرمودند «بَلْ عَجِبْتُ» بضم تاء.

دوّم: آیه هفتاد و سه: «وَ لَقَدْ نادٰينا نُوحاً» بنصب نوحاً تنزیل است، نَه نُوحٌ کمااینکه در خبر داود بن فرقد است(۲):

قالَ: قَرَأْتُ عِنْدَ اَبِي عَبْدِاللّٰهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ «وَ لَقَدْ نادٰينا نُوحاً».

یعنی گفت: قرائهٔ نمودم نزد امام صادق علیه السلام در قول خدای عزّوجلّ: «وَ لَقَدْ نادٰينا نُوحاً».

سیّم: آیه صد و یک: «فَلَمّا سَلَّما» بتشدید لام بدون الف تنزیل است، نَه «اَسْلَما» کمااینکه در خبر عبدالله بن حنّان است(۳):

قالَ: قالَ اَبُو عَبْدِاللّٰهِ علیه السلام: يَقْرَءُ هٰذِهِ الْاٰيَةَ هٰكَذا «فَلَمّا سَلَّما وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ» قالَ:

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۱

۲- فصل الخطاب، ص:۳۲۱

۳- فصل الخطاب، ص:۳۲۱

هٰكَذا نَزَلَتْ.

یعنی گفت فرمودند امام صادقؑ قرائة میشود این آیه این چنین «فَلَمّا سَلَّما وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ» فرمودند: این چنین نازل شده است.

چهارم: آیه صدو سی: «سَلامٌ عَلىٰ آلِ يٰس» تنزیل است، نه «اِلْ ياسِينَ» کمااینکه در خبر طبرسی است(۱):

قالَ اَميرُالْمُؤْمِنِينَؑ: قَوْلُهُ «سَلامٌ عَلىٰ آلِ يٰس» اِنَّ اللّهَ سَمَّى النَّبِيَّﷺ بِهٰذَا الْاِسْمِ حَيْثُ قالَ: «يٰسﷺ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ» لِعِلْمِهِ اَنَّهُمْ يُسْقِطُونَ سَلامٌ عَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَما اَسْقَطُوا غَيْرَهُ.

یعنی فرمودند امیرالمؤمنینؑ قول خدای تعالی «سَلامٌ عَلىٰ آلِ يٰس» بدرستیکه خدا اسمیة فرمودند نبیﷺ را باین اسم جائیکه فرمودند «يٰسﷺ، وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ» از جهة علم آن بدرستیکه آنها اسقاط میکنند «سَلامٌ عَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ» را، کمااینکه اسقاط نمودند غیر او را.

پنجم: موضع دویست و سه آیه صد و چهل و هفت: «وَ يَزِيدُونَ» بواو بدون الف تنزیل است، نه «اَوْ يَزِيدُونَ» کمااینکه در خبر اسحق بن عمّار است از مولانا الصّادقؑ(۲):

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۲

۲- فصل الخطاب، ص:۳۲۳

فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ «وَ اَرْسَلْنَاهُ اِلىٰ مِائَةِ اَلْف وَ يَزِيدُونَ».

۶۶۶- سوره ص: هفت خبر در چند موضع:

اوّل: موضع دویست و چهار آیه سی و هشت: «هٰذا عَطٰائُنا فَامْسِکْ اَوْ اَعْطِ بِغَيْرِ حِسٰابٍ» تنزیل است، نه «فَامْنُنْ» بدون «اَوْ اَعْطِ» کمااینکه در خبر ابی خالد است از مولانا الصّادق عليه السلام(۱):

«هٰذا عَطٰائُنا فَامْسِکْ اَوْ اَعْطِ بِغَيْرِ حِسٰابٍ».

و در خبر ابی عبیدة الحارثی است از آنحضرت نیز در قول خدای تعالی(۲):

«هٰذا عَطٰائُنا فَامْنُنْ اَوْ اَعْطِهِ بِغَيْرِ حِسٰابٍ» قُلْتُ: اَوْ اَعْطِهِ؟ قٰالَ: نَعَمْ.

یعنی گفتم: «اَوْ اَعْطِهِ» است؟ فرمودند: بلی!.

که هر یک از وجوه تنزیلیة است.

دوّم: آیه شصت و هفت: «قُلْ هُوَ نَبَؤٌ عَظِيمٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ اُوتُوا الْعِلْمَ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ» تنزیل است، نه بدون «فِي صُدُورِ الَّذِينَ اُوتُوا الْعِلْمَ» کمااینکه در خبر سدیر است از مولاناالصّادق عليه السلام(۳):

قٰالَ: «هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ اُوتُوا الْعِلْمَ اَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ».

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۴
۲- فصل الخطاب، ص:۳۲۴
۳- فصل الخطاب، ص:۳۲۴

یعنی فرمودند: «هُوَ نَبَأٌ» تا آخر آیه مذکورة.

۶۷۵- سوره زمر: نُه خبر در چند موضع:

اوّل: موضع دویست و شش آیه سی: «وَ رَجُلاً سالِماً لِرَجُلٍ» تنزیل است، نه «سَلَماً» کمااینکه در خبر محمّدبن الحنفیة است از پدر خود علیه السلام(۱):

فِی قَوْلِهِ تعالی «وَ رَجُلاً سَلماً لِرَجُلٍ» اَنا ذٰلِکَ الرَّجُلُ السّالِمُ لِرَسُولِ اللّٰهِ صلی الله علیه و آله.

یعنی منم آنمرد سالم از برای رسول خدا صلی الله علیه و آله.

دوّم: آیه پنجاه و چهار: «اِنَّ اللّٰهَ یَغْفِرُ لَکُمْ جَمیعاً الذُّنُوبَ» تنزیل است، نه «اِنَّ اللّٰهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمیعاً» کمااینکه در خبر ابی بصیر است از مولاناالصّادق علیه السلام: در قول خدای تعالی(۲):

عَن اَبی عَبدِاللّٰه علیه السلام فی قول اللّٰه عزّوجلّ: «لاٰ تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمیعاً» فَقٰالَ: «اِنَّ اللّٰهَ یَغْفِرُ لَکُمْ جَمیعاً الذُّنُوبَ» قٰالَ: فَقُلْتُ: لَیْسَ هٰکَذٰا نَقْرَئُهُ؟ فَقٰالَ: یٰا اَبٰا مُحَمَّدُ فَاِذٰا غَفَرَ الذُّنُوبَ جَمیعاً فَلِمَنْ یُعَذِّبُ، وَ اللّٰهِ مٰا عَنیٰ عَنْ عِبٰادِهِ غَیْرَنٰا وَ غَیْرَ شیعَتِنٰا وَ مٰا نَزَلَتْ اِلاّٰ هٰکَذٰا «اِنَّ اللّٰهَ یَغْفِرُ لَکُمْ جَمیعاً الذُّنُوبَ».

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۴ - بحارالانوار، ج:۳۵ ص:۳۴۳

۲- فصل الخطاب، ص:۳۲۴ - بحارالانوار، ج:۲۴ ص:۳۶۰

یعنی گفت: پس گفتم: نیست این چنین قرائة نمائیم او را پس فرمودند: ای ابا محمّد پس زمانیکه مغفرة فرمودند ذنوب را جمیعاً پس از برای چه کس عذاب میکند، قسم بخدا قصد نفرموده از عباد خود غیر ما را و غیر شیعیان ما را و نازل نشده است مگر این چنین «اِنَّ اللّٰهَ» تا آخر خبر مذکور.

۶۸۰- سوره مؤمن: پنج خبر نیز در چند موضع:

اوّل: موضع دویست و هشت: آیه هفت: «وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْاَرْضِ» تنزیل است، نه بدون «لِمَنْ فِي الْاَرْضِ» و بدل او «لِلَّذِینَ اٰمَنُوا» کمااینکه در خبر ابی ایّوب انصاریست[۱]:

قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ یَقُولُ: لَقَدْ صَلَّتِ الْمَلَائِکَةُ عَلَيَّ وَ عَلیٰ عَلِيٍّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ ﷺ سَبْعَ سِنِینَ وَ ذٰلِکَ اَنَّهُ لَمْ یُؤْمِنْ بِي ذَکَرٌ قَبْلَهُ، وَ ذٰلِکَ قَوْلُهُ تعالی «اَلَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِی الْاَرْضِ».

یعنی گفت: شنیدم نبیّ ﷺ را میفرمودند: هر آینة بتحقیق صلوة فرستاد ملائکة بر من و بر علی بن ابی طالب ﷺ هفت سال و او بدرستیکه ایمان نیاورد بمن مردی پیش از او، و او قول خدای

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۵

تعالی است «اَلَّذِیْنَ یَحْمِلُوْنَ» تا آخر مذکور.

دوّم: موضع دویست و نه: آیه دوازده: «اِذٰا دُعِیَ اللّٰهُ وَحْدَهُ وَ اَهْلُ الْوَلاٰیَةِ» تنزیل است، نَه بدون «وَ اَهْلُ الْوَلاٰیَةِ» کمااینکه در خبر زیدبن الحسن است(۱):

قٰالَ: سَأَلْتُ اَبٰاعَبْدِاللّٰهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ «رَبَّنٰا أَمَتَّنَا اثْنَتَیْنِ وَ أَحْیَیْتَنَا اثْنَتَیْنِ»؟ فَقٰالَ: فَاَجٰابَهُمُ اللّٰهُ تعالی «ذٰلِکُمْ بِاَنَّهُ اِذٰا دُعِیَ اللّٰهُ وَحْدَهُ وَ اَهْلُ الْوَلاٰیَةِ کَفَرْتُمْ».

یعنی گفت: سؤال نمودم امام صادق علیه السلام را از قول خدای عزّوجلّ «رَبَّنٰا» تا آخر پس فرمودند پس جواب فرمودند آنها را خدای تعالی «ذٰلِکُمْ بِاَنَّهُ» تا آخر مذکور.

۶۸۶- سوره فصّلت: شش خبر در چند موضع:

اوّل: موضع دویست و ده آیه سه: «فَأَعْرَضَ أَکْثَرُهُمْ عَنْ وَلاٰیَةِ عَلِیٍّ» تنزیل است، نَه بدون «عَنْ وَلاٰیَةِ عَلِیٍّ» کمااینکه در خبر حسن بن علی بن احمد العلویست(۲):

قٰالَ: بَلَغَنِي عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ علیه السلام قٰالَ: نَزَلَ جَبْرَئِیلُ عَلیٰ رَسُولِ اللّٰهِ صلی الله علیه و آله بِاَنَّ

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۵

۲- فصل الخطاب، ص:۳۲۵ - بحارالانوار، ج:۲۶ ص:۹۶

الْإِمَامُ بَعْدَهُ عَلِيٌّ عليه السلام ثُمَّ قَرَأَ: «حٰمٓ، تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآناً عَرَبِيّاً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» حَتّىٰ بَلَغَ «فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ عَنْ وَلَايَةِ عَلِيٍّ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ».

یعنی گفت: رسید من را از امام صادق عليه السلام بدرستیکه فرمودند تا اینکه فرمودند: نازل شد جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله بدرستیکه امام بعد آن علی است بعد فرمودند: «حٰمٓ» تا اینکه فرمودند «فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ» تا آخر خبر مذکور.

دوّم: آیه بیست و شش: «كَفَرُوا بِتَرْكِهِمْ وَلَايَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَذَاباً شَدِيداً» تنزیل است، نه بدون «بِتَرْكِهِمْ وَلَايَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام» کمااینکه در خبر ابی بصیر است از مولانا الصّادق عليه السلام در قول خدای تعالی[1]:

قال الله عزّوجلّ: «فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِتَرْكِهِمْ وَلَايَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَذَاباً شَدِيداً».

سیّم: آیه سی و سه: «إِلَى اللّٰهِ وَهُوَ صَبِيٌّ» تنزیل است، نه بدون «وَهُوَ

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۵ - بحارالانوار، ج:۲۳ ص:۳۷۸

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ: «فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِتَرْكِهِمْ وَلَايَةَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَذَاباً شَدِيداً».

صَبِیٌّ» کمااینکه در خبر جابر است از مولاناالباقر علیه السلام[۱]:

قٰالَ: وَجَّهَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله وَ فِی مَکَّةَ صَنٰادِیدُهٰا وَ کٰانُوا یُسَمُّونَ عَلِیّاً الصَّبِیَّ لِاَنَّهُ کٰانَ اِسْمُهُ فِی کِتٰابِ اللّٰهِ الصَّبِیُّ لِقَوْلِ اللّٰهِ تعالی: وَ مَنْ اَحْسَنُ قَوْلاً مِمَّنْ دَعٰا اِلَی اللّٰهِ وَ هُوَ صَبِیٌّ وَ عَمِلَ صٰالِحاً وَ قٰالَ: اِنَّنِی مِنَ الْمُسْلِمِینَ.

یعنی فرمودند: زمانیکه توجّه فرمودند نبیّ صلی الله علیه و آله تا اینکه فرمودند و در مکّة بود صنادید او و بودند تسمیة مینمودند علی را صبی بعلّة آنکه بدرستیکه بود اسم آن در کتاب خدا صبی از برای قول خدای تعالی «وَ مَنْ اَحْسَنُ» تا آخر خبر مذکور.

۶۹۹–سوره حٰمٓعسٓقٓ: سیزده خبر نیز در چند موضع:

اوّل: موضع دویست و سیزده آیه سه: «وَ الْمَلٰائِکَةُ یُسَبِّحُونَ حَوْلَ الْعَرْشِ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ لٰا یَفْتَرُونَ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِی الْاَرْضِ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ» تنزیل است، نه «وَ الْمَلٰائِکَةُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِی الْاَرْضِ» کمااینکه در خبر هشام بن سالم است از مولاناالصّادق علیه السلام[۲]:

فِی قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ «وَ الْمَلٰائِکَةُ حَوْلَ الْعَرْشِ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ لٰا یَفْتَرُونَ وَ

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۵ - بحارالانوار، ج:۳۰ ص:۲۱۷

۲- فصل الخطاب، ص:۳۲۶

یَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْاَرْضِ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ» قُلْتُ: مَا هٰذَا جُعِلْتُ فِدٰاکَ؟ قٰالَ: هٰذَا الْقُرْآنُ کَمٰا اُنْزِلَ عَلٰی مُحَمَّدٍ بِخَطِّ عَلِیٍّ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِمٰا، قُلْتُ: اِنّٰا نَقْرَءُ «وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْاَرْضِ» قٰالَ: فَفِي الْاَرْضِ الْیَهُودُ وَ النَّصٰاریٰ وَ الْمَجُوسُ وَ عَبَدَةُ الْاَوْثٰانِ اَ فَتَریٰ اَنَّ حَمَلَةَ الْعَرْشِ یَسْتَغْفِرُونَ لَهٰا، یَعْنِي «وَ الْمَلاٰئِکَةُ» تا اینکه گفتم: چیست این گردیده باشم فدای تو؟ فرمودند: این قرآن است مثل آنچه نازل شده است بر محمّد ﷺ بخطّ علی ﷺ، گفتم: بدرستیکه ما قرائة میکنیم «وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْاَرْضِ»؟ فرمودند: در ارض یهود و نصاری و مجوس و عَبَدة اوثان است آیا رؤیة میکنی بدرستیکه حملة عرش استغفار نمایند از برای آنها.

دوّم: آیه شش: «وَ الظّٰالِمُونَ لِآلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ مٰا لَهُمْ مِنْ وَلِیٍّ وَ لاٰ نَصِیرٍ» تنزیل است، نَه بدون «لِآلِ مُحَمَّدٍ» کمااینکه در خبر علی بن ابرٰهیم است[۱]:

«وَ لٰکِنْ یُدْخِلُ مَنْ یَشٰاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَ الظّٰالِمُونَ لِآلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ مٰا لَهُمْ مِنْ وَلِیٍّ وَ لاٰ نَصِیرٍ».

سیّم: آیه یازده: «وَ لَقَدْ وَصَّیْنٰاکَ بِمٰا وَصَّیْنٰا بِهِ آدَمَ وَ نُوحاً وَ اِبْرٰهِیمَ وَ مُوسیٰ وَ عِیسیٰ وَ النَّبِیِّینَ مِنْ قَبْلِکَ اَنْ اَقِیمُوا الدِّینَ وَ لاٰ تَتَفَرَّقُوا فِیهِ کَبُرَ عَلَی

۱- فصل الخطاب، ص: ۳۲۶ - بحارالانوار، ج: ۳۱ ص: ۵۷۹

الْمُشْرِكِينَ مٰا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ مِنْ تَوْلِيَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ» تنزیل است، نه «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مٰا وَصّىٰ بِهِ نُوحاً وَ الَّذِي أَوْحَيْنٰا إِلَيْكَ وَ مٰا وَصَّيْنٰا بِهِ إِبْرٰهِيمَ وَ مُوسىٰ وَ عِيسىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لاٰ تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مٰا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ» کمااینکه در خبر عبدالغفّار الحارثی است از مولانا الصّادق عليه السلام(۱):

قٰالَ: إِنَّ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ قٰالَ لِنَبِيِّهِ صلى الله عليه وآله: «وَ لَقَدْ وَصَّيْنٰاكَ بِمٰا وَصَّيْنٰا بِهِ آدَمَ وَ نُوحاً وَ إِبْرٰهِيمَ وَ مُوسىٰ وَ عِيسىٰ وَ النَّبِيِّينَ مِنْ قَبْلِكَ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لاٰ تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مٰا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ مِنْ تَوْلِيَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ».

یعنی فرمودند: بدرستیکه خدای عزّوجلّ فرمودند از برای نبی خود صلى الله عليه وآله «وَ لَقَدْ» تا آخر مذکور.

و در خبر محمّدبن سنان است از مولانا الرّضا عليه السلام(۲):

«كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مٰا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ يٰا مُحَمَّدُ مِنْ وَلاٰيَةِ عَلِيٍّ».

که هر یک از دو خبر مذکور از وجوه تنزیلیة توسیعیّة است.

چهارم: آیه بیست و یک: «تَرَى الظّٰالِمِينَ لِآلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ» تنزیل است، نه بدون «لِآلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ» کماانیکه در خبر علی بن ابرٰهیم قمّی رحمه الله

۱- فصل الخطاب، ص: ۳۲۶　　۲- فصل الخطاب، ص: ۳۲۶

است[۱]:

ثُمَّ قالَ: «تَرَى الظّالِمِينَ لِآلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ مُشْفِقِينَ مِمّا كَسَبُوا».

پنجم: آیه چهل و دو: «وَ تَرىٰ ظالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ لَمّا رَأَوُا الْعَذابَ» تنزیل است، نه بدون «ظالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ» کمااینکه در خبر ابی حمزة است از مولانا الباقر علیه السلام[۲]:

اِنَّهُ قَرَءَ «وَ تَرىٰ ظالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ لَمّا رَأَوُا الْعَذابَ» وَ عَلِيٌّ علیه السلام هُوَ الْعَذابُ.

یعنی بدرستیکه قرائة فرمودند آنحضرت «وَ تَرىٰ ظالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ لَمّا رَأَوُا الْعَذابَ» و قرائة فرمود: عَلِيٌّ علیه السلام هُوَ الْعَذابُ.

و در خبر مذکور است نیز از آنحضرت[۳]:

قالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «وَ لَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ» (اِلىٰ اَنْ قالَ) ثُمَّ قالَ: «وَ تَرَى الظّالِمِينَ لِآلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ لَمّا رَأَوُا الْعَذابَ».

که هر یک از وجوه تنزیلیة است.

ششم: آیه چهل و چهار: «اَلا اِنَّ الظّالِمِينَ آلَ مُحَمَّدٍ فِي عَذابٍ مُقِيمٍ» تنزیل است، نه بدون «آلَ مُحَمَّدٍ» کمااینکه در خبر جابر است از

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۶

۲- فصل الخطاب، ص:۳۲۷

۳- فصل الخطاب، ص:۳۲۷

مولانا الباقر عليه السلام(۱):

«اَلا اِنَّ الظّالِمِینَ آلَ مُحَمَّدٍ فی عَذابٍ مُقیمٍ».

هفتم: آیه چهل و چهار نیز: «خاشِعِینَ مِنَ الذُّلِ لِعَلِیٍّ یَنْظُرُونَ اِلیٰ عَلِیٍّ مِنْ طَرفٍ خَفِیٍ» تنزیل است، نه بدون «لِعَلِیٍّ وَ اِلیٰ عَلِیٍّ» کمااینکه در خبر ابی حمزة است از مولانا الباقر عليه السلام(۲):

قالَ عليه السلام: خاشِعِینَ مِنَ الذُّلِّ لَعَلِیٍّ یَنْظُرُونَ اِلیٰ عَلِیٍّ مِنْ طَرفٍ خَفِیٍ».

یعنی فرمودند: «خاشِعِینَ» تا آخر مذکور.

و از جابر است از آنحضرت «خاشِعِینَ مِنَ الذُّلِّ لِعَلِیٍّ یَنْظُرُونَ اِلَیْهِ مِنْ طَرْفٍ خَفِیٍ» که هر یک از دو خبر از وجوه تنزیلیة است.

۷۱۲- سوره زخرف: سیزده خبر نیز در چند موضع:

اوّل: موضع دویست و نوزده آیه سی و هفت: «اُمَّةً واحِدَةً کُفّاراً» تنزیل است، نه بدون «کُفّاراً» کمااینکه در خبر ابی القاسم است از مولاناالصّادق عليه السلام(۳):

«و لَوْلا اَنْ یَکُونَ النّاسُ اُمَّةً واحِدَةً کُفّاراً لَجَعَلْنا لِمَنْ یَکْفُرُ بِالرَّحْمٰنِ» ثُمَّ قالَ: وَ اللّٰهِ لَوْ فَعَلَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ لَفَعَلُوا.

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۷	۲- فصل الخطاب، ص:۳۲۷

۳- فصل الخطاب، ص:۳۲۷

یعنی «و لَوْلا» تا آخر بعد فرمودند: قسم بخدا اگر بجا آورده بود خدای عزّوجلّ هرآینة بجا می آوردند.

دوّم: آیه سی و هفت: «حَتّیٰ اذا جاآنا یَقُولُ اَحَدُهُما لِصاحِبِهِ حینَ یَراهُ» تنزیل است، نَه «جاءَ نا قالَ لَیْتَ» کمااینکه درخبر ابی حمزة است از مولانا الباقرعليه السلام(۱):

قالَ: نَزَلَتْ هاتانِ الْآیَتانِ هٰکَذا قَوْلُ اللّٰهُ «حَتّیٰ اِذا جاآنا» یَعْنِي فُلاناً وَ فُلاناً یَقُولُ اَحَدُهُما لِصاحِبِهِ حینَ یَراهُ: یا لَیْتَ بَیْني وَ بَیْنَکَ بُعْدَ الْمَشْرِقَیْنِ فَبِئْسَ الْقَرینُ».

یعنی فرمودند: نازل شده است این دو آیه این چنین قول خدا «حَتّیٰ اِذا جاآنا» یعنی فلاناً و فلاناً «یَقُولُ اَحَدُهُما لِصاحِبِهِ حینَ یَراهُ یا لَیْتَ بَیْني وَ بَیْنَکَ بُعْدَ الْمَشْرِقَیْنِ فَبِئْسَ الْقَرینُ».

سیّم: آیه سی و هشت: «وَ لَنْ یَنفَعُکُمُ الْیَوْمَ اِذْ ظَلَمْتُمْ آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُم» تنزیل است، نَه بدون «آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ» کمااینکه در ذیل خبر مذکور است(۲):

فَقالَ اللّٰهُ لِنَبِیِّهِ صلى الله عليه وآله: قُلْ لِفُلانٍ وَ فُلانٍ وَ اَتْباعِهِما «لَنْ یَنْفَعَکُمُ الْیَوْمَ اِذْ ظَلَمْتُمْ

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۷

۲- فصل الخطاب، ص:۳۲۷ - بحارالانوار، ج:۳۰ ص:۱۵۶

آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ اَنَّکُمْ فی الْعَذابِ مُشْتَرِکُونَ».

یعنی پس فرمودند خدا از برای نبیﷺ: بگو از برای فلان و فلان و اتباع آنها «وَ لَنْ یَنْفَعَکُمُ الْیَوْمَ اِذْ ظَلَمْتُمْ آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ اِنَّکُمْ فِی الْعَذابِ مُشْتَرِکُونَ».

چهارم: آیه چهل: «مُنْتَقِمُونَ بِعَلِیِّ بْنِ اَبِی طالِبٍ» تنزیل است، نه بدون «بِعَلِیِّ بْنِ اَبِی طالِبٍ» کمااینکه در خبر جابر است(۱):

رَوَیٰ جابِر بن عَبدِاللّهِ الاَنصاری قالَ: اِنِّی لَاَدْناهُمْ مِنْ رَسُولِ اللّهِﷺ فِی حَجَّةِ الْوَداعِ (اِلیٰ اَنْ قالَ) فَرَأَیْنا اَنَّ جِبْرِئیلَؑ غَمَزه فَاَنْزَلَ اللّهُ تَعالی عَلیٰ اَثَرِ ذالِکَ «فَاِمّا نَذْهَبَنَّ بِکَ فَاِنّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ بِعَلِیِّ بْنِ اَبِی طالِبٍؑ».

یعنی جابر گفت: بدرستیکه من هرآینة نزدیک‌تر ایشان بودم از رسول‌خداﷺ در حجّة الوداع تا اینکه گفت پس رؤیة نمودم جبرئیل را فشار داد آنرا پس نازل فرمود خدا بر عقب او «فَاِمّا نَذْهَبَنَّ» تا آخر.

پنجم: آیه پنجاه و هفت: «مِنْهُ یَضِجُّونَ» تنزیل است، نه «یَصُدُّونَ» کمااینکه در خبر نهج البیان است(۲):

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۷ - بحارالانوار، ج:۹ ص:۱۵۰

۲- فصل الخطاب، ص:۳۲۸ - بحارالانوار، ج:۹ ص:۲۳۶

وَ قالَ الصّادِقُ﵇: نَزَلَتْ هٰذِهِ الْآيَةُ هٰكَذا قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ «وَ لَمّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلاً إِذا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِجُّونَ» فَحَرَّفُوها «يَصُدُّونَ».

یعنی و فرموده است صادق﵇ نازل شده است این آیه این چنین قول خدای عزّوجلّ «وَ لَمّا ضُرِبَ» تا آخر مذکور پس تحریف نمودند او را «يَصُدُّونَ».

ششم: آیه پنجاه و هشت: «اِنْ عَلِيٌّ اِلاّ عَبْدٌ» تنزیل است، نه «اِنْ هُوَ اِلاّ عَبْدٌ» کمااینکه در خبر سلمان است(۱):

قالَ: فَأَنْزَلَ اللّٰهُ (اِلیٰ اَنْ قالَ) «بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ اِنْ عَلِيٌّ اِلاّ عَبْدٌ أَنْعَمْنا عَلَيْهِ وَ جَعَلْناهُ مَثَلاً لِبَنِي إِسْرائِيلَ» فَمُحِيَ اِسْمُهُ وَ كُشِطَ مِنْ هٰذَا الْمَوْضِعِ.

یعنی گفت: پس نازل فرمودند خدا تا اینکه گفت: «بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ اِنْ عَلِيٌّ اِلاّ عَبْدٌ أَنْعَمْنا عَلَيْهِ وَ جَعَلْناهُ مَثَلاً لِبَنِي إِسْرائِيلَ» پس محو شد اسم آن و زائل شد از این موضع.

هفتم: آیه شصت: «وَ لَوْ نَشاءُ لَجَعَلْنا مِنْ بَنِي هاشِمٍ مَلائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ» تنزیل است، نه «وَ لَوْ نَشاءُ لَجَعَلْنا مِنْكُمْ مَلائِكَةً» کمااینکه در خبر محمّدبن العباس است(۲):

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۸ - بحارالانوار، ج:۳۵ ص:۳۱۹

۲- فصل الخطاب، ص:۳۲۸

قالَ ﷺ: فَاَنْزَلَ اللّٰهُ جَلَّ اِسْمُهُ «وَ لَمّا ضُرِبَ بْنُ مَرْيَمَ» اِلیٰ قَوْلِهِ «وَ لَوْ نَشاءُ لَجَعَلْنا مِنْ بَنِي هاشِمٍ مَلائِكَةً فِي الْاَرْضِ يَخْلُفُونَ» قالَ: فَقُلْتُ لِاَبِي عَبْدِاللّٰهِ ﷺ: لَيْسَ فِي الْقُرْآنِ بَنِي هاشِمٍ؟ قالَ: مُحِيَتْ وَ اللّٰهِ فِيما مُحِيَ وَ لَقَدْ قالَ عَمْرو بْنِ الْعاص عَلیٰ مِنْبَرِ مِصْر: مُحِيَ مِنْ كِتابِ اللّٰهِ اَلْفُ حَرْفٍ وَ حُرِّفَ مِنْهُ اَلْفُ حَرْفٍ.

یعنی بدرستیکه رسول خدا ﷺ تا اینکه گفت فرمودند رسول خدا ﷺ پس نازل فرمود خدای جلّ اسمه «وَ لَمّا ضُرِبَ بْنُ مَرْيَمَ» تا قوله تعالی «وَ لَوْ نَشاءُ لَجَعَلْنا مِنْ بَنِي هاشِمٍ مَلائِكَةً فِي الْاَرْضِ يَخْلُفُونَ» گفت: گفتم از برای امام صادق ﷺ: نیست در قرآن «بَنِي هاشِم»؟ فرمودند: محو شده قسم بخدا در آنچه محو شده است، و هر آینة بتحقیق گفت عمروبن عاص بر منبر مصر: محو شده است از کتاب خدا هزار حرف و تحریف شده است از او هزار حرف.

هشتم: آیه هفتاد و یک: «فِيها ما تَشْتَهِيهِ الْاَنْفُسُ» تنزیل است، نه «وَ فِيها» کمااینکه در خبر سهل بن زیاد است از مردی از مولانا الصّادق ﷺ[1]:

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۸

«فِیهٰا مٰا تَشْتَهِیهِ الْاَنْفُسُ».

نهم: آیه هفتاد و هفت: «وَ نٰادَوْا یٰا مٰالُ» تنزیل است، نه «یٰا مٰالِکُ» کمااینکه در خبر طبرسی است(۱):

قٰالَ: وَ رُوِیَ ذٰلِکَ عَنْ عَلِیٍّ عليه السلام.

یعنی گفت: و روایة شده «یٰا مٰالُ» از علی عليه السلام.

۷۱۴- سوره دخان: دو خبر در دو موضع:

اوّل: موضع دویست و بیست و هفت آیه بیست و چهار: «مِنْ جَنّٰاتٍ وَ نَعِیمٍ» تنزیل است، نه «وَ عُیُونٍ» بدون «وَ نَعِیمٍ» کمااینکه در خبر ابی جمیلة است از مولاناالصّادق عليه السلام(۲):

اِنَّهُ قَرَءَ «کَمْ تَرَکُوا مِنْ جَنّٰاتٍ وَ نَعِیمٍ».

یعنی بدرستیکه قرائة فرمودند «کَمْ تَرَکُوا» تا آخر.

دوّم: آیه چهل و نه: «اَنْتَ الضَّعِیفُ اللَّئِیمُ» تنزیل است، نه «اَنْتَ الْعَزِیزُ الْکَرِیمُ» کمااینکه در خبر عبداللّٰهِ بن منصور است از مولانا الصّادق عليه السلام(۳):

اِنَّهُ قٰالَ فِی قَوْلِهِ تعالی: «ذُقْ اِنَّکَ اَنْتَ الضَّعِیفُ اللَّئِیمُ».

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۸ ۲- فصل الخطاب، ص:۳۲۸

۳- فصل الخطاب، ص:۳۲۸

یعنی بدرستیکه فرمودند در قول خدای تعالی «ذُقْ» تا آخر خبر مذکور.

۷۱۷- سوره جاثیة: سه خبر در یک موضع:

آیه بیست و نه: «هٰذا کِتابُنا یُنْطَقُ» بضمّ یاء و فتح طاء تنزیل است، نه فتح یاء و کسر طاء کمااینکه در خبر ابی بصیر است(۱):

قالَ: قُلْتُ: «هٰذا کِتابُنا یَنْطِقُ عَلَیْکُم بِالْحَقِّ»؟ قالَ: اِنَّ الْکِتابَ لَمْ یَنْطِقْ وَ لَنْ یَنْطِقُ وَ لٰکِنْ رَسُولُ اللّٰهِ ﷺ هُوَ النّاطِقُ بِالْکِتابِ. قالَ اللّٰهُ تعالی: «هٰذا کِتابُنا یُنْطَقُ عَلَیْکُمْ بِالْحَقِّ» فَقُلْتُ: اِنّا لانَقْرَءُ ها هٰکَذا؟ فَقالَ هٰکَذا وَاللّٰهِ نَزَلَ بِها جِبْرِئیلُ عَلیٰ رَسُولِ اللّٰهِ ﷺ وَ لٰکِنَّهُ مِمّا حُرِّفَ مِنْ کِتابِ اللّٰهِ.

یعنی گفت: گفتم: «هٰذا کِتابُنا یَنْطِقُ عَلَیْکُمْ بِالْحَقِّ» فرمودند: بدرستیکه کتاب نطق نکرده است و نطق نخواهد نمود ابداً ولیکن رسول‌خدا ﷺ آن نطق کننده است بکتاب فرموده است خدای‌تعالی: «هٰذا کِتابُنا یُنْطَقُ عَلَیْکُمْ بِالْحَقِّ» پس گفتم: بدرستیکه قرائة نمیکنیم او را اینِ چنین پس فرمودند: این چنین قسم بخدا نازل شده است باو جبرئیل بر رسول خدا ﷺ ولیکن او از آنچیزیست که تحریف شده است از کتاب خدا.

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۹

۷۲۰- سوره احقاف: سه خبر در چند موضع:

اوّل: موضع دویست و سی آیه سه: «اَوْ أَثْرَةٍ مِنْ عِلْمٍ» تنزیل است، نه «اَوْ اَثارَةٍ» کمااینکه در خبر طبرسی است[۱]:

قالَ: قَرَءَ عَلِيٌّ علیه السلام «اَوْ أَثْرَةٍ» بِسُكُونِ الثّاءِ مِنْ غَيْرِ اَلِفٍ.

یعنی گفت: قرائة فرموده است علی علیه السلام «اَوْ أَثْرَةٍ» بسکون ثاء بدون الف.

دوّم: آیه هشت: «اِنْ اَتَّبِعُ اِلاّ ما يُوحىٰ اِلَيَّ فِي عَلِيٍّ» تنزیل است، نه بدون «فِي عَلِيٍّ» کمااینکه در خبر ابی مریم است از مولانا الصّادق علیه السلام[۲]:

«اِنْ اَتَّبِعُ اِلاّ ما يُوحىٰ اِلَيَّ فِي عَلِيٍّ» هٰكَذا نَزَلَتْ.

یعنی این چنین نازل شده است.

سیّم: آیه چهارده: «بِوالِدَيْهِ حَسَناً» بفتح حاء و سین تنزیل است، نه «اِحْساناً» کمااینکه در خبر طبرسی است:

قالَ وَ رُوِيَ عَنْ عَلِيٍّ علیه السلام «حَسَناً» بِفَتْحِ الْحاءِ وَ السّينِ.

یعنی گفت: روایة شده است «حَسَناً» بفتح حاء و سین.

۷۳۹- سوره محمّد: نوزده خبر در چند موضع:

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۹

۲- فصل الخطاب، ص:۳۲۹

اوّل: موضع دویست و سی و دو آیه دو: «بِمٰا نُزِّلَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ فِي عَلِيٍّ» تنزیل است، نه بدون «فِي عَلِيٍّ» کمااینکه در خبر اسحق بن عمّار است[۱]:

قٰالَ: قٰالَ اَبُوعَبْدِاللّٰهِ عليه السلام: «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّٰالِحٰاتِ وَ آمَنُوا بِمٰا نُزِّلَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ فِي عَلِيٍّ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئٰاتِهِمْ وَ اَصْلَحَ بٰالَهُمْ» هٰكَذٰا نَزَلَتْ.

یعنی گفت: فرمودند امام صادق عليه السلام: «وَ الَّذِينَ» تا آخر این چنین نازل شده است.

دوّم: آیه ده: «مٰا اَنْزَلَ اللّٰهُ فِي عَلِيٍّ» تنزیل است، نه بدون «فِي عِلِيٍّ» کمااینکه در خبر ابی حمزة است از مولانا الباقر عليه السلام[۲]:

قٰالَ: نَزَلَ جِبْرَئِيلُ عَلىٰ رَسُولِ اللّٰهِ بِهٰذِهِ الْآيَةِ هٰكَذٰا «ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَرِهُوا مٰا اَنْزَلَ اللّٰهُ فى عَلِيٍّ فَاَحْبَطَ اَعْمٰالَهُمْ».

یعنی فرمودند: نازل شد جبرئیل بر رسول خدا صلى الله عليه وآله باین آیه این چنین «ذٰلِكَ» تا آخر مذکور.

سیّم: آیه پانزده: «اَمْثٰالُ الْجَنَّةِ» تنزیل است، نه «مَثَلُ الْجَنَّةِ» کمااینکه

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۹ - بحارالانوار، ج:۳۶ ص:۸۶

۲- فصل الخطاب، ص:۳۲۹

در خبر طبرسی است[۱]:

قٰالَ: قَرَءَ عَلِیٌّ «اَمْثٰالُ الْجَنَّةِ» عَلی الْجَمْعِ.

یعنی گفت: قرائة نمود علیؑ «اَمْثٰالُ الْجَنَّةِ» بر صیغة جمع.

چهارم: آیه هجده: «طَبَعَ اللّٰهُ عَلیٰ قُلُوبِهِمْ وَ سَمْعِهِمْ وَ اَبْصٰارِهِمْ» تنزیل است، نه بدون «وَ سَمْعِهِمْ وَ اَبْصٰارِهِمْ» کمااینکه در خبر اسحق بن عمّار است[۲]:

قٰالَ: قَرَءَ اَبُوعَبْدِاللّٰهِؑ «اُولٰئِکَ الَّذِینَ طَبَعَ اللّٰهُ عَلیٰ قُلُوبِهِمْ وَ سَمْعِهِمْ وَ اَبْصٰارِهِمْ فَاتَّبَعُوا اَهْوٰائَهُمْ».

یعنی گفت: قرائة فرمود امام صادقؑ «اُولٰئِکَ الَّذِینَ» تا آخر خبر مذکور.

پنجم: آیه بیست و چهار: «اِنْ تَوَلَّیْتُمْ فَسَلَّطْتُمْ وَ مَلَکْتُمْ» تنزیل است، نه بدون «اِنْ تَوَلَّیْتُمْ فَسَلَّطْتُمْ وَ مَلَکْتُمْ» کمااینکه در خبر حلبی است[۳]:

قٰالَ: قَرَءَ اَبُوعَبْدِاللّٰهِؑ «فَهَلْ عَسَیْتُمْ اِنْ تَوَلَّیْتُمْ فَسَلَّطْتُمْ وَ مَلَکْتُمْ اَنْ تُفْسِدُوا فِی الْاَرْضِ وَ تُقَطِّعُوا اَرْحٰامَکُمْ».

یعنی گفت: قرائة فرمودند امام صادقؑ: «فَهَلْ عَسَیْتُمْ» تا آخر خبر

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۹

۲- فصل الخطاب، ص:۳۲۹

۳- فصل الخطاب، ص:۳۲۹

مذکور.

و در خبر عبدالرّحیم است از مولانا الباقر عليه السلام[۱]:

قالَ: تَلاٰ رَسُولُ اللّٰهِ صلى الله عليه وآله «فَهَلْ عَسَيْتُمْ اِنْ تَوَلَّيْتُمْ وَ تَسَلَّطْتُمْ وَ مَلَكْتُمْ».

یعنی فرمودند: تلاوة فرمودند رسول خدا صلى الله عليه وآله «فَهَلْ عَسَيْتُمْ» تا آخر خبر مذکور.

و در خبر طبرسی است از رسول خدا صلى الله عليه وآله «فَهَلْ عَسَيْتُمْ اِنْ وُلّيتُمْ» که هر یک از سه (خبر) مذکور از وجوه تنزیلیة توسیعیّة است.

ششم: آیه بیست و شش: «اَفَلاٰ يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْاٰنَ فَيَقْضُوا مٰا عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَقِّ» تنزیل است، نه بدون «فَيَقْضُوا مٰا عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَقِّ» کمااینکه در خبر محمّدبن فُضیل است[۲]:

قالَ: سَمِعْتُ اَبَاالْحَسَنِ بْنِ مُوسىٰ بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام يَقْرَءُ «اَفَلاٰ يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْاٰنَ فَيَقْضُوا مٰا عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَقِّ».

یعنی شنیدم امام ثامن عليه السلام را قرائة میفرمودند: «اَفَلاٰ» تا آخر خبر مذکور.

هفتم: آیه بیست و شش: «الشَّيْطٰانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَ اُمْلِيَ» بضمّ الف و کسر لام «اُمْلِيَ» تنزیل است، نه فتح الف و لام او، کمااینکه در خبر

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۹	۲- فصل الخطاب، ص:۳۲۹

کمیل بن زیاد است از مولانا الامیر علیه السلام(۱):

قالَ: یا کُمَیْلُ اِحْفَظْ قَوْلَ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ «الشَّیْطانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَ اُمْلِي لَهُم» وَ الْمُسَوِّلُ الشَّیْطانُ وَ الْمُمْلِي اللّٰهُ تعالی.

یعنی فرمودند: ای کمیل حفظ کن قول خدای عزّوجلّ را «الشَّیْطانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَ اُمْلِي» و مُسَوِّل شیطان است و مُمْلِي خدای تعالی است.

هشتم: آیه بیست و هشت: «کَرِهُوا ما اَنْزَلَ اللّٰهُ فِي عَلِيٍّ» تنزیل است، نَه «کَرِهُوا ما نَزَّلَ اللّٰهُ» بدون «فِي عَلِيٍّ» کمااینکه در خبر عبدالرّحمن بن کثیر است از مولانا الصّادق علیه السلام(۲):

قالَ: قُلْتُ لَهُ: قَوْلُهُ تعالی «ذٰلِکَ بِاَنَّهُمْ قالُوا لِلَّذِینَ کَرِهُوا ما نَزَّلَ اللّٰهُ سَنُطِیعُکُمْ فِي بَعْضِ الْاَمْرِ»؟ قالَ: نَزَلَتْ وَاللّٰهِ فِیهِما وَ فِي اَتْباعِهِما وَ هُوَ قَوْلُ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ الَّذِي نَزَلَ بِهِ جِبْرِئیلُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله «ذٰلِکَ بِاَنَّهُمْ قالُوا لِلَّذِینَ کَرِهُوا ما اَنْزَلَ اللّٰهُ فی عَلِيٍّ سَنُطِیعُکُمْ فِي بَعْضِ الْاَمْرِ».

یعنی گفت: گفتم از برای آنحضرت قول خدای تعالی «ذٰلِکَ» تا

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۹

۲- فصل الخطاب، ص:۳۳۰ - تفسیر قمّی، ج: ۲ ص:۳۲

عن ابی حمزة عن ابی جعفر علیه السلام قال: نَزَلَ جِبْرِئیلُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله «ذٰلِکَ بِاَنَّهُم کَرِهُوا ما اَنْزَلَ اللّٰهُ فِي عَلِيٍّ» الّا انّه کُشط الاسم.

آخر؟ فرمودند: نازل شده است قسم بخدا در آندو و اتباع آندو و او قول خدای عزّوجلّ است آنچنانیکه نازل شده است باو جبرئیل بر محمّد صلی الله علیه و آله «ذٰلِکَ» تا آخر مذکور.

نهم: آیه سی و سه: «وَ لَیَبْلُوَنَّکُمْ حَتّیٰ یَعْلَمَ» تنزیل است، نه «وَ لَنَبْلُوَنَّکُمْ حَتّیٰ نَعْلَمَ» کمااینکه در خبر ابن سالم است از مولاناالصّادق علیه السلام[1]:

«وَ لَیَبْلُوَنَّکُمْ حَتّیٰ یَعْلَمَ» بِالْیاءِ.

یعنی «یَبْلُوَنَّکُمْ وَ یَعْلَمَ» بیاءِ است، نه نون، و همچنین در «یَبْلُوا اَخْبارَکُمْ» بیاء است، نه نون، کمااینکه در خبر طبرسی است از مولاناالباقر علیه السلام.

۷۴۳- سوره حُجُرات: چهار خبر در چند موضع:

اوّل: موضع دویست و چهل و یک آیه چهار: «اِنَّ الَّذینَ یُنادُونَکَ مِنْ وَراءِ الْحُجُراتِ بَنُوتَمیمٍ اَکْثَرُهُمْ لایَعْقِلُونَ» تنزیل است، نه بدون «بَنُوتَمیمٍ» کمااینکه در خبر حریز است از مولانا الصّادق علیه السلام[2]:

اِنَّهُ قالَ: عَمَدُوا اِلیٰ آیَةٍ مِنْ کِتابِ اللّٰهِ فَاَدْرَسُوها «اِنَّ الَّذینَ یُنادُونَکَ مِنْ وَراءِ الْحُجُراتِ بَنُو تَمیمٍ اَکْثَرُهُمْ لایَعْقِلُونَ».

یعنی بدرستیکه فرمودند: تعمّد نمودند بسوی آیه از کتاب خدا

۱- فصل الخطاب، ص: ۳۳۰	۲- فصل الخطاب، ص: ۳۳۱

پس ادراس و کهنه نمودند او را «اِنَّ الَّذِینَ» تا آخر آیه.

دوّم: آیه شش: «فَتَثَبَّتُوا» تنزیل است، نَه «فَتَبَیَّنُوا» کمااینکه در خبر طبرسی است از مولانا الباقر علیه السلام[1]:

قٰالَ: عَنِ الْبٰاقِرِ علیه السلام «فَتَثَبَّتُوا» بِالثّٰاءِ وَ الْبٰاءِ.

یعنی گفت: روایة شده است از امام باقر علیه السلام «فَتَثَبَّتُوا» بثاء و باء، نَه تاء و باء.

۷۴۸- سوره ق: پنج خبر در چند موضع:

اوّل: موضع دویست و چهل و سه آیه هجده: «وَجٰائَتْ سَکْرَةُ الْحَقِّ بِالْمَوْتِ» تنزیل است، نَه «سَکْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ» کمااینکه در خبر سعدبن عبداللّٰهِ است[2]:

قٰالَ: قَرَءَ الصّٰادِقُ علیه السلام «وَ جٰائَتْ سَکْرَةُ الْحَقِّ بِالْمَوْتِ».

یعنی گفت: قرائة فرمودند: «وَ جٰائَتْ سَکْرَةُ الْحَقِّ بِالْمَوْتِ».

دوّم: آیه بیست و سه: «یٰا مُحَمَّدُ یٰا عَلِیُّ اَلْقِیٰا» تنزیل است، نَه بدون «یٰا مُحَمَّدُ یٰا عَلِیُّ» کمااینکه در خبر حسین بن راشد است[3]:

قٰالَ: قٰالَ لِی شَرِیکُ الْقٰاضِی: (اِلیٰ اَنْ قٰالَ) کُنْتُ عَلیٰ بٰابِ الْاَعْمَشِ وَ عَلَیْهِ

۱- فصل الخطاب، ص:۳۳۱
۲- فصل الخطاب، ص:۳۳۱
۳- فصل الخطاب، ص:۳۳۱

جَماعَةٌ مِنْ اَصْحابِ الْحَدیثِ قالَ: فَفَتَحَ الْاَعْمَشُ الْبابَ فَنَظَرَ اِلَیْهِمْ ثُمَّ رَجَعَ وَ اَغْلَقَ الْبابَ فَانْصَرَفُوا وَ بَقیتُ اَنَا فَخَرَجَ فَرَانی فَقالَ: لی اَنْتَ هُنا لَوْ عَلِمْتُ لَاَدْخَلْتُکَ اَوْ لَاَخْرِجْتُ اِلَیْکَ، قالَ: ثُمَّ قالَ: اَتَدْری ما کانَ تَرَدّدی فِی الدِّهْلیزِ هٰذَا الْیَوْمَ؟ قُلْتُ: لا قالَ: اِنّی ذَکَرْتُ ایَةً فی کِتابِ اللّٰهِ، قُلْتُ: ما هِیَ؟ قالَ: قَوْلُ اللّٰهِ تَعالیٰ «یا مُحَمَّدُ وَ یا عَلِیُّ اَلْقِیا فی جَهَنَّمَ کُلَّ کَفّارٍ عَنیدٍ» قالَ: قُلْتُ: وَ هٰکَذا نَزَلَتْ؟ قالَ: اِیْ وَ الَّذی بَعَثَ مُحَمَّداً بِالنُّبُوَّةِ لِیُهْلِکَنا نَزَلَتْ.

یعنی گفت: گفت: از برای من شریک القاضی تا اینکه گفت: بودم بر باب اعمش و حال آنکه بود بر آن جماعتی از اصحاب حدیث، گفت: پس باز کرد اعمش باب را پس نظر نمود بسوی ایشان بعد رجوع نمود و بست باب را پس منصرف شدند و باقی ماندم من پس خارج شد و رؤیة نمود من را، پس گفت: تو در این جائی اگر میدانستم هرآینة داخل مینمودم تو را یا خارج مینمودم بسوی تو، گفت: بعد گفت: آیا میدانی چه بود تردّد من در دهلیز امروز؟ گفتم: نه گفت: بدرستیکه یاد آوردم یک آیه در کتاب خدا را، گفتم: چیست او؟ گفت: قول خدای تعالی «یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ» تا آخر گفت: گفتم: و این چنین نازل شده است؟ گفت بلی قسم بکسیکه فرستاد محمّد را بنبوّة از برای اینکه اهلاک کند ما را نازل شده است.

۷۵۰- سوره ذاریات: دو خبر در یک موضع:

اوّل: آیه پنج: «فِي عَلِيٍّ لَصادِقٌ» تنزیل است، نه بدون «فِي عَلِيٍّ» کماانیکه در خبر ابی جعفر عليه السلام است[1]:

قالَ: فِي قَوْلِهِ تعالی «إِنَّمَا تُوعَدُونَ فِي عَلِيٍّ لَصادِقٌ».

۷۵۵- سوره طور: پنج خبر نیز در یک موضع:

آیه چهل و هشت: «وَ إِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ» تنزیل است، نه بدون «آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ» کماانیکه در خبر ابی حمزة است از مولانا الباقر عليه السلام[2]:

فِي قَوْلِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ «وَ إِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ عَذاباً دُونَ ذٰلِكَ».

و در خبر سعدبن عبدالله است[3]:

قالَ: قالَ أَبُو جَعْفَر: نَزَلَ جَبْرَئِيلُ بِهٰذِهِ الْآيَةِ هٰكَذا «فَإِنَّ لِلظّالِمِينَ آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ عَذاباً دُونَ ذٰلِكَ».

یعنی گفت: فرمودند امام باقر عليه السلام: نازل شد جبرئیل باین آیه این چنین «فَإِنَّ» تا آخر. که هر یک از دو خبر از وجوه تنزیلیة است.

۷۵۹- سوره نجم: چهار خبر، در دو موضع:

۱- فصل الخطاب، ص:۳۳۱

۲- فصل الخطاب، ص:۳۳۲

۳- فصل الخطاب، ص:۳۳۲

اوّل: موضع دویست و چهل و هفت، آیه هشت: «ثُمَّ دَنیٰ فَتَدٰانیٰ» تنزیل است، نَه «فَتَدَلّیٰ» کمااینکه در خبر حبیب سجستانیست[۱]:

قٰالَ: سَئَلْتُ اَبٰا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ «ثُمَّ دَنیٰ فَتَدَلّیٰ» فَقٰالَ: یٰا حَبیبُ لاٰتَقْرَئْهٰا هٰكَذٰا اِنَّمٰا هُوَ «ثُمَّ دَنیٰ فَتَدٰانیٰ».

یعنی گفت: سؤال نمودم امام باقر عليه السلام را از قول خدای عزّوجلّ «ثُمَّ دَنیٰ فَتَدَلّیٰ» پس فرمودند: ای حبیب قرائة نکن او را این چنین، نیست غیر از این او «ثُمَّ دَنیٰ فَتَدٰانیٰ» است.

دوّم: آیه پنجاه و هشت: «لَیْسَ لَهٰا مِنْ دُونِ اللّٰهِ كٰاشِفَةٌ وَ الَّذینَ كَفَرُوا سَیِّئٰاتُهُمُ الْغٰاشِیَةُ» تنزیل است، نَه بدون «وَ الَّذینَ» تا آخر، کمااینکه در خبر سهل بن زیاد است از مردی از مولانا الصّادق عليه السلام در قول خدای تعالی[۲]:

«لَیْسَ لَهٰا مِنْ دُونِ اللّٰهِ كٰاشِفَةٌ وَ الَّذینَ كَفَرُوا سَیِّئٰاتُهُمُ الْغٰاشِیَةُ».

۷۷۰- سوره رحمان: یازده خبر در چند موضع:

اوّل: آیه شش: «وَ السَّمٰاءَ رَفَعَهٰا وَ خَفَضَ الْمیزٰانَ» تنزیل است، نَه «وَضَعَ الْمیزٰانَ» کمااینکه در خبر مغیرة بن بویه است از مولانا الصّادق عليه السلام[۳]:

۱- فصل الخطاب، ص:۳۳۲

۲- فصل الخطاب، ص:۳۳۲

۳- فصل الخطاب، ص:۳۳۳

فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ «وَ السَّماءَ رَفَعَها وَ خَفَضَ الْمِيزانَ».

دوّم: آیه هشت: «وَ اَقيمُوا اللِّسانَ» تنزیل است، نه «وَ اَقيمُوا الْوَزْنَ» کمااینکه نیز در خبر مغیرة مذکور از آنحضرت است[1]:

«اَلاّ تَطْغَوْا فِي الْمِيزانِ وَ اَقيمُوا اللِّسانَ».

سیّم: آیه سی و نه: «فَيَوْمَئِذٍ لايُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ مِنْكُمْ اِنْسٌ وَ لاجانٌّ» تنزیل است، نه بدون «مِنْكُمْ» کمااینکه در خبر میسر است[2]:

قالَ: سَمِعْتُ الرِّضا عليه السلام يَقُولُ: لايُرىٰ مِنْكُمْ فِي النّارِ اِثْنانِ لا وَ اللّٰهِ وَ لا واحِدٌ، قُلْتُ: اَيْنَ ذا مِنْ كِتابِ اللّٰهِ؟ فَاَمْسَكَ عَنّي سَنَةً، قالَ: فَاِنّي مَعَهُ ذاتَ يَوْمٍ فِي الطَّوافِ اِذْ قالَ: يا مَيْسِرُ الْيَوْمَ اُذِنَ لي في جَوابِكَ عَنْ مَسْئَلَتِكَ كَذا، قالَ: قُلْتُ: فَاَيْنَ هُوَ مِنَ الْقُرْآنِ؟ قالَ: في سُورَةِ الرَّحْمٰنِ، وَ هُوَ قَوْلُ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ «فَيَوْمَئِذٍ لايُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ مِنْكُمْ اِنْسٌ وَ لاجانٌّ» فَقُلْتُ: لَيْسَ فيها «مِنْكُمْ»؟ قالَ: اِنَّ اَوَّلَ مَنْ غَيَّرَها اِبْنُ اَرْوىٰ وَ ذٰلِكَ اَنَّها حُجَّةٌ عَلَيْهِ وَ عَلىٰ اَصْحابِهِ وَلَوْ لَمْ يَكُنْ فيها «مِنْكُمْ» لَسَقَطَ عِقابُ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ عَنْ خَلْقِهِ اِذْ لَمْ يُسْئَلْ عَنْ ذَنْبِهِ اِنْسٌ وَ لاجانٌّ فَلِمَنْ يُعاقِبُ اِذاً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ.

یعنی گفت: شنیدم امام ثامن عليه السلام را میفرمودند: دیده نمیشود از شما در آتش دو نفر نَه قسم بخدا و نه یک نفر، گفتم: کجا است این از

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۳ ۲- تفسیر برهان؛ ج:۴ ص:۲۶۸

کتاب خدا؟ پس امساک فرمودند از من یک سال، گفت: پس بدرستیکه من بودم با آن حضرت روزی در طواف ناگهان فرمودند: ای میسر امروز اذن داده شد از برای من در جواب تو از مسئلة تو آنچنان، گفت: گفتم: پس کجا است او از قرآن؟ فرمودند: در سورة الرّحمن و او قول خدای عزّوجلّ است «فَيَوْمَئِذٍ لاٰيُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ مِنْكُمْ اِنْسٌ وَ لاٰجٰانٌّ» پس گفتم: نیست در او «مِنْكُمْ» فرمودند: بدرستیکه اوّل کسیکه تغییر داد او را ابن اروی بود و او بدرستیکه آن آیه حجّة است بر او و بر اصحاب او و اگر نبوده باشد در او «مِنْكُمْ» هرآینة ساقط میشود عقاب خدای عزّوجلّ از خلق آن زیرا که سؤال نمیشود از گناه آن نه انس و نه جنّ پس از برای چه کس عقاب میکند در این هنگام روز قیمة.

چهارم: آیه جهل و سه: «هٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمٰا بِهٰا تُكَذِّبٰانِ فَاَصْلَيٰا فيهٰا لاٰتَمُوتٰانِ وَ لاٰتَحْيِيٰانِ» تنزیل است، نه «هٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهٰا الْمُجْرِمُونَ» کمااینکه در خبر ابرٰهیم بن عبدالحمید است[۱]:

قٰالَ: دَخَلْتُ عَلىٰ اَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام فَاَخْرَجَ اِلَيَّ مُصْحَفاً فَفَتَحْتُ فَوَقَعَ بَصَرِي عَلىٰ مَوْضِعٍ مِنْهُ فَاِذاً فيهِ مَكْتُوبٌ «هٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمٰا بِهٰا تُكَذِّبٰانِ فَاَصْلَيٰا فيهٰا

۱- فصل الخطاب، ص: ۳۳۲

لاتَمُوتانِ وَ لاتَحییانِ» یَعنِي الأوّلَینِ.

یعنی گفت: داخل شدم بر امام صادق علیه السلام پس بیرون آورد بسوی من مصحفی، پس باز نمودم پس واقع شد بصر من بر موضعی از او، پس در آن وقت در او بود مکتوب «هٰذِهِ جَهَنَّمُ» تا آخر، یعنی اوّلین.

و خبر سعدبن عبدالله است(۱):

قالَ: وَ قَرَءَ الصّادِقُ علیه السلام «هٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي کُنتُما بِها تُکَذِّبانِ اَصلَیاها فَلاتَمُوتانِ فِیها وَ لاتَحییانِ».

یعنی گفت: قرائة فرموده‌اند امام صادق علیه السلام «هٰذِهِ» تا آخر.

و در خبر طبرسی است(۲):

قالَ: رُوِيَ عَنِ الصّادِقِ علیه السلام «هٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي کُنتُما بِها تُکَذِّبانِ تَصلَیانِها وَ لاتَمُوتانِ وَ لاتَحییانِ».

یعنی گفت: روایة شده است از امام صادق علیه السلام «هٰذِهِ» تا آخر مذکور، هر یک از سه خبر از وجوه تنزیلیة توسیعیّة است.

پنجم: آیه هفتاد و شش: «عَلیٰ رَفارِفَ خُضرٍ وَ عَباقِرِيَّ حِسانٍ» تنزیل است، نه «رَفرَفٍ خُضرٍ وَ عَبقَرِيٍّ حِسانٍ» کمااینکه در خبر طبرسی

۱- فصل الخطاب، ص:۳۳۳ ۲- فصل الخطاب، ص:۳۳۳

است[۱]:

قَالَ: قَرَءَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله «رَفارِفَ وَ عَباقِرِیُّ».

یعنی قرائة فرموده است نبیّ صلی الله علیه و آله «رَفارِفَ وَ عَباقِرِیُّ».

۷۸۱- سوره واقعة: یازده خبر در چند موضع:

اوّل: موضع دویست و پنجاه و چهار: آیه بیست و هشت: «وَ طَلْعٍ مَنْضُودٍ» بعین تنزیل است، نَه حاء، کمااینکه در خبر یعقوب بن شعیب است[۲]:

قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِاللّٰهِ علیه السلام: «وَ طَلْعٍ مَنْضُودٍ» قَالَ: لا بَلْ «طَلْعٍ مَنْضُودٍ».

یعنی گفت: گفتم از برای امام صادق علیه السلام: «وَ طَلْعٍ مَنْضُودٍ» فرمودند، نَه بلکه «طَلْعٍ مَنْضُودٍ».

دوّم: آیه هشتاد و یک: «وَ تَجْعَلُونَ شُکْرَکُمْ أَنَّکُمْ تُکَذِّبُونَ» تنزیل است، نَه «رِزْقَکُمْ» کمااینکه در خبر سعدبن عبداللّٰهِ است[۳]:

قَالَ: وَ قَرَءَ الصَّادِقُ علیه السلام «وَ تَجْعَلُونَ شُکْرَکُمْ أَنَّکُمْ تُکَذِّبُونَ».

یعنی گفت: و قرائة فرمودند امام صادق علیه السلام «وَ تَجْعَلُونَ» تا آخر.

و در خبر ابی عبدالرَّحمن السَّلمی است[۴]:

۱- فصل الخطاب، ص:۳۳۳

۲- فصل الخطاب، ص:۳۳۳

۳- فصل الخطاب، ص:۳۳۴

۴- فصل الخطاب، ص:۳۳۴

قٰالَ: قَرَءَ بِنٰا عَلِیٌّ عليه السلام فِي النَّحر «وَ تَجْعَلُونَ شُكْرَكُمْ اِذٰا مُطِرْتُمْ» الْآيَة.

یعنی گفت: قرائة فرمودند بما علی عليه السلام در نحر «وَ تَجْعَلُونَ شُكْرَكُمْ اِذٰا مُطِرْتُمْ» تا آخر آیه که هر یک از دو خبر از وجوه تنزیلیة است.

سیّم: آیه هشتاد و هشت: «فَرُوحٌ» بضم راء تنزیل است، نَه فتح او، کمااینکه در خبر سهل بن زیاد است از مولانا الصّادق عليه السلام(۱):

قٰالَ: «فَرُوحٌ وَ رَيْحٰانٌ».

۷۸۲- سوره حدید: یک خبر، در یک موضع:

موضع دویست و پنجاه و هفت آیه بیست و دو: «مٰا اَصٰابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْاَرْضِ وَ لاٰ فِي السَّمٰاءِ» تنزیل است، نَه بدون «وَ لاٰ فِي السَّمٰاءِ» کمااینکه در خبر مبشّر است از مولانا الباقر عليه السلام(۲):

قٰالَ: «مٰا اَصٰابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْاَرْضِ وَ لاٰ فِي السَّمٰاءِ وَ لاٰ فِي اَنْفُسِكُمْ اِلاّٰ فِي كِتٰابٍ»:

یعنی فرمود: «مٰا اَصٰابَ» تا آخر.

۷۸۵- سوره حشر: سه خبر نیز در یک موضع:

موضع دویست و پنجاه و هشت آیه هفت: «فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللّٰهَ فِي ظُلْمِ آلِ مُحَمَّدٍ اِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقٰابِ لِمَنْ ظَلَمَهُمْ» تنزیل است، نَه بدون «وَ

۱- فصل الخطاب، ص:۳۳۴

۲- فصل الخطاب، ص:۳۳۴

اتَّقُوا اللّٰهَ فِي ظُلْمِ آلِ مُحَمَّدٍ (الی) لِمَنْ ظَلَمَهُمْ» کمااینکه در خبر سلیم بن قیس الهلالیست از مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام(۱):

قٰالَ: «وَ مٰا آتٰيكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مٰا نَهٰيكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللّٰهَ فِي ظُلْمِ آلِ مُحَمَّدٍ إِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقٰابِ لِمَنْ ظَلَمَهُمْ».

۷۸۷- سوره صفّ: دو خبر در دو موضع:

اوّل: موضع دویست و پنجاه و نه آیه هشت: «وَ لَوْ كَرِهَ الْكٰافِرُونَ بِوَلاٰيَةِ عَلِيٍّ» تنزیل است، نه بدون «بِوَلاٰيَةِ عَلِيٍّ» کمااینکه در خبر محمّدبن فضیل است از مولانا الرّضا علیه السلام(۲):

قٰالَ: سَئَلْتُهُ (الیٰ اَنْ قٰالَ) قٰالَ: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الْأَدْيٰانِ عِنْدَ قِيٰامِ الْقٰائِمِ علیه السلام لِقَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَ اللّٰهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكٰافِرُونَ بِوَلاٰيَةِ عَلِيٍّ» قُلْتُ: هٰذٰا تَنْزِيلٌ؟ قٰالَ: اَمّٰا هٰذَا الْحَرف فَتَنْزِيلٌ وَ اَمّٰا غَيْرُهُ فَتَأْوِيلٌ.

یعنی گفت: سؤال نمودم آنحضرت علیه السلام را تا اینکه گفت: فرمودند: از برای اینکه اظهار کند آنرا بر ادیان نزد قیام قائم علیه السلام از برای قول خدای عزّوجلّ «وَ اللّٰهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكٰافِرُونَ بِوَلاٰيَةِ عَلِيٍّ» گفتم: این تنزیل است؟ فرمودند: امّا این حروف پس تنزیل است، و امّا غیر او پس تأویل است.

۱- فصل الخطاب، ص:۳۳۴	۲- فصل الخطاب، ص:۳۳۴

دوّم: آیه نه: «هُوَ الَّذي اَرْسَلَ عَبْدَهُ» تنزیل است، نه «رَسُولَهُ» کمااینکه در خبر عبایة الاسدیست(۱):

اِنَّهُ سَمِعَ عَلِيّاً عليه السلام يَقْرَءُ «هُوَ الَّذي اَرْسَلَ عَبْدَهُ بِالْهُدىٰ وَ دينِ الْحَقِّ».

یعنی بدرستیکه شنید علی عليه السلام را قرائة میکردند «هُوَ الَّذي» تا آخر مذکور.

۷۸۹- سوره جمعة: دوازده خبر در چند موضع:

اوّل: موضع دویست و شصت و یک: آیه نه: «فَامْضُوا اِلىٰ ذِكْرِ اللّٰهِ» تنزیل است، نَه «فَاسْعَوْا اِلىٰ ذِكْرِ اللّٰهِ».

دوّم: آیه ده: «وَ ابْتَغُوا فَضْلَ اللّٰهِ» بدون «مِنْ» تنزیل است، نَه با «مِنْ».

سیّم: آیه یازده: «اِنْصَرَفُوا اِلَيْها» تنزیل است، نَه «اِنْفَضُّوا اِلَيْها».

چهارم: آیه یازده نیز: «لِلَّذينَ اتَّقَوْا» تنزیل است، نَه بدون او، کمااینکه جمیعاً در خبر جابر است(۲):

قالَ: كُنْتُ لَيْلَةً مِنْ بَعْضِ اللَّيالي عِنْدَ اَبي جَعْفَرٍ عليه السلام فَقَرَأْتُ هٰذِهِ الْآيَةِ «يا اَيُّهَا الَّذينَ اٰمَنُوا اِذا نُودِيَ لِلصَّلٰوةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا اِلىٰ ذِكْرِ اللّٰهِ» قالَ: فَقالَ: يا جابِرُ كَيْفَ قَرَأْتَ؟ قُلْتُ: «يا اَيُّهَا الَّذينَ (الخ)» قالَ: هٰذا تَحْريفٌ يا جابِرُ، قالَ: قُلْتُ: كَيْفَ اَقْرَءُ جَعَلَنِيَ اللّٰهُ فِداكَ؟ قالَ: فَقالَ: «يا اَيُّهَا الَّذينَ

۱- فصل الخطاب، ص:۳۳۴

۲- فصل الخطاب، ص:۳۳۵

اٰمَنُوا اِذٰا نُودِیَ لِلصَّلٰوةِ مِنْ یَوْمِ الْجُمعَةِ فَامْضُوا اِلیٰ ذِکْرِ اللّٰهِ» هٰکَذٰا نَـزَلَتْ (اِلیٰ اَنْ قالَ) «وَ ابْتَغُوا فَضْلَ اللّٰهِ» قٰالَ جٰابِرُ: «وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ»؟ قٰالَ: هٰذا تَحْرِیفٌ هٰکَذٰا نَزَلَتْ «وَ اَبْتَغُوا فَضْلَ اللّٰهِ» (اِلیٰ اَنْ قالَ﴿ع﴾) «اِنْـصَرَفُوا اِلَیْهٰا» قٰالَ: قُلْتُ: «اِنْفَضُّوا اِلَیْهٰا»؟ قٰالَ: تَحْرِیفٌ، هٰکَذٰا نَزَلَتْ (اِلیٰ اَنْ قالَ﴿ع﴾) «خَیْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَ التِّجٰارَةِ لِلَّذِینَ اتَّقَوْا» قٰالَ: قُلْتُ: لَیسَ فیها لِلَّذین اتَّقوا؟ قٰالَ﴿ع﴾: بَلیٰ هٰکَذٰا نَزَلَتْ.

یعنی گفت: بودم شبی از بعض شبها نزد امام باقر﴿ع﴾ پس قرائة نمودم این آیه را «یٰا اَیُّهَا الَّذِینَ» تا آخر، گفت: پس فرمودند: ای جابر چگونه قرائة نمودی؟ گفتم: «یٰا اَیُّهَا الَّذِینَ» تا آخر، فرمودند: این تحریف است، گفت: گفتم: چگونه قرائة کنم گردیده باشم فدای تو؟ گفت: فرمودند: «یٰا اَیُّهَا الَّذِینَ اٰمَنُوا اِذٰا نُودِیَ لِلصَّلٰوةِ مِنْ یَوْمِ الْجُمعَةِ فَامْضُوا اِلیٰ ذِکْرِ اللّٰهِ» این چنین نازل شده است، تا اینکه فرمودند: «وَ ابْتَغُوا فَضْلَ اللّٰهِ» گفت جابر: «وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ» فرمودند: این تحریف است این چنین نازل شده «وَ ابْتَغُوا فَضْلَ اللّٰهِ» تا اینکه فرمودند﴿ع﴾: «اِنْصَرَفُوا اِلَیْهٰا» گفت: گفتم: «اِنْفَضُّوا اِلَیْهٰا»؟ فرمودند: تحریف است این چنین نازل شده است، تا اینکه فرمودند: «خَیْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَ التِّجٰارَةِ لِلَّذِینَ اتَّقَوْا» گفت: گفتم: نیست در

او «لِلَّذِينَ اتَّقَوْا»؟ گفت: پس فرمودند: بلی این چنین نازل شده است.

۷۹۲–سوره منافقین: سه خبر در چند موضع:

اوّل: موضع دویست و شصت و پنج آیه یک: «يٰا مُحَمَّدُ إِذٰا جٰائَكَ الْمُنٰافِقُونَ بِوَلاٰيَةِ وَصِيِّكَ» تا قول خدای تعالی «إِنَّ الْمُنٰافِقِينَ بِوَلاٰيَةِ عَلِيٍّ لَكٰاذِبُونَ» تنزیل است، نه بدون «يٰا مُحَمَّدُ» و بدون «بِوَلاٰيَةِ وَصِيِّكَ» و بدون «بِوَلاٰيَةِ عَلِيٍّ» کمااینکه در خبر محمّدبن فضیل است از مولاناالرّضا(ع)[1]:

قٰالَ: وَ اَنْزَلَ بِذٰالِکَ قُرْاٰناً فَقٰالَ: «يٰا مُحَمَّدُ إِذٰا جٰائَكَ الْمُنٰافِقُونَ بِوَلاٰيَةِ وَصِيِّكَ قٰالُوا نَشْهَدُ» (اِلٰى قَولِهِ) «إِنَّ الْمُنٰافِقِينَ بِوَلاٰيَةِ عَلِيٍّ لَكٰاذِبُونَ».

یعنی فرمودند: و نازل فرمود باو قرآنی پس فرمودند «يٰا مُحَمَّدُ» تا آخر مذکور.

دوّم: آیه سه: «ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اٰمَنُوا بِرِسٰالَتِكَ وَ كَفَرُوا بِوَلاٰيَةِ وَصِيِّكَ» تنزیل است، نه بودن «بِرِسٰالَتِكَ وَ بِوَلاٰيَةِ وَصِيِّكَ» کمااینکه در خبر مذکور از آنحضرت است نیز[2]:

«ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اٰمَنُوا بِرِسٰالَتِكَ وَ كَفَرُوا بِوَلاٰيَةِ وَصِيِّكَ».

چهارم: آیه پنج: «وَ رَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ عَنْ وَلاٰيَةِ عَلِيٍّ» تنزیل است، نه

۱– فصل الخطاب، ص:۳۳۶ ۲– فصل الخطاب، ص:۳۳۶

بدون «عَنْ وَلايَةِ عَلِيٍّ» کمااینکه نیز در خبر مذکور از آنحضرتعليه السلام است[۱]:

«وَ رَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ عَنْ وَلايَةِ عَلِيٍّ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ».

پنجم: آیه شش: «سَواءٌ عَلَيْهِمْ اَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً اَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ» تنزیل است، نَه بدون «سَبْعِينَ مَرَّةً» کمااینکه در خبر مفضّل بن عمر است از مولانا الصّادقعليه السلام[۲]:

«سَواءٌ عَلَيْهِمْ اَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً اَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ».

۷۹۵- سوره تغابن: سه خبر در یک موضع:

موضع دویست و شصت و نه: آیه چهارده: «اِنَّ اَزْواجَكُمْ عَدُوٌّ» تنزیل است، نَه «مِنْ اَزْواجِكُمْ عَدُوّاً» کمااینکه در خبر برقیست از رجال خود از مولاناالصّادقعليه السلام[۳]:

فِي قَوْلِهِ جَلَّ ثَنائُهُ «يا اَيُّهَا الَّذِينَ امَنُوا اِنَّ اَزْواجَكُمْ وَ اَوْلادَكُمْ عَدُوٌّ لَكُمْ» لَيْسَ فِيها مِنْ.

یعنی نیست در او «مِنْ».

۷۹۶- سورة طلاق: یک خبر نیز در یک موضع:

۱- فصل الخطاب، ص:۳۳۶ ۲- فصل الخطاب، ص:۳۳۶

۳- فصل الخطاب، ص:۳۳۶

آیه یک: «فَطَلِّقُوهُنَّ فِي قبلِ عِدَّتِهِنَّ» تنزیل است، کمااینکه در خبر طبرسی است(۱):

قَالَ وَ رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ فَطَلِّقُوهُنَّ فِي قبلِ عِدَّتِهِنَّ».

یعنی و روایة شده است از نبی ﷺ «فَطَلِّقُوهُنَّ» تا آخر.

و نیز در خبر مستدرک از مولانا الصّادق ﷺ است:

«فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ».

که هر یک از وجوه تنزیلیة است.

۸۱۰- سوره تحریم: چهارده خبر در چند موضع:

اوّل: موضع دویست و هفتاد و یک آیه چهار: «وَ إِن تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلاهُ وَ جِبْرَئِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيّاً» تنزیل است، نه بدون عَلِيّاً، کمااینکه در خبر سعدبن عبد اللّٰه است(۲):

رُوِيَ عَنْ اَبِي الْحَسَنِ الْاَوَّلِ ﷺ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقْرَءُ: «وَ إِن تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلاهُ وَ جِبْرَئِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيّاً».

یعنی: روایة شده است از مولانا العالم ﷺ گفت راوی: شنیدم آنحضرت را قرائة میفرمودند: «وَ إِنْ تَظَاهَرَا» تا آخر.

۱- فصل الخطاب، ص:۳۳۶

۲- فصل الخطاب، ص:۳۳۷

و از آنحضرت نیز در خبر طبرسی است[۱]:

«وَ اِنْ تَظٰاهَرٰا عَلَیْهِ».

که هر یک از وجوه تنزیلیة است.

دوّم: آیه چهار نیز «فَقَدْ زٰاغَتْ» تنزیل است، نه «صَغَتْ» کمااینکه در خبر ابی بصیر است[۲]:

قٰالَ: سَمِعْتُ اَبٰا جَعْفَرٍ عليه السلام یَقولُ: «اِن تَتوبا اِلی اللّٰهِ فَقَدْ زٰاغَتْ قُلوبُکُمٰا».

یعنی گفت: شنیدم امام باقر عليه السلام را میفرمودند: «فَقَدْ زٰاغَتْ قُلوبُکُمٰا».

و در خبر سلیمان است از پدر خود از مولانا الصّادق عليه السلام[۳]:

«اِن تَتُوبٰا اِلی اللّٰهِ بِمٰا هَمَمْتُمٰا مِنَ السِّحْرِ فَقَدْ زٰاغَتْ قُلُوبُکُمٰا» تنزیل است، نه بدون «بِمٰا هَمَمْتُمٰا مِنَ السِّحْرِ».

سیّم: آیه نهم «جٰاهِدِ الْکُفّٰارَ بِالْمُنٰافِقِینَ» تنزیل است، نه «وَ الْمُنٰافِقِینَ» کمااینکه در خبر طبرسی در سورة برائة دانسته شد علاوه بر خبر سعدبن عبداللّٰه[۴]:

قٰالَ: قَرءَ رَجلٌ عَلی اَبی عَبدِاللّٰه عليه السلام «جاهِدوا الْکُفّٰارَ وَ الْمُنافِقِینَ» فقٰالَ: هَلْ رَأَیتُمْ اَوْ سَمِعْتُمْ اِنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صلى الله عليه وآله قٰاتَلَ مُنٰافِقاً اِنَّمٰا کٰانَ یَتألَّفَهُمْ وَ اِنَّمٰا قٰالَ اللّٰهُ

۱- فصل الخطاب، ص:۳۳۷	۲- فصل الخطاب، ص:۳۳۷

۳- فصل الخطاب، ص:۳۳۶	۴- فصل الخطاب، ص:۳۳۷

عَزَّوَجَلَّ «جٰاهِدوا الْكُفّٰارَ بِالْمُنٰافِقینَ».

یعنی گفت: قرائت نمود مردی بر امام صادق ﷺ «جٰاهِدوا الْكُفّٰارَ بِالْمُنٰافِقینَ» پس فرمودند: آیا رؤیة کردید یا شنیدید بدرستیکه رسول خدا ﷺ مقاتلة کند منافقی را، نیست غیر از این بودند تألّف میفرمودند آنها را و نیست غیر از این فرموده است خدای عزّوجلّ «جٰاهِدِ» تا آخر مذکور.

چهارم: آیه دوازده «فَنَفَخْنٰا فی جَیْبِهٰا» تنزیل است، نه «فیهِ» کمااینکه در خبر داودبن فرقد است(۱):

قٰالَ: سَأَلْتُ اَبٰاعَبْدِاللّٰهِ ﷺ عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ «وَ مَرْیَمَ ابْنَتَ عِمْرٰانَ الَّتی اَحْصَنَتْ فَرْجَهٰا فَنَفَخْنٰا فیهِ مِنْ رُوحِنٰا» فَقٰالَ اَبُوعَبْدِاللّٰهِ ﷺ: «فَنَفَخْنٰا فی جَیْبِهٰا مِنْ رُوحِنٰا» كَذٰلِكَ تَنْزیلُهٰا.

یعنی گفت: سؤال نمودم امام صادق ﷺ را از قول خدای عزّوجلّ «فَنَفَخْنٰا فیهِ مِنْ رُوحِنٰا» پس فرمودند امام صادق ﷺ «فَنَخَفْنٰا فی جَیْبِهٰا مِنْ رُوحِنٰا».

مثل او تنزیل او است.

۸۱۵- سوره ملک: پنج خبر در چند موضع:

۱- فصل الخطاب، ص:۳۳۷

اوّل: موضع دویست و هفتاد و پنج آیه بیست و هشت «اَرَاَیْتُمْ اِنْ اَهْلَکَکُمُ اللّٰهُ جَمِیعاً وَ رَحِمَنٰا فَمَنْ یُجِیرُکُمْ مِنْ عَذٰابٍ اَلِیمٍ» تنزیل است، نه «قُلْ اَرأَیتُم اِنْ اَهْلَکَنِیَ اللّٰهُ وَ مَنْ مَعِیَ اَوْ رَحِمَنٰا» کمااینکه در خبر ابی بصیر است(۱):

قٰالَ: سَأَلْتُ اَبٰا عَبْدِاللّٰه عليه السلام عَن قولِ اللّٰهِ عَزَّوجلَّ «قُل اَرأَیتُم اِنْ اَهْلَکَنِیَ اللّٰهُ وَ مَنْ مَعِیَ اَو رَحِمنا»؟ قٰالَ: هٰذِهِ الْاٰیَةُ مِمّٰا حَرَّفُوا وَ غَیَّرُوا وَ بَدَّلُوا فَـاِنَّ اللّٰـهَ عَزَّوَجَلَّ لاٰ یهْلک مُحَمَّداً رَسُولَ اللّٰهِ صلى الله عليه وآله وَ لاٰ مَنْ کٰانَ مَعَهُ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَ هُوَ خَیْرُ وُلْدِ اٰدَمَ وَ لٰکِنْ قٰالَ عَزَّوجلَّ «اَرَاَیْتُمْ اِنْ اَهْلَکَکُمُ اللّٰهُ جَمِیعاً وَ رَحِمَنٰا فَمَنْ یُجِرکُمْ مِنْ عَذٰابٍ اَلِیمٍ».

یعنی گفت: سؤال نمودم امام صادق عليه السلام را «اِنْ اَهْلَکَنِیَ اللّٰهُ وَ مَنْ مَعِیَ» فرمودند: این آیه از چیزیست تحریف نمودند و تغییر دادند و تبدیل کردند پس بدرستیکه خدای عزّوجلّ اهلاک نمیکند محمّد رسول خدا را، و نه کسیکه بوده باشد با آن از مؤمنین، و حال آنکه آن خیر ولد آدم است، و لیکن فرموده است «اَرَاَیْتُمْ» تا آخر مذکور.

و در خبر دیگر ابی بصیر است از آنحضرت نیز «فَمَنْ یُجِیرُ الْکٰافِرِینَ».

۱- فصل الخطاب، ص:۳۳۸- بحارالانوار، ج:۸۹ ص:۵۵

و در خبر عبدالرّحمن بن سلام اشهل است(۱):

قالَ: قیلَ لِاَبی عَبْدِاللهِ عليه السلام: «قُلْ اَرَاَیْتُمْ اِنْ اَهْلَکَنِیَ اللهُ وَ مَنْ مَعِیَ اَوْ رَحِمَنا»؟ قالَ: ما اَنْزَلَها اللهُ تَعالیٰ هٰکَذا وَ ماکانَ اللهُ لِیُهْلِکَ نَبِیَّهُ صلى الله عليه وآله وَ مَنْ مَعَهُ وَ لٰکِنْ اَنْزَلَها «قُلْ اَرَاَیْتُمْ اِنْ اَهْلَکَکُمُ اللهُ وَ مَنْ مَعَکُمْ وَ نَجّانی وَ مَنْ مَعِیَ فَمَنْ یُجیرُ الْکافِرینَ مِنْ عَذابٍ اَلیمٍ».

یعنی گفت: گفته شد از برای امام صادق عليه السلام: «قُلْ اَرَاَیْتُمْ» تا آخر آیه، فرمودند: نازل نفرموده است او را خدا این چنین و نبوده است خدا هرآینة هلاک کند نبیّ خود را و کسانیکه با آن هستند، و لیکن نازل فرموده است: «قُلْ اَرَأَیْتُمْ» تا آخر خبر مذکور که هر یک از وجوه تنزیلیة توسیعیّة است.

دوّم: آیه بیست و نه: «فَسَتَعْلَمُونَ یا مَعْشَرَ الْمُکَذِّبینَ حَیْثُ اَنْبَأْتُکُمْ رِسالَةَ رَبّی فی وَلایَةِ عَلِیٍّ وَ الْاَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ مَنْ هُوَ فی ضَلالٍ مُبینٍ» کمااینکه در خبر ابی بصیر است از مولانا الصّادق عليه السلام(۲):

فی قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ «فَسَتَعْلَمُونَ یا مَعْشَرَ الْمُکَذِّبینَ حَیْثُ اَنْبَأْتُکُمْ رِسالَةَ رَبّی فی

۱- فصل الخطاب، ص:۳۳۸ - بحارالانوار، ج:۸۹ ص:۵۶

۲- فصل الخطاب، ص:۳۳۷ - تأویل الآیات، ص:۶۸۳

عَنْ اَبی عَبْدِاللهِ عليه السلام فی قَوْلِهِ تَعالیٰ «فَسَتَعْلَمُونَ یا مَعْشَرَ الْمُکَذِّبینَ حَیْثُ اَنْبَأْتُکُمْ بِرِسالَةِ رَبّی وَ وَلایَةِ عَلِیٍّ وَ الْاَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ فَاَبَیْتُمْ وَ کَذَّبْتُمْ فَستعلمونَ مَنْ هُوَ فی ضَلالٍ مُبینٍ».

وَلایَةِ عَلِیٍّ وَ الْاَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ مَنْ هُوَ فی ضَلالٍ مُبینٍ» کَذا نَزَلَتْ.

یعنی مثل این نازل شده است.

۸۲۰- سورة ن: پنج خبر در یک موضع است:

آیه شش: «بِاَیِّکُمْ تُفْتَنُونَ» تنزیل است، نه «بِاَیِّکُمُ الْمَفْتُونُ» کمااینکه در خبر سعدبن عبدالله (است)[۱]:

اِنَّ الصّادِقَ علیه السلام قَرَءَ «فَسَتُبْصِرُ وَ یُبْصِرُونَ بِاَیِّکُمْ تُفْتَنُونَ».

یعنی بدرستیکه امام صادق علیه السلام قرائة فرمودند «فَسَتُبْصِرُ» تا آخر.

۸۲۱- سوره حاقّة: یک خبر در چند موضع:

اوّل: موضع دویست و هفتاد هشت: آیه چهل و سه: «اِنَّ وَلایَةَ عَلِیٍّ تَنْزِیلٌ مِنْ رَبِّ الْعالَمینَ» تنزیل است، نه بدون «اِنَّ وَلایَةَ عَلِیٍّ».

دوّم: آیه چهل و هشت: «اِنَّ وَلایَةَ عَلِیٍّ لَتَذْکِرَةٌ لِلْمُتَّقینَ الْعالَمینَ» تنزیل است، نه «وَ اِنَّهُ لَتَذْکِرَةٌ لِلْمُتَّقینَ»[۲].

سیّم: آیه چهل و نه: «اِنَّ عَلِیّاً لَحَسْرَةٌ عَلَی الْکافِرینَ» تنزیل است، نه «وَ اِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَی الْکافِرینَ».

۱- فصل الخطاب، ص:۳۳۷

۲- اصول کافی، ج:۱ ص:۴۳۲ - بحارالانوار، ج:۲۴ ص:۳۳۶
«اِنَّ وَلایَةَ عَلِیٍّ لَتَذْکِرَةٌ لِلْمُتَّقینَ للعالمین» الی ان قال: «وَ اِنَّ عَلِیّاً لَحَسْرَةٌ عَلَی الکافِرینَ».

چهارم: آیه پنجاه و یک: «وَ اِنَّ وَلاٰیَتَهُ لَحَقُّ الْیَقینِ» تنزیل است، نه «لَحَقُّ الْیَقینِ».

پنجم: آیه پنجاه و دو: «فَسَبِّحْ یا مُحَمَّدُ بِاِسْمِ رَبِّکَ الْعَظیمِ» تنزیل است، نَه بدون «یا مُحَمَّدُ» کمااینکه جمیعاً در خبر کلینی است از مولاناالصّادق علیه السلام[1]:

قالَ: فَاَنْزَلَ اللّٰهُ بِذٰلِکَ قُرْاٰناً فَقالَ: «اِنَّ وَلاٰیَةَ عَلِیٍّ تَنْزیلٌ مِنْ رَبِّ الْعالَمینَ» (اِلیٰ اَنْ قالَ) ثُمَّ عَطَفَ الْقَوْلَ فَقالَ «اِنَّ وَلاٰیَةَ عَلِیٍّ لَتَذْکِرَةٌ لِلْمُتَّقینَ الْعالَمینَ وَ اِنّا لَنَعْلَمُ اَنَّ مِنْکُمْ مُکَذِّبینَ وَ اِنَّ عَلِیّاً لَحَسْرَةٌ عَلَی الْکافِرینَ وَ اِنَّ وَلاٰیَتَهُ لَحَقُّ الْیَقینِ، فَسَبِّحْ یا مُحَمَّدُ بِاِسْمِ رَبِّکَ الْعَظیمِ».

یعنی فرمودند: پس نازل فرمودند خدا باو قرآنی پس فرمودند: «اِنَّ وَلاٰیَةَ» تا آخر خبر مذکور اوّلاً فرمودند بعد عطف فرمودند قول را پس فرمودند: «اِنَّ وَلاٰیَةَ عَلِیٍّ» تا آخر سورة مذکور.

۸۲۷- سوره معارج شش خبر در یک موضع:

موضع دویست و هشتاد و سه آیه یک: «سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ لِلْکافِرینَ بِوَلاٰیَةِ عَلِیٍّ» تنزیل است، نَه بدون «بِوَلاٰیَةِ عَلِیٍّ» کمااینکه در

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۸ - اصول کافی، ج: ۱ ص:۴۳۲

خبر ابی بصیر است از مولانا الصّادق عليه السلام در قول خدای تعالی[1]:

«سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ لِلْكافِرِينَ بِوَلايَةِ عَلِيٍّ لَيْسَ لَهُ دافِعٌ» ثُمَّ قالَ: هٰكَذا وَ اللّٰهِ نَزَلَ بِها جِبْرَئِيلُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله.

یعنی بعد فرمودند: این چنین قسم بخدا نازل شده است باو جبرئیل بر محمّد صلى الله عليه وآله.

۸۳۲- سوره جن: پنج خبر در چند موضع:

اوّل: موضع دویست و هشتاد و چهار آیه هفده: «لأنَفْتِنَهُمْ فِيهِ» تنزیل است، نَه «لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ» کمااینکه در خبر برید العجلی است[2]:

قالَ: سَأَلْتُ اَبا عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ تَعالىٰ «لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ»؟ قالَ: هٰذا حَرْفٌ مُحَرَّفٌ اِنَّما قالَ: «لأَسْقَيْناهُمْ ماءً غَدَقاً لأنَفْتِنَهُمْ فِيهِ».

یعنی گفت: سؤال نمودم امام صادق عليه السلام را از قول خدای تعالی «لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ»؟ فرمودند: این حرفیست تحریف شده، نیست غیر این فرمودند، «لأَسْقَيْناهُمْ» تا آخر خبر مذکور.

دوّم: آیه هجده: «فَلا تَدْعُوا اِلىٰ غَيْرِهِمْ فَتَكُونُوا كَمَنْ دَعا مَعَ اللّٰهِ اَحَداً»

۱- فصل الخطاب، ص:۳۳۸ - بحارالانوار، ج:۲۳ ص:۳۷۸ - کافی، ج:۱ ص:۴۲۲

۲- فصل الخطاب، ص:۳۳۸

تنزیل است، نه بدون «إِلیٰ غَیْرِهِمْ فَتَکُونُوا کَمَنْ دَعٰا» کمااینکه در خبر داود النّجار است از موسی بن جعفر علیه السلام در قول خدای عزّوجلّ (۱):

«وَ أَنَّ الْمَسٰاجِدَ لِلّٰهِ فَلاٰ تَدْعُوا مَعَ اللّٰهِ أَحَداً».

قٰالَ: سَمِعْتُ أَبٰاجَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ: هُمُ الْأَوْصِیٰاءُ الْأَئِمَّةُ مِنّٰا وٰاحِدٌ فَوٰاحِدٌ فَلاٰتَدْعُوا إِلیٰ غَیْرِهِمْ فَتَکُونُوا کَمَنْ دَعٰا مَعَ اللّٰهِ أَحَداً، هٰکَذٰا نَزَلَتْ.

یعنی گفت: شنیدم امام باقر علیه السلام را میفرمودند: ایشان اوصیاء ائمّه از ما هستند واحد پس واحد «فَلاٰ تَدْعُوا إِلیٰ غَیْرِهِمْ فَتَکُونُوا کَمَنْ دَعٰا مَعَ اللّٰهِ أَحَداً» این چنین نازل شده است.

سیّم: آیه بیست و دو: «لَنْ یُجِیرَنِي مَعَ اللّٰهِ إِنْ عَصَیْتُهُ أَحَدٌ» تنزیل است، نه بدون «مَعَ اللّٰهِ إِنْ عَصَیْتُهُ أَحَدٌ» کمااینکه در خبر محمّدبن فضیل است از مولانا الرّضا علیه السلام (۲):

قٰالَ: فَأَنْزَلَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ «قُلْ إِنِّي لاٰ أَمْلِکُ لَکُمْ ضَرّاً وَ لاٰ رَشَداً، قُلْ إِنِّي لَنْ یُجِیرَنِي مَعَ اللّٰهِ إِنْ عَصَیْتُهُ أَحَدٌ وَ لَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَداً».

یعنی فرمودند پس نازل فرمود خدای عزّوجلّ «قُلْ إِنِّي» تا آخر

۱- فصل الخطاب، ص:۳۳۹

۲- فصل الخطاب، ص:۳۳۹ - بحارالانوار، ج:۲۴ ص:۳۳۶ کافی، ج:۱ ص:۴۳۴ در کتب کافی و بحار و تأویل الآیات بجای کلمه «مع» «من» میباشد.

خبر مذکور.

چهارم: آیه بیست و چهار: «وَ رِسالاتِهِ فِي عَلِيٍّ» تنزیل است، نه بدون «فِي عَلِيٍّ» کمااینکه در خبر مذکور است[۱]:

«اِلاّ بَلاغاً مِنَ اللّهِ وَ رِسالاتِهِ فِي عَلِيٍّ» قُلْتُ: هٰذا تَنْزِيلٌ؟ قالَ: نَعَمْ.

یعنی گفتم: این تنزیل است؟ فرمودند: بلی.

پنجم: آیه بیست و چهار نیز: «وَ مَنْ يَعْصِ اللّهَ وَ رَسُولَهُ فِي وَلايَةِ عَلِيٍّ» تنزیل است، نه بدون «فِي وَلايَةِ عَلِيٍّ» کمااینکه نیز در خبر مذکور است[۲]:

ثُمَّ قالَ تُوْكِيداً: «وَ مَنْ يَعْصِ اللّهَ وَ رَسُولَهُ فِي وَلايَةِ عَلِيٍّ فَاِنَّ لَهُ نارَ جَهَنَّمَ».

یعنی بعد فرمودند از جهة توکید: «وَ مَنْ يَعْصِ» تا اخر خبر مذکور.

۸۳۴- سورة مزمّل: دو خبر در یک موضع:

موضع دویست و هشتاد: و نه آیه یازده: «يَقُولُونَ فِيكَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْراً جَمِيلاً وَ ذَرْنِي يا مُحَمَّدُ وَ الْمُكَذِّبِينَ بِوَصِيِّكَ» تنزیل است، نه بدون «فِيكَ، وَ يا مُحَمَّدُ» و بدون «بِوَصِيِّكَ» کمااینکه در خبر محمّدبن

۱- فصل الخطاب، ص:۳۳۹ - بحارالانوار، ج:۲۴ ص:۳۳۸ کافی، ج:۱ ص:۴۳۴

۲- فصل الخطاب، ص:۳۳۹ - بحارالانوار، ج:۹ ص:۲۴۳ کافی، ج:۱ ص:۴۳۴

فضیل است از مولانا الرّضا عليه السلام[(۱)]:

قُلْتُ: «فَاصْبِرْ عَلىٰ ما يَقُولُونَ»؟ قالَ: «يَقُولُونَ فيکَ وَ اهْجُرْهُمْ هجْراً جَمِيلاً وَ ذَرْني يا مُحَمَّد وَ الْمُكَذِّبِينَ بِوَصِيِّکَ أُولِي النَّعمَةِ» قُلْتُ: إِنَّ هٰذا تَنْزِيلٌ؟ قالَ: نَعَمْ.

یعنی گفتم: «فَاصْبِرْ عَلىٰ ما يَقُولُونَ» فرمودند: «يَقُولُونَ» تا آخر خبر مذکور، گفتم: این تنزیل است؟ فرمودند: بلی.

۸۳۵- سوره مُدَّثر: یک خبر در یک موضع:

آیه شش: «تَسْتَكْثِرُهُ مِنَ الْخَيْرِ» تنزیل است، نه «تَسْتَكْثِرُ» کما اینکه در خبر یعقوب بن جعفر است از مولانا العالم عليه السلام[(۲)]:

«وَ لا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُهُ مِنَ الْخَيْرِ» هٰكَذا في كِتابِ عَلِيٍّ عليه السلام.

یعنی این چنین است در کتاب علی عليه السلام.

۸۳۸- سوره قیٰمة: سه خبر در یک موضع:

آیه پنج: «لِيَفْجُرَ إِمامَهُ بِكَيْدِهِ» تنزیل است، نه «لِيَفْجُرَ اَمامَهُ» بفتح همزة بدون «بِكَيْدِهِ» کما اینکه در خبر حلبی است[(۳)]:

قالَ: سَمِعْتُ اَبا عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام يَقْرَءُ: «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسانُ لِيَفْجُرَ إِمامَهُ بِكَيْدِهِ».

۱- فصل الخطاب، ص:۳۳۹ - بحارالانوار، ج:۲۴ ص:۳۳۸ کافی، ج:۱ ص:۴۳۴

۲- فصل الخطاب، ص:۳۳۹ ۳- فصل الخطاب، ص:۳۳۹

یعنی گفت: شنیدم امام صادق﷣ را قرائة میفرمودند: «بَلْ یُرِیدُ الْاِنْسانُ» تا آخر خبر مذکور.

۸۴۰- سوره دهر: دو خبر در دو موضع:

اوّل: آیه بیست و دو: «اِنَّ هٰذا کانَ لَکُمْ جَزاءُ ما صَنَعْتُمْ» تنزیل است، نه «جَزاءً» کمااینکه در خبر محمّدبن جعفر است از پدر خود از مولاناالصّادق﷣[۱]:

«اِنَّ هٰذا کانَ لَکُمْ جَزاءَ ما صَنَعْتُمْ».

دوّم: آیه بیست و سه: «نَزَّلْنا عَلَیْکَ الْقُرْآن بِوَلایَةِ عَلِیٍّ» تنزیل است، نه بدون «بِوَلایَةِ عَلِیٍّ» کمااینکه در خبر محمّدبن فضیل است از مولاناالرّضا﷣[۲]:

قُلْتُ: اِنّا نَحْنُ نَزَّلْنا عَلَیْکَ الْقُرْآنَ تَنْزِیلاً؟ قالَ: «بِوَلایَةِ عَلِیٍّ تَنْزِیلاً» قُلْتُ: هٰذا تَنْزِیلٌ؟ قالَ: نَعَمْ.

یعنی گفتم: «اِنّا نَحْنُ» تا آخر، فرمودند: «بِوَلایَةِ عَلِیٍّ تَنْزِیلاً» گفتم: این تنزیل (است)؟ فرمودند: بلی.

۸۴۴- سوره نَبَاء: چهار خبر در دو موضع:

اوّل: موضع دویست و نود و چهار: آیه بیست و هشت: «وَ کَذَّبُوا

۱- فصل الخطاب، ص: ۳۴۰ ۲- فصل الخطاب، ص: ۳۳۹

بِایٰاتِنٰا کِذٰاباً» بتخفیف ذٰاء تنزیل است، کمااینکه در خبر طبرسی است[۱]:

قٰالَ: وَ رَوَوْا عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام «وَ کَذَّبُوا بِایٰاتِنٰا کِذٰاباً» خَفِیفَة.

یعنی گفت: و روایة نموده‌اند از علی علیه السلام: «وَ کَذَّبُوا بِایٰاتِنٰا کِذٰاباً» بذٰاء مخفَّف (بدون تشدید).

دوّم: آیه چهل و یک: «یٰا لَیْتَنِي کُنْتُ تُرٰابِیّاً» تنزیل است، نه «تُرٰاباً» کمااینکه در خبر جابر است از مولانا الصّادق علیه السلام از مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام[۲]:

قٰالَ علیه السلام: وَ مِثْلُهُ فِي سُورَةِ عَمَّ یَتَسٰائَلون: «وَ یَقُولُ الْکٰافِرُ یٰا لَیْتَنِي کُنْتُ تُرٰابِیّاً» فَحَرَّفُوهٰا وَ قٰالُوا «تُرٰاباً» وَ ذٰلِکَ اَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صلی الله علیه و آله کٰانَ یُکْثِرُ مِنْ مُخٰاطِبَتِي بِاَبِي تُرٰابٍ، وَ مِثْلُ هذا کَثِیرٌ.

یعنی فرمودند: و مثل او در سوره عمّ «وَ یَقُولُ الْکٰافِرُ یٰا لَیْتَنِي کُنْتُ تُرٰابِیّاً» پس تحریف کردند او را پس گفتند: «تُراباً» و او بدرستیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله اکثار میفرمودند از مخاطبة من بابی تراب، (و امثال این زیاد است).

۱- فصل الخطاب، ص: ۳۴۰

۲- فصل الخطاب، ص: ۳۴۰ - بحارالانوار، ج: ۹۰ ص: ۲۷

۸۴۶- سوره عَبَسَ: دو خبر در دو موضع:

اوّل: آیه شش: «فَأَنتَ لَهُ تُصَدّیٰ» بضمّ تا و فتح صاد تنزیل است، نه فتح هر دو، کمااینکه در خبر طبرسی است[۱]:

قَالَ: قَرَءَ اَبُوجَعْفَر الْبَاقِرُ عليه السلام «تُصَدّیٰ» بِضَمِّ التَّاء وَ فَتْحِ الصَّاد.

یعنی گفت: قرائة فرمودند امام باقر عليه السلام: «تُصَدّیٰ» بضمّ تاء و فتح صاد.

دوّم: آیه ده: «فَأَنتَ عَنْهُ تُلَهّیٰ» بضمّ تاء و فتح لام تنزیل است، نه فتح تاء و لام، کمااینکه نیز در خبر مذکور است[۲]:

«وَ تُلَهّیٰ» بِضَمِّ التَّاء،

ایضاً یعنی «تُلَهّیٰ» بضم است کمااینکه نیز در خبر ابی بصیر است از مولانا الباقر عليه السلام[۳]:

«تُلَهّیٰ» هٰذا مِمّا حُرِّفَ.

یعنی این از آنچیزیست تحریف شده است.

۸۶۹- سوره تکویر: بیست و سه خبر در دو موضع:

اوّل: آیه هشت «وَ إِذَا الْمَوَدَّةُ سُئِلَتْ» تنزیل است،

۱- فصل الخطاب، ص:۳۴۱	۲- فصل الخطاب، ص:۳۴۱

۳- فصل الخطاب، ص:۳۴۱

(کما اینکه روایت شده از صادقین علیهما السلام (۱):

وَ رُوِیَ عَن اَبِی جَعفَر وَ اَبِی عَبدِاللّه علیهما السلام «وَ اِذا المَوَدَّة سُئِلَت» بِفَتحِ المیمِ وَ الواو.)

کمااینکه در خبر منصور بن حازم است از مردی از مولانا الصّادق علیه السلام (۲):

قالَ: سَأَلْتُ عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ «وَ اِذَا الْمَوَدَّةُ سُئِلَتْ»؟ قالَ: هِیَ وَ اللّٰهِ مَوَدَّتُنا.

یعنی گفت: سؤال کردم از قول خدای عزّوجلّ «وَ اِذَا الْمَوَدَّةُ سُئِلَتْ»؟ فرمودند: او قسم بخدا مودّة ما است.

و در خبر ابن ابی عمیر است از بعض رجال خود از مولانا الصّادق علیه السلام (۳):

«وَ اِذَا الْمَوَدَّةُ سُئِلَتْ بِاَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» قالَ: نَزَلَتْ فِی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام.

یعنی فرمودند: نازل شده است در حسین بن علی علیهما السلام که هر یک از دو خبر مذکور از وجوه تنزیلیة توسیعیّة است.

۱- بحارالانوار، ج:۲۳ ص: ۲۵۶

۲- فصل الخطاب، ص: ۳۴۱ - وَ قالَ فی آخِرِهِ هِیَ وَ اللّٰهِ فینا خاصَّة.

۳- فصل الخطاب، ص: ۳۴۱

دوّم: آيه بيست و چهار: «وَ مٰا هُوَ عَلىٰ الْغَيْبِ بِظَنِينٍ» بظاء اخت طاء تنزيل است، نَه ضاد اخت صاد، کمااينکه در خبر زرارة است از مولانا الباقر عليه السلام(۱):

«وَ مٰا هُوَ عَلى الْغَيْبِ بِظَنِينٍ».

۸۷۱- سوره انفطار: دو خبر در يک موضع:

موضع سيصد: آيه نوزده: «وَ الْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ وَ ذٰلِکَ الْيَوْمُ کُلُّهُ لِلّٰهِ» تنزيل است، نَه بدون «وَ ذٰلِکَ الْيَوْمُ کُلُّهُ» کمااينکه در خبر جابر است از مولاناالصّادق عليه السلام(۲):

اِنَّهُ قَرَءَ «وَ الْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ وَ ذٰلِکَ الْيَومُ کُلُّهُ لِلّٰهِ».

يعنى بدرستيکه قرائة فرمودند «وَ الْأَمْرُ» تا آخر خبر مذکور.

و در خبر ديگر جابر از مولاناالباقر عليه السلام(۳):

اِنَّهُ قٰالَ: «الْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ وَ الْيَوْمُ کُلُّهُ لِلّٰهِ».

يعنى بدرستيکه فرمودند: «الْأَمْرُ» تا آخر مذکور که هر يک از دو خبر از وجوه تنزيلية توسيعيّة است.

۸۷۲- سوره مطفّفين: يک خبر در يک موضع:

۱- فصل الخطاب، ص:۳۴۳ ۲- فصل الخطاب، ص:۳۴۳

۳- فصل الخطاب، ص:۳۴۳

موضع سیصد و یک آیه بیست و سه: «خاتِمَةُ مِسْکٌ» تنزیل است، نه «خِتامُهُ» کمااینکه درخبر طبرسی است(۱):

قالَ: قَرَءَ عَلِیٌّ عليه السلام «خاتِمَةُ».

یعنی گفت: قرائة فرموده است علی عليه السلام «خاتِمَةُ».

۸۷۷–سورة بُروج: پنج خبر در چند موضع:

اوّل: موضع سیصد و دو آیه چهار «بِما قُتِلَ اَصْحابُ الْاُخْدُودِ» تنزیل است، نه بدون «بِما» کمااینکه در خبر عاصم القمّی است(۲):

قالَ: سَمِعْتُ اَباعَبْدِاللّهِ عليه السلام یَقْرَءُ: «بِما قُتِلَ اَصْحابُ الْاُخْدُودِ».

دوّم: آیه هشت: «اِلاّ اَنَّهُمْ آمَنُوا بِاللّهِ الْعَزیزِ الْحَمیدِ» تنزیل است، نه «اِلاّ اَنْ یُؤْمِنُوا» کمااینکه در خبر عاصم القمّی است(۳):

قالَ: سَمِعْتُهُ یَقْرَءُ: «وَ ما نَقَمُوا مِنْهُمْ اِلاّ اَنَّهُمْ آمَنُوا بِاللّهِ الْعَزیزِ الْحَمیدِ».

یعنی گفت: شنیدم آنحضرت را قرائة فرمودند: «وَ ما نَقِمُوا» تا آخر خبر مذکور.

۸۷۸–سوره طارق: یک خبر در دو موضع:

اوّل: موضع سیصد و چهار آیه یازده: «وَ السَّماءُ ذاتُ الرَّجْعِ» بضمّ

۱- فصل الخطاب، ص:۳۴۳
۲- فصل الخطاب، ص:۳۴۳
۳- فصل الخطاب، ص:۳۴۳

همزة و تاء تنزیل است، نَه بکسر.

دوّم: آیه دوازده: «وَ الْأَرْضُ ذاتُ الصَّدْعِ» نیز بضمّ ضاد و تاء تنزیل است، نَه کسر، کمااینکه جمیعاً در خبر داودبن فرقد است از مولاناالصّادق علیه السلام(۱):

«وَ السَّماءُ ذاتُ الرَّجْعِ وَ الْأَرْضُ ذاتُ الصَّدْعِ» قُلْتُ: إِنّا نَقْرَءُها بِالْخَفْضِ؟ قالَ: إِنَّكُمْ لاتَدْرُونَ..

یعنی گفتم: بدرستیکه ما قرائة میکنیم بخفض؟ فرمودند: بدرستیکه شما نمیدانید.

۸۷۹- سورة اعلیٰ: یک خبر در یک موضع:

موضع سیصد و شش آیه سه: «وَ الَّذی قَدَرَ» بتخفیف تنزیل است، نَه بتشدید، کمااینکه در خبر طبرسی است(۲):

قالَ: «قَدَرَ» بالتَّخْفيفِ قِرائَةُ عَلِيٍّ علیه السلام.

یعنی گفت: «قَدَرَ» بتخفیف قرائة علی علیه السلام است.

۸۸۲- سوره غاشیة: سه خبر در دو موضع:

اوّل: موضع سیصد و هفت آیه شانزده «وَ زَرابِيُّ مَبْثُوثَةٌ مُتَّكِئينَ عَلَيْها ناعِمينَ» تنزیل است، نَه بدون «مُتَّكِئينَ عَلَيْها ناعِمينَ» کمااینکه در

۱- فصل الخطاب، ص:۳۴۳

۲- فصل الخطاب، ص:۳۴۳

خبر عبداللّٰهِ الکاهل است[۱]:

قٰالَ: سَمِعْتُ اَبٰاعَبْدِاللّٰهِ عليه السلام يَقْرَءُ «وَ زَرٰابِيُّ مَبْثُوثَةٌ مُتَّكِئِينَ عَلَيْهٰا نٰاعِمِينَ».

یعنی گفت: شنیدم امام صادق عليه السلام را قرائة میفرمودند «وَ زَرٰابِيُّ» تا آخر خبر مذکور.

دوّم: آیه هفده «كَيْفَ خَلَقْتُ» بفتح خاء و ضمّ تا تنزیل است، نَه ضمّ خاء و کسر لام، و همچنین است در آیات بعد که فتح اوّل و ضمّ تاء است «رَفَعْتُ، وَ نَصَبْتُ، وَ سَطَحْتُ» کمااینکه در خبر طبرسی است[۲]:

قٰالَ: رُوِيَ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام «اَفَلاٰ يَنْظُرُونَ اِلَى الْاِبِلِ» اِلىٰ اٰخِرِهِ بِفَتْحِ اَوٰائِلِ هٰذِهِ الْحُرُوفِ كُلِّهٰا وَ ضَمِّ التّٰاءِ.

یعنی گفت: روایة شده است «اَفَلاٰ يَنْظُرُونَ اِلَى الْاِبِلِ» تا آخر بفتح اوّلهای این حروف تماماً و ضمّ تاء.

۸۸۸- سوره فجر: شش خبر در چند موضع:

اوّل: موضع سیصد و نه آیه یک: «اَلْفَجْرُ» تنزیل است، نَه با واو، کمااینکه در خبر سعدبن عبداللّٰهِ (است)[۳]:

۱- فصل الخطاب، ص:۳۴۳

۲- فصل الخطاب، ص:۳۴۳

۳- فصل الخطاب، ص:۳۴۳

قالَ: سَأَلَ رَجُلٌ اَبَاعَبْدِاللّٰهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ «وَ الْفَجْرِ»؟ فَقَالَ: لَيْسَ فيهَا الْوَاوُ وَ إِنَّمَا هُوَ «اَلْفَجْرُ».

یعنی گفت: سؤال کرد مردی امام صادق عليه السلام را از قول خدای عزّوجلّ «وَ الْفَجْرِ»؟ پس فرمودند: نیست در او واو، نیست غیر از این او «اَلْفَجْرُ» است.

دوّم: آیه بیست و شش: «وَ لاٰ يُوثَقُ» بفتح ثاء تنزیل است، نه کسر، کمااینکه در خبر طبرسی است از ابی قلابة[1]:

قالَ: اَقْرَءَنِي مَنْ اَقْرَئَهُ رَسُولُ اللّٰهِ صلى الله عليه وآله «وَ لاٰ يُوثَقُ» بِالْفَتْحِ.

یعنی گفت: قرائة نمود من را کسیکه قرائة فرموده بود آن را رسول خدا صلى الله عليه وآله «وَ لاٰ يُوثَقُ» بفتح.

سیّم: آیه بیست و هفت «يا اَيَّتُهَاالنَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ اِلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ اِرْجِعي اِلىٰ رَبِّک رٰاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلي في عِبادي وَ ادْخُلي جَنَّتي غَيْرَ مَمْنُوعَةٍ» تنزیل است، نه بدون «مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ» و بدون «غَيْرَ مَمْنُوعَةٍ» کمااینکه در خبر سدیر است از مولانا الصّادق عليه السلام[2]:

«يا اَيَّتُهَاالنَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ اِلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ اِرْجِعي اِلىٰ رَبِّک رٰاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلي في عِبادي وَ ادْخُلي جَنَّتي غَيْرَ مَمْنُوعَةٍ».

۱- فصل الخطاب، ص:۳۴۳

۲- فصل الخطاب، ص:۳۴۴

و در خبر دیگر سدیر است از آنحضرت نیز[۱]:

«یا اَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ اِلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ ارْجِعی اِلیٰ رَبِّکِ راضِیَةً بِالْوَلایَةِ مَرْضِیَّةً بِالثَّوابِ فَادْخُلی فی عِبادی یَعْنی مُحَمَّداً وَ اَهْلِ بَیْتِهِ وَ ادْخُلی جَنَّتی».

و در خبر ابی بصیر﵁ است از آن حضرت﵇ نیز[۲]:

«یا اَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ اِلیٰ مُحَمَّدٍ وَ وَصِیِّهِ وَ الْاَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ اِرْجِعی اِلیٰ رَبِّکِ راضِیَةً بِوَلایَةِ عَلِیٍّ مَرْضِیَّةً بِالثَّوابِ فَادْخُلی فی عِبادی مَعَ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ وَ ادْخُلی جَنَّتی غَیْرَ مَشُوبَةٍ».

که هر یک از سه خبر مذکور از وجوه تنزیلیهٔ توسیعیّهٔ است.

۸۹۱- سوره شمس: سه خبر در یک موضع:

موضع سیصد و دوازده: آیه بیست و شش: «فَلاٰ یَخافُ عُقْبیٰها» تنزیل است: نـه «وَ لاٰیَخافُ عُقْبیٰها» کمااینکه در خبر فضیل است از مولاناالصّادق﵇[۳]:

یقرء: «فَلاٰ یَخافُ عُقْبیٰها».

۱- فصل الخطاب، ص:۳۴۴ - اصول کافی؛ ج:۳ ص:۱۲۸

۲- فصل الخطاب، ص:۳۴۴ - بحارالانوار، ج:۶ ص:۱۶۳

۳- فصل الخطاب، ص:۳۴۴

۹۰۲- سوره لیل: یازده خبر در چند موضع:

اوّل: آیه یک: «وَ اللَّیْلِ اِذٰا یَغْشیٰ وَ النَّهٰارِ اِذٰا تَجَلّیٰ اللّٰهُ خَلَقَ الزَّوْجَیْنِ الذَّکَرَ وَ الْاُنْثیٰ وَ لِعَلِیٍّ الْاٰخِرَة وَ الْاُولیٰ» تنزیل است، نـه آنـچه در مـصحف است تا «وَ الْاُنْثیٰ» کمااینکه در خبر یونس بن ظبیان است[۱]:

قٰالَ: قَرَءَ اَبُوعَبْدِاللّٰهِ علیه السلام: «وَ اللَّیْلِ اِذٰا یَغْشیٰ وَ النَّهٰارِ اِذٰا تَجَلّیٰ اللّٰهُ خَلَقَ الزَّوْجَیْنَ الذَّکَرَ وَ الْاُنْثیٰ وَ لِعَلِیٍّ الْاٰخِرَةُ وَ الْاُولیٰ» قٰالَ: نَزَلَتْ هٰکَذٰا.

یعنی گفت: قرائة فرمودند: «وَ اللَّیْلِ» تا آخر آیـه، فـرمودند نـازل شده است این چنین.

دوّم: آیه دوازده: «اِنَّ عَلِیّاً لَلْهُدیٰ، وَ اِنَّ لَـهُ لَـلْاُخِرَةَ وَ الْاُولیٰ» تـنزیل است، نه «اِنَّ عَلَیْنٰا لَلْهُدیٰ وَ اِنَّ لَنٰا لَلْاُخِرَةَ وَ الْاُولیٰ» کمااینکه در خبر فیض بن المختار است از مولانا الصّادق علیه السلام[۲]:

اَنَّهُ قَرَءَ «اِنَّ عَلِیّاً لَلْهُدیٰ وَ اِنَّ لَهُ لَلْاُخِرَةَ وَ الْاُولیٰ» وَ ذٰلِکَ حَیْثُ سُئِلَ عَنِ الْقُرْاٰنُ قٰالَ: فیهِ الْاَعٰاجیبُ.

یعنی بـدرستیکه قـرائـة فـرمودند «اِنَّ عَـلِیّاً» تـا آخـر بـعد قـول آنحضرت در قرآن است اعاجیب.

۱- فصل الخطاب، ص:۳۴۴

۲- فصل الخطاب، ص:۳۴۴ - بحارالانوار، ج:۲۴ ص:۳۹۸

و در خبر محمّدبن القاسم بن عُبید است نیز از آنحضرت علیه السلام(۱):

اِنَّ عَلِیّاً لَلْهُدیٰ، اِنَّ عَلِیّاً الْهُدیٰ» که هر یک از وجوه تنزیلیهٔ توسیعیة است.

۹۰۴- سوره ضحیٰ: دو خبر در یک موضع:

موضع سیصد و پانزده: آیه نه: «فَاَمَّا الْیَتیمَ فَلا تَکْهَرْ» تنزیل است، نه «تَقْهَرْ» کمااینکه در خبر اسحٰق بن عمّار است از مولاناالصّادق علیه السلام(۲):

«وَ اَمَّا الْیَتیمَ فَلاٰتَکْهَرْ».

۹۱۳- سورهٔ انشراح: نُه خبر در چند موضع:

اوّل: آیه یک: «اَلَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ بِعَلِیٍّ» تنزیل است، نه بدون «عَلِیٍّ» کمااینکه در خبر عبدالرّحمن است از مولاناالصّادق علیه السلام(۳):

قٰالَ: قٰالَ سُبْحٰانَهُ: «اَلَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ بِعَلِیٍّ».

یعنی فرمود: فرمودند سُبحانَهُ: «اَلَمْ نَشْرَحْ» تا آخر مذکور.

دوّم: آیه چهار: «وَ رَفَعْنٰا لَکَ ذِکْرَکَ بِعَلِیٍّ صِهْرِکَ» تنزیل است، کمااینکه در خبر مقدادبن الاسود الکندی است از

۱- فصل الخطاب، ص:۳۴۴ ۲- فصل الخطاب، ص:۳۴۴

۳- فصل الخطاب، ص:۳۴۵ - بحارالانوار، ج:۳۶ ص:۱۳۵

رسولخدا صلّی الله علیه و آله و سلّم(۱):

فقرء صلّی الله علیه و آله و سلّم «وَ رَفَعْنا لَکَ ذِکْرَکَ بِعَلِیٍّ صِهْرِکَ».

سیّم: آیه شش: «اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْرَیْنِ» تنزیل است، نه «یُسْراً» کمااینکه در خبر سیّاری است از بعض اصحاب ما از مولاناالصّادق علیه السلام(۲):

قالَ: قَرَءَ رَجُلٌ بَیْنَ یَدِیَ اَبِي عَبْدِاللّٰهِ علیه السلام «فَاِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً» فَقالَ: «اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْرَیْنِ» هٰکَذٰا نَزَلَتْ.

یعنی گفت: قرائة نمود مردی بین دو دست امام صادق علیه السلام «فَاِنَّ مَعَ» تا آخر پس فرمودند «اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْرَیْنِ» این چنین نازل شده است.

چهارم: آیه هفت: «فَاِذٰا فَرَغْتَ فَانْصَبْ عَلِیّاً لِلْوَلاٰیَةِ» تنزیل است، نه بدون «عَلِیّاً لِلْوَلاٰیَةِ» کمااینکه در خبر محمّدبن عبدالرّحمٰن الحسنی العلویست از مولانا الصّادق علیه السلام(۳):

«فَاِذٰا فَرَغْتَ فَانْصَبْ عَلِیّاً لِلْوَلاٰیَةِ».

۱- فصل الخطاب، ص:۳۴۶ - بحارالانوار، ج:۳۶ ص:۱۱۶

۲- فصل الخطاب، ص:۳۴۵

۳- فصل الخطاب، ص:۳۴۶ - بحارالانوار، ج:۳۶ ص:۱۳۴

و در خبر محمّدبن القاسم بن عُبید است از آنحضرت نیز[۱]:

«فَاِذٰا فَرَغْتَ فَانْصَبْ عَلِیّاً و اِلیٰ رَبِّکَ فَارْغَبْ فِی ذٰلِکَ».

و در خبر عبدالرّحمٰن است از آنحضرت عليه السلام نیز[۲]:

«فَاِذٰا فَرَغْتَ مِنْ نُبُوَّتِکَ فَانْصَبْ عَلِیّاً وَصِیّاً وَ اِلیٰ رَبِّکَ فَارْغَبْ فِی ذٰلِکَ».

و در خبر ابی جمیلة است از آنحضرت عليه السلام نیز[۳]:

کٰانَ رَسُولُ اللّٰهِ حٰاجّاً فَنَزَلَتْ فَاِذٰا فَرَغْتَ مِنْ حَجَّتِکَ فَانْصَبْ عَلِیّاً عَلَماً لِلنّٰاسِ».

یعنی بودند رسول خدا صلى الله عليه وآله حاجّ پس نازل شد «فَاِذٰا» تا آخر خبر مذکور که هر یک از چهار خبر مذکور از وجوه تنزیلیة است.

۹۱۸- سوره تین: پنج خبر در چند موضع:

اوّل: موضع سیصد و بیست: آیه دو: «وَ طُور سَیْنٰاءِ» تنزیل است، نه «طُورِ سِینِینَ» کمااینکه در خبر محمّدبن فضل است[۴]:

قٰالَ: قُلْتُ لِاَبِی الْحَسَنِ الرِّضٰا عليه السلام: اَخْبِرْنِی عَنْ قَولِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ «وَ التّینِ» (اِلیٰ اَنْ قٰالَ) قُلْتُ: «وَ طُور سِینِینَ»؟ قٰالَ: لَیسَ هُوَ «طُور سِینِینَ» وَ لٰکِنَّهُ

۱- فصل الخطاب، ص:۳۴۶ - تفسیر قمّی، ج:۲ ص: ۴۲۹

۲- فصل الخطاب، ص:۳۴۶ - بحارالانوار، ج:۳۶ ص:۱۳۵

۳- فصل الخطاب، ص:۳۴۶ - تأویل الآیات، ص: ۷۸۶

۴- فصل الخطاب، ص:۳۴۶ - بحارالانوار، ج:۲۴ ص:۱۰۶

«طُور سَیْنٰاءَ» قٰالَ: فَقُلْتُ: «طُور سَیْنٰاءَ»؟ فَقٰالَ: نَعَمْ.

یعنی گفت: گفتم از برای امام ثامن عليه السلام: خبر ده من را از قول خدای عزّوجلّ «وَ التِّینِ» تا اینکه گفت: گفتم: «وَ طُورِ سِینِینَ» فرمودند: نیست او «طُورِ سِینِینَ» و لیکن او «طُورِ سَیْنٰاء» است گفت: گفتم: «طُورِ سَیْنٰاء» است فرمودند: بلی.

دوّم: آیه هفت: «فَمَنْ یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ» تنزیل است، نه «فَمٰا یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ» کمااینکه در خبر مذکور است بعد کلام مسموع[1]:

قٰالَ: قُلْتُ: «فَمٰا یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ»؟ قٰالَ: مَهْلاً مَهْلاً لاٰ تَقُلْ هٰذٰا هُوَ الْکُفْرُ بِاللّٰهِ، لاٰ وَ اللّٰهِ مٰا کَذَّبَ رَسُولُ اللّٰهِ صلی الله علیه و آله باللّه طَرْفَةَ عَیْنٍ، قال: فَکَیْفَ هِیَ؟ قٰالَ: «فَمَنْ یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ».

فرمودند: مَهلاً مَهْلاً نگو این چنین او کفر است بخدا، نه قسم بخدا تکذیب ننموده رسول خدا صلی الله علیه و آله طرفة عین پس گفتم: پس چگونه است او؟ فرمودند: «فَمَنْ یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ».

سوره قدر: دوازده خبر در چند موضع:

اوّل: موضع سیصد و بیست و دو: آیه سوّم: «لَیْلَةُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ یَمْلِکُهٰا بَنُو أُمَیَّةَ لَیْسَ فِیهٰا لَیْلَةُ الْقَدْرِ» تنزیل است، نه بدون «یَمْلِکُهٰا»

۱- فصل الخطاب، ص:۳۴۶ - بحارالانوار، ج:۲۴ ص:۱۰۵

تا آخر، کمااینکه در خبر جعفربن محمّد عليه السلام است[۱]:

وَ اَنزَلَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ فِي ذٰلِکَ «اِنّٰا اَنزَلْنٰاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ مٰا اَدْرٰاکَ مٰا لَيْلَةُ الْقَدرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ يَمْلِکُهٰا بَنُو اُمَيَّةَ لَيْسَ فيهٰا لَيْلَةُ الْقَدْرِ».

یعنی نازل فرمودند خدای عزّوجلّ در او «اِنّٰا اَنزَلْنٰاهُ» تا آخر مذکور

و در خبر رسول خدا صلی الله علیه و آله است[۲]:

قٰالَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ لَيْسَ فيهٰا لَيْلَةُ الْقَدْرِ».

یعنی فرمودند خدای عزّوجلّ «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» تا آخر مذکور که هر یک از وجوه تنزیلیة است.

دوّم: آیه چهار: «بِکُلِّ اَمْرٍ سَلاٰمٌ» تنزیل است، نه «بِاِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ اَمْرٍ سَلاٰمٌ» کمااینکه در خبر ابی بصیر است از مولاناالصّادق عليه السلام[۳]:

«تَنَزَّلُ الْمَلاٰئِکَةُ وَ الرُّوحُ بِاِذْنِ رَبِّهِمْ مِن عِندِ رَبِّهِم عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِکُلِّ اَمْرٍ سَلاٰمٌ».

و در خبر عبد اللّٰهِ بن عجلان سکونی است از مولانا الباقر عليه السلام[۴]:

«تَنَزَّلُ الْمَلاٰئِکَةُ وَ الرُّوحُ فيهٰا بِاِذْنِ رَبِّهِمْ بِکُلِّ اَمْرٍ سَلاٰمٌ» قٰالَ: قُلْتُ: «مِنْ کُلِّ

۱- فصل الخطاب، ص:۳۴۷ - بحارالانوار، ج:۸۲ ص:۵۲

فی البحار: «تَملِکُها بَنو اُمیّة لَیسَ فیها لَیلَةُ القَدر».

۲- فصل الخطاب، ص:۳۴۷ ۳- فصل الخطاب، ص:۳۴۷

۴- فصل الخطاب، ص:۳۴۷ - تأویل الآیات؛ ص:۷۹۲

اَمْرٍ»؟ قٰالَ: «بِكُلِّ اَمْرٍ» قُلْتُ: هٰكَذٰا تَنْزِيلٌ؟ قٰالَ: نَعَمْ.

یعنی گفت: گفتم: «مِنْ كُلِ اَمْرٍ»؟ فرمودند: «بِكُلِّ اَمْرٍ» گفتم: این تنزیل است؟ فرمودند: بلی.

که هر یک از دو خبر نیز از وجوه تنزیلیة است، مثل خبر ابی بصیر از مولانا الباقر عليه السلام[1]:

قٰالَ: سَئَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ «تَنَزَّلُ الْمَلٰائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ اَمْرِ رَبِّهِ عَلىٰ مَنْ يَشٰاءُ مِنْ عِبٰادِهِ».

یعنی گفت: سؤال نمودم آنحضرت را از قول خدای عزّوجلّ «تَنَزَّلُ» تا آخر.

۹۲۰- سوره زلزلة: دو خبر در یک موضع:

موضع سیصد و بیست و چهار: آیه هفت: «خَيْراً يُرَه» بضم یاء تنزیل است، و کذا «شَراً يُرَه» کمااینکه در خبر طبرسی است[2]:

قٰالَ: «خَيْراً يُرَه» وَ «شَرّاً يُرَه» بضم یاء در آندو و قرائة علی عليه السلام است.

۹۲۱- سوره عادیات: یک خبر در یک موضع:

آیه پنج: «فَوَسَّطْنَ» بتشدید سین تنزیل است، نَه تخفیف، کمااینکه

۱- فصل الخطاب، ص:۳۴۸　۲- فصل الخطاب، ص:۳۴۸

نیز در خبر طبرسی است[۱]:

قالَ: قَرَءَ عَلِیٌّ علیه السلام «فَوَسَّطْنَ» بِالتَّشدید.

یعنی گفت: قرائة فرموده است علی علیه السلام «فَوَسَّطْنَ» بتشدید.

۹۲۳- سوره تکاثر: دو خبر در یک موضع:

آیه: «لَتُرَوُنَّ» بضمّ تاء تنزیل است، نه فتح او، و کذا «لَتُرَوُنَّها» کمااینکه در خبر طبرسی است نیز[۲]:

قالَ: قَرَءَ عَلِیٌّ علیه السلام «لَتُرَوُنَّ» بضم التّاء.

یعنی گفت: قرائة فرموده است علی علیه السلام «لَتُرَوُنَّ» بضم تاء.

۹۲۹- سوره عصر: شش خبر در یک موضع:

موضع سیصد و بیست و هفت: آیه یک: «وَ الْعَصْرِ وَ نَوائِبِ الدَّهْرِ» تنزیل است، کمااینکه در خبر مولانا العالم علیه السلام از مولانا الامیر علیه السلام است[۳]:

قالَ: کانَ یَقْرَءُ «وَ الْعَصْرِ وَ نَوائِبِ الدَّهْرِ».

یعنی بودند قرائة میفرمودند: «وَ الْعَصْرِ وَ نَوائِبِ الدَّهْرِ».

۱- فصل الخطاب، ص: ۳۴۸ ۲- فصل الخطاب، ص: ۳۴۸

۳- فصل الخطاب، ص: ۳۴۹ - تفسیر قمی، ج: ۲ ص: ۴۴۱

و در خبر علی بن ابرٰهیم است از مولانا الصّادق علیه السلام[۱]:

قَرَءَ علیه السلام «وَ الْعَصْرِ اِنَّ الْاِنْسانَ» که هر یک از وجوه تنزیلیة است.

و موضع دیگر آیه دوّم: «اِنَّ الْاِنْسانَ لَفِي خُسْرٍ وَ اِنَّهُ فيهِ اِلىٰ اٰخِرِ الدَّهْرِ اِلاَّ الَّذينَ اٰمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ وَ أْتَمَرُوا بِالتَّقْوىٰ وَ أْتَمَرُوا بِالصَّبْرِ» تنزیل است، نَه بدون «وَ اِنَّهُ» تا آخر مذکور، کمااینکه در خبر علی بن ابرهیم است[۲]:

قالَ: قَرَءَ اَبُوعَبْدِاللّهِ علیه السلام «وَ الْعَصْرِ اِنَّ الْاِنْسانَ لَفِي خُسْرٍ وَ اِنَّهُ فيهِ اِلىٰ اٰخِرِ الدَّهْرِ اِلاَّ الَّذينَ اٰمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ وَ أْتَمَرُوا بِالتَّقْوىٰ وَ أْتَمَرُوا بِالصَّبْرِ».

۹۳۱- سوره فیل: دو خبر در دو موضع:

اوّل: موضع سیصد و بیست و نه: آیه یک: «اَلَمْ يَأْتِكَ» تنزیل است، نه «اَلَمْ تَرَ» کمااینکه در خبر سعدبن عبداللّه از مولانا الصّادق علیه السلام است[۳]:

اِنَّهُ قَرَءَ علیه السلام «اَلَمْ يَأْتِكَ».

دوّم: آیه دو: «اِنّي جَعَلْتُ» تنزیل است، نَه «اَلَمْ يَجْعَلْ» کمااینکه نیز در

۱- فصل الخطاب، ص:۳۴۹	۲- فصل الخطاب، ص:۳۴۹

۳- فصل الخطاب، ص:۳۴۹ - بحارالانوار، ج:۸۹ ص:۶۵

خبر مذکور(۱):

إِنَّهُ عليه السلام قَرَءَ «إِنِّي جَعَلْتُ».

۹۳۳- سورة کوثر: یک خبر در یک موضع:

موضع سیصد و سی و یک: آیه یک: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ يَا مُحَمَّدُ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ عَمْرُو بْنَ الْعَاصِ هُوَ الأَبْتَرُ» تنزیل است، نه آنچه در مصحف است، کمااینکه در خبر ابی داود است از مردی از مولانا الصّادق عليه السلام(۲):

«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ يَا مُحَمَّدُ الْكَوْثَرَ، فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ، إِنَّ شَانِئَكَ عَمْرُو بْنَ الْعَاصِ هُوَ الأَبْتَرُ».

۹۳۴- سوره جحد: دو خبر در یک موضع:

موضع سیصد و سی و دو: آیه یک: «قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا لاَ أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَ أَعْبُدُ اللَّهَ وَ لاَ أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً وَ لاَ أَنْتُمْ» تا آخر سورة تنزیل است با سه نوبة در آخر «دِينِيَ الإِسْلاَمِ» نه غیر او، کمااینکه در خبر حریز است از مولانا الباقر عليه السلام(۳):

قَالَ عليه السلام كَانَ يَقْرَءُ «قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا لاَ أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ أَعْبُدُ اللَّهَ وَ لاَ أُشْرِكُ

۱- فصل الخطاب، ص:۳۴۹

۲- فصل الخطاب، ص:۳۴۹

۳- فصل الخطاب، ص:۳۴۹

بِهِ شَيْئاً وَ لاٰ أَنْتُمْ عٰابِدُونَ» إِلىٰ آخِرِهٰا «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ، دِينِيَ الْإِسْلاٰمُ» ثَلاٰثاً.

یعنی گفت: بودند قرائة میفرمودند «قُلْ لِلَّذِينَ» تا آخر خبر مذکور.

و در خبر حضرمی است از مولانا الصّادق عليه السلام[1]:

قٰالَ: كٰانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَقْرَءُ «قُلْ يٰا أَيُّهَا الْكٰافِرُونَ لاٰ أَعْبُدُ مٰا تَعْبُدُونَ أَعْبُدُ اللّٰهَ وَ لاٰ أَنْتُمْ عٰابِدُونَ مٰا أَعْبُدُ» إِلىٰ آخِرِ «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِيَ دِينِ» وَ يَقُولُ: دِينِيَ الْإِسْلاٰمُ ثَلٰثاً. هٰكَذٰا نَزَلَتْ.

یعنی فرمودند: بود امام باقر عليه السلام قرائة میفرمودند «قُلْ يٰا أَيُّهٰا» تا آخر خبر مذکور و میفرمودند دینی الاسلام سه نوبة این چنین نازل شده است که هر یک از دو خبر از وجوه تنزیلیة توسیعیّة است.

۹۳۵- سوره تبّت: یک خبر در یک موضع:

موضع سیصد و سی و سه: آیه یک: «تَبَّتْ يَدٰا أَبِي لَهَبٍ وَ قَدْ تَبَّ» تنزیل است، نه بدون «وَ قَدْ تَبَّ» کمااینکه در خبر سهل بن زیاد است از مولانا الصّادق عليه السلام[2]:

قٰالَ عليه السلام: «تَبَّتْ يَدٰا أَبِي لَهَبٍ وَ قَدْ تَبَّ».

یعنی فرمودند «تَبَّتْ» تا آخر.

۱- فصل الخطاب، ص:۳۴۹		۲- فصل الخطاب، ص:۳۴۹

۹۳۹- سوره اخلاص: نیز چهار خبر در یک موضع:

موضع سیصد و سی و چهار: آیه چهار: «کُفُواً اَحَدٌ کَذٰلِکَ اللّٰهُ» تنزیل است، نه بدون «کَذٰلِکَ اللّٰهُ» کما اینکه در خبر عبدالرّحمٰن بن الحجّاج است از مولانا الباقر عليه السلام[۱]:

کٰانَ یَقْرَءُ «قُلْ هُوَ اللّٰهُ» فَاِذٰا فَرَغَ مِنْهٰا قٰالَ: کَذٰلِکَ، اَوْ کَذٰلِکَ اللّٰهُ رَبِّی.

یعنی بودند قرائة میفرمودند: «قُلْ هُوَ اللّٰهُ» را پس زمانیکه فارغ شدند از او فرمودند «کَذٰلِکَ اللّٰهُ» یا «کَذٰلِکَ اللّٰهُ رَبِّی».

و در خبر عبدالعزیز المهتدی است[۲]:

قٰالَ: سَئَلْتُ الرِّضٰا عليه السلام عَنِ التَّوْحیدِ؟ فَقٰالَ: کُلُّ مَنْ قَرَءَ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَد، وَ آمَنَ بِهٰا فَقَدْ عَرَفَ التَّوْحیدَ، قٰالَ: کَیْفَ یَقْرَئُهٰا؟ قٰالَ: کَمٰا یَقْرَءُهٰا النّٰاسُ وَ زٰادَ فیهِ «کَذٰلِکَ اللّٰهُ رَبِّی کَذٰلِکَ اللّٰهُ رَبِّی».

یعنی گفت: سؤال کردم امام رضا عليه السلام را از توحید؟ پس فرمودند: هر کس قرائة نموده باشد «قُلْ هُوَ اللّٰهُ» را و ایمان آورده باشد باو پس بتحقیق دانسته است توحید را گفت: چگونه قرائة میکند او را؟ فرمودند: قرائة میکند او را مثل آنچه قرائة میکند مردم و زیاد کند

۱- فصل الخطاب، ص:۳۴۹

۲- فصل الخطاب، ص:۳۴۹ - اصول کافی، ج:۱ ص:۹۱

در او «كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبِّي كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبِّي».

و در خبر ابی الضحّاک است از آنحضرت ﷺ نیز[۱]:

فَإِذا فَرَغَ مِنْها قالَ: «كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبُّنا» ثَلاثاً.

یعنی پس زمانیکه فارغ میشدند از او میفرمودند «كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبُّنا» سه نوبة.

و در خبر الحکم بن سیّارة است[۲]:

قالَ: قَرَءَ ﷺ «قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ» إِلىٰ «كُفُواً اَحَدٌ كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبُّنا كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبُّنا وَ رَبُّ اٰبائِنَا الاَوَّلِينَ».

یعنی گفت: قرائة فرمودند «قُلْ هُوَ اللّٰهُ» را تا «كُفُواً اَحَدٌ كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبُّنا» تا آخر.

و در خبر مغویة بن عمّار است[۳]:

قالَ: قالَ اَبُو عَبْدِاللّٰهِ ﷺ: إِذا قَرَأْتَ قُلْ هُوَ اللّٰه اَحَدٌ إِلىٰ اٰخِرِها فَقُلْ: اَشْهَدُ اَنَّ اللّٰهَ رَبُّنا. قُلْتُ: فِي مَكْتُوبَةٍ وَ غَيْرِها؟ قالَ: نَعَمْ.

یعنی گفت: فرمودند امام صادق ﷺ: زمانیکه قرائة نمودی «قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ» را تا آخر او پس بگو «اَشْهَدُ اَنَّ اللّٰهَ رَبُّنا» گفتم: در مکنوبة و

۱- فصل الخطاب، ص:۳۲۹ - بحارالانوار، ج:۸۲ ص:۳۳

۲- فصل الخطاب، ص:۳۲۹		۳- فصل الخطاب، ص:۳۲۹

غیر مکتوبة؟ فرمودند: بلی.

که هر یک از اخبار مذکور از وجوه تنزیلیة توسیعیّة است و همچنین است کلام، یعنی باید قرائة بنحو تنزیل باشد در آنچه نیز معلوم شود تنزیل او ببرکة آثار و اخبار اهل عصمة و طهارة علیهم السلام از غیر از مواضع مسموعة که ازید از سیصد موضع شد.

این مواضعی بود که این خادم دین خدا و متعلّم از ائمّة هدیٰ علیهم السلام مطّلع شده است.

و امّا انظار موعودة در اوّل کتاب:

اوّل: آنکه باید دانست که از برای خدای تعالی بر ناس دو حجّة است: حجّة باطنة که عبارة است از عقول، و حجّة ظاهرة که عبارة است از انبیاء و ائمّة هدیٰ علیهم السلام کمااینکه مولانا الصّادق علیه السلام در خبر هشام فرموده‌اند:

اِنَّ لِلّٰهِ عَلَى النّاسِ حُجَّتَيْنِ: حُجَّةً ظاهِرَةً وَ حُجَّةً باطِنَةً، فَاَمَّا الظّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْاَنْبِياءُ وَ الْاَئِمَّةُ، وَ اَمَّا الباطِنَةُ فَالْعُقُولُ.

و آنچه ثابت شود باوّل و حجّة باطنة که عبارة بود از عقول ثابت شده است بحجّة بالغة الٰهیّة که سه است اگر چه آندو دیگر نیز

بالاخرة راجع باو، یعنی عقول و حجّة باطنة است، کما اینکه مولانا العالم علیه السلام فرموده‌اند[1]:

فَمَنْ اَوْرَدَ واحِدَةً مِنْ هٰذِهِ الثَّلٰثِ، يَعْني بٰايَةٍ مِنْ كِتٰابِ اللّٰهِ مُجْمَعٍ عَلىٰ تَأْويلِها اَوْ سُنَّةٍ لاٰ اِخْتِلاٰفَ فيها اَوْ قِياسٍ تَعْرِفُ الْعُقولُ عَدْلَهُ وَ لاٰيَسَعُ خاصَّةُ الْاُمَّةِ وَ عامَّتَها الشَّكُّ فيهِ وَ الْاِنْكارُ لَهُ فَهِيَ الْحُجَّةُ الْبالِغَةُ الَّتي بَيَّنَها اللّٰهُ لِنَبِيِّهِ «قُلْ فَلِلّٰهِ الْحُجَّةُ الْبالِغَةُ».

یعنی پس کسیکه وارد سازد یکی از این سه را، یعنی بیک آیه از کتاب خدا که اجماع باشد بر معنای او، یا یک سنّة که اختلاف نباشد در او، یا یک قیاس که بداند عقول عدل او را، و سعة نباشد خاصة امّة و عامّة او را شک در او و انکار از برای او، پس او حجّة بالغة آنچنانیست که بیان فرموده است او را خدا در قول خود از برای نبی خود «بگو از برای خدا است حجّة بالغة».

بنا بر این مقدّمة منصوصة پس گفته میشود چنانچه بودن قرآن از نزد خدای تعالی ذکره علامةً از برای رسول خود صلی الله علیه و آله و تصدیق

۱- بحارالانوار؛ ج:۲ ص:۲۳۸

آن در آنچه خبر میدهد از خدای تعالی شأنه که عبارة اُخری است از معجزة، کمااینکه مولانا الرّضا ﷺ فرموده‌اند از اموریست که: تَعْرِفُ الْعُقُولُ عَدْلَهُ وَ لا یَسَعُ خاصَّةُ الْاُمَّةِ وَ لا عامَّتُها الشَّکُّ فیهِ وَ الْاِنْکارُ لَهُ.

که همچنین بودن کثیر از مواضع مسموعة مثل:

آیه صد و دو آل محمّد: «وَ لا تَمُوتُنَّ اِلاّ وَ اَنْتُمْ مُسْلِمُونَ».

و آیه صد بیست و سه آل محمّد نیز: «وَ اَنْتُمْ اَذِلَّةٌ».

و آیه هفتاد و نه نساء: «وَ ما اَصابَکَ مِنْ سَیِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِکَ».

و آیه صد و پنجاه و نه: «اِنَّ الَّذینَ فَرَّقُوا دینَهُمْ».

و آیه یک انفال: «یَسْئَلُونَکَ عَنِ الْاَنْفالِ».

و آیه بیست و پنج انفال: «وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لا تُصیبَنَّ الَّذینَ ظَلَمُوا».

و آیه صد و هفده توبه: «لَقَدْ تابَ اللّٰهُ عَلَی النَّبِیِّ وَ الْمُهاجِرینَ وَ الْاَنْصارِ».

و آیه هفتاد و سه توبه: «جاهِدِ الْکُفّارَ وَ الْمُنافِقینَ».

و کذا آیه صد و ده توبه نیز: «اِلاّ اَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ».

و کذا آیه صد و هجده توبه نیز: «وَ عَلَی الثَّلٰثَةِ الَّذینَ خُلِّفُوا».

و آیه چهل و نه یوسف: «وَ فیهِ یَعْصِرُونَ».

و آیه یازده رعد: «لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللّٰهِ».

و آیه چهل و یک ابراهیم: «وَ لِوٰالِدَيَّ».

و آیه هفتاد و چهار فرقان: «وَاجْعَلْنا لِلْمُتَّقِينَ إِماماً».

و آیه بیست و هفت روم: «هُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ».

و آیهٔ چهارده سبأ: «فَلَمّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ».

و آیه سی و هشت یاسین: «لِمُسْتَقَرٍ».

و آیه پنجاه و هفت زخرف: «يَصِدُّونَ».

و آیه بیست و نه جاثیه: «هٰذا كِتابُنا يَنْطِقُ».

و آیه سی و نه الرّحمان: «فَيَوْمَئِذٍ لا يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَ لا جانٌّ».

و آیه هفتاد و شش الرّحمان نیز: «رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَ عَبْقَرِيٍّ حِسانٍ».

و آیه بیست و نه واقعه: «طَلْحٍ مَنْضُودٍ».

و آیه هشتاد و دو واقعه: «وَ تَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ».

و آیه دوازده مریم: «فَنَفَخْنا فِيهِ مِنْ رُوحِنا».

و کذا آیه نه مریم: «جاهِدِ الْكُفّارَ وَ الْمُنافِقِينَ».

و آیه بیست و هشت مُلک: «إِنْ أَهْلَكَنِيَ اللّٰهُ وَ مَنْ مَعِيَ».

و آیه دو تین: «طُورِ سِينِينَ».

و کذا آیه هفت تین نیز: «فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ».

کمااینکه از وجوه و علل مذکوره در اخبار ماضیه معلوم شد در بیانات امامیة در بودن آنها خلاف تنزیل آنها، مثل لازم داشتن[1]: «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً» سقوط عقاب را از خلق که مستبع است عبث بودن قیام القیمة و ارسال رسل و انزال کتب و لغو بودن ترغیب و ترهیب و تبشیر و انذار و کذب اخبارات بوعد و وعید و ثواب و عقاب را و امثال آیات متقدّمه مثل آیه[2]:

«وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلاَّ تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامىٰ فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ».

از جهة تناکر بین خوف قسط در یتامیٰ و نکاح نساء که مولانا الامیر عليه السلام در خبر احتجاج جواب فرموده‌اند از او بعد از قول زندیق در او[3]:

فَهُوَ مِمَّا قَدَّمْتُ ذِكْرَهُ مِنْ إِسْقَاطِ الْمُنَافِقِينَ مِنَ الْقُرْآنِ وَ بَيْنَ الْقَوْلِ فِي الْيَتَامىٰ وَ بَيْنَ نِكَاحِ النِّسَاءِ مِنَ الْخِطَابِ وَ الْقِصَصِ أَكْثَرُ مِنْ ثُلُثِ الْقُرْآنِ وَ هٰذَا وَ مَا

۱- سوره زمر، آیه: ۲۸
۲- سوره نساء، آیه: ۳
۳- بحارالانوار، ج:۹۳ ص:۱۲۱

اَشْبَهَهُ مِمّا ظَهَرَتْ مِن حَوادِثُ الْمُنافِقِینَ فِیهِ.

یعنی پس او از چیزیست که بتحقیق مقدم داشتم ذکر او را از اسقاط نمودن منافقین از قرآن و بین قول در یتامیٰ و بین نکاح نساء از خطاب و قصص اکثر از ثلث قرآن را و این و آنچه شباهة رساند او را از آنچیزیست ظاهر شده است حوادث منافقین در او.

و اشباه آیه قسط مذکورة از آیات مُتَناکَرَة، کمااینکه مولانا الامیر ﷺ در آخر خبر مذکور اشارة و ارشاد فرمودند باو اموریست نیز که[1]:

مٰا تَعْرِفُ الْعُقُولُ عدْلَهُ وَ لاٰ یَسَعُ خٰاصَةُ الْاُمَّةِ وَ عٰامَّتُهٰا الشَّکُّ فِیهِ وَ الْاِنْکٰارُ لَهُ.

اصل اینست: که آنچه **دلیل** و برهان است از بودن مابین دفّتین از قرآن که عبارة است از جملة کتاب، کمااینکه مولانا الصّادق ﷺ در خبر ابن سِنان فرموده‌اند که معجز و مُؤَمِّنْ عقول است در آنچه خبر میدهد آورنده او محمّدبن عبداللهِ ﷺ بهمین مقدار و مبلغ که الآن

۱- بحارالانوار؛ج:۲ ص:۲۳۸

در ایدی مسلمین است. مثل قرآن و جملة او که قرآنست و جمع فرموده است مولانا الامیر علیه السلام و الان در دست قائم آل محمّد علیه السلام است و اظهار میفرماید بعد از قیام عجّل اللّهُ فرجه، کمااینکه تماماً در خبر جابر است در احتجاج از مولاناالباقر علیه السلام(۱):

قٰالَ: (اِلیٰ اَنْ قٰالَ علیه السلام) قٰالَ طَلْحَةُ: یٰا اَبَاالْحَسَن اُرِیدُ شَیْئاً اَنْ اَسْئَلَکَ عَنْهُ رَأَیْتُکَ خَرَجْتَ بِثَوْبٍ مَخْتُومٍ فَقُلْتَ: اَیُّهَاالنّٰاسُ اِنِّی لَمْ اَزَلْ مُشْتَغِلاً بِرَسُولِ اللّٰهِ صلی الله علیه و آله بِغُسْلِهِ وَ کَفَنِهِ وَ دَفْنِهِ، ثُمَّ اِشْتَغَلْتُ بِکِتٰابِ اللّٰهِ حَتّیٰ جَمَعْتُهُ فَهٰذٰا کِتٰابُ اللّٰهِ عِنْدِي مَجْمُوعُهٰا لَمْ یَسْقُطْ عَنِّي حَرْفٌ وَ لَمْ اَرَ ذٰلِکَ الَّذِي کَتَبْتَ وَ اَلَّفْتَ وَ قَدْ رَاَیْتُ عُمَرَ بَعَثَ اِلَیْکَ اَنْ اِبْعَثْ بِهِ اِلَیَّ فَاَبَیْتَ اَنْ تَفْعَلَ فَدَعٰا النّٰاسَ فَاِذٰا شَهِدَ رَجُلاٰنِ عَلیٰ آیَةٍ کَتَبَهٰا وَ اِنْ لَمْ یَشْهَدْ عَلَیْهٰا غَیْرُ رَجُلٍ وٰاحِدٍ اَرْجٰاهٰا فَلَمْ تُکْتَبْ اِلیٰ اَنْ قٰالَ فَاَخْبِرْنِي عَمّٰا کَتَبَ عُمَرُ و عُثْمٰانُ أ قُرْآنٌ کُلُّهُ اَمْ فِیهِ مٰا لَیْسَ بِقُرْآنٍ؟ قٰالَ: طَلْحَةُ بَلْ قُرْآنٌ کُلُّهُ: قٰالَ اِنْ اَخَذْتُمْ بِمٰا فِیهِ نَجَوْتُمْ مِنَ النّٰارِ وَ دَخَلْتُمُ الْجَنَّةَ فَاِنَّ فِیهِ حُجَّتُنٰا وَ بَیٰانَ حَقِّنٰا وَ فَرْضَ طٰاعَتِنٰا. قٰالَ طَلْحَةُ حَسْبِي اَمّٰا اِذٰا کٰانَ قُرْآناً فَحَسْبِي اِلیٰ اَنْ قٰالَ علیه السلام اَنَّهُ لَمّٰا تَوَفّیٰ رَسُولُ اللّٰهِ صلی الله علیه و آله

۱- بحارالانوار؛ج:۹۲ ص:۴۱

جَمَعَ عَلِيٌّ عليه السلام الْقُرْآنَ وَ جاءَ بِهِ إِلَى الْمُهاجِرِينَ وَ الْأَنْصارِ وَ عَرَضَهُ عَلَيْهِمْ لِما قَدْ أُوصِيهِ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله بِذلِكَ فَلَمّا فَتَحَهُ أَبُوبَكْرٍ خَرَجَ فِي أَوَّلِ صَفْحَةٍ فَتَحَها فَضائِحُ الْقَوْمِ فَوَثَبَ عُمَرُ وَ قالَ يا عَلِيُّ أُرْدُدْهُ فَلا حاجَةَ لَنا فِيهِ، فَأَخَذَ عليه السلام وَ انْصَرَفَ ثُمَّ أَحْضَرَ زَيْدَبْنَ ثابِتٍ وَكانَ قارِياً لِلْقُرْآنِ، فَقالَ لَهُ عُمَرُ إِنَّ عَلِيّاً جاءَنا بِالْقُرْآنِ وَ فِيهِ فَضائِحُ الْمُهاجِرِينَ وَ الْأَنْصارِوَ قَدْ رَأَيْنا أَنْ نُؤَلِّفَ الْقُرْآنَ وَ نُسْقِطَ مِنْهُ ما كانَ فِيهِ فَضِيحَةٌ وَ هَتْكٌ لِلْمُهاجِرِينَ وَ الْأَنْصارِ - أَنْ قالَ عليه السلام فَلَمّا اسْتَخْلَفَ عُمَرُ سَئَلَ عَلِيّاً عليه السلام أَنْ يَدْفَعَ إِلَيْهِمْ الْقُرْآنَ فَيُحَرِّفُوهُ فِيما بَيْنَهُمْ فَقالَ يا أَبَاالْحَسَنِ إِنْ جِئْتَ بِالْقُرْآنِ الَّذِي جِئْتَ بِهِ إِلَى أَبِي بَكْرٍ حَتّى نَجْمَعَ عَلَيْهِ؟ فَقالَ عليه السلام: هَيْهاتَ لَيْسَ إِلَى ذلِكَ سَبِيلٌ إِنَّما جِئْتُ بِهِ إِلَى أَبِي بَكْرٍ لِتَقُومَ الْحُجَّةُ عَلَيْكُمْ وَ لاتَقُولُوا يَوْمَ الْقِيمَةِ إِنّا كُنّا عَنْ هذا غافِلِينَ أَوْ تَقُولُوا ما جِئْتَنا بِهِ إِنَّ الَّذِي عِنْدِي لايَمَسُّهُ إِلاَّ الْمُطَهَّرُونَ وَ الْأَوصِياءُ مِنْ وُلْدِي، فَقالَ عُمَرُ فَهَلْ وَقْتٌ لِإِظْهارِهِ مَعْلُومٌ؟ فَقالَ عليه السلام: نَعَمْ إِذا قامَ الْقائِمُ مِنْ وُلْدِي يُظْهِرُهُ وَ يَحْمِلُ النّاسَ عَلَيْهِ فَيُجْرِي السُّنَّةَ بِهِ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْهِ.

یعنی فرمودند: تا اینکه فرمودند عليه السلام گفت طلحة: ای ابی الحسن ارادهٔ دارم چیزی را سؤال کنم تو را از او دیدم تو را بیرون آمدی بجامه‌ای مهر کرده پس گفتی: ای مردم بدرستیکه من ثابت بودم

مشتغل برسول خداﷺ بغسل آن و کفن آن و دفن آن بعد مشتغل شدم بکتاب خدا تا اینکه جمع نمودم او را پس این است کتاب خدا نزد من است مجموع آیات ساقط نشده است از من حرفی و ندیدم او را آنچنانیکه نوشتی و تألیف کردی و بتحقیق دیدم عمر را فرستاد بسوی تو اینکه بفرست باو بسوی من پس امتناع نمودی اینکه بجا آوری پس خواند مردم را پس زمانیکه شهادة داد دو مرد بر یک آیه نوشت او را و اگر شهادة نداد بر او مگر یک مرد تأخیر نمود او را و نوشته نشد تا اینکه فرمود امیرؑ پس خبر ده من را از آنچه نوشت عمر و عثمان آیا قرآن است کلّ او یا در او است آنچه نیست بقرآن؟

گفت طلحة: بلکه قرآن است کلّ او فرمودند: اگر اخذ کنید بآنچه در او است نجات خواهید یافت از آتش و داخل خواهید شد بهشت را، پس بدرستیکه در او است حجّة ما و بیان حقّ ما و فرض طاعة ما، گفت طلحة: بَس است من را امّا زمانیکه بوده باشد قرآن پس بَس است من را تا اینکه فرمودند امام باقرؑ: بدرستیکه زمانیکه وفاة یافت رسول خداﷺ جمع نمود علیؑ قرآن را و

آورد باو بسوی مهاجرین و انصار و عرض داشت بر ایشان از برای آنچه بتحقیق ایصاء فرموده بود آنرا رسول خدا ﷺ باو پس زمانیکه باز نمود ابوبکر او را بیرون آمد در اوّل صفحه که باز نمود او را فضائح قوم، پس جست عمر و گفت: ای علی رد کن او را پس حاجة نیست از برای ما در او، پس اخذ فرمود ﷺ و منصرف شد. بعد احضار نمود زید بن ثابت را و بود قاری از برای قرآن پس گفت از برای آن عمر: بدرستیکه علی آورد بقرآن و در او بود فضائح مهاجرین و انصار و بتحقیق دیدیم ما اینکه تألیف کنیم قرآن را و اسقاط کنیم از او آنچه بوده در او فضیحة و هتک از برای مهاجرین و انصار، تا اینکه فرمودند پس زمانیکه خلیفه شد عمر سؤال نمود علی ﷺ را اینکه دفع کند بسوی ایشان قرآن را پس تحریف کنند او را در آنچه بین ایشان است، پس گفت: ای اباالحسن اگر بیاوری بقرآن آنچنانیکه آوردی باو بسوی ابی بکر تا اینکه اجتماع کنیم بر او، پس فرمودند: هیهات! نیست بسوی او راهی نیست غیر این آوردم باو بسوی ابی بکر از برای اینکه قائم شود بر شما حجّة و نگوئید روز قیمة بدرستیکه ما بودیم از این غافلان، بدرستیکه

چیزیکه نزد من است مس نمیکند او را مگر مطهّرون و اوصیاء از وُلد من.

پس گفت پس آیا وقتیست از برای اظهار او معلوم؟ پس فرمودند: بلی زمانیکه قائم شود قائم از وُلد من اظهار میکند او را و حمل میکند مردم را بر او پس اجراء میکند سنّة را باو صلوات اللّٰه علیه.

همان بعینه دلیل و برهان است که آیات متقدّمة و امثال آنها معجز و مُؤَمِّنِ عقول نیست.

و بعبارة اخری[1]:

مٰا تَعْرِفُ الْعُقُولُ عَدْلَهٰا وَ یَسِعُ خٰاصَّةُ الْأُمَّةِ وَ عٰامَّتَهٰا رَدُّهٰا.

پس بحجّة باطنة که عقول است ثابت شد وقوع تغییر در آنچه در ایدی مسلمین است از ما بین دفّتین اگر حجّة ظاهرة که آثار ائمّة هدیٰ علیهم السلام است در بین نبود، و نیز گفته میشود که اخبار واردة در تحریف و تغییر و تبدیل در آنچه در ایدی مسلمین است الاٰن از مابین دفتین که ازید از هزار خبر است و ازید از سیصد خبر از او که

۱- بحارالانوار؛ج:۱۰ ص:۲۴۴

در ازید سیصد موضع سابق ذکر شد بالخصوص، و امّا بالعموم مثل خبر امیر﴿ع﴾ مذکور که در جواب زندیق دانسته شد، و خبر محمّدبن مسلم از ابی بصیر(۱):

قالَ: قالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ﴿ع﴾: خَرَجَ عَبْدُاللّٰهِبْن عَمْرو بْنِ عاص مِنْ عِنْدِ عُثْمان فَلَقِيَ اَميرَالْمُؤمِنينَ﴿ع﴾ فَقالَ لَهُ: يا عَلِيُّ بِتْنا اللَّيْلَةَ في اَمْرٍ نَرْجُوا اَنْ يُثَبِّتَ اللّٰهُ هٰذِهِ الْاُمَّةَ. فَقالَ اَميرُالْمُؤمِنينَ﴿ع﴾: لَنْ يَخْفىٰ عَلَيَّ ما بِتُّمْ فيهِ حَرَّفْتُمْ وَ غَيَّرْتُمْ وَ بَدَّلْتُمْ تِسْعَمِأَةِ حَرْفٍ، ثَلٰثَمِأَةٍ حَرَّفْتُمْ، وَ ثَلٰثَمِأَةٍ غَيَّرْتُمْ، وَ ثَلٰثَمِأَةٍ بَدَّلْتُمْ. فَوَيْلٌ لِلَّذينَ يَكْتُبُونَ الْكِتابَ بِاَيْديهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هٰذا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ.

یعنی گفت فرمودند امام باقر﴿ع﴾ بیرون آمد عبداللّٰهبن عمرو بن عاص از نزد عثمان پس برخورد امیرالمؤمنین﴿ع﴾ را پس گفت از برای آن: یا علی بیتوته نمودیم شب را در امری امید داریم ثابت دارد خدا این امّة را، پس فرمودند امیرالمؤمنین﴿ع﴾: ابداً مخفی نماند بر من آنچه بیتوته نمودید، در او تحریف نمودید و تغییر دادید و تبدیل کردید نُهصد حرف، سیصد تحریف کردید و

۱- بحارالانوار، ج:۹۲ ص:۵۵

سیصد تغییر دادید و سیصد تبدیل نمودید «فَوَیْلٌ» تا آخر آیه مذکورة.

و خبر مفضّل بن عمر[1]:

قالَ: قالَ الصّادِقُ عليه السلام: وَ يُسَنِّدُ الْقائِمُ ظَهْرَهُ إِلىٰ الْكَعْبَةِ إِلىٰ اَنْ قالَ ثُمَّ يَتْلُو الْقُرْآنَ فَيَقُولُ الْمُسْلِمُونَ هٰذِهِ وَ اللّٰهِ الْقُرْآنُ حَقّاً الَّذي اَنْزَلَهُ اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَ ما اُسْقِطَ وَ بُدِّلَ وَ حُرِّفَ لَعَنَ اللّٰهُ مَنْ اَسْقَطَهُ وَ بَدَّلَهُ وَ حَرَّفَهُ.

یعنی گفت فرمودند و اسناد میدهد قائم عليه السلام ظهر خود را بسوی کعبة تا اینکه فرمودند بعد تلاوة میکند قرآنرا پس میگویند مسلمون این قسم بخدا قرآن است حقّاً آنچنانیکه نازل فرموده است خدا بر محمّد صلى الله عليه وآله و آنچه اسقاط شده است و تبدیل شده است و تحریف شده است لعنة کند خدا کسیرا که اسقاط نمود آنرا و تبدیل کرد او را و تحریف کرد او را، و امثال اینها اخبار عامّة در تغییر بحدّیست که مقطوع و معلوم است که بین آنها صادر از امام عليه السلام است که بمنزلة و قوّة خبر متواتر است که قطع و علم

۱- بحارالانوار؛ ج:۵۳ ص:۹

بصدور او است از امام علیه السلام علاوة بر اینکه آیا نه اینست که رواة این ازید از هزار خبر عموماً و خصوصاً اسلافاً، مثل زرارة و محمّدبن مسلم و ابی بصیر و امثال ایشان، و اخلافاً از متوسّطین مثل ثقة الاسلام کلینی و رئیس المحدّثین و علی بن ابرٰهیم و اشباه ایشان، و لاحقین مثل شیخ حرّ عاملی و محمّد باقر مجلسی و حاج میرزا حسین نوری عظّم اللّٰهُ أُجورَ عامّتِهِمْ و نَوَّرَ اللّٰهُ قُبورَ كٰافَّتِهِمْ رواة بقیّة احکام از فرائض و سنن و حدود و احوال راجعة بانبیاء و ائمّة هدیٰ علیهم السلام هستند، و کذا نه اینست که تعیین محکمات از متشابهات و ناسخات از منسوخات و خاصّات از عامّات و تفاسیر آیات ببرکة اخبار این حملة است با اینکه لُبِّ قرآن است، پس اگر اخبار این حملة حفظة شریعة محمّدیّة صلی الله علیه و آله قبول نشود دین باقی نخواهد ماند و واضح است تبعیض بقبول نمودن در غیر این ازید زا هزار خبر خبر و قبول ننمودن در این ازید از هزار خبر عموماً و خصوصاً معقول نیست، و بعبارة اخری:

مٰا يَعْرِفُ الْعُقُولُ عَدْلَهُ وَ يَسِعَ خٰاصَّةُ الْأُمَّةِ وَ عٰامَّتُهٰا رَدَّهُ.

و علاوة بر اینکه تکلیف کافّة مسلمین کتاباً و سنّةً تحدیث ننمودن

از غیر ثقة و مؤتمن است چنانچه در محلّ خود اقامة این یعنی کتاب و سنّة بر او شده است مثل قول مولانا العالم علیه السلام در بیان کتاب(۱):

وَ لَیْسَ لَکَ اَنْ تَتَکَلَّمَ بِما شِئْتَ لِاَنَّ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ قالَ «وَ لاتَقْفُ ما لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ».

یعنی و نیست از برای تو اینکه تکلّم کنی بآنچه خواسته باشی بعلّة آنکه بدرستیکه خدای عزّوجلّ فرموده است: «و اتّباع نکن آنچه نیست از برای تو باو علم».

و مثل قول مولانا الامیر علیه السلام(۲):

وَ لاتُحَدِّثْ اِلاّ عَنْ ثِقَةٍ فَتَکُون کَذّاباً.

یعنی تحدیث نکن مگر از ثقة پس میبوده باشی دروغ گو.

پس در این هنگام گفته میشود این رواة ازید از هزار خبر اسلافاً و اخلافاً که حملة و ضبطة شریعة احمدیة صلی الله علیه و آله هستند یا عمل نموده‌اند باین حکم یعنی تحدیث ننمودند از غیر ثقة که لازم او

۱- بحارالانوار؛ج:۲ ص:۱۱۶

۲- بحارالانوار؛ج:۷۷ ص:۲۱۸

حجّة و صحة این ازید از هزار خبر است مثل غیر او، و یا عمل ننمودند باینکه از غیر ثقة و حجّة تحدیث نموده‌اند که تکلّم بظنّ و کذب است، پس لازم آید سقوط ایشان از حجّیّة در بقیّة اخبار، چنانچه لازم آید عدم اعتناء بشأن ایشان و نبودن وجه از برای توقیر و تعظیم ایشان و عدم وجه از برای ضبط و حفظ این ازید از هزار خبر یداً بیدٍ خَلَفاً عَنْ سَلَفٍ در کتب و صحف خودشان، بلکه لازم آید اضلال و ازلال ناس از ایشان با لزوم اطفاء باطل و جمع و رفع ننمودن آنها را از بین مردم، و کذا و کذا از حجج واضحة و بیّنات عادلة بر حجّیة و صحّة این از هزار خبر؛ پس بحجّة ظاهرة نیز ثابت شد وقوع تغییر در آنچه در ایدی مسلمین است از مابین دفتین.

دوّم: آنکه نَه اینست ما رعایا متعلّم از ائمّة هدیٰ علیهم السلام هستیم، کمااینکه مولانا الصّادق علیه السلام فرموده‌اند(۱):

اَلنّاسُ یَغْدُونَ عَلیٰ ثَلٰثَةٍ: عٰالِمٍ وَ مُتعلّمٍ وَ غُثٰاء، فَنَحْنُ الْعُلَمٰاءُ وَ شیعَتُنا الْمُتعَلِّمُونَ

۱- بحارالانوار؛ ج:۱ ص:۱۸۶

وَ سائِرُ النّاسِ غُثاءٌ.

یعنی: مردم صبح میکنند بر سه صنف: عالم و متعلّم و غثاء، ما علماء هستیم و شیعیان ما متعلّم هستند و بقیّة مردم غثاء هستند.

و آیا نه اینست که وظیفة متعلّمین از این علماء تفریع است از اصولیکه القاء نموده‌اند بسوی ما، کمااینکه آنحضرت فرموده‌اند(۱):

اِنَّما عَلَیْنا اَنْ نُلْقِیَ اِلَیْکُمُ الْاُصُولَ وَ عَلَیْکُمْ اَنْ تُفَرِّعُوا.

یعنی: نیست غیر این بر ما است اینکه القاء کنیم بسوی شما اصول را و بر شما است اینکه تفریع کنید.

و آیا نه اینست که از جملة اصول که القاء فرموده‌اند این علماء بسوی ما وجوب اخذ بمخالف عامّة است در هر دو خبر متعارض، کمااینکه مولانا الرّضا عليه السلام فرمودند علاوة بر آنچه در اوّل کتاب از مولانا الصّادق عليه السلام:

ما سَمِعْتَهُ مِنّی یَشْبَهُ قَوْلَ الْعامَّةِ فَفیهِ التَّقِیَّةُ.

۱- بحارالانوار،ج:۲ ص:۲۴۵

دانسته شد[۱].

قٰالَ: اِذٰا وَرَدَ عَلَیْکُمْ خَبَرٰانِ مُخْتَلِفٰانِ فَانْظُرُوا اِلیٰ مٰا یُخٰالِفُ اَخْبٰارُ الْعٰامَّةِ فَخُذُوهُ وَ انْظُرُوا اِلیٰ مٰا یُوافِقُ اَخْبٰارَهُمْ فَدَعُوهُ.

یعنی فرمودند زمانیکه وارد شد بر شما دو خبر مختلف پس نظر کنید بسوی آنچه مخالف است اخبار عامّة را پس اخذ کنید او را و نظر کنید بسوی آنچه موافق است اخبار آنها را پس ترک کنید او را.

و آیا نه اینست که دو خبر مذکور در اوّل کتاب:

اوّل: خبر مولانا الباقر علیه السلام[۲]:

فَاِنَّمٰا عَلَی النّٰاسِ اَنْ یَقْرَؤُا الْقُرْاٰنَ کَمٰا اُنْزِلَ.

و دوّم: خبر مولانا الصّادق علیه السلام[۳]:

اِقْرَءْ کَمٰا یَقْرَءُ النّٰاسُ.

داخل در فروعات این اصل است که بر ما متعلّمین از این علماء است تفریع نمائیم از این اصل مُلْقیٰ و بگوئیم واجب است اخذ

۱- وسائل الشیعه؛ ج:۱۸ ص:۸۵

۲- بحارالانوار؛ ج:۲۷ ص:۱۹۷

۳- بحارالانوار؛ ج:۸۹ ص:۸۸

نمودن بخبر اوّل خبر مولانا الباقر علیه السلام که مخالف اخبار عامّة است، و ترک نمودن خبر دوّم مولانا الصّادق علیه السلام که باین تفریع که عمل بوظیفة خود ما است واضح و معلوم میشود حال فروعات و خصوصات واردة این دو خبر، مثل خبر «صِرَاطَ مَنْ أَنْعَمْتَ» و امثال او که از فروعات و خصوصات خبر اوّل است، و مثل خبر «وَ لَاَالضَّالِینَ» و امثال او که از فروعات و خصوصات خبر دوّم است، و بلفظٍ اَوْضَحْ دو خبر مذکور بمنزلة دو سلطان و فروعات اخبار هر یک بمنزلة عسکر هر یک هستند و کلام در این هنگام در غلبة دادن یکی از دو سلطان است بر دیگری بسلطان ثالثی که دانسته شد عنقریب که او اصل ترجیح بمخالفة عامّة است، چنانچه همین شأن در اکثر اختلاف اخبار است و بر فقیه و عارف معاریض کلام ائمّة تعلیم علیهم السلام پوشیده نیست و نیز غلبة داده میشود بسلطان ثالثی دیگر که عبارة است از اشهریّة خبر اوّل که دانسته شد که عسکر و فروعات او ازید از هزار خبر است عموماً و خصوصاً بخلاف دوّم، کمااینکه مولانا الباقر علیه السلام در دو خبر متعارض فرموده‌اند:

خُذْ بِمَا اشْتَهَرَ بَيْنَ اَصْحَابِکَ وَ دَعِ الشَّاذَ النَّادِرَ الَّذِي لَيْسَ بِمَشْهُورٍ[۱].

یعنی اخذ کن بآنچه مشهور است بین اصحاب خود و ترک کن شاذ نادر آنچنانیکه نیست بمشهور.

و نیز غلبة داده میشود بسلطان ثالثی دیگر که عبارة است از موافقة احتیاط بودن خبر اوّل و فروعات او بخلاف دوّم، کمااینکه نیز مولانا الباقر علیه السلام در دو خبر متعارض فرموده‌اند[۲]:

فَخُذْ بِمَا فِيهِ الْحَائِطَةُ لِدِينِکَ.

یعنی اخذ کن بآنچه حائطة است از برای دین تو.

که هر یک از سه سلطان مذکور اصلیست از اصول ملقاة از ائمّه‌هداة علیهم السلام و دو خبر مذکور یکی از فروعات مردودة بر آنست پس نباید از وظیفة خود که تفریع است از اصول ملقاة غفلة شود که باعث ضلال و اضلال خواهد شد.

و آیا نه این است که اگر باین وظیفة منصوصة عمل نشود باین که اخذ نشود بمخالف عامّة طرح شده است ازید از هزار خبر عموماً

۱- بحارالانوار؛ ج:۲ ص:۲۴۶

۲- بحارالانوار؛ ج:۲ ص:۲۴۵

و خصوصاً علاوه بر اخبار اصل مذکور که بمنزلة و قوّة خبر متواتر است بدون حجّة واضحة و بیّنة عادلة بخلاف عکس که اگر عمل شود طرح نشده است خبر دوّم و فروعات او، بلکه در محلّ خود است که تقیّة و ضرورة خوف است علّة صدور آن، پس فیِ الحقیقة و بالاخرة تعارض نیست، زیراکه خبر اوّل و اخبار فروع او در اختیار و خبر دوّم و اخبار فروع او در اضطرار است، کمااینکه در خبر مذکور در اوّل کتاب فَاِذٰا قٰامَ الْقٰائِمُ، اشارة شد مراجعة کن.

و از این نظر که ثبوت قرائة قرآن است کما أُنْزِلَ در مواضع متقدّمة که ازید از سیصد موضع شد بسنّة جامعة واضح و معلوم شد که عبرة نیست بافتاء ندادن و عمل ننمودن اکثر اهل فتویٰ و مجتهدین بطبق اخبار مذکورة اصلاً و فرعاً و عموماً و خصوصاً، زیراکه معیار حقّ و باطل و رشد و غیّ و صواب و خطاء موافقة کتاب و سنّة است، کمااینکه مولانا الصّادق علیه السلام فرموده‌اند[1]:

کُلُّ شَیْءٍ مَرْدُودٌ عَلیٰ کِتٰابِ اللّٰهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِهِ.

۱- بحارالانوار؛ج:۲ ص:۲۴۲

یعنی هر شییء مردود است بر کتاب خدا و سنّة رسول آن ﷺ:

و نیز رسول خدا فرموده‌اند[۱]:

اِنّي مُسْتَخْلِفٌ فيكُمْ خَليفَتَيْنِ كِتابَ اللّٰهِ وَ عِتْرَتي لَنْ تَضِلُّوا ما اِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِما.

یعنی بدرستیکه میگذارم در شما دو خلیفة، کتاب خدا و عترة خودم را گمراه نمیشوید مادامیکه تمسک نموده باشید بآندو.

نه ملاک و میزان حقّ و باطل آراء و اقوال مختلفة غیر اهل عصمة و طهارة ﷺ است پس با رفع ید از اخبار متقدّمة اصلاً و فرعاً و عموماً و خصوصاً که هم کتاب و هم سنّة عترة است چنانچه از برای متعلّمین از ائمّة تعلیم ﷺ واضح است و عمل نمودن بطبق آراء اکثر مجتهدین که فتوی ندادن و اعتماد نمودن بعمل ننمودن ایشان بوفق این اخبار نقض یقین بشک است که منهی است در کتاب و سنّة:

قالَ الْاَميرُ ﷺ: لا يُنْقَضُ الْيَقينَ بِالشَّكِّ.

یعنی فرمودند: نقض نمیشود یقین بشک.

۱- بحارالانوار،ج:۳۵ ص:۱۸۴

و از آنچه دانسته شد از حجّیّة کتاب و سنّة لا غیر واضح شد که قرائة عمر بن الخطّاب «صراط من انعمت» و غیره از مواضع متقدّمة منع نمیکند ما را از اتّباع کتاب و سنّة.

سیّم: آنکه باید دانست تغییر دادن آنچه در ایدی مسلمین است از ما بین دفّتین غیر تغییر قرائة است که فعل مکلّفین است، و بعبارة اخری ما بین دفّتین یک موضوع است که حقیقة قرآن و آنچه نازل شده است نیست که منهی باشد تحریف او عقلاً و نقلاً در موارد متقدّمة، و قرائة ما بین دفّتین موضوع دیگر است، پس منافاة نیست بین منهی بودن تغییر اوّل و مأمور بودن تغییر دوّم، کمااینکه اوّل در خبر طبرسی است از مولانا الامیر عليه السلام (۱):

قَرَءَ عِنْدَهُ رَجُلٌ «وَ طَلْحٍ مَنْضُودٍ» فَقٰالَ: مٰا شَأْنُ الطَّلْحِ اِنَّمٰا هُوَ «وَ طَلْعٍ» کَقَوْلِهِ تعالی «وَ نَخْلٍ طَلْعُهٰا هَضِيمٌ» فَقِيلَ لَهُ: اَلاٰ تُغَيِّرُهُ؟ فَقٰالَ: اِنَّ الْقُرْآنَ لاٰ يُهٰاجُ الْيَوْمَ وَ لاٰ يُحَرَّکُ.

یعنی قرائة نمود نزد آن حضرت مردی «وَ طَلْحٍ مَنْضُودٍ» پس

۱- بحارالانوار: ج:۸ ص:۱۰۹

فرمودند: چیست شأن طلح نیست غیر این او «طَلْعٍ» است مثل قوله تعالی «وَ نَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ» پس گفته شد از برای آنحضرت آیا تغییر نمیدهی او را؟ پس فرمودند: بدرستیکه قرآن هیجان آورده نمیشود امروز و حرکة داده نمیشود.

و دوّم: در اخبار متقدّمة ازید از سیصد خبر دانسته شد غفلة نباید نمود از معاریض کلام ائمّة هدیٰﷺ که باعث تحیّر و تحییر خواهد شد.

چهارم: آنکه باید دانست نیز که آنچه معلوم نشده است تنزیل او از مابین دفّتین، و بعبارة اخری حجّة، نَه باطنة و نَه ظاهرة قائم نشده باشد بر نبودن از کتاب خدا و جملة قرآن، باقیست در تحت قول طلحة: بَلْ كُلُّهُ قُرْآنٌ، و اقرار مولانا الامیر﷣ آنرا بر این قول و تثبیت آنرا بر این اعتقاد که حجّة است این اقرار مثل فعل و قول امام﷣ کمااینکه نیز فرموده‌اند(۱):

اَلْقُرْآنُ خَطٌّ مَسْطُورٌ بَيْنَ الدَّفَّتَيْنِ لايَنْطِقُ بِلِسانٍ وَ لابُدَّ لَهُ مِنْ تَرْجُمانٍ.

۱- بحارالانوار؛ج:۳۲ ص: ۳۷۰

و از اینجا حال اِقْرَءْ کَمٰا یَقْرَءُ النّٰاسُ، در قول مولانا الصّادق علیه السلام معلوم شد نیز در جائیکه حجّة، نَه باطنة و نَه ظاهرة قائم نشده باشد بر خلاف او.

و از اینجا واضح شد که باقیست مصبّ قول رسول اللّٰهِ صلی الله علیه و آله در بقیّة مابین الدَّفَّتین مثل مواضع متقدمة منصوصة[1]:

خِیٰارُکُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ عَلَّمَهُ.

یعنی بهترین شما کسیست که یاد گیرد قرآن را و یاد دهد او را.

حاصل اینست: که این ادلّة بمنزلة عام، و اخبار مواضع متقدّمة بمنزلة خاصّ است، که مقدّم است بر اوّل، کمااینکه مولانا الصّادق علیه السلام فرموده‌اند:

کُلُّ شَیْءٍ مُطْلَقٌ حَتّیٰ یَرِدَ فِیهِ نَصٌّ».

یعنی هر شیئ مطلق است تا اینکه وارد شود در او نصّی.

و از اینجا واضح شد وجه نفی در جمیع مواضع متقدّمة منصوصة از آنچه ما بین دفّتین است، چه تصریح بنفی و ردّ او شده باشد مثل:

۱- وسائل الشیعه؛ ج:۴ ص:۸۲۵

«صِرَاطَ الَّذِينَ» و «وَ لاَالضَّالِّينَ» .و اشباه آندو، و چه نشده باشد، کمااینکه جمیعاً در اخبار سالفة معلوم شد، زیرا که بعد ورود نصّ در هر موضع عمل بنصّ یقین، و عمل بما بین دفّتین در آن موضع شکّ است که اوّل مامور الاتّباع، و دوّم منهی الاقتفاء است مادامیکه نصّی بخصوص نیز معلوم نشده که او نیز از وجوه تنزیلیّة توسیعیّة (است) کمااینکه امثال او در سابق معلوم شد.

و هر قول بظنّ کذب است که اصلیست از اصول ملقاة، کمااینکه رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند علاوة بر آنچه سابقاً اشارة شد[1]:

اِيّاكمْ وَ الظَّنَّ فَاِنَّ اَكْذَبَ الْكِذْبِ الظَّنُّ.

یعنی: دور کنید خودتان را از ظنّ پس بدرستیکه دروغ تر دروغ ظنّ است.

و هر عمل بظنّ باطل است که نیز اصلیست از اصول ملقاة، کمااینکه مولانا الصّادق عليه‌السلام فرموده‌اند[2]:

۱- وسائل الشیعه؛ ج:۱۸ ص:۳۸

۲- وسائل الشیعه؛ ج:۱۸ ص:۱۱۳

مَنْ شَكَّ اَوْ ظَنَّ فَاَقامَ عَلىٰ اَحَدِهِما فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ اِنَّ حُجَّةَ اللّٰهِ هِيَ الْحُجَّةُ الْواضِحَةُ.

یعنی کسیکه شکّ کند یا ظنّ رساند پس اقامة کند بر یکی از آندو پس بتحقیق باطل شده است عمل او بدرستیکه حجّة خدا حجّة واضحة است.

پس قول بقرائة مابین دفّتین در مواضع متقدّمة منصوصة الخلاف قول بظنّ و عمل باو عمل بظنّ است که کذب و باطل است، و توضیحات این مقام راجع است باصل دوّم و سیّم از کتاب میراث الائمّة علیهم السلام علاوه بر اینکه اگر در صلوة «صراطَ الَّذینَ» قرائة شود پنج حرف زیاد شده است که «الَّذینَ» باشد و دو حَرف کم شده است که «مَنْ» باشد که هر یک از تکلّم در صلوة و نقض از صلوة مبطل صلوة است، کمااینکه هر دو در محلّ خود معلوم است، و همچنین است بیان در غیر الَّذینَ از مواضع متقدّمة منصوصة.

پنجم: آنکه میزان حرکة و سکون نمودن بطبق اصول و فروع

ماضیّة است چه موافق قرائة قرّاء سبعة یا عشرة باشد و چه مخالف، زیرا که اخبار سابقه اصولاً و فروعاً و عموماً و خصوصاً رافع تواتر قرائة سبعة یا عشرة است، کمااینکه رافع اتّفاق و اجماع بر قرائة قرّاء سبعة یا عشرة است، زیرا که اجماعیکه حجّة ظاهرة، و بعبارة اخری حجّة بالغة الهیّة است که عبارة از[۱]:

سُنَّةٌ مُجمَعٌ عَلَیْها لا اِختِلافَ فیها.

باشد اجماع امّة بجمیع فرق امّة است خاصّتها و عامّتها، کمااینکه مولانا العسکری ﷺ در بیان قول رسول خدا ﷺ فرموده‌اند[۲]:

لاتَجتَمِعُ اُمَّتی عَلیٰ ضَلالَةٍ.

نَه اجماع خاصة امّة فقط است، و اصحاب رُواة در اَزیَد (زیادتر) از هزار خبر که اشاره بأزید از سیصد آن سابقاً شد، علاوه بر ائمّه‌هدیٰ ﷺ در این ازید از هزار خبر نیز از امّةاند با نبودن طعن و عیب در ایشان، پس اجماعیکه حجّة است قائم نشده است و

۱- بحارالانوار؛ ج:۱۰ ص:۲۴۴

۲- بحارالانوار؛ ج:۵ ص:۶۸

اجماع خاصة امّة فقط محتاج است بحجّتی از[۱]:

کِتاب مُجْمع عَلیٰ تأْویلِها اَوْ سُنَّة مُجمَعٌ عَلَیْها لاٰ اِخْتِلاٰفَ فیها اَوْ قِیاس تَعْرِفُ الْعُقُولُ عَدْلَهُ وَ لاٰیَسَعُ خاصَّةُ الْاُمَّةِ وَ لاٰ عامَّتُها الشَّکُّ فیهِ وَ الْاِنْکارُ لَهُ.

که جمیعاً مفقود است، پس نباید ازکتاب و سنّة که مرجوعٌ الیه هر امر متنازعٌ فیهِ است در قوله تعالی:

«وَ اِنْ تَنٰازَعْتُمْ فی شَیْءٍ فَارْجِعُوهُ اِلیٰ اللّهِ وَ اِلیٰ الرَّسُولِ وَ اِلیٰ اُولِی الْاَمْرِ».

غفلة شود که مورث ضلال و تضلیل است، کمااینکه مولاناالامیر؛ فرموده‌اند[۲]:

وَ ارْدُدْ اِلی اللّهِ وَ اِلی الرَّسُولِ ما یُضْلِعُکَ مِنَ الْخُطُوبِ وَ یَشْتَبِهُ عَلَیْکَ مِنَ الْاُمُورِ لِاَنَّ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ قالَ لِقَوْمٍ اَحَبَّ اِرْشادَهُمْ: «یا اَیُّهَاالَّذینَ امَنُوا اَطیعُوا اللّهَ وَ اَطیعُوا الرَّسُولَ وَ اُولِی الْاَمْرِ مِنْکُمْ فَاِنْ تَنازَعْتُمْ فی شَیْءٍ فَرُدُّوهُ اِلی اللّهِ وَ الرَّسُولِ» فَالرَّدُّ اِلی اللّهِ الْاَخْذُ بِمُحْکَمِ کِتابِهِ وَ الرَّدُّ اِلیٰ الرَّسُولِ الْاَخْذُ بِسُنَّتِهِ الْجامِعَةِ غَیْرِ الْمُفَرِّقَةِ.

۱- بحارالانوار؛ج:۲ ص:۲۳۸ ۲- بحارالانوار؛ج:۲ ص:۲۴۴

یعنی ردّ کن بسوی خدا و بسوی رسول آنچه سنگین کند تو را از امور و مشتبه شود بر تو از امور بعلّة آنکه بدرستیکه خدای عزّوجلّ فرموده است از برای قومیکه دوست داشته ارشاد ایشانرا: «ای کسانیکه ایمان آوردید اطاعة کنید خدا و رسول و اولی الامر از خودتانرا پس اگر تنازع نمودید در امری پس ردّ کنید او را بسوی خدا و رسول پس ردّ بسوی خدا اخذ بمحکم کتاب آنست و ردّ بسوی رسول اخذ بسنّة جامعة غیر مفرّقة آنست.

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَالصَّلوٰةُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

تَمَّتْ بِحَمْدِ

اللّٰه.

(تمّت)

باسم اِللّٰه الرّحمان الرّحیم

اللهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد

کتاب قرائت تنزیلیه

امور راجعه به نزول قرآن ۵
امور راجعه به قرائت قرآن ۶
امور راجعه به سوره حمد ۷
امور راجعه به سوره بقره ۱۱
امور راجعه به سوره آل محمّد . ۲۰
امور راجعه به سوره نساء..... ۳۲
امور راجعه به سوره مائده.... ۴۳
امور راجعه به سوره انعام ۴۷
امور راجعه به سوره اعراف ... ۵۰
امور راجعه به سوره انفال ۵۳
امور راجعه به سوره توبه..... ۵۴
امور راجعه به سوره یونس.... ۵۹
امور راجعه به سوره هود..... ۵۹
امور راجعه به سوره یوسف... ۶۳
امور راجعه به سوره رعد..... ۶۶
امور راجعه به سوره ابراهیم... ۶۹
امور راجعه به سوره حجر.... ۷۱
امور راجعه به سوره نحل ۷۳
امور راجعه به سوره اسرا..... ۷۵
امور راجعه به سوره کهف ۷۹
امور راجعه به سوره مریم ۸۴
امور راجعه به سوره طه...... ۸۷
امور راجعه به سوره انبیا ۸۸
امور راجعه به سوره حجّ ۹۰
امور راجعه به سوره مؤمنون .. ۹۲
امور راجعه به سوره نور...... ۹۳
امور راجعه به سوره فرقان.... ۹۶
امور راجعه به سوره شعراء ... ۹۹
امور راجعه به سوره نمل ۱۰۱
امور راجعه به سوره عنکبوت ۱۰۲
امور راجعه به سوره روم ۱۰۲

امور راجعه به سوره لقمان. . ۱۰۴
امور راجعه به سوره سجده. . ۱۰۴
امور راجعه به سوره احزاب. . ۱۰۵
امور راجعه به سوره سبا ۱۰۸
امور راجعه به سوره یس. . . ۱۰۹
امور راجعه به سوره صافات . ۱۱۱
امور راجعه به سوره ص ۱۱۳
امور راجعه به سوره زمر ۱۱۴
امور راجعه به سوره مؤمن. . . ۱۱۵
امور راجعه به سوره فصّلت. . ۱۱۷
امور راجعه به سوره حمعسق ۱۱۹
امور راجعه به سوره زخرف. . ۱۲۳
امور راجعه به سوره دخان . . ۱۲۷
امور راجعه به سوره جاثیه. . ۱۲۸
امور راجعه به سوره احقاف . ۱۲۹
امور راجعه به سوره محمّد . . ۱۳۰
امور راجعه به سوره حجرات. ۱۳۵
امور راجعه به سوره ق ۱۳۵
امور راجعه به سوره ذاریات . ۱۳۷
امور راجعه به سوره طور. . . . ۱۳۷
امور راجعه به سوره نجم. . . . ۱۳۸
امور راجعه به سوره رحمان. . ۱۳۹
امور راجعه به سوره واقعه. . . ۱۴۳
امور راجعه به سوره حدید . . ۱۴۴
امور راجعه به سوره حشر. . . ۱۴۵
امور راجعه به سوره صف. . . ۱۴۵
امور راجعه به سوره جمعه . . ۱۴۶
امور راجعه به سوره منافقین . ۱۴۸
امور راجعه به سوره تغابن. . . ۱۴۹
امور راجعه به سوره طلاق. . . ۱۵۰
امور راجعه به سوره تحریم . . ۱۵۰
امور راجعه به سوره ملک . . . ۱۵۳
امور راجعه به سوره ن. ۱۵۵
امور راجعه به سوره حاقّه . . . ۱۵۵

امور راجعه به سوره معارج . . ۱۵۷
امور راجعه به سوره جن ۱۵۷
امور راجعه به سوره مزمّل. . . ۱۵۹
امور راجعه به سوره مدّثر . . . ۱۶۰
امور راجعه به سوره قیامت . . ۱۶۰
امور راجعه به سوره دهر. . . . ۱۶۱
امور راجعه به سوره نبأ ۱۶۲
امور راجعه به سوره عبس. . . ۱۶۳
امور راجعه به سوره تکویر . . ۱۶۴
امور راجعه به سوره انفطار . . ۱۶۵
امور راجعه به سوره مطفّفین . ۱۶۵
امور راجعه به سوره بروج. . . ۱۶۶
امور راجعه به سوره طارق. . . ۱۶۶
امور راجعه به سوره اعلی. . . ۱۶۷
امور راجعه به سوره غاشیه . . ۱۶۷
امور راجعه به سوره فجر. . . . ۱۶۸
امور راجعه به سوره شمس. . ۱۷۰
امور راجعه به سوره لیل ۱۷۱
امور راجعه به سوره ضحی . . ۱۷۱
امور راجعه به سوره انشراح. . ۱۷۲
امور راجعه به سوره تین ۱۷۴
امور راجعه به سوره قدر ۱۷۵
امور راجعه به سوره زلزال . . . ۱۷۷
امور راجعه به سوره عادیات. ۱۷۷
امور راجعه به سوره تکاثر. . . ۱۷۸
امور راجعه به سوره عصر . . . ۱۷۸
امور راجعه به سوره فیل ۱۷۹
امور راجعه به سوره کوثر. . . . ۱۸۰
امور راجعه به سوره جحد. . . ۱۸۰
امور راجعه به سوره تبّت. . . . ۱۸۱
امور راجعه به سوره اخلاص. ۱۸۲
امور راجعه به نزول قرآن . . . ۱۸۴
امور راجعه به قرائت قرآن. . . ۱۸۶

تمّت بحمدالله و المنّة